

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»

سال چهاردهم | شماره سوم | پیاپی ۳۳ | بهار ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق علیه السلام

باهمکاری انجمن علمی مالی اسلامی ایران و حمایت سازمان بورس و اوراق بهادار

مدیرمسئول: حسین حسن زاده سروستانی (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

سر دبیر: غلامرضا مصباحی مقدم (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیر داخلی: عباس پورحسن یامی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب رتبه و الفبا):

رضا تهرانی استاد (تخصص: تخصص: مالی و سرمایه گذاری) دانشگاه تهران
علی رضائیان استاد (تخصص: مدیریت رفتار سازمانی) دانشگاه شهید بهشتی
فریدون رهنمای رودپشتی استاد (تخصص: مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
غلامرضا مصباحی مقدم استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
حسن آقا نظری استاد (تخصص: اقتصاد اسلامی و حقوق اسلامی) پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
غلامرضا گودرزی استاد (تخصص: مدیریت تحقیق در عملیات) دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمد توحیدی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
علی سعیدی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
احمد شعبانی دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
سعید صحت دانشیار (تخصص: مدیریت ریسک و بیمه) دانشگاه علامه طباطبائی
محمد طالبی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
غلامعلی معصومی نیا دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی و مالی اسلامی) دانشگاه خوارزمی

عضو مشورتی هیأت تحریریه:

محمدحسین قوام استادیار (تخصص: مدیریت بانکداری اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

* براساس مجوز شماره ۳/۱۸/۵۸۹۷۸۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» از شماره ۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۱) دارای درجه علمی - پژوهشی است.

مقاله‌های نشریه در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

پایگاه دواج: <https://www.doaj.org>
پایگاه گوگل اسکالر: <https://www.scholar.google.com>
پایگاه استادی علوم جهان اسلام: <https://www.isc.gov.ir>
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی: <https://www.sid.ir>
پایگاه مجلات تخصصی نور: <https://www.noornags.com>
پایگاه اطلاعات نشریات کشور: <https://www.magiran.ir>
پایگاه مرجع دانش: <https://www.civilica.com>
پرتال جامع علوم انسانی: <https://www.ensani.ir>

ویراستار، صفحه‌آرا و تجدید طرح جلد: عباس پورحسن یامی

مقاله‌های نشریه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست. نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۲۵۲ صفحه | ۴۰۰۰۰۰۰ ریال | چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹

مدیریت علمی، تحریریه و چاپ: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، تلفکس: (۰۲۱)۸۸۰۹۴۹۱۵

مدیریت فنی و پشتیبانی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: (۰۲۱)۸۸۰۹۴۹۱۵

وبگاه: <https://ifr.isu.ac.ir> | پست الکترونیک اصلی: ifr@isu.ac.ir | پست الکترونیک پشتیبان: ifr.isujournals@gmail.com

اهداف و چشم‌انداز نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»

نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» اولین نشریه تخصصی مالی اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی است که با همت گروه مالی اسلامی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام راه‌اندازی گردید و در حال حاضر توسط گروه مالی اسلامی، دانشکده معارف اسلامی مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و با همکاری انجمن علمی مالی اسلامی ایران و حمایت سازمان بورس و اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مشغول به فعالیت است. نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» با هدف تولید ادبیات اسلامی در حوزه مالی به منظور ارتقاء و تحول دانش مالی با رویکرد اسلامی- ایرانی و پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی سازمان‌ها و نهادهای مالی در زمینه‌ها و محورهای تخصصی ذیل منتشر می‌شود:

۱. تئوری‌های مالی اسلامی؛
۲. قواعد فقه مالی اسلامی؛
۳. فقه مالی اسلامی؛
۴. حقوق مالی اسلامی؛
۵. ابزارهای تأمین مالی اسلامی؛
۶. ابزارهای مدیریت ریسک اسلامی؛
۷. تحلیل اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی؛
۸. نهادهای مالی اسلامی؛
۹. بازار سرمایه اسلامی؛
۱۰. بانکداری اسلامی؛
۱۱. بیمه‌های اسلامی؛
۱۲. حسابداری مالی اسلامی؛
۱۳. قیمت‌گذاری اوراق مالی اسلامی؛
۱۴. صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی؛
۱۵. نظام مالی اسلامی در اقتصاد مقاومتی؛
۱۶. مالی عمومی اسلامی؛
۱۷. سایر موضوعات مرتبط.

انواع مقاله‌هایی که در نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» منتشر خواهند شد:

۱. علمی - پژوهشی.
۲. علمی - مروری.
۳. علمی - ترویجی.
۴. یادداشت.

فهرست مقاله‌ها

- علمی - پژوهشی (تحلیل اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی)
▪ چالش‌های پیاده‌سازی تکافل خرد در کشور و ارائه راه‌حل جهت اجرایی‌سازی تکافل خرد در ایران ۴۶۳
یزدان گودرزی فراهانی* / امیدعلی عادل
- علمی - پژوهشی (بانکداری اسلامی)
▪ بررسی ارتباط بین مالکیت دولتی و عملکرد بانکداری اسلامی در ایران ۵۰۳
وحید بهاری قوشه بلاغ* / غلامحسین تقی‌نجاج ملک‌شاه / محمد سلگی
- شناسایی و رتبه‌بندی انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه؛ مطالعه موردی مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت شهرستان ساوه ۵۳۳
علی سعیدی* / فاطمه‌الزهرا افشاری‌پور / حسین بهرامی
- آزمون رویکرد اقتصاد اخلاقی اسلامی در توسعه پایدار: تأثیر بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی ۵۷۷
محمدسعید پناهی بروجردی* / احمدعلی رضایی
- علمی - پژوهشی (حسابداری مالی اسلامی)
▪ واکاوی محرک‌های حاکمیت شرکتی خوب اسلامی: کاربست فراترکیب ۶۱۱
سیدحسین بخشایش / اکرم تفتیان* / محمود معین‌الدین
- علمی - پژوهشی (بانکداری اسلامی)
▪ بازطراحی بانک قرض‌الحسنه در طرح بانکداری اسلامی به‌عنوان نهاد گسترش‌دهنده فرهنگ قرض‌الحسنه (با تأکید بر اقدامات بانک قرض‌الحسنه رسالت) ۶۴۷
وحید شهابی* / مهدی خوش‌اخلاق

Challenges of Implementing Micro Takaful in Iran and Proposed Solutions for Its Operationalization

Yazdan Gudarzi Farahani* | Omidali Adeli

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247482.1938>

چالش‌های پیاده‌سازی تکافل خرد در ایران و ارائه راه‌حل جهت اجرایی‌سازی

نویسندگان: یزدان گودرزی فراهانی* | امیدعلی عادل



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Challenges of Implementing Micro Takaful in Iran and Proposed Solutions for Its Operationalization

Yazdan Gudarzi Farahani: Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).

yazdan.gudarzi@ut.ac.ir | 0000-0002-6551-776X

Omidali Adeli: Associate Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Management and Accounting, University of Qom, Qom, Iran.

oa.adali@qom.ac.ir | 0000-0002-4183-4189

Abstract

1. Introduction and Objective

Microinsurance has emerged as a pivotal instrument for financial inclusion and risk protection among low-income populations worldwide. Designed to provide affordable and accessible coverage for vulnerable groups, microinsurance mitigates the socio-economic impacts of unforeseen events such as illness, natural disasters, or the loss of livelihood. Within Islamic financial systems, this role is complemented and sometimes substituted by Takaful, an insurance mechanism rooted in Islamic jurisprudence and built upon the principles of ta'āwun (mutual cooperation) and tabarru' (voluntary contribution). Unlike conventional insurance, which is often criticized in Islamic jurisprudence for containing elements of uncertainty (gharar), gambling (maysir), or usury (ribā), Takaful offers a Sharia-compliant alternative that redistributes risk through solidarity and shared responsibility among participants.

The concept of micro-Takaful represents a convergence of these two frameworks: the affordability and accessibility of microinsurance, and the ethical, faith-based principles of Takaful. It seeks to provide coverage tailored to the needs of low-income groups in Muslim-majority contexts. By emphasizing cooperation and redistribution of resources, micro-Takaful has the potential to serve as both a financial safety net and a tool for poverty alleviation.

The Iranian context underscores the necessity of exploring micro-Takaful. Despite the high prevalence of economic risks—ranging from health vulnerabilities and agricultural uncertainties to macroeconomic instability—insurance penetration remains low. A significant portion of Iran's population, particularly in rural and low-income communities, lacks awareness of insurance products or the

financial capacity to purchase them. At the same time, Iran's socio-religious environment, with a population predominantly Muslim, provides fertile ground for Sharia-based financial products.

This study, therefore, aims to explore the feasibility of implementing micro-Takaful in Iran. The central objectives are:

- To investigate global models of micro-Takaful and extract their key characteristics.
- To assess how such models can be adapted to the Iranian context.
- To identify challenges and barriers to implementation, including regulatory, cultural, and financial factors.
- To propose practical solutions that can strengthen the foundations for micro-Takaful development in Iran.

The study contributes to the growing body of literature on Islamic finance by offering a systematic and context-specific analysis of how micro-Takaful can enhance financial inclusion, social protection, and sustainable development in Iran.

2. Methods and Materials

This research employed an exploratory qualitative design complemented by analytical methods. The study was conducted in three main phases:

Phase One: Literature Review and Comparative Study.

A comprehensive review of existing scholarship and industry reports on Takaful and microinsurance was conducted. The literature covered diverse geographical contexts, including Malaysia, Indonesia, Nigeria, Bangladesh, and Middle Eastern countries. Particular attention was given to comparative studies of Takaful and conventional insurance, the historical evolution of micro-Takaful, and empirical research on consumer behavior, regulatory environments, and market structures.

Phase Two: Data Collection through Expert Interviews.

Given the absence of large-scale empirical data on micro-Takaful in Iran, expert opinions were prioritized. Semi-structured interviews were conducted with academics, policymakers, senior managers of insurance companies, and specialists in Islamic finance. Participants were selected using purposive and snowball sampling techniques, ensuring diversity in expertise. At least 15 experts with more than a decade of experience in insurance and finance were interviewed.

Phase Three: Analytical Framework Using SWOT.

The SWOT framework—strengths, weaknesses, opportunities, and threats—was used to systematize findings. Expert opinions, supported by secondary data, were coded and categorized to identify internal capacities and external factors influencing the feasibility of micro-Takaful in Iran. Additionally, quantitative elements were introduced through pairwise comparison matrices and the logarithmic least squares method, enabling prioritization of factors and determination of weightings.

The methodological combination of qualitative exploration and analytical modeling allowed for both in-depth understanding and structured evaluation of the prospects for micro-Takaful in Iran.

3. Research Findings

The findings highlight multiple dimensions of both promise and challenge:

A. Key Challenges

1. **Lack of Public Awareness:** One of the most critical barriers is the limited understanding among the general population of what Takaful is, how it operates, and why it differs from conventional insurance. Misconceptions equating Takaful with standard insurance undermine trust and willingness to participate.
2. **Regulatory and Legal Deficiencies:** Iran currently lacks a comprehensive legal and regulatory framework specifically addressing Takaful. This gap creates uncertainty for operators and participants, deterring investment and limiting institutional growth.
3. **Financial Constraints:** Low-income households, the primary target group, face difficulties in paying even minimal premiums. Affordability remains a pressing issue that can hinder widespread adoption.
4. **Cultural and Institutional Limitations:** Limited familiarity among policymakers and practitioners with micro-Takaful models results in hesitancy and fragmented implementation strategies.

B. Opportunities and Strengths

1. **Religious and Cultural Alignment:** Iran's strong Islamic identity provides a natural foundation for Takaful products, which are likely to resonate with the values and preferences of consumers.

2. **Potential Market Size:** With a significant portion of the population living near or below the poverty line, demand for affordable financial protection mechanisms is high.
3. **Existing Microfinance Infrastructure:** The presence of microfinance institutions and rural development programs provides a distribution channel that can be leveraged for Takaful expansion.
4. **Technological Penetration:** Widespread use of mobile phones and digital banking systems in Iran enables cost-effective delivery and management of micro-Takaful products.

C. Proposed Strategies and Solutions

1. **Education and Awareness Campaigns:** Conducting workshops, seminars, and targeted outreach to build trust and familiarity among potential participants.
2. **Product Innovation:** Designing micro-Takaful products tailored to specific risks, such as agricultural losses, health emergencies, and natural disasters.
3. **Regulatory Reform:** Establishing clear legal guidelines and supervisory frameworks to standardize operations and protect consumers.
4. **Technology Integration:** Using mobile platforms for registration, premium collection, and claims processing to lower costs and enhance accessibility.
5. **Strategic Partnerships:** Collaborating with NGOs, microfinance institutions, and community organizations to expand reach.

4. Discussion and Conclusion

The analysis underscores that micro-Takaful has the potential to become a transformative instrument in Iran's financial and social landscape. Its dual foundation—addressing financial inclusion while aligning with Islamic principles—makes it particularly well-suited to the country's socio-economic context.

However, realizing this potential requires addressing critical challenges. Awareness gaps must be bridged through sustained educational initiatives, while regulatory reforms are essential to provide stability and clarity for both providers and participants. Affordability issues necessitate innovative pricing models and possibly integration with charitable mechanisms such as zakāt and waqf.

From a comparative perspective, successful experiences in Malaysia and Indonesia demonstrate that strong governance, consumer trust, and institutional innovation are prerequisites for the growth of micro-Takaful. Iran can draw valuable lessons from these contexts but must also tailor solutions to its unique socio-economic and regulatory environment.

The findings of this study also highlight the broader implications of micro-Takaful for sustainable development. By reducing vulnerability to risks and shocks, micro-Takaful can contribute to poverty alleviation, enhance resilience among marginalized groups, and foster social solidarity. Moreover, its integration with digital platforms aligns with global trends in financial technology, offering opportunities for scalability and efficiency.

Conclusion:

This study concludes that while the road to establishing micro-Takaful in Iran is fraught with challenges, it is also rich with opportunities. With appropriate legal frameworks, innovative product design, and strategic collaboration, micro-Takaful can evolve into a vital component of Iran's financial system. Its development will not only strengthen the insurance sector but also advance the broader objectives of financial inclusion, social protection, and sustainable economic growth.

5. Keywords

Takaful; Microinsurance; Cooperative; Challenge; Opportunity.

6. JEL Classification: G22, G23, G28, I32, O16, Z12.

چالش‌های پیاده‌سازی تکافل خرد در کشور و ارائه راه حل جهت اجرایی‌سازی آن

یزدان گودرزی فراهانی: استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده
مسئول). y.gudarzi@qom.ac.ir

امیدعلی عادلی: دانشیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران.
oa.adali@qom.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

بیمه‌های خرد به‌عنوان یکی از ابزارهای تأمین مالی خرد، نقشی مهم در حمایت از اقشار کم‌درآمد ایفا می‌کند. امروزه این نوع بیمه به‌عنوان راهکاری کلیدی برای بهبود شرایط زندگی جمعیت‌های آسیب‌پذیر شناخته می‌شود. در کشورهای اسلامی، نوعی مشارکت مالی به نام تکافل وجود دارد که برگرفته از اصل «کفالت همگانی» است و شکلی از حفاظت مالی بر پایه‌ی کمک متقابل و توزیع مشترک ریسک به شمار می‌رود. تکافل، نظامی مبتنی بر تعاون (کمک متقابل) و تبرع (همکاری داوطلبانه) است که در آن، ریسک به‌صورت داوطلبانه و اشتراکی میان مشارکت‌کنندگان تقسیم می‌شود. هدف این پژوهش، توسعه و تعمیق تکافل در ایران و بررسی چالش‌های پیاده‌سازی محصولات تکافل خرد در کشور است؛ موضوعی که با توجه به سطح بالای ریسک و تعدد خطرات پیش‌رو، نیازمند توجه جدی است.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش با رویکردی اکتشافی به بررسی محصولات تکافل خرد و ویژگی‌های آن در کشورهای مختلف پرداخته است. پس از شناسایی نمونه‌ها در دیگر کشورها، امکان‌سنجی پیاده‌سازی این محصولات در ایران بر پایه قواعد شرعی و اسلامی و از طریق مصاحبه با خبرگان صورت گرفت. داده‌های گردآوری‌شده سپس با آزمون‌های آماری تحلیل شدند و اهداف تحقیق بر اساس نتایج حاصل از مطالعه SWOT مورد بررسی قرار گرفتند.

۳. یافته‌های تحقیق

نتایج نشان داد که یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در ایران، کمبود آگاهی عمومی درباره مفهوم و کارکرد تکافل است. چالش دیگر، فقدان چارچوب قانونی و نظارتی مناسب برای حمایت از این صنعت محسوب می‌شود. در مقابل، فرصت‌هایی همچون افزایش توجه به مفاهیم مالی اسلامی و تمایل جامعه به استفاده از خدمات مالی منطبق با اصول شرعی می‌تواند زمینه‌ساز رشد این صنعت باشد.

برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی برای معرفی مزایا و سازوکار تکافل خرد به جامعه هدف، اقدامی مؤثر در افزایش آگاهی است. این آموزش‌ها باید شامل توضیحاتی درباره اصول شریعت و چگونگی انطباق تکافل خرد با آن باشد. همچنین طراحی محصولات متناسب با نیازهای جامعه هدف - مانند پوشش حوادث طبیعی، بیماری‌های رایج و سایر خطرات روزمره - می‌تواند نقش مهمی در جذب مشتریان ایفا کند.

۴. نتیجه‌گیری

بر پایه نتایج به‌دست‌آمده، دولت‌ها باید چارچوب‌های قانونی و نظارتی مناسبی برای حمایت از تکافل خرد فراهم آورند. این اقدامات شامل تسهیل فرآیند ثبت‌نام شرکت‌ها و ارائه مشوق‌های مالی برای توسعه این صنعت است. افزون بر این، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین همچون بانکداری همراه و سامانه‌های آنلاین می‌تواند دسترسی به خدمات تکافل خرد را تسهیل کند؛ به‌گونه‌ای که فرآیندهایی مانند ثبت‌نام، پرداخت حق بیمه و دریافت خسارت ساده‌تر و سریع‌تر انجام شوند.

همچنین همکاری با سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات خیریه و جوامع محلی به گسترش دامنه دسترسی و معرفی خدمات تکافل خرد کمک خواهد کرد. در نهایت، انجام تحقیقات بازار برای شناسایی دقیق نیازها و ترجیحات مشتریان، به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که محصولات خود را کارآمدتر طراحی کنند و راهبردهای بازاریابی مؤثرتری را به اجرا بگذارند.

واژگان کلیدی: تکافل؛ بیمه خرد؛ تعاون؛ چالش؛ فرصت.

مقدمه

ریشه واژه «تکافل» از واژه عربی «کفالت» به معنای ضمانت یا مسئولیت گرفته شده است. با توجه به اکثریت مسلمانان در ایران، انتظار می‌رود امور مالی اسلامی، به‌ویژه تکافل، بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و بتواند در کنار مالیه متعارف در کشور فعالیت کند. بر این اساس، تدوین و طراحی الگوهای مناسب برای پذیرش تکافل ضروری است. در عین حال، باید توجه داشت که با وجود ضریب نفوذ پایین این حوزه در کشور، سطح آگاهی عمومی نسبت به این نوع مالیه نیز پایین است (Rapi et al, 2022).

کهنده و شرف‌الدین^۱ (۲۰۲۱م) عوامل تعیین‌کننده پذیرش تکافل توسط مصرف‌کنندگان در نیجریه را بر اساس پاسخ مشتریان این کشور بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که دیدگاه شرعی، محل سکونت، پذیرش مصرف‌کننده، کیفیت خدمات، نگرش، آگاهی، هنجار ذهنی و کنترل رفتار درک‌شده از جمله عوامل مؤثر بر سطح آگاهی و پذیرش تکافل در نیجریه هستند.

رازک و دیگران (۲۰۱۲م) با انجام مصاحبه با چهار مشتری، سطوح پذیرش محصولات تکافل را در میان جوامع مالزیایی شناسایی کردند و مهم‌ترین عواملی را که خرید این محصولات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشخص ساختند.

این اطلاعات بیانگر توجه روزافزون جهان اسلام و حتی برخی کشورهای غیر اسلامی به تکافل و روند رو به رشد این صنعت است. همچنین ظرفیت بالقوه این بازار نشان می‌دهد که توجه به این مقوله، چه از نظر نظری و چه از نظر عملی، توجیه‌پذیر است (Jaiyeoba et al, 2022).

امروزه افراد بسیاری در سراسر جهان به دلیل درآمد اندک برای تأمین نیازهای ضروری خود با خطرها و ریسک‌های گوناگونی مواجه‌اند؛ از جمله آسیب‌های اجتماعی، از دست دادن کسب‌وکار و به خطر افتادن سلامت (Nadzli & Yahaya, 2023). اقشار آسیب‌پذیر با همان ریسک‌هایی روبه‌رو هستند که افراد ثروتمند نیز

تجربه می‌کند، اما میزان و دفعات مواجهه آن‌ها با این ریسک‌ها بیشتر است (امیرپور، ۱۳۹۷).

با وجود گستره وسیع نیاز افراد کم‌درآمد به حمایت‌های بیمه‌ای، تنها بخش کوچکی از این افراد به آن دسترسی دارند. طبق آمار بانک جهانی، از میان چهار میلیارد نفر از ساکنان کره زمین که درآمدی کمتر از دو دلار در روز دارند، تنها ۱۰ میلیون نفر تحت حمایت قرار دارند.

در سال‌های اخیر، در کشورهای در حال توسعه و فقیر، بیمه خرد به‌منظور کاهش فقر و حمایت از قشر کم‌درآمد به‌عنوان ابزاری مناسب برای تأمین مالی و حفاظت اجتماعی مطرح شده است. بنابراین، بیمه‌های خرد باید به نیازهای فوری و اساسی این قشر پاسخ دهند، به‌سادگی قابل درک باشند و امکان پرداخت حق بیمه برای آن‌ها فراهم باشد.

در بیمه‌های خرد، حداقل بیمه متناسب با احتمال و هزینه ریسک و عدم اطمینانی که خانوارها با آن روبه‌رو هستند دریافت می‌شود. بیمه‌های خرد با ماهیت خاص خود، در مقایسه با سایر بیمه‌های بازرگانی، غیرانتفاعی بوده و عمدتاً هدفشان مشارکت در همبستگی‌های اجتماعی است. بنابراین، در صورت فرهنگ‌سازی مناسب و انتخاب الگویی متناسب با جوامع روستایی ایران، می‌تواند پاسخگوی نیازهای بیمه‌ای این مناطق باشد.

طبق جدیدترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، نرخ خط فقر طی یک دهه از ۱۹ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است. بر اساس آمار رسمی مرکز آمار ایران، خط فقر در سال ۱۴۰۱ به‌طور میانگین برای هر نفر در کل کشور ۲ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان و برای خانوار چهارنفره حدود ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان بوده است. این عدد برای ساکنان تهران بالاتر است؛ به‌طوری‌که برای خانوار چهارنفره حدود ۱۴ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برآورد شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲).

بر اساس آمار سالنامه آماری سال ۱۴۰۱، حدود ۲۱ میلیون نفر از جمعیت ایران در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. این موضوع اهمیت توجه به تکافل خرد در ایران را آشکار می‌سازد. از آنجا که اغلب افراد در سطوح درآمدی پایین با فرهنگ بیمه‌آشنایی

ندارند و غالباً نزدیک یا زیر خط فقر قرار دارند، ضرورت پرداختن به بیمه‌های خرد برای ساکنان مناطق روستایی و اقشار کم‌درآمد دوجندان می‌شود. در خصوص آمارهای جهانی، در جدول (۱) شاخص‌های رتبه‌بندی نظام توسعه تکافل در برخی کشورها در سال ۲۰۲۴ بررسی شده است.

جدول (۱): شاخص‌های رتبه‌بندی نظام تکافل در سال ۲۰۲۲ میلادی

کشور	رتبه	امتیاز IFDI	عملکرد مالی	حاکمیت شرکتی	تحمل‌پذیری مالی	آگاهی عمومی
مالزی	۱	۱۴۴	۱۵۷	۱۰۱	۱۲۸	۱۴۷
عربستان	۲	۱۱۹	۱۴۶	۷۲	۹۶	۹۰
امارات	۳	۸۸	۷۷	۸۵	۳۹	۶۸
اندونزی	۴	۸۵	۶۳	۷۹	۳۳	۲۰۰۰
پاکستان	۵	۷۵	۴۰	۷۸	۲۴	۱۱۹
کویت	۶	۷۰	۵۵	۸۰	۲۸	۲۴
بحرین	۷	۶۸	۴۵	۸۵	۲۸	۳۷
ایران	۸	۶۵	۱۲۳	۵۵	-	۱۰
قطر	۹	۴۵	۳۰	۶۵	۲۷	۱۵
ترکیه	۱۰	۴۵	۴۱	۶۳	۲۲	۵۸
بنگلادش	۱۱	۴۱	۳۳	۸۵	۲۳	۲۰
عمان	۱۲	۳۵	۱۴	۷۵	۲۴	۲۳
برونئی	۱۳	۲۹	۱۱	۷۱	۱۴	۲۳
اردن	۱۴	۲۹	۱۵	۵۰	۴۶	۳۷
نیجریه	۱۵	۲۸	۷	۶۸	۲۲	۱۸

منبع: (Islamic Finance Development Report, 2024)

همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، عملکرد برخی کشورهای فعال در حوزه تکافل در شاخص‌های رتبه‌بندی IFDI نشان می‌دهد که مالزی در این زمینه

عملکرد مناسبی داشته است. در جدول (۲) نیز رتبه برخی کشورها در حوزه چشم‌انداز مالی اسلامی در سال ۲۰۲۱ میلادی بررسی شده است.

جدول (۲): چشم‌انداز مالی اسلامی کشورها در سال ۲۰۲۱ میلادی

کشور	شاخص دارایی مالی اسلامی (میلیارد دلار)	دارایی مربوط به بانکداری اسلامی (میلیارد دلار)	میزان دارایی بخش تکافل (میلیارد دلار)	میزان دارایی نهادهای اسلامی مالی غیربانکی و غیر تکافلی (میلیارد دلار)
ایران	۱۳۵۴	۱۱۵۹	۳۶	۵۱
عربستان	۹۷۸	۷۱۵	۲۴	۲۹
مالزی	۸۷۴	۲۸۴	۱۶	۶۴
امارات	۳۱۶	۲۲۵	۵	۱۱
قطر	۲۲۱	۱۶۹	۳	۱۶

منبع: (Islamic Finance Development Report, 2024)

بر اساس آمارهای منتشرشده توسط سازمان توسعه مالی اسلامی، میزان دارایی مالی اسلامی ایران در سال ۲۰۲۴ معادل ۱.۳۵ میلیارد دلار بوده است. از این میان، دارایی مربوط به بانکداری اسلامی کشور ۱.۱۵ میلیارد دلار، دارایی بخش تکافل ۳۶ میلیارد دلار و دارایی نهادهای مالی اسلامی غیربانکی و غیرتکافلی ۵۱ میلیارد دلار گزارش شده است.

محصولات تکافل خرد ابزارهایی مطابق با شریعت هستند که برای حمایت از مشاغل کوچک حلال و افراد کم‌درآمد طراحی شده‌اند (Mahmood et al, 2019). در حالی که بازار تکافل خرد هنوز در مرحله آغازین توسعه قرار دارد، در مالزی بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک و افراد کم‌درآمد همچنان بدون پوشش حمایتی باقی مانده‌اند. تکافل خرد در راستای تضمین تأمین‌کنندگان وام، گسترش فرهنگ مسئولیت اجتماعی، محدود کردن ریسک‌های اقتصادی و کمک به ریشه‌کنی فقر فعالیت می‌کند. بر این اساس، در این مقاله به بررسی و امکان‌سنجی اجرای تکافل خرد در کشور پرداخته خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

مهم‌ترین محصولات تکافل با تحلیل دقیق نیازهای مشتریان توسعه می‌یابند. اپراتورهای بزرگ تکافل برای ارائه پوشش مناسب در برابر ریسک، باید گزینه‌های یکپارچه‌سازی تکافل را در برنامه‌های سود خود بگنجانند. توزیع یکی از عوامل محدودکننده است که می‌توان با مشارکت بانک‌ها و کارگزاران بزرگ آن را برطرف کرد. در کشورهای پرجمعیت مسلمان با درآمدهای متوسط و پایین، تکافل خرد ابزار کارآمدی محسوب می‌شود. همچنین، شرکت‌های تکافلی باید در طراحی و نوآوری محصولات و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین بازاریابی، بیشترین استفاده را داشته باشند (Hassan, 2020).

در حال حاضر، محصولات تکافل خرد در سه دسته: «تکافل خانواده»، «تکافل عمومی» و «تکافل اتکایی» عرضه می‌شوند. بسیاری از این محصولات در حوزه‌هایی مانند تکافل زندگی، تکافل تمام عمر، تکافل سلامت، تکافل کشاورزی، تکافل دامداری، تکافل بازنشستگی و تکافل گردشگری کاربرد دارند. در گروه تکافل عمومی نیز محصولاتی همچون تکافل حوادث، تکافل دریایی و تکافل منازل مسکونی قرار می‌گیرند. بسیاری از این محصولات با قیمت مناسب برای پوشش بخش بزرگی از جمعیت زیر خط فقر طراحی شده‌اند. روش‌های اصلی اجرای تکافل خرد در دو دسته زیر تقسیم‌بندی می‌شوند (آزادبخت، احمدزاده، نورانی و بردال، ۱۴۰۲، ص. ۴۵).

الف) روش نخست بر قشر فقیر جامعه متمرکز دارد. در این روش، منابع مالی خیرخواهانه مانند زکات و وقف به کار گرفته می‌شود و خدمات از طریق سازمان‌های غیرانتفاعی توزیع می‌شوند.

ب) روش دوم بر جنبه تجاری متمرکز دارد. در این روش، منابع مالی لازم از محل سهم مشارکت تأمین می‌شود و جامعه هدف افراد برخوردار هستند. این خدمات توسط سازمان‌های انتفاعی ارائه می‌شود.

در خصوص دلایل عملی اجرای تکافل خرد در کشور، شایان ذکر است که در شعائر نبوی و شیعی، علاوه بر ربا و قمار - که از اصول حرام دینی به شمار می‌آیند و

در آیات متعدد قرآنی بر آن تأکید شده است - غرر یا نااطمینانی نیز به طور کامل نفی و نهی شده است. افزون بر این، آمار موجود در بازارهای مالی جهان اسلام نشان می‌دهد که صنعت بیمه در ایران به عنوان صنعتی مبتنی بر بیمه‌های اسلامی شناخته می‌شود. همچنین تقاضای بالای بیمه‌گذاران اهل سنت برای محصولات تکافل و توسعه موفق مؤسسات مالی و بانک‌های اسلامی در تأمین ابزارهای مالی مدیریت سرمایه و دارایی طی سال‌های گذشته، ضرورت توجه به این موضوع را در کشور برجسته کرده است. در سازوکار عملیاتی، دو الگوی تکافل و بیمه متعارف تفاوت‌هایی دارند؛ از جمله در نحوه محاسبه و پرداخت حق بیمه، زمان و شیوه تملک حق بیمه، چگونگی بازتوزیع منافع و مازاد و...؛ این تفاوت‌ها نیازمند بررسی‌های دقیق اکیچوئری است. رابی و کاسم^۲ (۲۰۲۳) ادراک و قصد مشارکت در طرح تکافل خرد در میان اندونزیایی‌ها را بررسی کرده‌اند. این پژوهش یک مدل نظری توسعه‌یافته از رفتار برنامه‌ریزی‌شده ارائه می‌دهد و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، داده‌های گردآوری‌شده از ۴۲۸ پاسخ‌دهنده را تحلیل می‌کند. پاسخ‌ها از طریق ترکیبی از نظرسنجی‌های آنلاین و توزیع سنتی پرسشنامه کاغذی به دست آمد. یافته‌ها نشان می‌دهد تمایل بالایی برای مشارکت در تکافل خرد در میان پاسخ‌دهندگان وجود دارد؛ به طوری که هنجار ذهنی، قیمت و دانش تأثیر مثبتی بر قصد شرکت در محصولات تکافل خرد دارند. در این میان، سازگاری تأثیر مثبتی بر نگرش نسبت به تکافل خرد داشته و باور هنجاری نیز تأثیر مثبتی بر هنجار ذهنی دارد. با این حال، نتایج نشان می‌دهد مزیت نسبی تأثیر منفی بر نگرش نسبت به تکافل خرد دارد و همچنین نگرش و قیمت تأثیر منفی بر قصد مشارکت در این محصولات نشان می‌دهند. به طور کلی، قصد مثبتی نسبت به تکافل خرد در میان پاسخ‌دهندگان وجود دارد؛ با این حال، دانش و قیمت‌گذاری از مهم‌ترین عواملی هستند که مانع توسعه این صنعت در اندونزی می‌شوند.

دی و دیگران^۳ (۲۰۲۳) به بررسی ادبیات تکافل و بیمه متعارف در کشور بنگلادش پرداختند. در این پژوهش، نویسندگان بیش از ۳۰ مقاله را در یک دوره هجده‌ساله از ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۳ میلادی مرور کرده‌اند. بر اساس این مرور ادبیات، مقاله شرحی از یافته‌های اصلی ارائه کرده و میزان تأثیر بیمه بر بخش‌های مالی را از نظر چالش‌ها و عوامل مرتبط بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد صنعت تکافل در بنگلادش با چالش‌هایی همچون نبود آگاهی کافی در میان مشتریان، موانع نظارتی، ضعف کمیته‌های تخصصی شریعت و ناکارآمدی‌های عملیاتی مواجه است. در عین حال، عواملی مانند دینداری، نقش هیئت شرعی و چارچوب‌های نظارتی در ارتقای صنعت تکافل در بنگلادش مؤثر هستند.

انصاری^۴ (۲۰۲۲) به بررسی ادبیات تکافل در یک بازه زمانی بیست‌ساله با رویکرد سیستمی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تحقیقات تکافل به‌طور گسترده حوزه‌هایی مانند بازاریابی، مالی، منابع انسانی، حاکمیت و مسائل حقوقی را پوشش داده است. در این پژوهش از هر دو روش کیفی و کمی استفاده شده است و شکاف‌های تحقیق بر اساس حوزه‌های مربوطه طبقه‌بندی شده‌اند. بخش قابل توجهی از ادبیات تکافل نیز به بررسی کاربرد مبانی رفتاری در مطالعه قصد رفتاری برای بهره‌گیری از خدمات تکافل اختصاص دارد.

لویدز^۵ (۲۰۲۰) به بررسی فرصت‌ها در بیمه‌های خرد پرداخته است. در این مطالعه، ضمن اشاره به چشم‌انداز محصولات و بازار بیمه‌های خرد، اولویت‌های این محصولات در کشورهای منتخب مانند اوگاندا، مالاوی، فیلیپین، ویتنام و اندونزی بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که در مناطق روستایی، علاوه بر بهداشت و سلامت و مرگ نان‌آور خانوار، از دست رفتن محصولات کشاورزی و دام نیز از نگرانی‌های اصلی و دارای اولویت به شمار می‌رود.

در سال ۱۴۰۳، پژوهشکده بیمه گزارشی با عنوان «عرضه محصولات تکافل در ایران؛ مطالعه شرکت بیمه دانا» منتشر کرد. بر اساس این گزارش، شرکت بیمه دانا

3. Dey et al

4. Ansari

5. Loyds

به‌عنوان نخستین شرکت بیمه‌ای که به ارائه محصولات تکافلی اقدام کرده است، الگوی اجرایی تکافل خود را برای نخستین بار در دومین جلسه کارگروه تکافل در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۴ مطرح نمود. این الگو طی پنج جلسه پیاپی و فشرده مورد بررسی اعضای کارگروه قرار گرفت و سرانجام در جلسه ششم کارگروه تکافل در تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۵ به تصویب رسید. پیرو مجوز صادره مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۹ مبنی بر موافقت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران با عرضه تکافل خانواده و عمومی توسط شرکت بیمه دانا، این شرکت از اسفند ۱۴۰۱ به‌عنوان نخستین شرکت بیمه‌ای فعالیت خود را در رشته تکافل خانواده آغاز کرد. همچنین با ایجاد مدیریت تکافل در ساختار سازمانی خود، فعالیت در این عرصه را تحت عنوان «پنجره تکافل» در کنار ارائه خدمات بیمه‌ای رایج اجرایی ساخت. این اقدام در بستر سامانه بیمه‌های عمر و پس‌انداز و به موازات فعالیت در رشته‌های زندگی صورت گرفت و حاصل آن، صدور ۱۱۳۵ فقره تکافل خانواده بود. با توجه به پایین بودن ضریب نفوذ بیمه‌های زندگی در کشور و لزوم نوآوری برای پاسخ‌گویی به نیازها و سلاقی گوناگون مردم، محصول تکافل خانواده می‌تواند سهم مهمی در تکامل سبد محصولات بیمه زندگی ایفا کند. علی‌رغم نوپا بودن تکافل و تازگی موضوع، و با وجود نبود تبلیغات و بازاریابی گسترده، حجم صدور تکافل‌نامه توسط بیمه دانا از زمان دریافت مجوز تاکنون نشان‌دهنده جذابیت بالای این محصول برای مردم است.

نیلی احمدآبادی، نیاکان و حیدری احمدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای عوامل مؤثر بر انتخاب تکافل توسط بیمه‌گذاران شرکتی را بررسی کرده‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل همه مدیران عامل بیمه‌گذاران حقوقی، مانند مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی (پالایشگاه، مجموعه ورزشی، معادن، دانشگاه، بیمارستان، مجموعه هواپیمایی و پتروشیمی) بوده است که در مجموع ۱۰۱ بیمه‌گذار را شامل می‌شود. روش نمونه‌گیری به صورت قضاوتی و از نوع در دسترس بوده و تعداد نمونه ۴۰ بیمه‌گذار است. داده‌ها از طریق پرسشنامه، مصاحبه و مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شده است. عوامل اولیه در هفت دسته طبقه‌بندی شده‌اند: نوآوری و فنی، سیاست بازاریابی و تبلیغات، منابع انسانی، عوامل مالی، عوامل بیرونی و کنترلی، ساختار سازمانی و عوامل

عقیدتی. به‌منظور تعیین اهمیت معیارها و وزن‌دهی به شرکت‌ها از روش بهترین - بدترین (BWM) استفاده شده است. همچنین برای تعیین وزن بیمه‌گذاران نمونه از روش تاپسیس و برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر انتخاب تکافل از روش واسپاس فازی بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل عقیدتی، توان مالی شرکت‌ها در عمل به تعهدات، انطباق عوامل بیرونی و کنترلی با نیاز مشتری، نوآوری در محصولات و خدمات تکافل، انطباق سطح عمومی قیمت‌ها نسبت به بیمه متعارف، ساختار سازمانی برای پذیرش خدمات نوین، منابع مالی کافی برای توسعه و ارائه خدمات، حفاظت و پشتیبانی در ارائه خدمات، ارائه طیف گسترده‌ای از خدمات، معرفی انواع محصولات تکافل، اطلاعات کافی کارکنان شرکت‌ها و شناسایی و ترغیب مشتریان، همگی از عوامل تأثیرگذار بر تقاضای تکافل توسط بیمه‌گذاران شرکتی هستند. در این میان، عوامل عقیدتی بیشترین اثر را داشته است.

توحیدی، رضائی هنجنی و ناصری منشادی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به بررسی تکافل خرد به‌عنوان ابزاری مناسب برای حمایت از کسب‌وکارهای خرد با هدف شمول مالی و توسعه پایدار پرداختند. در این گزارش، با استناد به مطالعات انجام‌شده در حوزه تکافل خرد بیان شده است که برای ایفای نقش مؤثر تکافل خرد در شمول مالی و کاهش فقر، وجود مداخلات نظارتی که توسعه و توزیع محصول را تسهیل کند، ضروری است.

عزیزالهی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به بررسی صنعت تکافل در مالزی پرداخت. در این مقاله بیان شده است که برای انتفاع صنعت تکافل، حفظ شفافیت و تمامیت این تجارت و نیز ارتباط آن با شکایات و نزاع‌های مصرف‌کنندگان به‌منظور ایجاد اعتماد عمومی، اهمیت زیادی دارد.

پارسا (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به بررسی بازار جهانی بیمه تکافل: ترسیم نقشه راه دستیابی به بازارهای انبوه پرداخت. در این مقاله بیان شده است که مدیران ارشد ارائه‌دهنده تکافل باید ارزیابی چالش‌های مطرح‌شده در این گزارش را آغاز کنند؛ چالش‌هایی که می‌تواند بر توانایی آن‌ها در ایجاد رشد و سودآوری تأثیر بگذارد.

حاجی علی اکبری، زبان دان و جعفرلی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی عوامل مؤثر در اجرای بیمه اسلامی (تکافل) در سطح بیمه میهن پرداختند. این مقاله از نظر روش، توصیفی - اکتشافی بود و با شیوه دلفی و مصاحبه با خبرگان انجام شد. نمونه آماری شامل ۳۰ نفر از کارشناسان و خبرگان امور بیمه‌ای شرکت بیمه میهن بود که با روش گلوله‌برفی انتخاب شدند. این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در مجموع ۳۰ مصاحبه انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که بر پایه منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان تهیه شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی دلفی استفاده شد و تحلیل‌های توصیفی با نرم‌افزار SPSS22 انجام گرفت. نتایج نشان داد از دید خبرگان امور بیمه، چهار مؤلفه «بهای تمام شده ارائه خدمات بیمه‌ای»، «قوانین و دستورالعمل‌های ابلاغی»، «تحقیقات آماری» و «شفافیت اطلاعات ارائه شده» در اجرای بیمه تکافل در سطح بیمه میهن بیشترین اهمیت را دارند. در این میان، مؤلفه بهای تمام شده بیشترین اثر مستقیم را داشته است.

عسگری و محمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به تحلیل مقایسه‌ای الگوهای تکافل و آسیب‌شناسی آن‌ها از منظر ذی‌نفعان پرداختند. در این مطالعه، ساختار و مدل‌های مختلف تکافل در دو سطح عمومی و خانواده به صورت جامع بررسی شد و آسیب‌شناسی و مقایسه این مدل‌ها از منظر ذی‌نفعان و مالکان اصلی تکافل (مشارکت‌کنندگان) با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت گرفت. نتایج نشان می‌دهد که با وجود تغییرات ساختاری در الگوهای تکافل، هدف مطالعه یعنی دستیابی به قیمت‌گذاری عادلانه و همسویی منافع ذی‌نفعان بر اساس رهبری مشارکت‌کنندگان محقق نمی‌شود. راهکار پیشنهادی، کاهش هزینه‌های عامل در تکافل، نزدیک شدن به ساختار بیمه متقابل، محدود کردن اختیارات متصدی تکافل و افزایش اختیارات مشارکت‌کنندگان همراه با همسوسازی منافع دو طرف است.

واحدی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای به بررسی بیمه خرد پرداخت. در این مقاله اشاره شده است که فروش بیمه‌نامه‌های کوچک و پاسخ‌گویی به تقاضاهای خاص، در کنار مدیریت ریسک و هزینه‌های ارائه بیمه‌نامه، نیازمند نوآوری‌ها و سازگاری‌های فراوان است. بیمه‌گران خرد برای طراحی انواع بیمه خرد باید مشخصه‌های بازار، از جمله

محیط اجتماعی - فرهنگی، میزان تقاضا و مخاطرات خانوارهای کم‌درآمد را به‌خوبی بشناسند. بیمه خرد به‌عنوان الگویی مبتنی بر بازار فعالیت می‌کند؛ و با وجود چالش‌های متعدد، تجربه نشان داده است که محصولات بیمه خرد می‌توانند سودآور باشند. حتی زمانی که شرکت‌های بیمه در چارچوب مسئولیت اجتماعی خود وارد بازارهای کم‌درآمد می‌شوند، اغلب درمی‌یابند که این رویکرد نوعی راهبرد اجرایی در توسعه است که می‌تواند تأثیرات مثبتی بر فعالیت اصلی آن‌ها داشته باشد.

با مرور مطالعات پیشین، نوآوری پژوهش حاضر در امکان‌سنجی اجرای تکافل خرد در کشور است. در این مطالعه، پس از بررسی امکان‌سنجی اجرای نظام تکافل و تکافل خرد در کشور، راهکارهای اجرای محصولات تکافل خرد با استفاده از رویکردی اکتشافی و تحلیلی بررسی خواهد شد.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با توجه به هدف، کاربردی؛ از نظر زمانی، مقطعی؛ و از لحاظ متغیر، کیفی است. این پژوهش در دسته پژوهش‌های توصیفی قرار می‌گیرد که به‌صورت پیمایشی و با استفاده از روش SWOT اجرا شده است.

در این مطالعه، نظریه‌ها و تجربه‌های مرتبط با اجرای محصولات تکافل خرد گردآوری و با محصولات بیمه‌های خرد در ایران و کشورهای مورد مطالعه تطبیق داده می‌شود. سپس قابلیت اجرای این روش‌ها در ایران امکان‌سنجی شده و بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، روش‌های مناسب برای ایران ارائه و بررسی می‌شود.

بر همین اساس، پس از شناسایی راهکارهای موجود، پرسشنامه‌ای طراحی خواهد شد. پرسشنامه مذکور از نظر روایی ظاهری و محتوایی، با استفاده از دیدگاه اساتید دانشگاهی، متخصصان و خبرگان ارزیابی می‌شود. با توجه به نوع پرسشنامه، روش و ادبیات تحقیق، روایی و پایایی آن بررسی خواهد شد. در این مطالعه، کشورهای برتر در حوزه تکافل شامل عربستان، مالزی، اندونزی، امارات و پاکستان مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهند گرفت.

جامعه آماری پژوهش، خبرگان صنعت بیمه شامل اساتید دانشگاه‌ها، مدیران عامل، مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران در شرکت‌های بیمه است. نمونه آماری بر اساس روش نمونه‌گیری قضاوتی هدفمند و شبکه‌ای (گلوله‌برفی) انتخاب شده است. حداقل مدرک تحصیلی افراد کارشناسی ارشد و حداقل سابقه کاری آن‌ها در صنعت بیمه ده سال در نظر گرفته شده است. در این پژوهش، برای اشباع‌شدگی نمونه آماری از اطلاعات گردآوری شده از ۱۵ خبره استفاده شده است.

۳. شناسایی مؤلفه‌ها و تحلیل نتایج

تکافل خرد می‌تواند از طریق کانال‌های مختلف ارائه شود و معمولاً به حمایت مستقیم یا غیرمستقیم دولت نیاز دارد. این حمایت می‌تواند شامل همکاری با بانک‌ها، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای اجتماعی باشد. به‌عنوان نمونه، در کشورهای مختلف، تکافل خرد از طریق مدل‌هایی مانند «شریک - نماینده» ارائه می‌شود که متکی بر همکاری با سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌ها و شرکت‌های تجاری است. برای کاهش هزینه‌های معرفی محصولات نیز شرکت‌های تکافل می‌توانند از زیرساخت‌های موجود بهره ببرند و با سازمان‌های معتبر همکاری کنند.

۴. چالش‌های محصولات تکافل خرد

در حالی که تکافل به‌عنوان جریانی قابل‌تقدیر در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و دیگر مناطق آسیا شناخته می‌شود، میزان آگاهی، نفوذ و امکان بهره‌مندی از آن در بازارهای غربی همچنان نامطمئن است. تکافل که گاهی با صندوق‌های تعاونی اشتباه گرفته می‌شود، شکلی اخلاقی از بیمه است که هنوز برای بسیاری از شرکت‌های بیمه غربی مفهومی ناآشنا به شمار می‌رود و همین موضوع مانعی در مسیر گسترش جهانی آن است. چندین چالش، سد راه این پیشرفت است:

۱) **فقدان دانش و درک تکافل:** مفهوم تکافل و اصول آن برای بسیاری از افراد، از جمله شرکت‌های بیمه و مشتریان غربی، همچنان ناآشنا است. این ناآشنایی می‌تواند به توسعه محدود آن در محیط‌های مناسب، برداشت‌های نادرست از مفاهیم تکافل یا بی‌میلی به مشارکت در محصولات مالی اسلامی منجر شود. برخی

تکافل را تنها شاخه‌ای از بیمه رایج در چارچوب اسلام می‌دانند و در مورد پابندی آن به اصول شرعی تردید دارند. گروهی دیگر، امنیت مالی تکافل را دست‌کم گرفته و به نظام‌های تأمین اجتماعی متداول تکیه می‌کنند. غلبه بر این چالش‌ها، مستلزم طراحی برنامه‌های آموزشی برای ارتقای درک تکافل و بهبود رویه‌های مدیریت ریسک فردی در میان جوامع مسلمان و غیرمسلمان است. در حال حاضر، مخاطبان اصلی آموزش تکافل فعالان و سرمایه‌گذاران هستند و تلاش اندکی برای پوشش‌های آگاه‌سازی جمعی در میان عموم مخاطبان صورت گرفته است (Salleh & Padzim, 2018)

(۲) **چالش‌های تنظیم مقرراتی و فقدان استانداردسازی:** چارچوب‌های مقرراتی موجود چالش‌های بزرگی را برای عملیات تکافل ایجاد می‌کنند؛ به‌ویژه در حوزه‌های قضایی غربی که قوانین اساساً بر الگوهای بیمه رایج بنا شده‌اند. ادغام مفاهیم تکافل در چارچوب‌های گزارش‌گری مالی غربی، فرایندی پیچیده و زمان‌بر است که گاهی به نتایج غیرقابل اعتماد منجر می‌شود. این وضعیت نه تنها مانعی برای فعالیت‌های برون‌مرزی و نوآوری در محصولات است، بلکه بر فرایندهای تطبیق با قانون نیز تأثیر منفی می‌گذارد. فقدان مقررات استاندارد شده علاوه بر محدود ساختن توسعه بازار، مانع پیشرفت کلی صنعت تکافل می‌شود. شرکت‌های تکافل ناگزیرند حجم بزرگی از الزامات مقرراتی را رعایت کنند که این امر به کاهش اعتماد مشتریان و کاهش توان بالقوه آن‌ها در یکپارچه‌سازی و بهره‌وری عملیاتی می‌انجامد (Saeed, 2019). برای مقابله با این مسائل، سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۶ تاکنون ۱۱۷ استاندارد و بیانیه فنی تدوین کرده است که گزارش‌گری مالی شرکت‌های تکافل و تکافل اتکایی را یکپارچه و استاندارد می‌کند و اطمینان از تطبیق آن‌ها با اصول شرعی را فراهم می‌آورد.

(۳) **چالش‌های فرهنگی و منطقه‌ای:** تصورات منفی نسبت به تکافل عمده‌تأ ریشه در آگاهی محدود و برداشت‌های نادرست از مالی اسلامی دارد. اختلاف در تفسیر اصول اسلامی بر نگرش مشتریان نسبت به وفاداری تکافل به ارزش‌های دینی تأثیر

می‌گذارد. این سوءبرداشت‌ها که از نادیده‌گرفتن تفاوت‌های فرهنگی ناشی می‌شوند، می‌توانند به بی‌اعتمادی بیانجامند. برای غلبه بر این موانع، اجرای راهبردهایی مانند بازبینی محصولات قابل ارائه، بهره‌گیری از روش‌های ارتباطی معتبر و تقویت شفافیت فرهنگی ضروری است. افزایش آگاهی از هم‌سویی چارچوب تکافل با اصول مالی اخلاقی، نقشی کلیدی در رفع موانع ناشی از مسائل فرهنگی و دینی دارد (Ahmad Mokhtar, Abdul Aziz & Md Hilal, 2017).

(۴) **فقدان متخصصان شریعت با تحصیلات لازم:** راه‌اندازی یک هیئت نظارت شرعی - که معمولاً متشکل از سه یا چند متخصص است - پیش‌نیاز هر شرکت تکافل به شمار می‌رود. هنگام توسعه فعالیت‌ها، شرکت‌های تکافل ترجیح می‌دهند این مسئولیت را به علمای بومی بسپارند تا از اعتبار بیشتری برخوردار شوند. این علما مسئول اطمینان از انطباق با اصول شرعی هستند؛ وظیفه‌ای که مستلزم درک عمیق از عملیات تکافل و فقه اسلامی است. با این حال، کمبود متخصصانی که هم در فقه اسلامی و هم در بیمه تخصص داشته باشند، موجب می‌شود علما در چندین هیئت به‌طور هم‌زمان عضویت یابند؛ امری که به تعارض منافع و کاهش کیفیت مشاوره منجر می‌شود. افزون بر این، دسترسی محدود به چنین علمایی هزینه تشکیل هیئت‌های شرعی را افزایش داده و مانعی برای ورود تازه‌واردان به بازار تکافل ایجاد می‌کند (Salleh & Padzim, 2018).

(۵) **حق وکالت تحمیلی و هزینه سرمایه:** چالش‌های مربوط به کارمزدهای وکالت و هزینه سرمایه تأثیر چشمگیری بر پایداری مالی و کارایی عملیاتی شرکت‌های تکافل دارند. افزایش کارمزدهای وکالت می‌تواند به کاهش مشارکت مالی بیمه‌گذاران و کاهش قدرت رقابت در بازار بینجامد. در برخی حوزه‌های قضایی، کارمزدها از صندوق سهامداران و حق وکالت کسر می‌شوند و گاه سقف قانونی دارند؛ وضعیتی که شرکت‌های تکافل را در رقابت با بیمه‌گران متعارف در موقعیت نامطلوبی قرار می‌دهد. بنابراین، شرکت‌های تکافل باید از تعیین کارمزدها در حد

معقول و باقی ماندن مازاد کافی برای پوشش هزینه‌های عملیاتی و ایجاد سود سهام اطمینان یابند.

این محدودیت‌ها در مورد بیمه‌گران متعارف اعمال نمی‌شود؛ به همین دلیل دستیابی به تعادلی ظریف میان پوشش هزینه‌ها و ارائه بازده رقابتی به مشارکت‌کنندگان و سهامداران ضروری است. افزون بر این، هزینه سرمایه اثر عمیقی بر راهبردهای سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی دارد. رویکردی دقیق که منافع مشارکت‌کنندگان را در اولویت قرار دهد، با الزامات قانونی سازگار باشد و پایداری بلندمدت را تضمین کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Ali & Nisar, 2023).

۶) **چالش‌های پذیرش ریسک:** پذیرش ریسک در تکافل با چالش‌های متعددی همراه است که عمدتاً از تفاوت دیدگاه‌های علمای دینی اهل سنت ناشی می‌شود. این موضوع در تکافل عمومی برجسته‌تر است، زیرا علما درباره دامن ریسک‌های مجاز نظرات متفاوتی دارند. این مسئله به‌ویژه با مفهوم تضمین متقابل در ارتباط است که معمولاً در طرح‌هایی با مشارکت محدود، مانند طرح‌های دولتی که دولت به‌عنوان مشارکت‌کننده اصلی عمل می‌کند، مشاهده می‌شود. مباحث مرتبط با ریسک در تکافل همواره میان ریسک‌های مجاز و غیرمجاز در نوسان است و این امر نیاز به وجود شیوه‌های منسجم برای ارزیابی ریسک را آشکار می‌سازد.

۷) **فقدان مسیرهای سرمایه‌گذاری مجاز:** یکی از چالش‌های مهم پیش روی شرکت‌های تکافل، محدودیت در مسیرهای سرمایه‌گذاری است. بازارهای مالی معمولاً تحت سلطه ابزارهای بهره‌ای هستند که در شریعت اسلامی مجاز نیستند و همین امر انتخاب‌های شرکت‌های تکافل را محدود می‌کند. این وضعیت با نیاز به ایجاد تعادل میان پایداری بلندمدت و سودآوری کوتاه‌مدت پیچیده‌تر می‌شود. فشار برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تمرکز بر دارایی‌هایی مانند سهام و املاک، شرکت‌های تکافل را در برابر یک دوراهی اخلاقی قرار می‌دهد.

محصولات تکافل خرد به‌عنوان گونه‌ای از بیمه اسلامی برای گروه‌های کم‌درآمد طراحی شده‌اند. این محصولات با هدف ارائه پوشش‌های مقرون‌به‌صرفه

و در دسترس برای افرادی که توانایی استفاده از بیمه‌های سنتی را ندارند، توسعه یافته‌اند. ویژگی کلیدی این محصولات طراحی آن‌ها به گونه‌ای است که نیازهای بیمه‌ای این گروه‌ها را پاسخ دهد، بدون آن‌که بار مالی سنگینی بر آنان تحمیل کند.

• **چالش‌ها و فرصت‌ها:** گسترش محصولات تکافل خرد با چالش‌های متعددی همراه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، ناآگاهی و شناخت ناکافی این محصولات در میان گروه‌های کم‌درآمد است. مطالعات نشان می‌دهد بسیاری از افراد این گروه‌ها از وجود و مزایای تکافل خرد بی‌اطلاع هستند و همین امر مانع استفاده گسترده و مؤثر از آن می‌شود. افزون بر این، مشکلاتی مانند عدم انطباق کامل با مقررات شریعت و هزینه‌های مرتبط نیز به‌عنوان موانع مهم مطرح می‌شوند.

• **تأثیر درآمد بر تقاضا:** تحقیقات نشان می‌دهد سطح درآمد تأثیر چشمگیری بر تقاضا برای محصولات تکافل خرد دارد. افراد با درآمد بالاتر معمولاً تمایل بیشتری به خرید این محصولات دارند؛ زیرا توانایی پرداخت حق بیمه را دارند و از مزایای آن آگاهی بیشتری کسب کرده‌اند. در مقابل، افراد کم‌درآمد به دلیل محدودیت‌های مالی و نبود آگاهی کافی، کمتر از این محصولات بهره‌مند می‌شوند. این تفاوت تقاضا هم به دلیل ناتوانی مالی و هم به علت فقدان شناخت از مزایا قابل توضیح است.

• **مدل‌های مورد استفاده:** برای ارائه محصولات تکافل خرد، مدل‌های گوناگونی به‌کار می‌رود که یکی از رایج‌ترین آن‌ها «مدل هیبریدی» است. این مدل که در بسیاری از کشورهای اسلامی رواج دارد، ترکیبی از اصول تکافل و نمایندگی است و برای تأمین پوشش بیمه‌ای مقرون‌به‌صرفه برای گروه‌های کم‌درآمد طراحی شده است. هدف اصلی آن، کاهش هزینه‌ها و فراهم‌آوردن پوشش‌های مناسب برای گروه‌های هدف است.

• **تأثیر آموزش و دانش:** آموزش و ارتقای دانش در زمینه محصولات تکافل خرد، به‌ویژه در میان گروه‌های کم‌درآمد، نقشی اساسی در گسترش استفاده از

این محصولات دارد. افزایش آگاهی بیمه‌ای و شناخت مزایای تکافل خرد می‌تواند به بهبود پوشش بیمه‌ای و تأمین نیازهای مالی این گروه کمک کند. مطالعات نشان داده‌اند افرادی که دانش بیشتری در زمینه بیمه دارند، به‌طور مؤثرتری از محصولات تکافل خرد بهره‌مند می‌شوند.

- **مشکلات و نیازهای اساسی:** افراد کم‌درآمد به دلیل محدودیت‌های مالی، اغلب برای جبران هزینه‌های غیرمنتظره به روش‌هایی مانند پرداخت نقدی یا قرض گرفتن متوسل می‌شوند. این وضعیت آن‌ها را بیش از پیش در معرض آسیب‌های مالی قرار می‌دهد. محصولات تکافل خرد با طراحی مناسب و هزینه‌های پایین می‌توانند این آسیب‌پذیری را کاهش داده و به بهبود وضعیت مالی این گروه‌ها کمک کنند.

- **قرار گرفتن در معرض ضرر:** مطالعات متعددی نشان داده‌اند ریسک به احتمال از دست‌دادن ثبات مالی بر اثر رویدادهای غیرمنتظره اطلاق می‌شود. افراد کم‌درآمد به دلیل زندگی در شرایط پرخطر و محدودیت منابع برای مقابله با بحران‌ها، بیشتر در معرض آسیب قرار دارند. چرچیل^۷ (۲۰۰۶م) تأکید می‌کند که فقر و آسیب‌پذیری رابطه‌ای مستقیم دارند. در این زمینه، افراد کم‌درآمد در مناطق روستایی و شهری معمولاً در برابر شرایط اضطراری مالی بی‌پناه باقی می‌مانند.

۴. عوامل مهم در ماتریس SWOT

تحلیل SWOT ابزاری کارآمد برای شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در زمینه اجرای محصولات تکافل خرد در ایران است. با توجه به شرایط خاص بازار ایران و همچنین تجربیات کشورهای منتخب، عوامل زیر به‌عنوان اجزای کلیدی در این تحلیل بررسی می‌شوند.

نقاط قوت	نقاط ضعف
ظرفیت بالای تقاضا: ایران جمعیت بزرگی از خانوارهای کم‌درآمد دارد	آگاهی و درک محدود: تکافل خرد مفهومی نسبتاً جدید است و سطح

نقاط قوت	نقاط ضعف
که به بیمه‌های سنتی دسترسی ندارند. این شرایط، بازار بالقوه‌ای وسیع برای تکافل خرد ایجاد می‌کند. همخوانی فرهنگی و مذهبی: با توجه به ایمان و پایبندی گسترده به اصول اسلامی در ایران، محیطی مساعد برای گسترش محصولات مالی اسلامی از جمله تکافل خرد فراهم است. وجود بخش نسبتاً توسعه‌یافته تأمین مالی خرد در ایران می‌تواند توزیع و دسترسی به محصولات تکافل خرد را تسهیل کند. نفوذ بالای موبایل: استفاده گسترده از تلفن همراه در ایران، زمینه بهره‌گیری از فناوری موبایل برای عملیات تکافل خرد را فراهم می‌سازد و موجب افزایش بهره‌وری و دسترسی می‌شود.	آگاهی از مزایا و کارکردهای آن در میان مخاطبان هدف در ایران پایین است. ابهام در چارچوب نظارتی: اطلاعات روشنی درباره محیط نظارتی تکافل خرد در ایران وجود ندارد. برای روشن‌شدن ابعاد قانونی و مقرراتی، تحقیقات بیشتری مورد نیاز است. چالش‌های احتمالی در توان مالی: تضمین مقرون‌به‌صرفه بودن خدمات برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه ایران از عوامل حیاتی موفقیت تکافل خرد است. در این راستا، طراحی دقیق محصولات و تدوین راهبردهای مناسب قیمت‌گذاری ضرورت دارد.
فرصت‌ها	تهدیدها
شراکت‌های راهبردی: همکاری با مؤسسات تأمین مالی خرد (MFIs)، سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و اپراتورهای تلفن همراه، با بهره‌گیری از شبکه‌ها، اعتبار و زیرساخت‌های موجود، می‌تواند دستیابی مؤثر به بازار هدف را تسهیل کند. نوآوری محصول: توسعه محصولات تکافل خرد متناسب با نیازها و ریسک‌های خاص خانوارهای کم‌درآمد - مانند بیمه خرد کشاورزی یا بیمه خرد درمانی - می‌تواند جذابیت این محصولات را به شکل چشم‌گیری افزایش دهد.	ناپایداری اقتصادی: نوسانات اقتصادی در ایران می‌تواند بر توان مالی خانوارها و سطح مشارکت در برنامه‌های تکافل خرد اثر منفی بگذارد. رقابت از سوی بیمه‌های سنتی: ارائه‌دهندگان بیمه‌های متعارف ممکن است به بازار اقشار کم‌درآمد ورود کنند و رقابتی جدی برای ابتکارات تکافل خرد به وجود آورند. کمبود نیروی متخصص: فقدان افراد متخصص در حوزه مالی اسلامی و بیمه خرد می‌تواند مانعی برای مدیریت و اجرای مؤثر برنامه‌های تکافل خرد باشد.

نقاط قوت	نقاط ضعف
یکپارچه‌سازی فناوری: به‌کارگیری فناوری تلفن همراه برای جمع‌آوری حقیقه، پردازش خسارت‌ها و اجرای برنامه‌های ارتقای سواد مالی می‌تواند کارایی عملیاتی را بهبود بخشد، هزینه‌ها را کاهش دهد و دسترسی مشارکت‌کنندگان را گسترش دهد.	

- براساس سوپر ماتریس، مراحل محاسبه وزن مؤلفه‌ها عبارتند از:
- مرحله اول: برای تجمیع نظرات خبرگان، از مقایسه‌های زوجی پاسخ‌دهندگان، میانگین هندسی گرفته می‌شود.
 - مرحله دوم: در این مرحله، بردار ویژه محاسبه می‌شود. برای این منظور، از جداول مقایسه زوجی تجمیع‌شده و با استفاده از رابطه (۱) بر پایه روش لگاریتمی حداقل مجذورات، محاسبه صورت می‌گیرد.

$$w_k^s = \frac{\left(\prod_{j=1}^n a_{kj}^s \right)^{1/n}}{\sum_{i=1}^n \left(\prod_{j=1}^n a_{ij}^m \right)^{1/n}}, \quad s \in \{l, m, u\} \quad \text{رابطه (۱)}$$

به‌طوری‌که:

رابطه (۲):

$$\tilde{w}_k = (w_k^l, w_k^m, w_k^u) \quad k = 1, 2, 3, \dots, n$$

جداول زیر میانگین هندسی نظرات خبرگان را نشان می‌دهد. در ستون آخر این جداول، بردار ویژه نشان داده شده است.

جدول (۳): میانگین مقایسات زوجی نسبت به هدف

ردیف	s	w	o	t	بردار ویژه
s	(1,1,1)	(7.553, 8.559, 9.564)	(5.533, 6.544, 7.553)	(4.704, 5.72, 6.732)	(0.593, 0.67, 0.744)

مردار ویژه	t	o	w	s	ملف
(0.163,0.188,0.212)	(2.639,3.272,3.866)	(4.095,5.165,6.207)	(1,1,1)	(0.105,0.117,0.132)	w
(0.065,0.075,0.088)	(1.32,1.719,2.169)	(1,1,1)	(0.161,0.194,0.244)	(0.132,0.153,0.181)	o
(0.058,0.067,0.079)	(1,1,1)	(0.461,0.582,0.758)	(0.259,0.306,0.379)	(0.149,0.175,0.213)	t

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۴): میانگین مقایسات زوجی نسبت به s

بردار ویژه	WT	WO	ST	SO	s
(0.556,0.643,0.725)	(3.482,4.514,5.533)	(5.533,6.544,7.553)	(6.207,7.237,8.258)	(1,1,1)	SO
(0.161,0.197,0.231)	(2,3,4)	(3.482,4.514,5.533)	(1,1,1)	(0.121,0.138,0.161)	ST
(0.076,0.09,0.106)	(1.741,2.408,3.031)	(1,1,1)	(0.181,0.222,0.287)	(0.132,0.153,0.181)	WO
(0.059,0.07,0.09)	(1,1,1)	(0.33,0.415,0.574)	(0.25,0.333,0.5)	(0.181,0.222,0.287)	WT

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۵): میانگین مقایسات زوجی نسبت به w

بردار ویژه	WT	WO	ST	SO	w
(0.574,0.653,0.729)	(4.338,5.348,6.355)	(5.86,6.882,7.897)	(6.355,7.361,8.365)	(1,1,1)	SO
(0.168,0.201,0.232)	(3.031,4.076,5.102)	(3.288,4.36,5.404)	(1,1,1)	(0.12,0.136,0.157)	ST
(0.075,0.088,0.103)	(2,2.667,3.288)	(1,1,1)	(0.185,0.229,0.304)	(0.127,0.145,0.171)	WO
(0.05,0.058,0.071)	(1,1,1)	(0.304,0.375,0.5)	(0.196,0.245,0.33)	(0.157,0.187,0.231)	WT

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۶): میانگین مقایسات زوجی نسبت به o

بردار ویژه	WT	WO	ST	SO	o
(0.5,0.568,0.631)	(3.288,3.876,4.441)	(4.441,5.524,6.575)	(4.095,4.663,5.21)	(1,1,1)	SO
(0.219,0.258,0.297)	(3.288,4.36,5.404)	(3.482,4.584,5.65)	(1,1,1)	(0.192,0.214,0.244)	ST
(0.09,0.108,0.131)	(2.297,3.323,4.338)	(1,1,1)	(0.177,0.218,0.287)	(0.152,0.181,0.225)	WO

W	(0.225,0.258,0.304)	(0.185,0.229,0.304)	(0.231,0.301,0.435)	(1,1,1)	(0.056,0.066,0.08)
T					

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۷): میانگین مقایسات زوجی نسبت به t

T	SO	ST	WO	WT	بردار ویژه
SO	(1,1,1)	(5.724,6.871,7.962)	(4.704,5.809,6.875)	(5.102,6.119,7.13)	(0.553,0.638,0.718)
ST	(0.126,0.146,0.175)	(1,1,1)	(3.288,4.36,5.404)	(3.776,4.829,5.86)	(0.18,0.214,0.248)
WO	(0.145,0.172,0.213)	(0.185,0.229,0.304)	(1,1,1)	(2.491,3.16,3.776)	(0.082,0.096,0.114)
WT	(0.14,0.163,0.196)	(0.171,0.207,0.265)	(0.265,0.316,0.401)	(1,1,1)	(0.046,0.052,0.061)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۸): ماتریس وزنی W22

	S	W	O	T
S	(0.5,0.5,0.5)	(0.336,0.368,0.398)	(0.336,0.377,0.415)	(0.33,0.373,0.413)
W	(0.339,0.379,0.416)	(0.5,0.5,0.5)	(0.08,0.089,0.099)	(0.072,0.083,0.094)
O	(0.078,0.089,0.099)	(0.079,0.09,0.102)	(0.5,0.5,0.5)	(0.04,0.045,0.053)
T	(0.029,0.033,0.038)	(0.037,0.041,0.048)	(0.03,0.034,0.039)	(0.5,0.5,0.5)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

- مرحله سوم: تشکیل ماتریس‌های بردار ویژه (W_{ij}): این ماتریس‌ها شامل بردارهای ویژه‌ای هستند که از مقایسات زوجی مرحله دوم به دست آمده‌اند.

جدول (۹): ماتریس بردار ویژه گزینه‌ها نسبت به معیارها و زیرمعیارها

	S	W	O	T
SO	(0.375,0.454,0.537)	(0.383,0.455,0.531)	(0.369,0.444,0.524)	(0.377,0.453,0.532)
ST	(0.274,0.346,0.422)	(0.283,0.351,0.422)	(0.285,0.351,0.419)	(0.282,0.352,0.425)
WO	(0.095,0.119,0.148)	(0.096,0.119,0.146)	(0.102,0.128,0.158)	(0.099,0.123,0.151)
WT	(0.065,0.081,0.103)	(0.061,0.075,0.094)	(0.063,0.078,0.098)	(0.059,0.072,0.09)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

- مرحله چهارم: محاسبه اوزان نهایی سطوح: برای محاسبه وزن نهایی مؤلفه‌های هر سطح (W_i^*) می‌بایست حاصل ضرب ماتریس بردار ویژه روابط درونی در بردار ویژه همان سطح را در وزن نهایی سطح بالاتر ضرب کنیم.

رابطه (۳): $W_i^* = W_{ii} \times W_{i(i-1)} \times W_{i-1}^*$

در صورتی که برای یک سطح ماتریس W_{ii} وجود نداشت، لازم است یک ماتریس یکه هم درجه جایگزین آن گردد. به عبارت دیگر می بایست از رابطه (۳) استفاده نماییم.

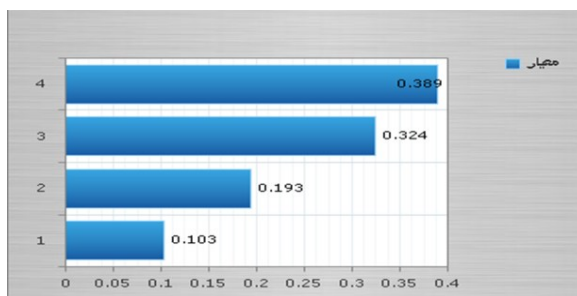
رابطه (۴): $W_i^* = I \times W_{i(i-1)} \times W_{i-1}^*$

جداول و نمودارهای زیر اوزان نهایی را نشان می دهد.

جدول (۱۰): ماتریس اوزان نهایی معیارها نسبت به هدف

مؤلفه	وزن فازی نهایی	وزن قطعی نهایی مؤلفه ها
s	(0.393, 0.457, 0.525)	۰/۴۵۷
w	(0.292, 0.36, 0.431)	۰/۳۶۲
o	(0.094, 0.117, 0.144)	۰/۱۱۹
t	(0.054, 0.065, 0.081)	۰/۰۶۵

منبع: (یافته های تحقیق)



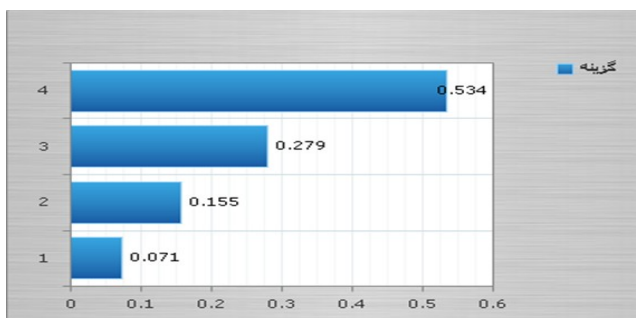
نمودار (۱): اوزان نهایی معیارها نسبت به هدف

منبع: (یافته های تحقیق)

جدول (۱۱): ماتریس اوزان نهایی گزینه ها نسبت به هدف

مؤلفه	وزن فازی نهایی گزینه ها	وزن قطعی نهایی گزینه ها	اولویت بندی بر اساس وزن قطعی
SO	(0.314, 0.453, 0.63)	۰/۴۵۹	۱
ST	(0.232, 0.349, 0.498)	۰/۳۵۴	۲
WO	(0.08, 0.121, 0.176)	۰/۱۲۵	۳
WT	(0.052, 0.078, 0.116)	۰/۰۸۱	۴

منبع: (یافته های تحقیق)



نمودار (۲): اوزان نهایی گزینه‌ها نسبت به هدف

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۲): ماتریس مقایسات زوجی سازوکارهای SO

	هدف
b1	(0.095,0.142,0.225)
b2	(0.099,0.168,0.283)
b3	(0.13,0.209,0.315)
b4	(0.119,0.185,0.281)
b5	(0.109,0.156,0.228)
b6	(0.098,0.14,0.202)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جداول زیر ماتریس‌های بردار ویژه را نشان می‌دهد.

جدول (۱۳): ماتریس بردار ویژه سازوکارهای SO

S O	b1	b2	b3	b4	b5	b6
b 1	(1,1,1)	0.522,0.898 (1.662)	0.569,0.934 (1.545)	0.449,0.725 (1.29)	0.499,0.78, (1.29)	0.55,0.849, (1.527)
b 2	0.602,1.113 (1.914)	(1,1,1)	0.514,1.023 (2.048)	0.502,0.988 (1.904)	0.553,0.967 (1.749)	0.553,1.04, (1.947)
b 3	0.647,1.07, (1.759)	0.488,0.978 (1.947)	(1,1,1)	0.825,1.67, (2.731)	0.868,1.467 (2.254)	1.04,1.634, (2.305)
b 4	0.775,1.38, (2.229)	0.525,1.012 (1.991)	0.366,0.599 (1.212)	(1,1,1)	0.988,1.606 (2.254)	0.967,1.467 (2.025)
b 5	0.775,1.282 (2.002)	0.572,1.035 (1.809)	0.444,0.681 (1.152)	0.444,0.623 (1.012)	(1,1,1)	0.967,1.267 (1.634)

S O	b1	b2	b3	b4	b5	b6
b 6	0.655,1.177 (,1.82)	0.514,0.962 (,1.809)	0.434,0.612 (,0.962)	0.494,0.681 (,1.035)	0.612,0.789 (,1.035)	(1,1,1)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۴): ماتریس بردار ویژه نقاط قوت و فرصت‌ها به سازوکار SO

	b1	b2	b3	b4	b5	b6
نقاط قوت (ب)	(0.44,0.556, 0.711)	0.425,0.541 (,0.695)	(0.477,0.61 5,0.749)	0.475,0.61, (0.76)	0.49,0.634, (0.789)	(0.426,0.57 4,0.744)
فرصت (ب)	(0.347,0.44 4,0.561)	0.357,0.459 (,0.584)	(0.316,0.38 5,0.496)	0.313,0.39, (0.501)	0.294,0.366 (,0.474)	(0.328,0.42 6,0.574)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

با استفاده از رابطه زیر:

$$W_i^* = I \times W_{i(i-1)} \times W_{i-1}^* \quad \text{رابطه (۵):}$$

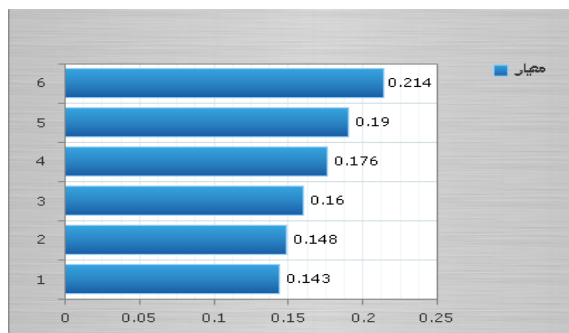
جداول و نمودارهای اوزان نهایی به‌صورت زیر است.

جدول (۱۵): ماتریس اوزان نهایی سازوکارهای SO

رتبه	وزن قطعی نهایی مؤلفه‌ها	وزن فازی نهایی	مؤلفه	سازوکارهای SO
۵	۰/۱۴۸	(0.095,0.142,0.225)	b1	طراحی محصولات متناسب با نوسانات اقتصادی
۳	۰/۱۷۵	(0.099,0.168,0.283)	b2	توسعه زیرساخت‌های فناوری برای پشتیبانی از ارائه محصولات تکافل خرد
۱	۰/۲۱۴	(0.13,0.209,0.315)	b3	بهره‌گیری از تطابق با ارزش‌های اسلامی برای جلب اعتماد و تشویق پذیرش عمومی
۲	۰/۱۹۲	(0.119,0.185,0.281)	b4	استفاده از تجربیات موفق سایر کشورها برای طراحی مدل‌های کارآمد
۴	۰/۱۶۵	(0.109,0.156,0.228)	b5	حمایت از سیاست‌های دولتی برای افزایش

رتبه	وزن قطعی نهایی مؤلفه‌ها	وزن فازی نهایی	مؤلفه	سازوکارهای SO
				شمول مالی و تقویت مالی اسلامی
۶	۰/۱۴۴	(0.098,0.14,0.202)	b6	ایجاد سازوکارهای مدیریت ریسک برای مقابله با رقابت و دسترسی محدود به تکافل

منبع: (یافته‌های تحقیق)



نمودار (۳): اوزان نهایی سازوکارهای SO

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۶): ماتریس مقایسات زوجی سازوکارهای ST

S T	d1	d2	d3	d4	d5	d6
d 1	(1,1,1)	0.681,1.246 (,2.025)	0.733,1.289 (,2.071)	0.733,1.289 (,2.071)	0.733,1.289 (,2.071)	0.733,1.289 (,2.071)
d 2	0.494,0.803 (,1.467)	(1,1,1)	0.789,1.219 (,1.979)	0.762,1.192 (,1.946)	0.779,1.233 (,2.094)	0.724,1.282 (,2.28)
d 3	0.483,0.776 (,1.364)	0.505,0.821 (,1.268)	(1,1,1)	0.701,1.387 (,2.413)	0.651,1.442 (,2.627)	(0.651,1.158 ,1.904)
d 4	0.483,0.776 (,1.364)	0.514,0.839 (,1.312)	0.414,0.721 (,1.428)	(1,1,1)	0.898,1,1.1 (13)	0.898,1,1.1 (13)
d 5	0.483,0.776 (,1.364)	0.478,0.811 (,1.283)	0.381,0.693 (,1.536)	0.898,1,1.1 (13)	(1,1,1)	0.898,1,1.1 (13)
d 6	0.483,0.776 (,1.364)	0.439,0.78, (1.38)	0.525,0.864 (,1.536)	0.898,1,1.1 (13)	0.898,1,1.1 (13)	(1,1,1)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جداول زیر ماتریس های بردار ویژه را نشان می دهد.

جدول (۱۷): ماتریس بردار ویژه سازوکارهای ST

	هدف
d1	(0.126,0.203,0.302)
d2	(0.123,0.183,0.286)
d3	(0.107,0.176,0.274)
d4	(0.109,0.146,0.2)
d5	(0.106,0.144,0.202)
d6	(0.111,0.148,0.204)

منبع: (یافته های تحقیق)

جدول (۱۸): ماتریس بردار ویژه نقاط قوت و تهدیدها به سازوکار ST

S T	d1	d2	d3	d4	d5	d6
قوت ها	0.425,0.563 (,0.714)	0.44,0.544, (0.673)	0.422,0.562 (,0.749)	0.421,0.595 (,0.8)	0.469,0.58, (0.704)	0.447,0.558 (,0.723)
تهدید ها	0.345,0.437 (,0.579)	(0.368,0.45 6,0.564)	0.329,0.438 (,0.583)	(0.301,0.40 5,0.572)	0.346,0.42, (0.519)	0.341,0.442 (,0.551)

منبع: (یافته های تحقیق)

با استفاده از رابطه زیر:

$$W_i^* = I \times W_{i(i-1)} \times W_{i-1}^* \quad \text{رابطه (۶):}$$

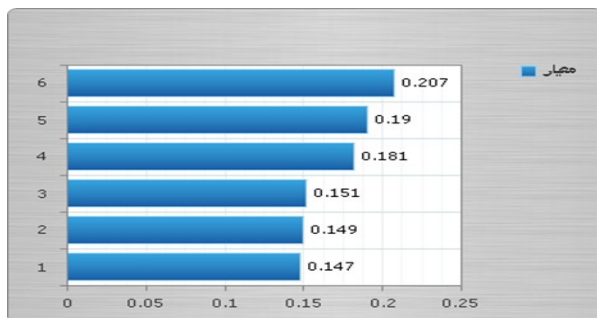
جداول و نمودارهای اوزان نهایی به صورت زیر است:

جدول (۱۹): ماتریس اوزان نهایی سازوکارهای ST

رتبه	وزن قطعی نهایی مؤلفه ها	وزن فازی نهایی	مؤلفه
۱	۰/۲۰۷	(0.126,0.203,0.302)	d1
۲	۰/۱۹۱	(0.123,0.183,0.286)	d2
۳	۰/۱۸۲	(0.107,0.176,0.274)	d3

رتبه	وزن قطعی نهایی مؤلفه‌ها	وزن فازی نهایی	مؤلفه
۵	۰/۱۴۹	(0.109,0.146,0.2)	d4
۶	۰/۱۴۷	(0.106,0.144,0.202)	d5
۴	۰/۱۵۱	(0.111,0.148,0.204)	d6

منبع: (یافته‌های تحقیق)



نمودار (۴): اوزان نهایی سازوکارهای S T

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۲۰): ماتریس مقایسات زوجی سازوکارهای WO

W O	a1	a2	a3	a4	a5
a1	(1,1,1)	0.898,1.225,1. (597)	0.709,1.274,2. (048)	0.737,1.492,2. (553)	0.685,1.526,2. (89)
a2	0.626,0.816,1. (113)	(1,1,1)	0.967,1.267,1. (634)	0.903,1.662,3. (038)	0.793,1.334,2. (107)
a3	0.488,0.785,1. (411)	0.612,0.789,1. (035)	(1,1,1)	0.839,1.435,2. (217)	0.839,1.334,1. (991)
a4	0.392,0.67,1.3 (57)	0.329,0.602,1. (108)	0.451,0.697,1. (192)	(1,1,1)	0.807,0.983,1. (289)
a5	0.346,0.655,1. (46)	0.475,0.75,1.2 (61)	0.502,0.75,1.1 (92)	0.776,1.017,1. (239)	(1,1,1)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۲۱): ماتریس بردار ویژه سازوکارهای WO

	هدف
a1	(0.156,0.253,0.371)
a2	(0.166,0.232,0.32)

هدف	
a3	(0.144,0.203,0.285)
a4	(0.106,0.152,0.232)
a5	(0.113,0.161,0.24)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۲۲): ماتریس بردار ویژه نقاط ضعف و فرصتها به سازوکار WO

W O	a1	a2	a3	a4	a5
نقاط ضعف	0.529,0.702,0. (9)	0.526,0.678,0. (864)	0.528,0.69,0.8 (31)	0.555,0.717,0. (878)	0.494,0.674,0. (864)
فرصتها	(0.232,0.298,0. 395)	0.253,0.322,0. (415)	0.257,0.31,0.4 (05)	0.231,0.283,0. (365)	0.254,0.326,0. (444)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

با استفاده از رابطه زیر:

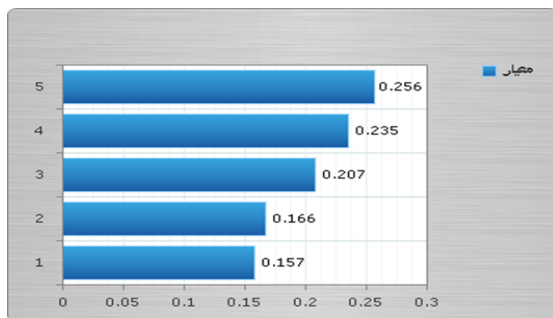
$$W_i^* = I \times W_{i(i-1)} \times W_{i-1}^* \quad \text{رابطه (۷):}$$

جداول و نمودارهای اوزان نهایی به صورت زیر است.

جدول (۲۳): ماتریس اوزان نهایی سازوکارهای WO

رتبه	وزن قطعی نهایی مؤلفه‌ها	وزن فازی نهایی	مؤلفه
۱	0.256	(0.156,0.253,0.371)	a1
۲	0.235	(0.166,0.232,0.32)	a2
۳	0.207	(0.144,0.203,0.285)	a3
۵	0.157	(0.106,0.152,0.232)	a4
۴	0.166	(0.113,0.161,0.24)	a5

منبع: (یافته‌های تحقیق)



نمودار (۵): اوزان نهایی سازوکارهای WO

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۲۴): ماتریس مقایسات زوجی سازوکارهای WT

W T	s1	s2	s3	s4	s5
s1	(1,1,1)	0.874,1.218,1. (697)	(1,1.588,2.535)	1.788,2.594,3. (398)	1.211,2.059,3. (231)
s2	0.589,0.821,1. (144)	(1,1,1)	0.878,1.443,2. (178)	0.785,1.184,1. (767)	1.239,1.87,2.7 (28)
s3	(0.394,0.63,1)	0.459,0.693,1. (139)	(1,1,1)	2.106,3.343,4. (661)	0.789,1.239,1. (808)
s4	0.294,0.385,0. (559)	0.566,0.845,1. (274)	0.215,0.299,0. (475)	(1,1,1)	0.663,0.913,1. (26)
s5	0.309,0.486,0. (826)	0.367,0.535,0. (807)	0.553,0.807,1. (267)	0.794,1.095,1. (509)	(1,1,1)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جداول زیر ماتریس‌های بردار ویژه را نشان می‌دهد.

جدول (۲۵): ماتریس بردار ویژه سازوکارهای WT

	هدف
s1	(0.215,0.301,0.408)
s2	(0.165,0.229,0.31)
s3	(0.149,0.213,0.297)
s4	(0.089,0.116,0.159)
s5	(0.104,0.141,0.198)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۲۶): سوپر ماتريس SWOT

	Goal	s	w	o	t	S O	S T	W O	W T
Goal	(0)	(0,0,0)	(0,0,0)	(0,0,0)	(0,0,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)
s	(0.593, 0.67,0 .744)	(0.5,0.5,0. 5)	(0.336,0.3 68,0.398)	(0.336,0.3 77,0.415)	(0.33,0.37 3,0.413)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)
w	(0.163 ,0.188, 0.212)	(0.339,0.3 79,0.416)	(0.5,0.5,0. 5)	(0.08,0.08 9,0.099)	(0.072,0.0 83,0.094)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)
o	(0.065 ,0.075, 0.088)	(0.078,0.0 89,0.099)	(0.079,0.0 9,0.102)	(0.5,0.5,0. 5)	(0.04,0.04 5,0.053)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)
T	(0.058 ,0.067, 0.079)	(0.029,0.0 33,0.038)	(0.037,0.0 41,0.048)	(0.03,0.03 4,0.039)	(0.5,0.5,0. 5)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)
SO	(0,0,0)	(0.556,0.6 43,0.725)	(0.574,0.6 53,0.729)	(0.5,0.568 ,0.631)	(0.553,0.6 38,0.718)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)
ST	(0,0,0)	(0.161,0.1 97,0.231)	(0.168,0.2 01,0.232)	(0.219,0.2 58,0.297)	(0.18,0.21 4,0.248)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)
WO	(0,0,0)	(0.076,0.0 9,0.106)	(0.075,0.0 88,0.103)	(0.09,0.10 8,0.131)	(0.082,0.0 96,0.114)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)	0,0 (,0)
WT	0,0,0))	(0.059,0.0 7,0.09)	(0.05,0.05 8,0.071)	(0.056,0.0 66,0.08)	(0.046,0.0 52,0.061)	) 0,0 (,0)	) 0,0 (,0)	) 0,0 (,0)	) 0,0 (,0)

منبع: (يافته‌های تحقيق)

جدول (۲۷): ماتريس بردار ويژه نقاط ضعف و فرصت‌ها به سازوکار WT

W T	s1	s2	s3	s4	s5
نقاط ضعف	(0.419,0.51,0. 619)	(0.455,0.577,0. 711)	(0.546,0.663,0. 774)	(0.506,0.652,0. 826)	(0.407,0.536,0. 643)
تهدیدها	(0.404,0.49,0. 597)	(0.343,0.423,0. 536)	(0.289,0.337,0. 409)	(0.275,0.348,0. 449)	(0.387,0.464,0. 611)

منبع: (يافته‌های تحقيق)

با استفاده از رابطه زیر:

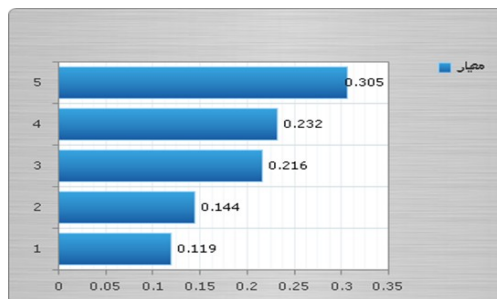
$$W_i^* = I \times W_{i(i-1)} \times W_{i-1}^* \quad \text{رابطه (۸):}$$

جداول و نمودارهای اوزان نهایی به صورت زیر است.

جدول (۲۸): ماتریس اوزان نهایی سازوکارهای WT

رتبه	وزن قطعی نهایی مؤلفه‌ها	وزن فازی نهایی	مؤلفه
۱	۰/۳۰۵	(0.215,0.301,0.408)	s1
۲	۰/۲۳۲	(0.165,0.229,0.31)	s2
۳	۰/۲۱۵	(0.149,0.213,0.297)	s3
۵	۰/۱۱۹	(0.089,0.116,0.159)	s4
۴	۰/۱۴۴	(0.104,0.141,0.198)	s5

منبع: (یافته‌های تحقیق)



نمودار (۶): اوزان نهایی سازوکارهای WT

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه توسعه و تعمیق تکافل در ایران و بررسی چالش‌های اجرای محصولات تکافل خرد در کشور بود. با وجود میزان بالای ریسک و تعدد مواجهه با خطرات در ایران، توجه به این حوزه ضروری است.

در این پژوهش، با استفاده از رویکردی اکتشافی به بررسی محصولات تکافل خرد و ویژگی‌های آن در کشورهای مختلف پرداخته شد. سپس، پس از شناسایی محصولات در سایر کشورها، امکان‌سنجی اجرای این محصولات در ایران با بهره‌گیری از قواعد شرعی و اسلامی و از طریق مصاحبه با خبرگان انجام گرفت. داده‌های گردآوری‌شده با

آزمون‌های آماری مورد تحلیل قرار گرفت و فرضیه‌های تحقیق بر اساس نتایج حاصل از تحلیل SWOT آزمون شدند.

یافته‌ها نشان دادند که یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، کمبود آگاهی عمومی درباره مفهوم و کارکرد تکافل است. چالش دیگر، فقدان چارچوب قانونی و نظارتی مناسب برای حمایت از این صنعت است. در مقابل، از جمله فرصت‌های موجود می‌توان به افزایش توجه جامعه به مفاهیم مالی اسلامی و تمایل به استفاده از خدمات مالی منطبق با اصول شرعی اشاره کرد؛ عواملی که می‌توانند به رشد این صنعت یاری رسانند.

برای بهبود اجرای تکافل خرد در ایران، چندین راهکار مؤثر پیشنهاد می‌شود:

۱) **افزایش آگاهی و آموزش:** برگزاری کارگاه‌ها و سمینارها برای آموزش جامعه هدف درباره مزایای تکافل خرد و نحوه کارکرد آن می‌تواند در ارتقای آگاهی نقش مؤثری داشته باشد. این آموزش‌ها باید شامل آشنایی با اصول شریعت و نحوه انطباق تکافل خرد با این اصول باشد.

۲) **توسعه محصولات متناسب:** طراحی محصولات تکافل خرد متناسب با نیازهای خاص جامعه هدف، می‌تواند به جذب بیشتر مشتریان کمک کند. این محصولات می‌توانند پوشش‌هایی برای حوادث طبیعی، بیماری‌های رایج و سایر خطرات مرتبط با زندگی روزمره فراهم آورند.

۳) **ایجاد چارچوب‌های قانونی و نظارتی:** دولت‌ها باید چارچوب‌های قانونی و نظارتی مناسبی برای حمایت از تکافل خرد تدوین کنند. این امر شامل تسهیل فرآیند ثبت‌نام شرکت‌ها و ارائه مشوق‌های مالی برای توسعه این صنعت است.

۴) **بهره‌گیری از فناوری اطلاعات:** استفاده از فناوری‌های نوین، به‌ویژه بانکداری همراه، می‌تواند دسترسی به خدمات تکافل خرد را تسهیل کند. این فناوری‌ها فرآیندهایی مانند ثبت‌نام، پرداخت حق‌بیمه و دریافت خسارت را ساده‌تر و سریع‌تر می‌سازند.

۵) **همکاری با نهادهای محلی:** مشارکت با سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات خیریه و جوامع محلی می‌تواند دامنه دسترسی به تکافل خرد را گسترش دهد.

این نهادها قادرند به‌عنوان واسطه‌هایی عمل کنند که خدمات تکافل خرد را به جامعه هدف معرفی و ترویج می‌کنند.

۶) **تحقیقات بازار:** انجام مطالعات بازار به شناسایی نیازها و ترجیحات مشتریان کمک می‌کند. این اطلاعات به شرکت‌ها امکان می‌دهد محصولات خود را به‌صورت هدفمند طراحی کرده و راهبردهای بازاریابی مؤثرتری اجرا کنند.

۷) **ترویج فرهنگ همبستگی اجتماعی:** تقویت فرهنگ همبستگی و تعاون در جوامع محلی می‌تواند به پذیرش بیشتر تکافل خرد منجر شود. این امر می‌تواند از طریق فعالیت‌های اجتماعی و خیریه‌ای تحقق یابد که بر اساس اصول تکافل طراحی و اجرا می‌شوند.

در مجموع، این راهکارها می‌توانند بستری مناسب برای توسعه تکافل خرد در کشورهای در حال توسعه فراهم کنند و به تأمین نیازهای مالی اقشار آسیب‌پذیر یاری رسانند.

ملاحظات اخلاقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی باعنوان «امکان سنتجی پیاده سازی تکافل خرد در کشور» که به سفارش پژوهشکده بیمه با مدیریت علمی آقای یزدان گودرزی فراهانی در سال ۱۴۰۳ تدوین شده است.

کتابنامه

- ۱) امیرپور، حیدر (۱۳۹۷). بررسی مبانی فقهی و حقوقی بیمه تکافل و مقایسه آن با عقود مشابه. *دانش حقوق مدنی*، ۷(۱)، ۱۱-۲۰.
- ۲) آزادبخت، فاطمه؛ احمدزاده، عزیز؛ نورانی، وحیده؛ و بردال، زهرا (۱۴۰۲). *مطالعه مقررات بیمه تکافل در کشورهای منتخب و ارائه پیشنویس قوانین و مقررات لازم برای ایجاد نظام تکافل در ایران*. ایران، تهران: پژوهشکده بیمه.

- ۳) پارسا، امیرحسین (۱۴۰۱). بازار جهانی بیمه تکافل ترسیم نقشه راه دستیابی به بازارهای انبوه. گزارشش موردی، ۱۲(۷۰)، ۱-۳۷.
- ۴) توحیدی، محمد؛ رضائی هنجنی، محمدعلی؛ و ناصری منشادی، امیرمحمد (۱۴۰۲). تکافل خرد ابزاری مناسب جهت حمایت از کسب‌وکارهای خرد باهدف شمول مالی و توسعه پایدار، گزارشش موردی، ۱۳(۷۶)، ۲۸-۴۹.
- ۵) حاجی علی‌اکبری، فیروزه؛ زبان‌دان، الهام؛ و جعفرلی، فریماه (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر در پیاده‌سازی بیمه اسلامی (تکافل) در سطح بیمه میهن. پژوهشنامه بیمه، ۹(۴)، ۱۶۳-۱۹۸.
- ۶) عزیزالهی، محمدمهدی (۱۴۰۱). صنعت تکافل در مالزی، گزارشش موردی، ۱۲(۷۱)، ۱۸-۳۵.
- ۷) عسگری، محمدمهدی (۱۴۰۲). روند تکاملی تکافل و مالی اسلامی در ایران. ایران، تهران: پژوهشکده بیمه.
- ۸) عسگری، محمدآبادی؛ و محمدی، مهدی (۱۳۹۲). تحلیل مقایسه‌ای الگوهای تکافل و آسیب‌شناسی آن‌ها از منظر ذی‌نفعان. تحقیقات مالی اسلامی، ۳(۱)، ۱۵۳-۱۸۴. DOI: [10.30497/ifr.2013.1652](https://doi.org/10.30497/ifr.2013.1652)
- ۹) نیلی احمدآبادی، مجید؛ نیاکان، لیلی؛ و حیدری احمدی، مهسا (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب تکافل توسط بیمه‌گذاران شرکتی. تحقیقات مالی اسلامی، ۱۲(۴)، ۸۷۵-۹۰۶. DOI: [10.30497/ifr.2024.245189.1857](https://doi.org/10.30497/ifr.2024.245189.1857)
- ۱۰) واحدی، اسماعیل (۱۳۸۵). بیمه خرد، بازار جدیدی برای صنعت بیمه. تازه‌های جهان بیمه، ۲۷(۱۰۵)، ۱۹-۲۵.

Reference

- 1) Ali, M., Hussain, H. I., Nisar, Q. A., Yenwen, C., Hamid, B. A., & Mahomed, Z. (2023). Developing a social security micro-takaful model for gig economy workforce. *Cuadernos de Economía*, 46(130), 73-86.
- 2) Ansari, Z. (2022). A review of 20 years of takaful literature using a systematic method. *Asian Journal of Economics and Banking*, 6(1), 2-25.
- 3) Amīrpūr, H. (1397 SH/2018). Barrasī-ye Mabānī-ye Feqhī va Hoqūqī-ye Bīmeh-ye Takāful va Moqāyeseh-ye Ān bā 'Oqūd-e Šābeh [An Examination of the Jurisprudential and Legal Foundations of Takaful Insurance and Its Comparison with Similar Contracts]. *Dāneš-e Hoqūq-e Madanī [Civil Law Knowledge]*, 7(1), 11-20. [in Persian]

- 4) Azīz-Allāhī, M. M. (1401 SH/2022). Şan'at-e Takāful dar Mālezī [The Takāful Industry in Malaysia]. *Gozareh-e Moredī [Case Report]*, 12(71), 18-35. [in Persian]
- 5) Asgarī, M. M. (1402 SH/2023). *Ravand-e Takāmoli-ye Takāful va Mālī-ye Eslāmī dar Īrān [The Evolutionary Process of Takāful and Islamic Finance in Iran]*. Tehran, Iran: Pazhūheškadeh-ye Bimeh [in Persian]
- 6) Bank Negara Malaysia. (2010). Development of the financial sector. <https://www.bnm.gov.my/files/publication/fsps/en/2010/cp02.pdf>
- 7) Dey, R., Shahriar, F., & Shahriar, S. (2023). A Review of Literature on Takāful and Conventional Insurance. Evidence from Bangladesh. Munich Personal RePEc Archive.
- 8) Hassan, H. A. (2020). Takāful models: origin, progression and future. *Journal of Islamic Marketing*, 11(6), 1801-1819.
- 9) Hājji 'Alī-Akbarī, F., Zabān-Dān, E., & Jafarī, F. (1399 SH/2020). Barrasī-ye 'Awāmel-e Mo'atter dar Piyāde-Sāzi-ye Bimeh-ye Eslāmī (Takāful) dar Satha-ye Bimeh-ye Miḥan [Investigating the Factors Affecting the Implementation of Islamic Insurance (Takāful) in Miḥan Insurance]. *Pazhūheš-Nāmeḥ-ye Bimeh [Insurance Research Journal]*, 9(4), 163-198. [in Persian]
- 10) IFSB. (2009a). IFSB-8: Guiding Principles on Governance for Takāful (Islamic Insurance) Undertaking. Kuala Lumpur: Islamic Financial Service Board.
- 11) Islamic Finance Development Raport (2024).
- 12) Jaiyeoba, H. B., Abdullah, M. A., Ahmad, W. M. N. W., & Fernando, Y. (2022). Do microtakāful schemes as risk management tools contribute to halal small business sustainability? Evidence from Malaysia. *Journal of Islamic Finance*, 11(2), 126-137.
- 13) Kehinde, L. H., & Sharofiddin, A. (2021). The level of acceptance and awareness of Takāful in Nigeria. *Journal of Islamic Finance*, 10(1), 46-58.
- 14) Micro Insurance Network (2021). Takāful, microtakāful, and the foundations of inclusion.
- 15) Rapi, M. Z. H., Salaudeen, A. O., Ravi, M. I. M. R., Wongsangiam, R., & Redzuan, N. H. (2022). Micro takāful programs for the poor: the Malaysian experience. *International Journal of Accounting*, 7(45), 65-81.
- 16) Rapi, M. Z. H., & Kassim, S. (2023). Perception and Intention to Participation in MicroTakāful Scheme among Indonesians. *Journal of Islamic Monetary Economics and Finance*, 9(1), 133-166.
- 17) Saeed, M. (2019). Challenges of Islamic insurance (Takāful) globally. *Journal of Islamic Finance*, 4(1), 62-87.
- 18) Takāful Ikhlas. (2023). Malaysian Takāful. Retrieved from Malaysian Takāful.
- 19) Āzādbakht, F., Aḥmadzādeh, 'A., Nūrānī, V., & Berdāl, Z. (1402 SH/2023). *Moṭāle'eh-ye Moqarrarāt-e Bimeh-ye Takāful dar Keşvarhā-ye*

- Montaxab va Arāyeh-ye Peiš-Nevīs-e Qavānīn va Moqarrarāt-e Lāzem barāye Ejād-e Nezām-e Takāful dar Īrān* [A Study of Takaful Insurance Regulations in Selected Countries and Drafting Necessary Rules and Regulations for Establishing a Takaful System in Iran]. Tehran, Iran: Pazhūheškadeh-ye Bīmeh [in Persian]
- 20) Pārsā, A. H. (1401 SH/2022). Bāzār-e Jahānī-ye Bīmeh-ye Takāful: Taršīm-e Naqše-ye Rāh-e Dast-Yābī be Bāzār-hā-ye Anbūh [The Global Takaful Insurance Market: Mapping the Roadmap to Access Mass Markets]. *Gozaresh-e Moredī* [Case Report], 12(70), 1-37. [in Persian]
 - 21) Tohidī, M., Rezā'ī Hanjanī, M. 'A., & Nāserī Manšādī, A. M. (1402 SH/2023). Takāful-e Xord: Abzārī Monāseb Jahat-e Hemāyat az Kasb-o-Kār-hā-ye Xord bā Hadaf-e Šomūl-e Mālī va Towse'eh-ye Pāydār [Microtakaful: An Appropriate Tool for Supporting Small Businesses with the Aim of Financial Inclusion and Sustainable Development]. *Gozaresh-e Moredī* [Case Report], 13(76), 28-49. [in Persian]
 - 22) Nīlī Aḥmad-Ābādī, M., Nīākān, L., & Heydarī Aḥmadī, M. (1402 SH/2023). Barrasī-ye 'Awāmel-e Mo'atṭer bar Entexāb-e Takāful Tavasot-e Bimeguzārān-e Šerkatī [Investigating the Factors Affecting the Selection of Takaful by Corporate Policyholders]. *Tahqīqāt-e Mālī-ye Eslāmī* [Islamic Finance Research], 12(4), 875-906. DOI: 10.30497/ifr.2024.245189.1857 [in Persian]
 - 23) Vāhedī, E. (1385 SH/2006). Bīmeh-ye Xord: Bāzār-e Jadīdī barāye Šan'at-e Bīmeh [Microinsurance: A New Market for the Insurance Industry]. *Tāzeh-hā-ye Jahān-e Bīmeh* [Insurance World Updates], 27(105), 19-25. [in Persian]
 - 24) Qian, Y. H., & Darman, H. (2023). Acceptance level of takaful insurance products among non-Muslims in Malaysia. In *E3S Web of Conferences* (Vol. 389, p. 09038). EDP Sciences.
 - 25) Nadzli, N. S. M., Mohd, N. A., Yahaya, M. H., & Mohamad, S. N. A. (2024). Adoption Model Of Microtakaful In Malaysia: A Concept Paper. *al-Qanatir: International Journal of Islamic Studies*, 33(3), 211-226.
 - 26) Loyds, N. D. (2020). Insurance in Developing Countries: Exploring Opportunities in Microinsurance. *Business and Economy*, 2(1), 55-67.
 - 27) Asgari, M. M. and Mohamadi, M. (2013). A Comparative Analysis of Takafol Models and Identifying its Vulnerabilities and Weaknesses from the Perspective of Stakeholders. *Islamic Finance Researches*, 3(1), 153-184. DOI: 10.30497/ifr.2013.1652 [in Persian]

- 28) Salleh, M. C. M., & Padzim, F. Z. (2018). The prevalence of micro takaful products in the eyes of malaysian SMEs. *International Academic Journal of Business Management*, 5(3), 49-65.
- 29) Ahmad Mokhtar, H. S., Abdul Aziz, I., & Md Hilal, N. (2017). Corporate demand for general takāful in Malaysia. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 9(2), 164-184.
- 30) <https://amar.org.ir/>

Investigating the Relationship between State Ownership and the Performance of Interest-Free Banking in Iran

Vahid Bahari Ghoshe Bolag* | Gholam Hasan Taghi Nataj Malekshah | Mohammdd Solgi

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246894.1913>

بررسی ارتباط بین مالکیت دولتی و عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران

نویسندگان: وحید بهاری قوشه بلاغ* | غلامحسن تقی نتاج ملک‌شاه | محمد سلگی

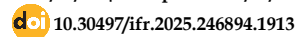
پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.246894.1913>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Investigating the Relationship between State Ownership and the Performance of Interest-Free Banking in Iran

Vahid Bahari Ghoshe Bolag: M.A in Financial Management, Department of Islamic Financial Management, Faculty of Management and Economics, Imam Hussein University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

vahid.bahari93@gmail.com | 0009-0007-2245-6227

Gholam Hasan Taghi Nataj Malekshah: Associate Professor, Department of Islamic Financial Management, Faculty of Management, Imam Hussein University, Tehran, Iran.

tnatajm@ihu.ac.ir | 0009-0008-7846-1487

Mohammad Solgi: Assistant Professor, Department of Islamic Financial Management, Faculty of Management, Imam Hussein University, Tehran, Iran.

kpmsolgi@ihu.ac.ir | 0000-0002-8635-631X

Abstract

1. Introduction and Objective

Evaluating banks' performance is critical due to their fundamental role in ensuring financial stability and promoting economic development. In Islamic banking, operations are governed by Sharia principles, making performance assessments particularly important in Muslim-majority countries such as Iran. The Iranian banking system is characterized by a significant share of state ownership, which may affect efficiency, profitability, and risk-taking behavior. This study aims to examine the relationship between state ownership and the financial performance of Islamic banks in Iran, focusing on whether government-owned banks underperform relative to private banks and identifying the financial indicators most affected by ownership structure.

2. Methods and Materials

This research is applied in nature and adopts a correlational, ex post facto design. The study analyzes 15 banks listed on the Tehran Stock Exchange (TSE) over the period 2015–2021 (1395–1400 SH). Financial performance is measured using four key indicators:

- Return on Assets (ROA) – an indicator of profitability,
- Return on Equity (ROE) – a measure of shareholders' return,
- Capital Adequacy Ratio (CAR) – reflecting financial stability and regulatory compliance, and

- Bank Overdrafts (BD) – representing liquidity dependence and short-term funding stress.

Panel data regression analysis with a fixed-effects approach is employed. The models are estimated using EViews econometric software, and diagnostic tests are conducted to ensure the validity of the models (including checks for autocorrelation and heteroskedasticity). The study also reports the explanatory power (R^2) for each performance measure to highlight model fit.

3. Research Findings

The findings, significant at the 5% error level, demonstrate that state ownership significantly influences banks' financial performance. Specifically:

- State ownership has a negative relationship with ROA, ROE, and CAR, suggesting that state-controlled banks tend to exhibit lower profitability and weaker capital positions.
- Conversely, state ownership has a positive relationship with bank overdrafts, indicating a higher reliance on overdraft facilities among state-owned banks.

The explanatory power of the models varies across indicators: 53% for ROA, 11% for ROE, 12% for CAR, and 64% for bank overdrafts, with the strongest effect observed for overdraft dependency.

4. Discussion

The results align with agency theory and prior research, which argue that state ownership can reduce efficiency due to political interference, weaker governance mechanisms, and soft budget constraints. The negative impact on profitability and capital adequacy suggests that government-owned banks may prioritize political and social objectives over shareholder value maximization. The high reliance on overdraft facilities reflects potential liquidity mismanagement and overdependence on government support.

5. Conclusion and Policy Implications

The study concludes that ownership structure is a critical determinant of Islamic banks' performance in Iran. Policy implications include:

- Enhancing corporate governance frameworks and transparency in state-owned banks,
- Reducing excessive state ownership to encourage competition and efficiency,
- Strengthening regulatory oversight to mitigate liquidity risk and improve capital adequacy.

These measures can improve the overall efficiency of Iran's Islamic banking system and contribute to economic stability.

6. Keywords: State Ownership; Rate of Return on Assets; Rate of Return on Equity; Capital Adequacy Ratio; Bank Overdraft.

7. JEL Classification: G2, G21, H11.

بررسی ارتباط بین مالکیت دولتی و عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران

وحید بهاری قوشه بلاغ: دانش‌آموخته کارشناس ارشد مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

vahid.bahari93@gmail.com

غلامحسن تقی نتاج ملک‌شاه: دانشیار، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. tnatajm@ihu.ac.ir

محمد سلگی: استادیار، گروه مدیریت مالی اسلامی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. kpmsolgi@ihu.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

عملکرد بانک‌ها به دلیل نقش کلیدی آن‌ها در اقتصاد و توسعه کشور، همواره مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران بوده است. بانکداری اسلامی با پیروی از احکام شریعت و در چارچوب اقتصاد اسلامی تعریف می‌شود و در ایران نقش مهمی در تأمین مالی و توزیع منابع دارد. با توجه به اهمیت نظام بانکی، این پژوهش به بررسی ارتباط بین مالکیت دولتی و عملکرد بانکداری اسلامی در ایران پرداخته است.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه تحلیل و گردآوری داده‌ها، همبستگی و پس‌رویدادی است. برای سنجش عملکرد مالی بانک‌ها، شاخص‌های نرخ بازده دارایی‌ها (ROA)، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)، نسبت کفایت سرمایه و اضافه‌برداشت بانکی به کار رفته است. جامعه آماری شامل ۱۵ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ بوده و نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شده است. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون داده‌های ترکیبی و رویکرد اثرات ثابت در نرم‌افزار اقتصادسنجی EViews صورت گرفته است.

۳. یافته‌های تحقیق

نتایج در سطح خطای ۵ درصد نشان داد رابطه معناداری بین مالکیت دولتی و عملکرد مالی بانک‌ها وجود دارد. ضرایب تعیین مدل‌ها بیانگر قدرت توضیحی ۵۳ درصد برای ROA، ۱۱ درصد برای ROE، ۱۲ درصد برای نسبت کفایت سرمایه و ۶۴ درصد برای اضافه‌برداشت بانکی است. همچنین بیشترین اثر مالکیت دولتی بر اضافه‌برداشت بانکی مشاهده شد. یافته‌ها نشان داد مالکیت دولتی با سه شاخص ROA، ROE و نسبت کفایت سرمایه رابطه منفی و با اضافه‌برداشت بانکی رابطه مثبت دارد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها بیانگر آن است که مالکیت دولتی می‌تواند به کاهش بازدهی و نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها منجر شود و در مقابل، وابستگی به منابع دولتی، اضافه‌برداشت بانکی را افزایش می‌دهد. این نتایج بر اهمیت اصلاح ساختار مالکیت و ارتقای کارایی بانک‌های دولتی تأکید دارد. سیاست‌گذاران می‌توانند با کاهش وابستگی دولتی، افزایش شفافیت و تقویت سازوکارهای نظارتی، به بهبود عملکرد مالی نظام بانکی کمک کنند.

واژگان کلیدی: مالکیت دولتی؛ نرخ بازده دارایی‌ها؛ نرخ بازده حقوق صاحبان سهام؛ نسبت کفایت سرمایه؛ اضافه برداشت بانکی.

مقدمه و بیان مسئله

سیاست‌های اجرایی در زمینه بانکداری در تمامی کشورها کمابیش با هدف حمایت از گسترش خدمات بانکی طراحی و اجرا می‌شود. در ایران نیز پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، سیاست‌هایی در قالب برنامه‌های پنج‌ساله توسعه برای گسترش بانکداری، خصوصی‌سازی بانک‌ها و فراهم‌سازی زمینه فعالیت بانک‌های خارجی تدوین و به‌کار گرفته شده است.

با این حال، همچنان نیازهای جامعه به‌طور کامل برآورده نشده است. این مسئله از یک‌سو موجب تداوم چالش‌های مربوط به فعالیت‌های وام‌دهی در بازارهای متشکل و غیرمتشکل پولی و از سوی دیگر سبب نارضایتی سهام‌داران و متقاضیان وام و تسهیلات بانکی شده است.

مقایسه عملکرد بانک‌های متعارف و اسلامی در بهره‌گیری از منابع، می‌تواند راهکاری برای بهبود و کارآمدسازی نرخ سود در کشور ارائه دهد.

بانکداری اسلامی، نظامی نوین و رو به رشد است که به‌جای بهره، بر تسهیم سود و زیان بر پایه اصول اسلامی استوار است.

در مقابل، نظام بانکداری رایج (سنتی) به‌عنوان واسطه مالی میان سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان عمل می‌کند؛ به این معنا که بخشی از سپرده‌های مشتریان را در اختیار وام‌گیرندگان قرار می‌دهد. درآمد اصلی این بانک‌ها از تفاوت بین سود دریافتی از وام‌گیرندگان و سود پرداختی به سپرده‌گذاران به‌دست می‌آید. از آنجا که بانک‌ها هزینه‌هایی مانند هزینه‌های بالاسری و حقوق کارکنان نیز دارند، سود خالص بانک برابر است با تفاوت میان کل درآمدها و هزینه‌ها.

نخستین تفاوت اساسی «بانکداری سنتی» با «بانکداری اسلامی» در نحوه استفاده از پول است. در بانکداری سنتی، پول به‌عنوان یک کالا در نظر گرفته می‌شود و برای کسب سود، خرید و فروش می‌گردد؛ در حالی که در بانکداری اسلامی، پول صرفاً ابزاری برای تسهیل مبادلات و تحقق اهداف اقتصادی است.

تفاوت دیگر این است که نظام بانکداری سنتی (ربوی) برای تمام نیازها — اعم از مصرفی و سرمایه‌گذاری — از ابزار قرض با بهره استفاده می‌کند و معمولاً نرخ بهره در

بازار پول و به صورت برونزا و جدا از اقتصاد واقعی شکل می‌گیرد. در مقابل، بانکداری اسلامی متناسب با نیازهای واقعی جامعه از ابزارهای مالی متنوعی بهره می‌برد. برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای کوتاه‌مدت، ابزارهایی چون قرض‌الحسنه، مرابحه و اجاره‌به‌شرط‌تملیک و برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بلندمدت، قراردادهایی مانند مشارکت، مضاربه، مزارعه و مساقات را به کار می‌گیرد. در این نظام، به جای نرخ بهره از نرخ سود استفاده می‌شود که برگرفته از فعالیت‌های اقتصاد واقعی است.

در بانکداری اسلامی برخلاف بانکداری سنتی، بانک به عنوان وکیل عمل کرده و سود و زیان میان سرمایه‌گذار و متقاضی تسهیلات تقسیم می‌شود.

از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، در پی اجرای سیاست‌هایی با هدف کاهش مداخله دولت، تقویت بخش خصوصی و ایجاد رقابت در اقتصاد، راهبرد خصوصی‌سازی به عنوان یکی از ارکان سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت (کميجانی، ۱۳۸۲). طرفداران خصوصی‌سازی بر این باورند که این اقدام بخشی از تغییر منطقی راهبرد توسعه است و با تکیه بر سازوکار بازار، موجب افزایش بهره‌وری و کاهش اندازه بخش دولتی می‌شود.

بخش بانکی نیز از این تحولات بی‌نصیب نماند و طی دهه‌های اخیر موج گسترده‌ای از خصوصی‌سازی در این حوزه رخ داده است. در ایران نیز تحولات مشابهی اتفاق افتاد؛ به طوری که در سال ۱۳۷۹، با هدف بهینه‌سازی نظام مدیریت منابع و مصارف، کاهش مطالبات سررسید گذشته و معوق و در مجموع افزایش کارایی بانک‌ها، مجوز تأسیس بانک‌های خصوصی صادر شد و تعدادی بانک خصوصی به فعالیت پولی پرداختند. همچنین در پی اجرای ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و الزام دولت به واگذاری شرکت‌ها و مؤسسات مالی، بانک‌های صادرات، ملت، تجارت و رفاه از سال ۱۳۸۷ به بعد خصوصی شدند. با وجود این، همچنان بخشی از سهام برخی بانک‌های خصوصی شده در اختیار دولت باقی مانده است.

ساختار مالکیت، به‌ویژه تمایز میان مالکیت خصوصی و دولتی، از عوامل کلیدی در تعیین عملکرد بنگاه‌هاست.

براساس دیدگاه شلايفر^۱ (۱۹۹۸م)، مالکیت خصوصی عموماً بر مالکیت دولتی ارجح است؛ به‌ویژه هنگامی که انگیزه‌های نوآوری و کاهش هزینه‌ها در بنگاه‌های اقتصادی قوی باشد و عواملی مانند رقابت بین عرضه‌کنندگان، سازوکارهای شهرت و خوشنامی، امکان‌پذیری ارائه خدمات توسط بنگاه‌های خصوصی، فساد و قیومیت سیاسی وارد عرصه بازی شوند.

البته در برخی شرایط، مالکیت خصوصی الزاماً بهینه نیست. بر اساس مطالعه^۲ شلايفر و ویشنی (۱۹۹۷م)، عواملی مانند قدرت انحصاری، آثار خارجی و مباحث توزیعی نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کنند که ممکن است موجب شود مالکیت خصوصی نتواند بالاترین منافع اجتماعی را محقق کند.

به‌طور کلی، دو نظریه اصلی درباره تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بنگاه‌ها مطرح شده است:

۱) نظریه حاکمیت شرکتی^۳: این نظریه توسط شلايفر و ویشنی (۱۹۹۷م)

به تفصیل بیان شده است. بر اساس این دیدگاه، بنگاه‌های دارای مالکیت دولتی به‌صورت فنی تحت کنترل دولت بوده و توسط بوروکرات‌های سیاسی اداره می‌شوند. این بوروکرات‌ها از «حقوق کنترل کاملاً متمرکز» برخوردارند اما «حقوق جریان نقدینگی» چندانی ندارند. اهداف و انگیزه‌های آنان عمدتاً در جهت منافع سیاسی بوده و اغلب با بهبود رفاه اجتماعی و حداکثرسازی ارزش بنگاه در تعارض است.

دلالت اصلی این نظریه آن است که بانک‌های دولتی به دلیل انگیزه‌های خاص بوروکرات‌ها و مدیران بانکی، در مقایسه با بانک‌های خصوصی عملکرد ضعیف‌تری دارند.

1. Schleifer

2. Shleifer & Vishny

3. Corporate Governance Theory

۲) نظریه بازارهای رقابت‌پذیر و هزینه نمایندگی یا کارگزاری^۴: این نظریه توسط کانی^۵ (۲۰۰۰م) ارائه شده و مدلی عمومی از چرخه زندگی بحران‌های بانکی ناشی از مقررات را ترسیم می‌کند. این دیدگاه بینش بهتری در خصوص تفاوت الگوهای عملکردی بانک‌های دولتی و خصوصی در طول زمان ارائه می‌دهد.

کانی در مطالعه خود بیان می‌کند که سیاست‌مداران به دنبال انحراف رانت‌ها هستند؛ رانت‌هایی که در گذشته از طریق هدایت وام‌های ارزان‌قیمت به بخش‌ها و احزاب قدرتمند سیاسی به دست آورده‌اند. در بانک‌های دولتی، حجم اعطای این نوع وام‌های یارانه‌ای بسیار بزرگ‌تر از بانک‌های خصوصی است. این امر موجب می‌شود:

- نخست، زیان‌های انباشته و ذخیره‌نشده در بانک‌های دولتی ایجاد شود.
- دوم، چارچوب‌های گزارش‌دهی و قراردادی ضعیف در نهادهای دولتی، مانع پاسخ‌گویی شفاف و کنترل اندازه یارانه‌ها گردد.

هنگامی که مقیاس این زیان‌ها افزایش یابد و تردیدهایی درباره تمایل یا توانایی دولت در تضمین بدهی‌های رو به رشد و حمایت از سیستم بانکی ورشکسته ایجاد شود، بحران بانکی بروز خواهد کرد. در چنین شرایطی، سرعت وخامت عملکرد بانک‌های دولتی بیشتر است زیرا آن‌ها پیش از بحران زیان‌های گسترده‌تری داشته‌اند. با توجه به نتایج متناقض تحقیقات گذشته درباره رابطه میان مالکیت دولتی و عملکرد بانک‌ها، پرسش اساسی پژوهش حاضر این است: «آیا مالکیت دولتی بر عملکرد بانک‌ها از نظر بازدهی و سایر شاخص‌های عملکردی اثرگذار است یا خیر؟»

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. مالکیت دولتی

ساختار مدیریت کشور به طور مستقیم تحت تأثیر سیاست‌های کلان دولت قرار دارد و به همین دلیل در هر برش تاریخی، مدیریت کلان از نظام سیاسی حاکم تبعیت می‌کند و باید در پرتو همین نظام تحلیل و بررسی شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سه نوع مالکیت را مشخص کرده است:

۱. بخش دولتی؛

۲. بخش تعاونی؛

۳. بخش خصوصی.

با این حال، سازمان اداری دولت و مؤسسات تحت نظارت آن همچنان از الگوی تشکیلاتی نظام‌های پیشین پیروی می‌کنند که موجب نوعی تداخل و هم‌پوشانی نامتجانس میان وظایف دولت، مالکیت دولتی و مدیریت دولتی شده است.

این ساختار سازمانی و اداری دولت، عمدتاً بر پایه اصطلاحات و مفاهیمی ترسیم شده است که در قانون محاسبات عمومی به کار رفته است. اگرچه در اصطلاح «مؤسسات عمومی غیردولتی» واژه «غیردولتی» به صورت مسامحه‌آمیز به کار برده می‌شود، اما بر اساس ماده ۱۲ قانون محاسبات عمومی، این گونه مؤسسات نیز مشمول مقررات قانونی مربوط به اموال عمومی هستند.

از این منظر می‌توان استنباط کرد که مؤسسات عمومی غیردولتی، نهادهایی هستند که صرفاً حساب‌های مالی آن‌ها در خزانه متمرکز نیست و طبق قوانین و مقررات خاص، به طور مستقل از قوه مجریه اداره می‌شوند. با این وجود، استقلال آن‌ها از قوه مجریه به معنای رفع مسئولیت امانی ناظر بر مدیریت مؤسسات عمومی نیست.

۱-۲. بانکداری اسلامی

ایده بانکداری اسلامی نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح شد. نخستین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در دهه ۱۹۶۰ در کشورهای مالزی و مصر تأسیس گردید و پس از آن در سال ۱۹۷۴، بانک اسلامی دبی آغاز به کار کرد.

براساس گفته قحف^۶ (۱۹۹۹م)، تاکنون تعداد بانک‌های اسلامی در سراسر جهان از ۱۰۰ مؤسسه فراتر رفته است؛ تا آنجا که ادواردز^۷ (۲۰۰۰م) ظهور بانکداری اسلامی را نوعی ابداع مذهبی توصیف کرده است. بانک‌های اسلامی با توجه به محیط و شرایط حقوقی-فرهنگی کشور محل فعالیت، به سه دسته اصلی قابل تفکیک هستند:

- ۱) بانک‌هایی که در کشورهایی فعالیت می‌کنند که قوانین آن مطابق با شریعت اسلامی است و بانکداری رایج در آنجا بانکداری اسلامی محسوب می‌شود؛ مانند: ایران، پاکستان و سودان.
- ۲) بانک‌هایی که در کشورهایی با اکثریت مسلمان فعالیت می‌کنند اما بانکداری رایج در آن کشورها سنتی است؛ مانند بسیاری از کشورهای عربی مسلمان.
- ۳) بانک‌هایی که در کشورهایی با اکثریت غیرمسلمان فعالیت می‌کنند و بانکداری متعارف در آنجا حاکم است؛ مانند کشورهای غربی.

بانک‌های اسلامی در کشورهای غربی با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. افزون بر مشکلاتی که این بانک‌ها در کشورهای اسلامی با آن مواجه‌اند، در محیط‌های غربی با مسائل زیربنایی دیگری مانند نبود حمایت قانونی و دولتی و کمبود نیروی انسانی متخصص مواجه‌اند. به‌طورکلی، نگرش و طرز تفکر رایج مشکل اصلی بانکداری اسلامی در غرب است. به گفته دیکسون^۸ (۱۹۹۲م): «غرب در ایجاد نگرش مثبت نسبت به نیازهای بانک‌های اسلامی ناکام مانده است.»

علاوه‌براین، انتقادات دیگری نیز به عملکرد بانک‌های اسلامی در سطح جهانی وارد شده است. از جمله اینکه این بانک‌ها هنوز نتوانسته‌اند سازوکارهای کارآمد و بدون بهره برای سپرده‌های کوتاه‌مدت طراحی کنند. همچنین در زمینه تأمین مالی مشتریان و کسری‌های مالی دولت‌ها انتقاداتی وجود دارد؛ چرا که نظام مبتنی بر تقسیم سود و

6. Kahf
7. Edwards
8. Dixon

زیان، با ریسک بالایی همراه است و اغلب بانک‌ها تمایل به دستیابی به بازدهی ثابت و مطمئن دارند. در نتیجه، در بسیاری از موارد، حذف واقعی بهره محقق نشده و صرفاً نام‌گذاری و اصطلاحات قراردادهای و مبادلات تغییر یافته است بدون اینکه ماهیت ربوی به‌طور کامل کنار گذاشته شود.

رسفیعانی و دهقان (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای، تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌های خصوصی را با در نظر گرفتن نقش میانجی پایداری شرکت بررسی کردند. جامعه آماری این پژوهش شامل کارکنان بانک‌های خصوصی ایران بوده است که با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای متشکل از ۳۸۴ نفر انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS3 تحلیل شد. نتایج نشان داد:

✓ حاکمیت شرکتی به‌طور مستقیم بر عملکرد مالی و پایداری شرکت تأثیرگذار است.

✓ پایداری شرکت نیز تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی دارد.

✓ حاکمیت شرکتی با در نظر گرفتن نقش میانجی پایداری شرکت، همچنان اثر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی دارد.

✓ نقش میانجی کارایی زیست‌محیطی و سیستم مدیریت سلامت و ایمنی در این رابطه تأیید شد، اما توسعه جامعه و مدیریت محیط‌زیست و تعهد به ظرفیت توسعه اجتماعی نقش میانجی ایفا نکردند.

همچنین اسعدی و ابری (۱۳۹۹) در پژوهشی دیگر، اثر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها را بررسی کردند. داده‌های این تحقیق شامل اطلاعات مربوط به ۱۸ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ بود. تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌ها نشان داد:

✓ ابعاد ساختار مالکیت تأثیر معناداری بر حاکمیت شرکتی بانک‌ها ندارند.

✓ با این حال، ساختار مالکیت می‌تواند اثر معکوس و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها داشته باشد.

✓ ابعاد نظام حاکمیت شرکتی اثر مستقیم و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها دارند که نشان می‌دهد بهبود سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند منجر به ارتقای معنادار عملکرد مالی شود.

رجبی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها با در نظر گرفتن مدیریت ریسک به‌عنوان متغیر میانجی در میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که حاکمیت شرکتی با لحاظ نقش مدیریت ریسک، اثر معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد.

تقی‌نجاج، بحری ثالث و قادری (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیلی کیفیت افشا پرداختند. برای دستیابی به این هدف، از مدل‌های رگرسیونی با داده‌های ترکیبی مربوط به دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ استفاده شد و کلیه بانک‌های خصوصی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که کیفیت حاکمیت شرکتی اثر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها دارد؛ اما کیفیت افشا تأثیر معناداری بر تعامل بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بانک‌ها نشان نداد.

نخعی و زهرایی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد واسطه‌های مالی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ پرداختند. با استفاده از روش حذف سامانمند، نمونه نهایی شامل ۲۹ بانک و شرکت سرمایه‌گذاری انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ساختار مالکیت (نهادی، حقیقی و تمرکز مالکیت) تأثیر معناداری بر بازده دارایی‌ها (ROA) دارد؛ اما همین متغیرها تأثیر معناداری بر بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) نشان ندادند.

مازندرانی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی و ریسک در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نمونه تحقیق شامل ۹ بانک بورسی بود و فرضیه‌ها با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر

داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که میان ارتباطات سیاسی و بازده دارایی‌ها (ROA) رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که بین ارتباطات سیاسی و ریسک عدم دریافت بدهی، رابطه مثبت و معناداری برقرار است.

سعدی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که فرضیه اول رد شد، اما فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم تأیید شدند. یافته‌ها بیانگر آن است که میان درصد مدیران غیرموظف و نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) رابطه معناداری وجود ندارد؛ در حالی که بین تفکیک وظایف مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره، حضور سهامداران نهادی و اندازه بانک با عملکرد بانک رابطه معناداری مشاهده شد.

ترکی^۹ (۲۰۲۱م) در مطالعه‌ای، تعداد ۲۵ بانک اسلامی طی بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ میلادی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون خطی نشان داد که مالکیت دولتی اثر مثبت و معناداری بر عملکرد بانک‌ها دارد.

تسسیم^{۱۰} (۲۰۱۹م) در مطالعه‌ای، به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و ارتباطات سیاسی بر عدم تقارن اطلاعاتی بانک‌ها پرداخت. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی شامل مجموعه‌ای از فرآیندها و ساختارهاست که به هدایت و راهبری مؤسسات مالی کمک می‌کند تا از امنیت و سلامت عملکرد خود اطمینان حاصل کنند. در این تعریف، نظام راهبری شرکتی به معنای توزیع اختیارات و به‌کارگیری سازوکارهای مناسب توسط هیئت‌مدیره، هیئت عامل و سهام‌داران است تا بتوانند در برابر سایر ذی‌نفعان بانک از جمله سپرده‌گذاران، مشتریان، کارکنان و در سطحی کلان‌تر آحاد جامعه پاسخ‌گو باشند. این نظام ساختاری را برای توسعه و اجرای اهداف سازمانی فراهم کرده و امکان نظارت و کنترل بر عملکرد بانک‌ها را مهیا می‌سازد.

9. Turki

10. Tessem

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که حاکمیت شرکتی تأثیر مثبت و معناداری بر کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی دارد و ارتباطات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر آن بر جای می‌گذارد.

چن و دیگران^{۱۱} (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به ارائه الگویی از تأثیر ارتباطات سیاسی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها در شرایط بروز بحران‌های مالی پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها دارد و در مقابل، حاکمیت شرکتی اثر مثبت و معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها بر جای می‌گذارد. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که تأثیر منفی ارتباطات سیاسی بر عملکرد بانک‌ها در طول بحران‌های مالی قوی‌تر و تأثیر مثبت حاکمیت شرکتی در این شرایط ضعیف‌تر است.

دگناو و ونگ^{۱۲} (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای، به بررسی تأثیر مالکیت دولتی و خصوصی بر سودآوری بانک‌های تجاری در کشور اتیوپی پرداختند. این مطالعه با استفاده از داده‌های تابلویی مربوط به ۸ بانک تجاری اتیوپی در دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ میلادی انجام شد. در این تحقیق، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) به‌عنوان شاخص سودآوری به‌کار گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که بانک‌های تجاری دولتی در این دوره عملکرد بهتری نسبت به بانک‌های تجاری خصوصی داشته‌اند. همچنین از میان متغیرهای کنترلی مورد استفاده، اندازه بانک، نقدینگی، وام و پیش‌پرداخت‌ها و سرمایه‌گذاری بانک تأثیر مثبت و معناداری بر سودآوری بانک‌های تجاری داشتند.

لأمارنه^{۱۳} (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای، به بررسی اثر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانکی (سودآوری و کارایی عملیاتی) پرداخت. این تحقیق با تکیه بر داده‌های عمومی ۱۳ بانک پذیرفته‌شده در بورس کشور اردن طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ میلادی انجام شد. نتایج مطالعه نشان داد که تمرکز مالکیت اثر مثبت و معناداری بر سودآوری بانک‌ها دارد، در حالی که مالکیت خارجی اثر مثبت و معناداری بر کارایی عملیاتی بانک‌ها بر جای می‌گذارد. یافته مهم دیگر این پژوهش آن است که افزایش

11. Chen et al

12. Dagnaw & Wang

13. Al-Amarnah

اندازه هیئت مدیره موجب بهبود سودآوری بانکها می شود که این امر ضرورت وجود استانداردهای مناسب حاکمیت شرکتی برای بانکها، سرمایه گذاران و سایر ذی نفعان را برجسته می کند.

۲. مدل رگرسیونی و تعریف عملیاتی متغیرها

رابطه (۱): $FP_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 SO_{i,t} + \beta_2 CAR_{i,t} + \beta_3 LD_{i,t} + \beta_4 LA_{i,t} + \beta_5 LC_{i,t} + \beta_6 IRI_{i,t} + \epsilon_{i,t}$

۱-۲. متغیر وابسته

عملکرد بانک، در این تحقیق برای اندازه گیری عملکرد بانک از شاخص های زیر استفاده شده است.

➤ **ROA**: نرخ بازده دارایی ها که برابر است با سود خالص تقسیم بر مجموع دارایی ها؛

➤ **ROE**: نرخ بازده حقوق صاحبان سهام که برابر است با سود خالص تقسیم بر مجموع حقوق صاحبان سهام؛

➤ **CAR**: نسبت کفایت سرمایه و برابر است با سرمایه پایه تقسیم بر دارایی های ریسک پذیر؛

➤ **OverDraf**: بیانگر اضافه برداشت بانکی که تفاوت طلب از بانکها و سایر مؤسسات مالی نسبت به بدهی به بانکها و مؤسسات مالی تقسیم بر مجموع دارایی ها است (Turki, 2021).

۲-۲. متغیر مستقل: مالکیت دولتی

متغیر مستقل مالکیت دولتی SO است که برابر با سهام در اختیار دولت تقسیم بر تعداد سهام منتشره شرکت است.

۳-۲. متغیرهای کنترل

➤ **EQU**: نسبت حقوق صاحبان سهام به مجموع دارایی ها؛

➤ **LD**: نسبت مجموع وام به مجموع سپرده ها؛

➤ **LA**: نسبت مجموع وام ها به مجموع دارایی ها؛

➤ **LC**: نسبت دارایی های نقدی منهای بدهی های نقدی به مجموع دارایی ها؛

➤ IRI: شاخص ریسک ورشکستگی بانک با استفاده از مدل آلتمن (Turki, 2021).

۳. آمار توصیفی

بررسی شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه نشان می‌دهد:

- ✓ **نرخ بازده دارایی‌ها (ROA):** میانگین این متغیر در بین بانک‌های نمونه ۰.۰۰۰۰۵، با بیشینه ۱۷ درصد و کمینه ۱۳- درصد است که به ترتیب به بانک دی در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۶ تعلق دارد. انحراف معیار ۳ درصدی ROA نسبت به میانگین بسیار بالاست که بیانگر عدم پایداری بانک‌ها در کسب سودآوری و نوسان شدید آن طی دوره زمانی تحقیق است.
- ✓ **نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE):** میانگین ROE در نمونه مورد بررسی ۱۸ درصد منفی بوده است. بیشینه آن ۳.۶۰۴ و کمینه آن ۱۶.۱۹۸- است که به ترتیب به بانک تجارت در سال ۱۳۹۶ و پست‌بانک در سال ۱۳۹۹ مربوط می‌شود.
- ✓ **نسبت کفایت سرمایه:** این شاخص نشان‌دهنده وضعیت نامناسب نظام بانکی ایران است؛ به گونه‌ای که میانگین آن حدود ۱ درصد منفی است. بیشینه نسبت کفایت سرمایه ۱۳ درصد و مربوط به بانک خاورمیانه در سال ۱۳۹۵ و کمینه آن ۹۳ درصد منفی مربوط به بانک تجارت در سال ۱۳۹۷ است. نتایج نشان می‌دهد اکثر بانک‌های دولتی دارای نسبت کفایت سرمایه منفی هستند.
- ✓ **اضافه‌برداشت بانکی:** این متغیر دارای میانگین حدود ۲ درصد منفی با بیشینه ۱۳ درصد و کمینه ۳۱ درصد منفی است که به ترتیب به بانک خاورمیانه در سال ۱۳۹۷ و بانک دی در سال ۱۳۹۸ تعلق دارد.
- ✓ **مالکیت دولتی:** میانگین میزان مالکیت دولتی در بین بانک‌های نمونه ۲۸ درصد است و بیشینه آن ۹۱ درصد مربوط به بانک سینا است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

شرح	میانگین	میان	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی
نرخ بازده دارایی‌ها	۰.۰۰۵	۰.۰۰۳	۰.۱۷۱	-۰.۱۳۲	۰.۰۳۷	۰.۴۰۱

شرح	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	-/۱۸۴	/۱۰۸	۳/۶۰۴	-۱۶/۱۹۸	۲/۲۰۳	-۵/۳۲۸
نسبت کفایت سرمایه	-/۰۰۶	/۰۲۹	/۱۳۵	-/۹۳۷	۳۹/۶۳۴	۹/۳۲۷
اضافه برداشت بانکی	-/۰۱۹	-/۰۰۵	/۱۳۱	-/۳۱۴	/۰۷۲	-۱/۳۷۶
مالکیت دولتی	/۲۸۵	/۰۶۰	/۹۱	۰	/۳۲۷	/۵۷۷
نسبت حقوق صاحبان سهام	/۰۲۳	/۰۴۱	/۱۲۵	-/۴۸۱	/۰۹۳	-۲/۹۷۲
نسبت وام به سپرده	۲/۳۵۴	۲/۰۵۹	۵/۸۲۴	/۵۱۱	۱/۲۸۸	/۸۱۷
نسبت وام به دارایی‌ها	/۵۳۵	/۵۶۷	/۷۵۹	/۱۰۲	/۱۳۷	-/۷۴۰
نسبت دارایی نقدی	/۴۷۹	/۵۵۴	/۸۰۱	-/۶۱۶	/۲۴۵	-۲/۱۶۵
شاخص ورشکستگی	/۹۳۳	۱	۱	۰	/۲۵۰	-۳/۴۷۴

منبع: (محاسبات محققین)

۴. انتخاب آزمون‌های تشخیصی مدل

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۲)، مشخص شد که در آزمون فرضیه‌های مدل اول و چهارم باید از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت/تصادفی استفاده شود، در حالی که برای مدل‌های دوم و سوم، به کارگیری روش داده‌های تلفیقی^{۱۴} مناسب تر است.

جدول (۲): نتایج آزمون تعیین داده‌های ترکیبی

شرح مدل	شرح آزمون	آماره	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
مدل اول	اف لیمر	۱/۹۸۳	۱۴	/۰۳۲	انتخاب داده‌های تابلویی
	هاسمن	۲۰/۹۹۳	۶	/۰۰۱	انتخاب داده‌های اثرات ثابت
مدل دوم	اف لیمر	/۵۸۹	۱۴	/۸۶۴	انتخاب داده‌های تلفیقی
	هاسمن	-	-	-	-
مدل اول	اف لیمر	/۷۸۹	۱۴	/۶۷۶	انتخاب داده‌های تلفیقی
	هاسمن	-	-	-	-
مدل دوم	اف لیمر	۴/۵۹۳	۱۴	/۰۰۰	انتخاب داده‌های تابلویی
	هاسمن	۹/۳۲۱	۶	/۰۴۷	انتخاب داده‌های اثرات ثابت

منبع: (محاسبات محققین)

۴. آزمون ناهمسانی واریانس

براساس نتایج آزمون بروش - پاگان که در جدول (۳) گزارش شده است، در مدل اول پژوهش مشکل ناهمسانی واریانس خطاها وجود دارد؛ زیرا احتمال (p-value) به دست آمده کمتر از ۰.۰۵ است. به منظور رفع این مشکل و بهبود برآورد ضرایب، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) برای برآورد مدل استفاده شد.

جدول (۳): آزمون ناهمسانی واریانس

شرح مدل	آماره خی دو	p-value	نتیجه آزمون
مدل اول	۱۶/۰۵۴	./۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس
مدل دوم	./۶۶۰	./۶۸۱	وجود همسانی واریانس
مدل سوم	./۵۱۲	./۷۹۷	وجود همسانی واریانس
مدل چهارم	۱/۳۵۱	./۲۴۴	وجود همسانی واریانس

منبع: (محاسبات محققین)

۵. آزمون مدل اول پژوهش

پس از برآورد ضرایب، آماره دوربین-واتسون مقدار ۱.۹۳۶ را نشان داد که بیانگر عدم وجود همبستگی پیاپی در اجزای اخلاص مدل است. بنابراین مشکل خودهمبستگی سریالی در مدل مشاهده نمی شود.

پیش از آزمون فرضیه ها، لازم است از صحت و برازش کلی مدل اطمینان حاصل شود. بدین منظور، از آزمون F برای بررسی معناداری کل مدل استفاده گردید. نتایج نشان داد که سطح معناداری آماره F برابر با ۰.۰۰۰۰ است؛ بنابراین مدل رگرسیونی برازش شده به طور کلی معنادار است.

براساس ضریب تعیین مدل (R^2)، حدود ۵۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تبیین می شود که نشان دهنده قدرت توضیح دهنده گوی مناسب مدل است.

از سوی دیگر، هم خطی زمانی رخ می دهد که یک متغیر مستقل تابعی خطی از سایر متغیرهای مستقل باشد؛ در چنین شرایطی، حتی اگر ضریب تعیین بالا باشد، اعتبار مدل کاهش می یابد. برای بررسی این موضوع، عامل تورم واریانس (VIF) محاسبه شد.

با توجه به اینکه مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل و کنترلی کمتر از ۵ بود، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. بنابراین، مدل برازش‌شده از نظر آماری معتبر بوده و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش قابل اتکاست.

جدول (۴): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل اول پژوهش (نرخ بازده دارایی‌ها)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون تی	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
عرض از مبدأ	./۰۰۹	./۰۱۳	./۷۳۷	./۴۶۳	-
مالکیت دولتی	-./۰۶۴	./۰۲۱	-۲/۹۸۹	./۰۰۳	۱/۵۷۳
نسبت حقوق صاحبان سهام	./۱۴۵	./۰۶۱	۲/۳۹۱	./۰۱۹	۱/۱۷۴
نسبت وام به سپرده	-./۰۰۴	./۰۰۲	-۱/۶۸۹	./۰۹۵	۳/۳۲۹
نسبت وام به دارایی‌ها	./۰۴۸	./۰۲۰	۲/۴۲۷	./۰۱۷	۱/۷۷۵
نسبت دارایی نقدی	-./۰۰۱	./۰۱۸	-./۰۵۱	./۹۵۹	۲/۵۱۶
شاخص ورشکستگی	-./۰۰۵	./۰۰۶	-./۸۸۹	./۳۷۷	۱/۱۷۴
آماره اف فیشر	۶/۰۹۷		آزمون دوربین واتسون		۱/۹۳۶
سطح معناداری اف فیشر	./۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل‌شده		./۵۳۳

منبع: (محاسبات محققین)

فرضیه اول تحقیق: «بین مالکیت دولتی و نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.»

- **شرح آزمون فرضیه:** در این فرضیه، مالکیت دولتی به‌عنوان متغیر مستقل و نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.
- **نتایج:** براساس نتایج ارائه‌شده در جدول مربوط، ضریب برآوردی متغیر مالکیت دولتی حدود ۰.۰۶- (شش درصد منفی) به دست آمده است. همچنین قدر مطلق آماره t بزرگ‌تر از ۲ بوده و سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ (۰.۰۰۳) است.

- **تفسیر:** نتایج فوق نشان می‌دهد که بین مالکیت دولتی و نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها ارتباط معناداری وجود دارد. علامت منفی ضریب نیز بیانگر رابطه‌ای معکوس است؛ به این معنا که افزایش مالکیت دولتی با کاهش نرخ بازده دارایی‌های بانک‌ها همراه است.
- **نتیجه‌گیری:** با توجه به سطح خطای ۵ درصد، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

۶. آزمون مدل دوم پژوهش

پس از برآورد ضرایب، آماره دوربین-واتسون مقدار ۲.۲۰۵ را نشان داد که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلال مدل است. بنابراین مشکل همبستگی پیاپی در این مدل مشاهده نمی‌شود. برای بررسی برازش کلی مدل، از آزمون F استفاده شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری آماره F برابر با ۰.۰۰۰ است؛ بنابراین مدل رگرسیونی برازش شده به‌طور کلی معنادار است. براساس مقدار ضریب تعیین (R^2)، حدود ۱۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود که هرچند نسبت به مدل اول کمتر است، اما همچنان بیانگر قدرت توضیح‌دهندگی قابل قبول مدل است. همچنین به‌منظور بررسی وجود هم‌خطی چندگانه، عامل تورم واریانس (VIF) برای متغیرهای مستقل و کنترلی محاسبه شد. از آنجا که مقدار VIF برای همه متغیرها کمتر از ۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل هم‌خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. در نتیجه، مدل دوم برازش شده از اعتبار آماری کافی برخوردار است و می‌تواند مبنای آزمون فرضیه مربوطه قرار گیرد.

جدول (۵): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل دوم پژوهش (نرخ بازده حقوق صاحبان سهام)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون تی	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
عرض از مبدأ	۰/۲۵۸	۰/۳۰۳	۰/۸۵۰	۰/۳۹۷	-
مالکیت دولتی	-۰/۶۲۴	۰/۲۱۶	-۲/۸۸۳	۰/۰۰۴	۱/۵۷۳
نسبت حقوق صاحبان سهام	۰/۴۲۲	۰/۰۷۷	۵/۴۷۴	۰/۰۰۰	۱/۱۷۴
نسبت وام به سپرده	-۰/۰۶۱	۰/۰۴۴	-۱/۳۷۱	۰/۱۷۳	۳/۳۲۹

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون تی	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
نسبت وام به دارایی‌ها	۰/۸۵۹	۰/۴۶۹	۱/۸۳۲	۰/۰۷۱	۱/۷۷۵
نسبت دارایی نقدی	-۰/۴۵۲	۰/۴۶۰	-۰/۹۸۲	۰/۳۲۸	۲/۵۱۶
شاخص ورشکستگی	-۰/۱۶۶	۰/۱۲۱	-۱/۳۷۵	۰/۱۷۲	۱/۱۷۴
آماره اف فیشر	۲/۱۶۷		آزمون دوربین واتسون		۲/۲۰۵
سطح معناداری اف فیشر	۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۱۲

منبع: (محاسبات محققین)

فرضیه دوم تحقیق: «بین مالکیت دولتی و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.»

○ **شرح آزمون فرضیه:** در این فرضیه، مالکیت دولتی به عنوان متغیر مستقل و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.

○ **نتایج:** براساس داده‌های جدول مربوط، ضریب برآوردی متغیر مالکیت دولتی حدود ۰.۶۲- (شصت و دو درصد منفی) به دست آمده است. همچنین قدر مطلق آماره t بزرگ‌تر از ۲ بوده و سطح معناداری (p-value) کمتر از ۰.۰۵ (۰.۰۰۴) است.

○ **تفسیر:** این نتایج نشان می‌دهد که بین مالکیت دولتی و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط معناداری وجود دارد. علامت منفی ضریب نیز نشان‌دهنده رابطه‌ای معکوس است؛ به این معنا که افزایش مالکیت دولتی با کاهش نرخ بازده حقوق صاحبان سهام بانک‌ها همراه است.

○ **نتیجه‌گیری:** با توجه به سطح خطای ۵ درصد، فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۷. آزمون مدل سوم پژوهش

پس از برآورد ضرایب مدل، آماره دوربین-واتسون مقدار ۲.۰۸۶ را نشان داد که حاکی از عدم وجود خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلاص مدل است. بنابراین مشکل

همبستگی پیاپی در مدل سوم مشاهده نمی‌شود. برای بررسی برازش کلی مدل، از آزمون F استفاده شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری آماره F برابر با ۰.۰۰۰ است؛ در نتیجه مدل رگرسیونی برازش شده به طور کلی معنادار است. براساس مقدار ضریب تعیین (R^2)، حدود ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. اگرچه این مقدار نسبت به برخی مدل‌ها پایین‌تر است، اما همچنان بیانگر توان توضیح‌دهندگی مدل است. به منظور بررسی وجود هم‌خطی چندگانه، عامل تورم واریانس (VIF) برای کلیه متغیرهای مستقل و کنترل محاسبه شد. با توجه به این که مقدار VIF برای تمامی متغیرها کمتر از ۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که مشکل هم‌خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد؛ بنابراین مدل سوم از اعتبار آماری کافی برخوردار است و می‌تواند مبنای آزمون فرضیه مربوطه قرار گیرد.

جدول (۶): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل سوم پژوهش (نسبت کفایت سرمایه)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون تی	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
عرض از مبدأ	-۰/۱۴۶	۱/۲۵۶	-۰/۱۱۶	۰/۹۰۷	-
مالکیت دولتی	-۰/۵۹۶	۰/۱۲۶	-۴/۷۰۴	۰/۰۰۰	۱/۵۷۳
نسبت حقوق صاحبان سهام	۱/۰۱۳	۱/۴۲۶	۰/۷۱۰	۰/۴۷۹	۱/۱۷۴
نسبت وام به سپرده	-۰/۰۲۲	۰/۲۹۰	-۰/۰۷۷	۰/۹۳۸	۳/۳۲۹
نسبت وام به دارایی‌ها	۰/۲۱۵	۱/۸۴۹	۰/۱۱۶	۰/۹۰۷	۱/۷۷۵
نسبت دارایی نقدی	۰/۰۷۸	۱/۱۶۵	۰/۰۶۷	۰/۹۴۶	۲/۵۱۶
شاخص ورشکستگی	۰/۵۹۳	۰/۱۲۷	۴/۶۵۸	۰/۰۰۰	۱/۱۷۴
آماره اف فیشر	۱۵/۴۰۰		آزمون دوربین واتسون		۲/۰۸۶
سطح معناداری اف فیشر	۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۱۸

منبع: (محاسبات محققین)

فرضیه سوم تحقیق: «بین مالکیت دولتی و نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها ارتباط معنی‌دار وجود دارد.»

- شرح آزمون فرضیه: در این فرضیه، مالکیت دولتی به عنوان متغیر مستقل و نسبت کفایت سرمایه به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.
- نتایج: براساس داده های جدول، ضریب برآوردی متغیر مالکیت دولتی حدود ۰.۵۹- (پنجاه و نه درصد منفی) به دست آمده است. همچنین قدر مطلق آماره t بزرگتر از ۲ و سطح معناداری (p -value) کمتر از ۰.۰۵ (۰.۰۰۰) گزارش شده است.
- تفسیر: این یافته ها نشان می دهد که میان مالکیت دولتی و نسبت کفایت سرمایه بانک ها ارتباط منفی و معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، افزایش مالکیت دولتی با کاهش نسبت کفایت سرمایه همراه است.
- نتیجه گیری: با توجه به سطح خطای ۵ درصد، فرضیه سوم پژوهش تأیید می شود.

۸. آزمون مدل چهارم پژوهش

پس از برآورد ضرایب مدل، آماره دوربین-واتسون مقدار ۱.۷۶۹ را نشان داد که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی سریالی در اجزای اخلاص مدل است. بنابراین، مشکل همبستگی پیاپی در مدل چهارم مشاهده نمی شود. برای بررسی برازش کلی مدل، از آزمون F استفاده شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری آماره F برابر با ۰.۰۰۰ است؛ در نتیجه مدل رگرسیونی برازش شده از نظر آماری معنادار است. براساس مقدار ضریب تعیین (R^2)، حدود ۶۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل تبیین می شود که نشان دهنده^{۱۰} توان توضیح دهنده^{۱۱} بسیار مناسب مدل چهارم است. به منظور بررسی وجود هم خطی چندگانه میان متغیرهای مستقل، عامل تورم واریانس (VIF) محاسبه شد. از آنجا که مقادیر VIF برای کلیه متغیرهای مستقل و کنترلی کمتر از ۵ است، می توان نتیجه گرفت که مشکل هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. بنابراین، مدل چهارم پژوهش از اعتبار آماری کافی برخوردار است و نتایج آن قابلیت اتکا دارد.

جدول (۷): خلاصه نتایج آماری آزمون مدل چهارم پژوهش (اضافه برداشت بانکی)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون تی	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
عرض از مبدأ	-۰/۰۵۹	۰/۰۴۰	-۱/۴۸۱	۰/۱۴۳	-
مالکیت دولتی	۰/۶۳۳	۰/۱۲۰	۵/۲۵۸	۰/۰۰۰	۱/۵۷۳
نسبت حقوق صاحبان سهام	۰/۲۶۷	۰/۰۸۸	۳/۰۲۵	۰/۰۰۳	۱/۱۷۴
نسبت وام به سپرده	-۰/۰۱۴	۰/۰۰۷	-۱/۹۵۲	۰/۰۵۴	۳/۳۲۹
نسبت وام به دارایی‌ها	۰/۱۱۵	۰/۰۷۲	۱/۵۹۶	۰/۱۱۴	۱/۷۷۵
نسبت دارایی نقدی	۰/۰۷۳	۰/۰۴۶	۱/۵۷۶	۰/۱۱۹	۲/۵۱۶
شاخص ورشکستگی	-۰/۰۰۵	۰/۰۲۳	-۰/۲۱۱	۰/۸۳۳	۱/۱۷۴
آماره اف فیشر	۹/۰۵۴		آزمون دوربین واتسون		۱/۷۶۹
سطح معناداری اف فیشر	۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۴۴

منبع: (محاسبات محققین)

فرضیه چهارم تحقیق: «بین مالکیت دولتی و اضافه برداشت بانکی ارتباط معنی‌دار وجود دارد.»

- شرح آزمون فرضیه: در این فرضیه، مالکیت دولتی به‌عنوان متغیر مستقل و اضافه‌برداشت بانکی به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.
- نتایج: براساس داده‌های جدول، ضریب برآوردی متغیر مالکیت دولتی حدود $+۰.۶۳$ (شصت و سه درصد مثبت) به‌دست آمده است. همچنین قدر مطلق آماره t بزرگ‌تر از ۲ بوده و سطح معناداری (p -value) کمتر از ۰.۰۵ (۰.۰۰۰) گزارش شده است.
- تفسیر: این نتایج نشان می‌دهد که بین مالکیت دولتی و اضافه‌برداشت بانکی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به‌عبارت دیگر، افزایش مالکیت دولتی با افزایش میزان اضافه‌برداشت بانکی همراه است.
- نتیجه‌گیری: با توجه به سطح خطای ۵ درصد، فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که مالکیت دولتی با نرخ بازده دارایی‌ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه رابطه‌ای منفی و معنادار دارد، در حالی که با اضافه‌برداشت بانکی رابطه‌ای مثبت و معنادار برقرار است. براساس مبانی نظری، مالکیت دولتی از طریق نهادهای دولتی می‌تواند محرک‌های متعددی برای نظارت بر گزارشگری مالی و بهبود عملکرد شرکت‌ها فراهم کند.

پیشنهادها:

- ۱) با توجه به تأثیر منفی مالکیت دولتی بر شاخص‌های عملکرد مالی، توصیه می‌شود سازوکارهای نظارتی و انگیزشی کارآمدتری برای مدیران بانک‌های دولتی طراحی و اجرا شود تا بهره‌وری و بازدهی بهبود یابد.
- ۲) ایجاد شفافیت بیشتر در گزارشگری مالی و افشای اطلاعات می‌تواند از بروز مشکلات ناشی از وابستگی‌های سیاسی جلوگیری کند.
- ۳) سیاست‌گذاران باید هنگام تدوین استراتژی‌های حاکمیت شرکتی، اثرات منفی احتمالی ارتباطات دولتی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و ارزش بانک‌ها را مدنظر قرار دهند.
- ۴) انجام مطالعات تطبیقی بین بانک‌های دولتی و خصوصی برای شناسایی الگوهای موفق مدیریتی می‌تواند راهکارهای بهبود عملکرد را ارائه کند.

در ایران نیز دولت نقشی اساسی و پررنگ در ساختار اقتصاد و مالکیت شرکت‌های بزرگ دارد؛ به‌طوری‌که بخش عمده صنایع کشور توسط شرکت‌هایی با مالکیت دولتی اداره می‌شوند. این در حالی است که رشد بازار سرمایه در سال‌های اخیر بیش از آنکه متأثر از گزارشگری‌های مالی و عملکرد داخلی شرکت‌های بورسی باشد، تحت تأثیر عوامل سیاسی کلان قرار داشته است.

از آنجا که مدیران به‌عنوان نمایندگان مالکان شرکت را اداره می‌کنند، ممکن است در برخی شرایط دست به رفتارهای فرصت‌طلبانه بزنند و تصمیماتی مغایر با منافع

سهامداران اتخاذ کنند؛ وضعیتی که منجر به تضاد منافع میان مدیران و سهامداران می‌شود.

بنابراین، تمرکز سرمایه‌گذاران نهادی از طریق بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌تواند به کاهش ریسک بنگاه‌های اقتصادی کمک کند و از سوی دیگر، مدیران را به جای پیگیری منافع کوتاه‌مدت شخصی، به تلاش برای افزایش ارزش شرکت ترغیب نماید.

این امر به این دلیل است که محدود شدن کنترل‌های سیاسی باعث افزایش انعطاف‌پذیری شرکت‌ها می‌شود و در نتیجه امکان اجرای مؤثرتر سیاست‌های حاکمیت شرکتی فراهم می‌گردد. در مقابل، برخی انتصاب‌های سیاسی ممکن است اهدافی متضاد با بهبود عملکرد شرکت‌ها دنبال کنند؛ به‌عنوان مثال، هدف یک انتصاب می‌تواند افزایش اشتغال یا کاهش هزینه‌های اجتماعی باشد. بنابراین، بر اساس چنین اهدافی، شرکت‌ها ممکن است سیاست‌ها و رویه‌هایی را انتخاب کنند که لزوماً با منافع بلندمدت و عملکرد مالی بهینه همسو نباشد.

علاوه‌براین، شرکت‌های دارای وابستگی سیاسی نه تنها از مزیت ایجاد اعتبار و دسترسی به منابع مالی توسط مدیران دولتی بهره‌مند می‌شوند، بلکه از مزایای متعدد دیگری نیز برخوردار می‌گردند که می‌تواند موقعیت رقابتی و عملکرد آن‌ها را بهبود بخشد.

نکته مهم دیگر آن است که حاکمیت شرکتی مطلوب با هدف افزایش ارزش سهام شرکت‌ها لزوماً معادل با حاکمیت مطلوب برای شهروندی و رفاه عمومی نیست.

مدیران وابسته به دولت توانایی و قدرت لازم برای کسب منافع شرکت از طریق تأثیرگذاری بر تصویب قوانین و مقررات دولتی را دارند و همچنین می‌توانند احتمال موفقیت شرکت در مناقصه‌های دولتی را افزایش دهند. این عامل اغلب به‌عنوان یک خبر مثبت توسط بازار تلقی می‌شود.

استدلال اصلی این است که شرکت‌های دارای روابط گسترده سیاسی با دولت به دلیل برخورداری از شرایط خاص، هزینه‌های کمتری از سوی دولت متحمل می‌شوند (چانی، فاسیو و پارسل، ۲۰۱۱).

با این حال، نتایج به دست آمده در این زمینه با یافته‌های ماژین و دیگران^{۱۵} (۱۳۹۶) و ترکی (۲۰۲۱م) مغایرت دارد.

پیشنهادهای کاربردی بر اساس نتایج پژوهش

با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای زیر برای سهامداران، تحلیل‌گران مالی و سیاست‌گذاران ارائه می‌شود که می‌تواند به بهبود عملکرد مالی بانک‌های دولتی کمک کند.

۱) **توجه سهامداران به ساختار مالکیت دولتی:** سهامداران در هنگام سرمایه‌گذاری

باید به درصد مالکیت دولتی شرکت‌ها توجه کنند؛ زیرا شرکت‌های دارای وابستگی دولتی در معرض ریسک‌های سیاسی و اقتصادی بیشتری قرار دارند و این موضوع می‌تواند بر بازدهی و ارزش سهام آن‌ها اثرگذار باشد.

۲) **توصیه به تحلیل‌گران مالی:** تحلیل‌گران مالی باید در فرآیند ارزیابی و تحلیل

سهام شرکت‌ها، موضوع مالکیت دولتی را به عنوان یکی از عوامل کلیدی لحاظ کنند. همچنین با توجه به توانایی مدیران دولتی در تغییر شرایط از طریق مناسبات سیاسی، این عامل باید در تحلیل ریسک شرکت‌ها مدنظر قرار گیرد.

۳) **تفکیک مالکیت دولتی از نظام بانکی:** توصیه می‌شود سیاست‌های مشخصی

برای کاهش نقش دولت در مالکیت و مدیریت بانک‌ها تدوین شود. این سیاست‌ها شامل:

- فروش بخشی از سهام بانک‌های دولتی به بخش خصوصی،
- اصلاح قوانین مربوط به انتصاب مدیران بانکی،
- افزایش شفافیت در فرآیند انتخاب مدیران.

۴) **تقویت فضای رقابتی بین بانک‌ها:** ایجاد شرایط رقابتی منصفانه میان بانک‌های

دولتی و خصوصی می‌تواند عملکرد مالی بانک‌ها را بهبود بخشد. این امر مستلزم:

- تدوین مقررات عادلانه برای دسترسی به منابع مالی،

- تعیین سقف‌های بدهی منصفانه،
 - فراهم کردن فرصت‌های برابر در بازار مالی.
- (۵) افزایش نظارت و کنترل بر بانک‌های دولتی:**
- تقویت نقش نهادهای نظارتی و کنترلی،
 - انجام ارزیابی‌های منظم و مستمر عملکرد مالی بانک‌ها،
 - ایجاد سازوکارهای شفافیت و مبارزه با فساد در عملکرد بانکی.
- (۶) گسترش سیستم‌های مالی غیربانکی:** برای افزایش انعطاف‌پذیری نظام مالی، باید بخش‌های غیربانکی مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بازارهای سرمایه و بورس توسعه یابند تا تنوع منابع مالی افزایش یابد و وابستگی به بانک‌های دولتی کاهش پیدا کند.
- (۷) توسعه و تعمیق بازار سرمایه:** ایجاد بازاری فعال برای اوراق بهادار بانک‌های دولتی و خصوصی می‌تواند منجر به افزایش شفافیت مالی شود. این شامل:
- تسهیل دسترسی سرمایه‌گذاران به اوراق بهادار،
 - فراهم کردن بسترهای لازم برای معاملات این اوراق،
 - تشویق به افشای دقیق و به‌موقع اطلاعات مالی بانک‌ها.
- (۸) تأمین منابع مالی مستقل برای بانک‌های دولتی:** وابستگی مالی بانک‌های دولتی به دولت باید کاهش یابد. این امر از طریق تعریف منابع درآمدی مستقل مانند درآمدهای ناشی از عملیات مالی قابل‌اجرا توسط خود بانک‌ها قابل تحقق است.
- (۹) تدوین سیاست‌های مالی کارآمد برای بانک‌های دولتی:**
- تعیین و اجرای خط‌مشی‌های مالی شفاف شامل:
 - تعیین سقف‌های بدهی،
 - محدودیت‌های سرمایه‌گذاری،
 - سیاست‌های مشخص سوددهی و مدیریت مالی،

پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی

با توجه به نتایج به دست آمده و محدودیت‌های تحقیق حاضر، انجام مطالعات آینده در زمینه‌های زیر توصیه می‌شود:

۱) **مقایسه بین‌صنعتی:** انجام پژوهش مشابه در صنایع مختلف و تفکیک نتایج بر حسب نوع صنعت به منظور بررسی تفاوت‌های احتمالی در تأثیر مالکیت دولتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها.

۲) **بررسی ویژگی‌های مدیرعامل:** مطالعه ارتباط ویژگی‌های فردی مدیران عامل (مانند جنسیت، مقطع تحصیلی و طول دوره تصدی) با عملکرد مالی بانک‌ها به منظور شناسایی اثرات احتمالی این عوامل مدیریتی.

۳) **تحلیل ویژگی‌های هیئت‌مدیره:** بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره (از جمله سطح دانش مالی اعضا و ترکیب جنسیتی هیئت‌مدیره) بر عملکرد مالی بانک‌ها و ارزیابی نقش ترکیب هیئت‌مدیره در بهبود تصمیمات مالی.

۴) **مطالعه سایر ابعاد حاکمیت شرکتی:** تحلیل سایر شاخص‌های حاکمیت شرکتی (مانند تمرکز مالکیت، میزان استقلال هیئت‌مدیره و مالکیت نهادی) و رابطه آن‌ها با عملکرد مالی بانک‌ها به منظور ارائه تصویری جامع‌تر از سازوکارهای مؤثر بر عملکرد.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی ارتباط بین حاکمیت دولتی و عملکرد بانکداری اسلامی در ایران» که در دانشگاه جامع امام حسین (ع) در سال ۱۴۰۳ دفاع شده است.

کتابنامه

- ۱) اسعدی، عبدالرضا؛ و ابری، محمدعلی (۱۳۹۹). اثر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها. *اقتصاد پولی*. ۵(۱۹)، ۲۲۳-۲۴۸.
- ۲) تقی‌نجاج، غلامحسین؛ بحری ثالث، جمال؛ و قادری، قدرت (۱۳۹۷). تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی بانک‌ها با نقش تعدیلی کیفیت افشا. *مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۱(۴)، ۱۲۷-۱۵۱.
- ۳) رجبی، مریم (۱۳۹۸). تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت با در نظر گرفتن مدیریت ریسک به عنوان متغیر میانجی در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران. ایران، تهران: نهمین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی.
- ۴) رسفیحانی، سعید؛ و دهقان، عبدالمجید (۱۴۰۰). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی با توجه به نقش میانجی پایداری شرکت در بانک‌های خصوصی. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۱۲(۴۷)، ۱۸۸-۲۰۹.
- ۵) سعدی، یاسر (۱۳۹۵). تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مؤسسه آموزش عالی روزبهان، تهران، ایران.
- ۶) کمیجانی، اکبر (۱۳۸۲). *ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران*. ایران، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ۷) مازندرانی، شیدا (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی و ریسک در بانک‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مؤسسه آموزش عالی لامعی گرگانی، تهران، ایران.
- ۸) نخعی، حبیب؛ و زهرایی، مریم (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد واسطه‌های مالی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه*. ۱(۲)، ۱۱۹-۱۳۴.

Reference

1. As'adi, 'A.-Rezā, & Abri, M.-'A. (1399 SH/2020). Aṭar-e Sāktār-e Mālekīyat va Ḥākemīyat-e Šerkatī bar 'Amalkard-e Bānk-hā [Effect of Ownership Structure and Corporate Governance on Banks' Performance]. *Eqtešād-e Polī* [Monetary Economics], 5(19), 223-248 [in Persian].

2. Al-Amarneh, A. (2014), Corporate Governance, Ownership Structure And Bank Performance In Jordan, International Journal of Economics & Finance, 6(6).
3. Chen, H, Liao, Y, Lin, C, & Yen, J (2018) The Effect of the Political Connections of Government Bank CEOs on Bank Performance during the Financial Crisis, Journal of Financial Stability
<https://doi.org/10.1016/j.jfs.2018.02.010>.
4. Dagnaw D, Y and Wang, M. (2017), Ownership and profitability: Evidence from Ethiopian banking sector, Journal of Scientific and Research Publications, 7(2), Feb. 2017.
5. Komjānī, A. (1382 SH/2003). Arzyābi-ye 'Amalkard-e Sīāsāt-e Koşuşi-Sāzi dar Irān [Evaluation of Privatization Policy Performance in Iran]. Iran, Tehran: Wezārat-e Omūr-e Eqteşādī va Dārā'ī [Ministry of Economic Affairs & Finance] [in Persian].
6. Rağabī, M. (1398 SH/2019). Ta'tīr-e Hākemīyat-e Şerkatī bar 'Amalkard-e Şerkat bā Dar Nazar Gereftan-e Modīriyat-e Risk be-'Onvān-e Mottağayyer-e Miyānji dar Şerkat-hā-ye Pazīrafte Şode dar Būrs-e Orāq-e Bahādār-e Tehrān [Effect of Corporate Governance on Firm Performance Considering Risk Management as a Mediator Variable in TSE Listed Companies]. Iran, Tehran: Nohemīn Konferāns-e Beynolmelālī-ye Eqteşād, Modīriyat va Heşābdārī bā Rūykard-e Arzeş Āfarīnī [9th Int. Conference on Economics, Management & Accounting with Value-Creation Approach] [in Persian].
7. Rasfījānī, S., & Dehqān, 'A.-M. (1400 SH/2021). Barrasī-ye Ta'tīr-e Hākemīyat-e Şerkatī bar 'Amalkard-e Mālī bā Tavajjoh be Naqş-e Miyānji-ye Pāydārī-ye Şerkat dar Bānk-hā-ye Koşuşi [Effect of Corporate Governance on Financial Performance Considering Firm Sustainability as a Mediator in Private Banks]. Mohandesī-ye Mālī va Modīriyat-e Orāq-e Bahādār [Financial Engineering & Securities Management], 12(47), 188-209 [in Persian].
8. Sa'dī, Y. (1395 SH/2016). Ta'tīr-e Hākemīyat-e Şerkatī bar 'Amalkard-e Bānk-hā-ye Pazīrafte Şode dar Būrs-e Orāq-e Bahādār-e Tehrān [Effect of Corporate Governance on Performance of TSE Listed Banks] (Master's thesis). Mo'assese-ye Āmūzeş-e 'Ālī-ye Rozbehān, Tehran, Iran [in Persian].
9. Turki, A. (2021). State ownership and bank performance: conventional vs Islamic banks.
<https://www.emerald.com/insight/1759-0817.htm>
10. Taqī-Nejāt, Ġ., Baħrī Sālet, Ġ., & Qāderī, Q. (1397 SH/2018). Ta'tīr-e Keyfīyat-e Hākemīyat-e Şerkatī bar 'Amalkard-e Mālī-ye Bānk-hā bā Naqş-e Ta'dīlī-ye Keyfīyat-e Efşā [Effect of Corporate Governance Quality on Banks' Financial Performance with Moderating Role of

- Disclosure Quality]. *Moṭāle'āt-e Mālī va Bānkedārī-ye Eslāmī* [Islamic Finance and Banking Studies], 1(4), 127-151 [in Persian].
11. Māzandarānī, Š. (1396 SH/2017). *Barrasī-ye Ta'tīr-e Ertebātāt-e Siāsī bar 'Amalkard-e Mālī va Risk dar Bānk-hā-ye Pazīrafte Šode dar Būrs-e Orāq-e Bahādār-e Tehrān* [Effect of Political Connections on Financial Performance and Risk in TSE Listed Banks] (Master's thesis). Mo'assese-ye Āmūzeš-e 'Āli-ye Lāme'ī-ye Gorgānī, Tehran, Iran [in Persian].
 12. Naḡa'ī, H., & Zahrā'ī, M. (1396 SH/2017). *Barrasī-ye Rabṭeh beyn-e Sāktār-e Mālekīyat va 'Amalkard-e Vāseṭeh-hā-ye Mālī-ye Pazīrafte Šode dar Būrs-e Orāq-e Bahādār-e Tehrān* [Ownership Structure and Financial Intermediaries' Performance in TSE Listed Firms]. *Moṭāle'āt-e Kār-dārī dar 'Olūm-e Modīriyat va Tose'e* [Applied Studies in Management & Development Sciences], 1(2), 119-134 [in Persian].

Identifying and Ranking Deposit Motivations in Qard-ul-Hasana Resalat Bank; Case Study of Resalat Qard-ul - Hasana Bank Customers in Saveh

Ali Saeedi* | Fatemeh-e-Zahra Afsharipour | Hossein Bahrami

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247480.1937>

شناسایی و رتبه‌بندی انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض الحسنه؛ مطالعه موردی مشتریان بانک قرض الحسنه رسالت شهرستان ساوه

نویسندگان: علی سعیدی* | فاطمه‌الزهرا افشارپور | حسین بهرامی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247480.1937>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Identifying and Ranking Deposit Motivations in Qard-ul-Hasana Resalat Bank; Case Study of Resalat Qard-ul - Hasana Bank Customers in Saveh

Ali Saeedi: Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran. (Corresponding Author).

a.saeedi@qom.ac.ir | 0000-0001-9379-7650

Fatemeh-e-Zahra Afsharipour: M.A. Student, Islamic Economics, Department of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran.

f.afsharipour@stu.qom.ac.ir | 0009-0003-5547-2435

Hossein Bahrami: PhD Student, Islamic Economics, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics and Management, University of Qom, Qom, Iran.

h.bahrami@stu.qom.ac.ir | 0000-0001-8637-7949

Abstract

1. Introduction and Objective

In conventional economic theory, particularly in textbooks, profit maximization is often considered the primary motive driving economic actors. This limited perspective, focused on material or utilitarian benefits, has dominated the understanding of human behavior within the economic domain. However, real-world economic behavior is much more multifaceted, with individuals often being influenced by a combination of financial, social, spiritual, and psychological factors. In the context of Islamic economics, this complexity is particularly evident, where economic actors are not solely driven by material gain but by a broader set of values that include ethical, spiritual, and social considerations.

A key example of this broader motivation framework is the concept of Qard-ul-Hassan (QH), or interest-free loans, which forms the backbone of Islamic banking systems. In Islamic banking, especially in institutions like QH Resalat Bank, depositors engage in banking services not only based on financial returns but also driven by spiritual fulfillment and compliance with Sharia principles. Despite the apparent lack of monetary interest rewards on QH deposits, this research seeks to explore the multifaceted motivations behind depositors' decisions to engage with QH banking services. The primary objective is to identify, analyze, and prioritize these diverse motivators, providing insight into the growing trend of QH deposits, which challenges conventional theories of profit-maximizing behaviors and resource mobilization.

2. Methods and Materials

To explore the various motivations influencing depositors in QH Resalat Bank, the study employed a combination of qualitative and quantitative research methods. A structured questionnaire was designed and distributed to the bank's customers to collect data on their reasons for choosing to deposit funds. These questionnaires were supplemented with customer surveys to gain deeper insights into the psychological and social factors at play. The data collected was then analyzed using fuzzy Delphi methodology, a decision-making tool that combines expert opinions and facilitates the prioritization of factors based on their relative importance.

The fuzzy Delphi approach allows for a nuanced interpretation of depositor motivations, capturing not only the direct financial incentives but also the softer, more intangible factors such as trust, spiritual fulfillment, and social responsibility. The methodology involved a panel of experts who were surveyed to identify and validate the key factors affecting depositor behavior. This mixed-method approach ensured that both objective financial factors and subjective, non-materialistic influences were incorporated into the analysis.

3. Research Findings

The research revealed that depositor motivation at QH Resalat Bank is driven by four primary categories: financial, efficiency, psychological, and spiritual factors. Contrary to conventional assumptions that interest-free deposits might deter customers, the findings highlighted a strong and growing trend of deposits at the QH bank. This growing trend challenges traditional economic models that prioritize material incentives as the sole drivers of deposit behavior.

Among the four identified categories, spiritual motivations were found to be the most influential factor for depositors. Compliance with Sharia principles and the desire to contribute to an ethically guided banking system were key drivers. Following spiritual factors, financial motivations also played a significant role, albeit secondary to the spiritual values. These financial motivations primarily revolved around the security of deposits, the safety net offered by the institution, and the promise of community well-being.

Additionally, efficiency factors, including the ease of accessing services and the speed of transactions, were crucial for customers, reflecting a growing demand for banking convenience and customer-oriented services. The psychological aspect, such as the trust between the depositor and the bank, also emerged as an important factor, reinforcing the notion that banking is not only a financial transaction

but also a social and emotional contract between the institution and its customers.

4. Discussion and Conclusion

The findings from this study provide significant insights into the evolving nature of banking behavior, particularly within the context of Islamic finance. The research underscores the importance of spiritual motivations in Islamic banking, suggesting that customers are not merely seeking financial returns but are motivated by a sense of ethical and spiritual fulfillment. This is a stark contrast to the profit-maximizing behavior observed in conventional banking systems, where monetary incentives often dominate.

The study also points to the growing significance of efficiency and psychological factors in attracting deposits. While spiritual and financial incentives remain central, the role of efficient services and customer satisfaction cannot be overlooked. In particular, QH Resalat Bank's emphasis on secure deposits, ease of transaction, and a customer-centric approach resonates strongly with depositor motivations.

The results suggest that Islamic banking, particularly QH systems, offers an alternative model to traditional profit-driven banking. This model is not only viable but also growing in its appeal, driven by a diverse set of motivations that extend beyond financial gain. The study concludes that Islamic banks should continue to emphasize their spiritual, ethical, and community-oriented values, as these factors are crucial in attracting and retaining customers. Furthermore, the research advocates for a broader integration of spiritual and ethical considerations into the design of financial products and services, aligning economic behavior with both individual and collective well-being.

In conclusion, the study provides valuable insights for policymakers, banking institutions, and researchers in the field of Islamic finance. By recognizing and incorporating the diverse motivators that influence depositor behavior, Islamic banks can further enhance their appeal and efficacy in promoting financial inclusion, social responsibility, and ethical banking practices.

5. Keywords

Bank Deposits; Qard-ul-hasan Bank; Islamic Banking; Motivation; Qard-ul-hasan; Resalat Bank.

6. JEL Classification: G21, Z12, G41.

شناسایی و رتبه‌بندی انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه؛ مطالعه موردی مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت شهرستان ساوه

علی سعیدی: استادیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول) a.saeedi@qom.ac.ir

فاطمه‌الزهرا افشاری‌پور: دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. f.afsharipoor@stu.qom.ac.ir

حسین بهرامی: دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه قم، شهر قم، ایران. h.bahrami@stu.qom.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

در اقتصاد متعارف و به‌ویژه در کتاب‌های درسی، مهم‌ترین و شاید تنها انگیزه انسان اقتصادی، حداکثر کردن منفعت و سود مطرح می‌شود و اغلب رفتارهای بازیگران اقتصادی براساس این انگیزه تحلیل می‌شود؛ اما درواقع رفتارهای فعالان اقتصادی ناشی از انگیزه‌های متعددی است. در نظام اقتصاد اسلامی انگیزه افراد لزوماً فایده‌گرایانه و لذت‌جویانه نیست و طیف گسترده‌ای از انگیزه‌های معنوی تا انگیزه‌های انسانی و اجتماعی را شامل می‌شود. انگیزه قرض‌الحسنه در بانکداری اسلامی نیز در همین چارچوب تعریف می‌شود. درحالی‌که در تصور رایج، عدم پرداخت سود به سپرده‌های قرض‌الحسنه را به‌عنوان علتی مهم برای کاهش انگیزه مردم برای سپرده‌گذاری در این بانک‌ها می‌دانند. هدف این پژوهش، ارزیابی این تصور ذهنی از طریق شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر انگیزه سپرده‌گذاران در حساب‌های مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت به‌عنوان یک مورد عینی است.

۲. مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر با استفاده از پرسشنامه و نظرسنجی از مشتریان حقیقی این بانک انگیزه جذب سپرده‌گذاری این بانک بررسی شد. عوامل شناسایی شده نخست با استفاده از روش دلفی فازی غربال شدند و سپس از طریق فن تصمیم‌گیری ایداس، اولویت‌بندی شدند.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که انگیزه‌های متعددی همچون انگیزه‌های معنوی، مالی، کارایی و روانی برای سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه وجود دارد. به علاوه جذب سپرده در این بانک قرض‌الحسنه بدون انگیزه سود علی‌الحساب و برخلاف نظریات متعارف، روند افزایشی داشته است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست‌آمده، به ترتیب انگیزه‌های معنوی، مالی، کارایی و روانی رتبه‌های اول تا چهارم را در سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه دارا می‌باشند. همچنین مؤلفه‌های رعایت احکام و موازین شرعی توسط بانک، امنیت سپرده مشتریان و درصد سود تسهیلات پرداختی به ترتیب رتبه اول تا سوم بیشترین اهمیت را داشتند.

واژگان کلیدی: سپرده‌های بانکی؛ بانک قرض‌الحسنه؛ بانکداری اسلامی؛ انگیزه؛ قرض‌الحسنه؛ بانک رسالت.

مقدمه

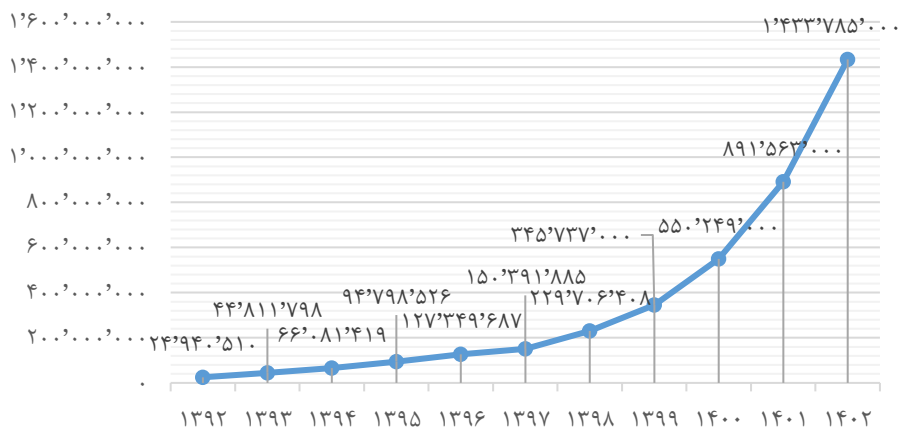
بانکداری اسلامی نوعی سیستم بانکداری است که در آن تلاش می‌شود تمامی فعالیت‌ها و معاملات منطبق با شریعت و فقه اسلامی و در راستای اهداف اساسی نظام اقتصادی اسلام، مانند عدالت و اخلاق، تنظیم گردد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷-الف، ص. ۳۱). شیوه‌های مختلفی جهت اجرای بانکداری اسلامی وجود دارد که از جمله مهم‌ترین الگوهای اجرایی در ایران، الگوی بانکداری بدون ربا، بانکداری مشارکت در سود و زیان و بانکداری قرض‌الحسنه است. در الگوی بانکداری قرض‌الحسنه، این نوع بانک‌ها با ارائه انواع سپرده‌های مبتنی بر عقد قرض‌الحسنه (مانند سپرده‌های جاری، پس‌انداز و وجوه اداره‌شده)، منابع را از افراد حقیقی یا مؤسسات حقوقی خیرخواه جمع‌آوری کرده و این منابع را تنها با استفاده از عقد قرض‌الحسنه در اختیار نیازمندان قرار می‌دهند (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷-ب، صص. ۱۷۳-۱۷۲).

در حال حاضر، دو بانک «رسالت» و «مهر ایران» به‌عنوان **بانک‌های قرض‌الحسنه** در ایران فعالیت می‌کنند که مبنای کار آن‌ها براساس مدل عملیاتی قرض‌محور است. این بانک‌ها از طریق سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز، از مردم سپرده قبول می‌کنند. برای جذب سپرده‌ها و نقدینگی به سمت یک بانک یا مؤسسه، نیاز به افزایش انگیزه و ترغیب سپرده‌گذار برای افتتاح حساب و استفاده از تسهیلات بانک است. در سیستم بانکداری ربوی، یکی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین ابزارها، مقوله میزان بهره است؛ درحالی‌که در سیستم بانکداری بدون ربا، فقدان اهرم کافی برای جذب سپرده‌ها به چشم می‌خورد.

در رابطه با انگیزه جذب سپرده در بانک‌های قرض‌الحسنه، انتقادهایی وارد شده است و این بانک‌ها در تجهیز منابع با مشکلاتی روبه‌رو هستند؛ از جمله اینکه این بانک‌ها به دلیل عدم پرداخت سود به سپرده‌گذاران، انگیزه‌ای برای آن‌ها ایجاد نمی‌شود که منابع مالی خود را در اختیار بانک قرار دهند. در مورد سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز، مهم‌ترین انگیزه می‌تواند انگیزه معنوی باشد. وجود و قوت این انگیزه که افراد در جامعه تلاش کنند طبق آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام عمل کنند و مالشان آلوده به ربا نگردد، انگیزه‌ای بسیار ارزشمند برای یک کشور است. اهرم دیگر جذب سپرده

پس‌انداز، انگیزه‌های مادی مشروع همچون جوایز بانکی است که البته این اهرم در بانکداری ربوی نیز وجود دارد. در کنار این موارد اصلی، مؤلفه‌هایی همچون کارایی بالا، اعطای تسهیلات خرد و عادلانه، رفتار با مردم، استفاده از فناوری‌های روز و... اگر طبق اخلاق و رفتار اسلامی از سوی مدیران پیگیری شود، مسلماً انگیزه‌های سپرده‌گذاری بیش از پیش مبتنی بر انگیزه‌های معنوی و فطری انسان‌دوستانه به گونه‌ای مضاعف افزایش خواهد یافت. نکته مهم دیگر، اعتمادسازی مدیران و کارکنان یک مجموعه برای سپرده‌گذاران و خیرین در خصوص انجام خدمات اجتماعی و منصفانه و عمومی مبتنی بر خیر و در خدمت جامعه است. بر این اساس، این سؤال مطرح می‌شود که این بانک‌ها چگونه می‌توانند انگیزه جذب سپرده را در سپرده‌گذاران ایجاد کنند؟

برای بررسی آماری میزان و روند افزایش سپرده‌گذاری در بانک قرض‌الحسنه رسالت و مقدار افزایش حجم سپرده‌های جذب‌شده از سوی این بانک، به آمار مربوط به سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ در نمودار (۱) می‌توان اشاره کرد. مطابق نمودار (۱)، حجم سپرده قرض‌الحسنه در بانک رسالت هر سال نسبت به سال قبل افزایش یافته است که برای تشخیص میزان دقیق این افزایش، از فرمول درصد تغییر بین دو مقدار $100 * \frac{x_2 - x_1}{x_1}$ استفاده می‌شود و میزان این تغییرات در جدول (۱) ارائه شده است.



نمودار (۱): روند جذب سپرده قرض‌الحسنه در بانک رسالت (میلیون ریال)

منبع: مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران وابسته به بانک مرکزی، (۱۴۰۲)

جدول (۱): میزان تغییرات حجم سپرده در بانک رسالت (میلیون ریال)

سال	حجم سپرده قرض‌الحسنه	میزان تغییرات نسبت به سال قبل
۱۳۹۲	۵۱۰,۹۴۰,۲۴	-
۱۳۹۳	۷۹۸,۸۱۱,۴۴	٪۶۷/۷۹
۱۳۹۴	۴۱۹,۰۸۱,۶۶	٪۴۶/۴۷
۱۳۹۵	۵۲۶,۷۹۸,۹۴	٪۴۶/۴۳
۱۳۹۶	۶۸۷,۳۴۹,۱۲۷	٪۳۴/۳۴
۱۳۹۷	۸۸۵,۳۹۱,۱۵۰	٪۰۹/۱۸
۱۳۹۸	۴۰۸,۷۰۶,۲۲۹	٪۷۴/۵۲
۱۳۹۹	۳۴۵,۷۳۷,۰۰۰	٪۵۰/۱
۱۴۰۰	۵۵۰,۲۴۹,۰۰۰	٪۵۹/۱۵
۱۴۰۱	۸۹۱,۵۶۳,۰۰۰	٪۶۲/۰۲
۱۴۰۲	۱,۴۳۳,۷۸۵,۰۰۰	٪۵۹/۵۸

منبع: (مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران وابسته به بانک مرکزی، ۱۴۰۲)

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که حجم سپرده بانک قرض‌الحسنه رسالت در طول سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ همواره در حال افزایش بوده است. همچنین از سال ۱۳۹۸ تاکنون، روند جذب سپرده در بانک قرض‌الحسنه رسالت هر سال به بیش از ۵۰ درصد نسبت به سال گذشته بوده است. بیشترین میزان افزایش حجم سپرده در سال ۱۳۹۳ به میزان ۶۷/۷۹ درصد و کمترین میزان افزایش حجم سپرده در سال ۱۳۹۷ به میزان ۰۹/۱۸ درصد بوده است.

با توجه به مطالب بیان‌شده، پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از روش پرسشنامه‌ای که توسط مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت تهیه خواهد شد و از طریق روش‌های دلفی فازی و ایداس^۱، انگیزه جذب سپرده‌گذاری را در بانک قرض‌الحسنه رسالت بررسی کند.

۱. مبانی نظری

فعالیت‌ها و پدیده‌های اقتصادی تحت تأثیر انگیزه‌های عاملان اقتصادی ایجاد شده و شکل می‌گیرند. عموماً در هر کنش اقتصادی، انگیزه‌های متعددی حضور دارند که شناسایی آن‌ها می‌تواند به درک و توجیه کنش‌های آن‌ها کمک کند. این انگیزه‌ها به عواملی همچون جهان‌بینی و اندیشه فرد، عوامل و وضعیت اجتماعی و همچنین مؤلفه‌های زیستی و ژنتیکی بستگی دارد؛ بنابراین، تبیین، تحلیل و رتبه‌بندی این انگیزه‌ها نیز می‌تواند تحت تأثیر این عوامل صورتی متفاوت پیدا کند. از آنجا که نوع بینش در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی کاملاً متفاوت است و مبتنی بر آن، انگیزه‌ها متمایز هستند و در نتایج و اثرات فعالیت‌های اقتصادی ناهمگون متبلور می‌شوند (مستخدمین حسینی، ۱۳۹۲، صص. ۲-۳)، پس کنش‌های انسانی مجموعه‌ای از اعمال و رفتارهایی هستند که از انگیزه‌ها نشئت می‌گیرند. بدین سبب، برای اعتبارسنجی تحلیل‌ها و بررسی‌های اقتصادی، در وهله نخست ضرورت دارد که نظام انگیزشی یک جامعه ترسیم و تبیین شود.

استیگلیتز و والش^۲ (۲۰۰۲م) در رابطه با انگیزه معتقدند: «اقتصاددانان انتخاب‌ها را با تمرکز روی انگیزه‌ها تجزیه و تحلیل می‌کنند. در زمینه اقتصادی، انگیزه‌ها، منافع و یا هزینه‌های کاهش‌یافته‌ای هستند که یک تصمیم‌گیرنده را به نفع یک انتخاب خاص تحریک می‌کنند» (Stiglitz & Walsh, 2002, p. 13). با توجه به این نظریه، می‌توان گفت که انسان‌ها در رفتارهای اقتصادی خود، آگاهانه هدفی را متصور می‌شوند و سپس برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند. همچنین، روش و اسلوبی را نیز برای رسیدن به مقصود انتخاب می‌کنند. اگر اهداف و روش‌ها در افراد مشابه باشند، رفتار و کنش و انتخابی مشابه از آن‌ها بروز می‌کند؛ اما اگر اهداف و روش‌ها متمایز باشند، در اغلب موارد رفتار، تصمیم و انتخاب افراد با یکدیگر ناهمگون خواهد بود؛ بنابراین، انگیزه پایه و اساس رفتارها و انتخاب‌های اقتصادی تلقی می‌شود و با تغییر این انگیزه‌ها، کنش‌ها و تصمیم‌های فعالیت‌های اقتصادی افراد نیز متباین می‌شود.

مکتب سرمایه‌داری اصالت را به فرد و منطق عقلانیت داده است که این عقلانیت به پی‌جویی نفع شخصی حکم می‌کند. این نظام به جامعه در سایه تأمین نیازهای فرد اهمیت

می‌دهد و به انسان نیز نگرشی فردگرا دارد و به این مطلب تأکید می‌کند که هر فرد باید در پی کسب منافع مادی خود باشد و در برابر افراد دیگر جامعه مسئولیت خاصی ندارد مگر آنکه منافع مادی وی را افزایش دهد.

نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی براساس تمایزهای صریح دیدگاه‌های اسلام با نظام ارزشی مکتب سرمایه‌داری، مفروضات نظریه‌های رفتار مصرف‌کننده در اقتصاد متعارف را در رابطه با فرد مسلمان صحیح ندانسته و برای تحلیل رفتار مصرف‌کننده مسلمان، نظریه‌های مختلفی را مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ارائه داده‌اند. یکی از مباحث اساسی اندیشمندان اقتصاد اسلامی، بررسی مفهوم عقلانیت و رفتار عقلایی و مطالعه اهداف و انگیزه‌های مصرف‌کننده مسلمان است. از این جهت نظریه‌پردازان در این حوزه را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد (حسینی، ۱۳۸۲، ص. ۷): گروه نخست معتقد است که اصول موضوعه بیشینه‌سازی مطلوبیت را می‌توان با ورود احکام و محدودیت‌های اسلامی برای فرد مسلمان بازسازی کرد. الزرقا در پژوهشی با عنوان «وابستگی جزئی در تابع مطلوبیت مسلمان» تصریح می‌کند که یکی از تمایزات ساختاری میان انسان اقتصادی و انسان اسلامی در تابع مطلوبیت دومی، مبتنی بر متغیر جدید پاداش و اجر در آخرت است (صادقی، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۳).

دسته دوم متفکرین هستند که با رد اصول موضوعه مطلوبیت، اصول دیگری را پایه‌گذاری کرده‌اند. از مهم‌ترین این اصول عبارتند از:

بیشینه‌کردن مطابقت رفتار با احکام شرع

طبق این اصل، صدیقی^۳ و قحف^۴ معتقدند که معیار و منطق انتخاب مصرف‌کننده مسلمان، مؤلفه‌هایی نظیر تقوا و انطباق بیشتر رفتار با ضوابط شرعی است (Kahf, 1973; Siddiqi, 1992).

(۱) **بیشینه‌کردن مصلحت بندگان:** خان^۵ یکی دیگر از اندیشمندان است که انتخاب مصرف‌کننده مسلمان را در مراحل چهارگانه ترسیم می‌کند. این مراحل چهارگانه

3. Siddiqi

4. Kahf

5. Khan

عبارتند از: انتخاب بین تخصیص درآمد به نیازهای دنیایی و انفاق در راه خداوند متعال، انتخاب میان مصرف در حال حاضر و آینده، انتخاب میان سطوح مختلف ضرورت‌های مصرفی زمان حال و انتخاب از میان گزینه‌های متمایز سبک کالاهای مصرفی (Khan, 1986).

(۲) **پیشینه‌کردن محبت و رضایت خداوند:** صدر متفکر دیگری است که برای تبیین رفتار مصرف‌کننده مسلمان، از اصل پیشینه‌سازی رضایت خدا و محبت پروردگار استفاده کرده است. همچنین، او در تحلیل رفتار مصرف‌کننده مسلمان، دو اصل موضوعه قبل را یکسان قلمداد می‌کند. وی توضیح می‌دهد که درواقع علاقه فرد تربیت‌شده ذیل محبت الهی به کالاهایی است که منجر به رضایت پروردگار می‌شود. از این‌رو، این دو هدف در طول همدیگر قرار دارند و هرکدام حاصل شود، دیگری نیز پدیدار می‌شود (صدر، ۱۳۷۵، ص. ۱۹۳).

(۳) **پیشینه‌سازی پاداش رفتار الهی:** یکی از خصوصیات خشنودی خداوند، بُعد اجتماعی یک عمل است. بر این اساس، هر فعالیتی که افراد در جهت افزایش مشارکت اجتماعی انجام می‌دهند، مستوجب پاداش الهی است؛ بنابراین، مسئله فقدان هماهنگی میان منافع فردی و منافع اجتماعی در زیر سایه عمل با نیت الهی قرار می‌گیرد. مطابق بینش اسلامی، حتی مقاصد دنیایی انسان اگر با نیت کسب پاداش الهی انجام شود، علاوه بر منفعت دنیوی، از پاداش اخروی نیز بهره می‌برد. در نتیجه، پیشینه‌کردن پاداش الهی رفتار، اصل موضوعی مهمی برای تحلیل رفتار مصرف‌کننده مسلمان در برابر منافع مادی است (علم‌الهدی و آق‌آتابای، ۱۳۹۳، ص. ۱۷).

با توجه به مباحث مطرح‌شده در خصوص انگیزه‌های افراد، رفتارها و انگیزه‌های اقتصادی افراد از مباحث مهم اقتصاد، به‌ویژه اقتصاد اسلامی است و سپرده‌ها نقش بسیار مهمی در جذب سرمایه برای سرمایه‌گذاری و همچنین تأثیرگذار بر متغیرهای کلان، از جمله درآمد ملی، دارند. پس می‌توان از آن‌ها به‌عنوان موانع رشد و توسعه در کشورهای در حال توسعه اشاره کرد. برای رسیدن به این رشد و توسعه، بانک‌ها برای جذب سرمایه نقش بسزایی به‌عنوان واسطه بر عهده دارند که این سرمایه را به‌عنوان تسهیلات در اختیار

بنگاه‌ها برای اجرای طرح‌های اقتصادی با نظارت و مدیریت مناسب قرار دهند. به این منظور، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری باید بدانند که ملاک مشتریان برای انتخاب و تداوم ارتباط با آن‌ها چیست و با چه انگیزه‌هایی سپرده‌گذاری می‌کنند؟ آگاهی نسبت به معیارهای انتخاب یک بانک توسط مشتریان، به بانک‌ها کمک می‌کند که استراتژی‌های بازاریابی مناسبی برای جذب مشتریان جدید و حفظ مشتریان کنونی شناسایی کنند. در حقیقت، رقابت رو به رشد و تشابه خدمات ارائه‌شده توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، این مهم را به‌طور فزاینده‌ای آشکار می‌سازد، چراکه این عوامل ملاک اساسی مشتریان در انتخاب خدمات مالی هستند. در نتیجه، این موضوع که مشتریان چگونه و با چه انگیزه‌ای بانک‌ها را انتخاب می‌کنند، حائز اهمیت است (صفری نادری، ۱۳۹۸، ص. ۲).

عوامل برون‌سازمانی و درون‌سازمانی متعددی در جذب سپرده‌های مشتریان اثرگذار هستند. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری می‌کوشند از طریق ارتقای خدمات و محصولات خود، زیباسازی شعب، افزایش کانال‌های ارتباطی با مشتریان و ارتقای توان نیروی انسانی خود، سهم بیشتری از سپرده‌های مشتریان را به‌دست آورند (صفری نادری، ۱۳۹۸، ص. ۴).

با مرور مطالعات و پژوهش‌ها، می‌توان به موارد زیر برای جذب سپرده‌ها اشاره کرد:

۱) عوامل خدماتی (تنوع خدمات بانکی، کیفیت خدمات بانکی و خدمات بانکداری الکترونیک)؛

۲) عوامل مالی (تسهیلات پرداختی، نرخ سود پرداختی)؛

۳) ارتباطی-انسانی (تبلیغات و نحوه برخورد کارکنان با مشتری)؛

۴) عوامل و شرایط فیزیکی (استقرار شعب بانک، محیط داخلی و خارجی بانک، تعداد شعب).

از مهم‌ترین تمایزهای نظام مالی اسلامی با نظام اقتصاد سرمایه‌داری، اهمیت به انگیزه‌های معنوی توأمان با انگیزه‌های مادی است. در اقتصاد اسلامی برای حذف ربا از جامعه، اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه و دیگر عقود مطرح شده است. قرض‌الحسنه یکی از مباحث مهم فقهی است و زیرمجموعه نظام اقتصادی اسلام به شمار می‌رود. این مقوله

از جایگاه حقوقی و اجتماعی قابل توجهی در جوامع اسلامی و متون اسلامی برخوردار است. قرض در لغت به معنای قطع کردن با دندان است؛ بنابراین، قرض نوعی از قطع کردن و جدا کردن است. در قرآن کریم، اهمیت مقوله قرض در کنار ارکانی همچون صدقه، انفاق، زکات و نماز آمده است و سوره‌های بقره (۲۴۵)، مائده (۱۲)، حدید (۱۱) و (۱۸)، تغابن (۱۷)، مزمل (۲۰) به موضوع قرض پرداخته‌اند.

قرض الحسنه نوع خاصی از قرض است. معنای لغوی قرض الحسنه این است که انسان مقداری از دارایی خود را به نحو نیکو و شایسته و با نیت خیر و الهی به دیگری وام بدهد؛ اما بانک قرض الحسنه در حقیقت متکفل امر قرض است و از معنای قرض الحسنه حقیقی کمی فاصله دارد. با این حال، بانک‌های قرض الحسنه یکی از بهترین بانک‌های موجود در نظام پولی کشور هستند که مبتنی بر قانون پولی و بانکی کشور و بانک مرکزی فعالیت می‌کنند (جوزی‌زاده، ۱۳۹۵، صص. ۱۶-۱۵). در حال حاضر، تسهیلات قرض الحسنه برای نیازهای مختلفی مانند درمان، ازدواج، تعمیر مسکن، اجاره و رهن مسکن و شهریه دانشگاه پرداخت می‌شود (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۶). از انگیزه‌های اصلی اعطاکندگانی قرض الحسنه می‌توان به رشد معنوی، تعاون و همیاری، نوع دوستی، پاداش اخروی، خیرخواهی، کسب اخلاق پسندیده، سخاوتمندی، پس انداز، کسب جایزه و... (مستخدمین حسینی، ۱۳۹۲، صص. ۱۳۴-۱۳۵) اشاره کرد؛ بنابراین، به‌رغم اهمیت ویژه قرض الحسنه در نظام مالی مورد نظر اسلام، در این تحقیق به انگیزه‌های جذب سپرده در بانک‌های قرض الحسنه منتخب پرداخته شده است.

در ایران، بانک‌هایی که در این زمینه فعالیت دارند، می‌توان بانک‌های قرض الحسنه رسالت و مهر ایران را معرفی کرد. بانک قرض الحسنه رسالت از طریق تجمع صندوق‌های قرض الحسنه رسالت استان‌های تهران، کرمان و مازندران و برخی شرکت‌های تعاونی فرهنگیان، و همچنین با گذراندن مراحل قانونی، بانک قرض الحسنه رسالت (سهامی عام) با مالکیت مجموعه افراد غیردولتی و به استناد قانون اجاره تأسیس بانک‌های غیردولتی مصوب تاریخ ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ تأسیس شد. مجمع عمومی بانک قرض الحسنه رسالت در تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۲۴ برگزار شد و از بانک مرکزی جهت انجام مراحل ثبت بانک در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ مجوز گرفت و در نهایت، در تاریخ

۱۳۹۱/۰۵/۲۶، بانک قرض‌الحسنه رسالت مجوز شروع فعالیت را از بانک مرکزی دریافت کرد. هدف این بانک ترویج بانکداری اسلامی، افزایش تعداد تسهیلات به سپرده‌گذاران خود و همچنین ارائه خدمات نوین بانکی است.

نظریه انگیزه^۶ در دانش اقتصاد با کنار گذاشتن فروض محدودکننده نئوکلاسیک، در حال ارائه تحلیل‌های کامل‌تر و دقیق‌تری از نظام انگیزشی و نحوه رفتار انسان‌ها در شرایط واقعی اقتصادی است. این پیشرفت در نظریه انگیزش، اقتصاددانان را واداشته است تا اثرگذاری انگیزه‌های غیرمالی بر عملکرد تولیدکنندگان علم را نیز مورد بررسی قرار دهند. در پژوهش‌های اخیر، دانشمندان ضمن احصاء انواع انگیزه‌ها و مشوق‌های تأثیرگذار غیرمادی در حوزه‌های مختلف، به بررسی و تحلیل تأثیرگذاری انگیزه‌های غیرمالی و فرامادی می‌پردازند. برای نمونه، در پژوهشی (ابراهیمی‌نژاد، ۱۴۰۳) در رساله دکتری خود با بهره‌گیری از نمونه‌گیری گلوله برفی و روش‌شناسی حداقل مربعات جزئی (PLS) و داده‌های تکمیل‌شده توسط ۱۰۳ استاد و پژوهشگر، نشان داد که اثر مستقیم و مثبت نظام انگیزش بر تولید علم معادل ۰/۶۱ است که نشان‌دهنده اهمیت بالای این عامل در شکل‌گیری «تولید علم» است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نقش معرف‌ها در ساخت نظام انگیزشی به ترتیب شامل انگیزه دینی (۰/۴)، انگیزه درونی (۰/۳۳)، مشوق مالی (۰/۲۶)، بستر تعاملی (۰/۱۵)، انگیزه شغلی (۰/۱۵) و ویژگی‌ها و استعداد‌های فردی (۰/۱۳) است. در ادامه پژوهش، به مطالعات بیشتری در خصوص انگیزه‌های مشارکت در حوزه بانکی پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

توحیدی، مفیدی و انصاری (۱۴۰۲) با استفاده از رویکرد آمیخته تبیینی و راهبرد مطالعه موردی و تحلیل روند داده‌های مختلف صورت‌های مالی بانک قرض‌الحسنه رسالت در یک بازه ۸ ساله، چالش‌های بانکداری قرض‌الحسنه را مورد پژوهش قرار دادند. آن‌ها از طریق تحلیل و بررسی داده‌های مربوطه در حوزه‌های مختلف از جمله ترازنامه بانک، صورت سود و زیان، ریسک بانک، نسبت‌های کملز و بازار سرمایه، چالش‌های موجود

را احصا کردند. همچنین در مرحله دوم، به روش کیفی با تشکیل گروه کانونی و انجام مصاحبه‌های خبرگانی، راهکارهای مناسب برای رفع چالش‌ها به‌دست آوردند و صحت راهکارها را جهت کاهش چالش‌های مربوطه از طریق پرسشنامه اعتبارسنجی کردند. آن‌ها در نتایج پژوهش نشان دادند که براساس صورت‌های مالی، مواردی مانند چالش وضعیت سرمایه‌گذاری بانک، چالش تسهیلات اعطایی، چالش تراکنش‌ها، چالش اهرم مالی، چالش ریسک نقدینگی از مهم‌ترین مشکلات هستند. آن‌ها علاوه بر تحلیل و بررسی چالش‌ها، مقایسه‌ای ذیل هریک از چالش‌ها با عملکرد بانک قرض‌الحسنه مهر ایران و راهکارهای ذیل هرکدام ارائه داده‌اند.

نوری، رزاقی هریس و آفاگلی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر مدل رفتاری مبتنی بر هدف در توصیف پس‌انداز قرض‌الحسنه در بانکداری اسلامی با تمرکز بر مطالعه موردی بانک قرض‌الحسنه مهر ایران پرداختند. جامعه مورد پژوهش شامل مشتریان بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در شهر اراک بوده که برای سنجش وضعیت موجود از پرسشنامه استفاده شد. آن‌ها در این تحقیق با تجزیه و تحلیل داده‌ها نتایج نشان دادند که نگرش، پیش‌بینی احساسات مثبت و هنجارهای ذهنی بر تمایل مشتری و قصد رفتاری مشتری بر پس‌انداز قرض‌الحسنه تأثیر مثبت دارد. همچنین نشان دادند که تمایل مشتری به پس‌انداز قرض‌الحسنه بر قصد رفتاری مشتری به پس‌انداز قرض‌الحسنه تأثیر مثبت دارد. همین‌طور پیش‌بینی احساسات منفی بر تمایل مشتری به پس‌انداز قرض‌الحسنه تأثیر منفی ندارد و نگرش، پیش‌بینی احساسات مثبت و هنجارهای ذهنی از طریق تمایل به پس‌انداز قرض‌الحسنه بر قصد رفتاری مشتری تأثیر دارد. در حالی که پیش‌بینی احساسات منفی از طریق تمایل به پس‌انداز قرض‌الحسنه بر قصد رفتاری مشتری تأثیر ندارد.

در زمینه انگیزه سپرده‌گذاری در حساب‌های قرض‌الحسنه، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. شیرزاد، رجایی باغ سایی و دارابی (۱۳۹۷) به بررسی موانع جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه از دیدگاه سپرده‌گذاران در بانکداری اسلامی پرداخته و برای این منظور، بانک قرض‌الحسنه مهر ایران شهرستان تبریز را به‌صورت موردی مطالعه کرده‌اند. آن‌ها مشکلات و چالش‌های جذب سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز را مبتنی بر اهمیت و اولویت شناسایی و استخراج کردند. آن‌ها با طراحی پرسش‌نامه و دریافت نظرات در

جامعه آماری مشتریان بانک قرض‌الحسنه مهر ایران شهرستان تبریز به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون گسترش مؤسسات خیریه و بازارهای سودده، درآمد سرانه، اعتماد مردم به کارکردهای قرض‌الحسنه‌ای بانک‌ها، مشکلات نهاد قرض‌الحسنه، نحوه ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه و تغییر ویژگی‌های جمعیتی از موانع جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه هستند.

خالقی (۱۳۹۵) به بررسی میزان پیاده‌سازی بانکداری اسلامی در بانک قرض‌الحسنه مهر ایران پرداخته است. وی پس از بررسی تاریخیچه بانکداری اسلامی و چشم‌انداز اقتصادی ایران، نقش بانک قرض‌الحسنه مهر ایران را در راستای بانکداری اسلامی تبیین کرده است. وی در جهت توسعه بانکداری اسلامی در ایران پیشنهاد کرده است که نیاز است بانک مرکزی و سایر نهادهای مؤثر و مردم یک کشور برای توسعه دادن هرچه بیشتر و موفقیت بانکداری اسلامی، از آن حمایت کنند و شعبه‌های قرض‌الحسنه در کشور را گسترش دهند. از این‌رو، استفاده از فناوری و ارتباطات اثبات‌شده می‌تواند امکان یک نظام اتوماسیون قوی و کارآمد را فراهم کند. اعطای تسهیلات با کارمزد پایین در سطح عموم مردم، فرصت مغتنمی را برای طراحی و پیاده‌سازی سامانه‌های متداول تعیین اعتبار در نظام‌های بانکداری دنیا در کشور و نظام قرض‌الحسنه فراهم کرده است.

پژوهش دیگری در زمینه بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران توسط محقق‌نیا (۱۳۸۹) انجام شده است. نویسنده پس از بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام مالی اسلام و قانون عملیات بانکداری بدون ربا، عملکرد نظام بانکی کشور در تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه را ارزیابی کرده است. وی با بررسی آمار و اطلاعات عملکرد نظام بانکی کشور در حوزه قرض‌الحسنه بین سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۶۳ نشان داد که نظام بانکی در جذب و تخصیص قرض‌الحسنه ناموفق بوده است. در بخش تجهیز سپرده‌ها، سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز نسبت به کل سپرده‌های بانکی روند کاهشی داشته است. علاوه بر این، نظام بانکی در این دوره به‌طور متوسط اندکی بیش از نیمی از سپرده‌های قرض‌الحسنه را به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص داده و بقیه آن را برای کسب درآمد مصرف کرده است.

نجارزاده، رضاقلی‌زاده و زیوداری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای ساختار نظام‌های اقتصادی را مبتنی بر اخلاق اسلامی و اخلاق سرمایه‌داری مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها نفع‌طلبی را از مبانی اخلاق سرمایه‌داری عنوان کرده و رویکرد مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری را دنیاگرایی، فردگرایی و انتخاب و رفتار مبتنی بر عقلانیت ابزاری معرفی می‌کنند؛ اما از سویی دیگر، آن‌ها اخلاق ایمانی را برای نظام اقتصادی اسلام به‌عنوان مبنا قلمداد می‌کنند که مبانی فلسفی آن بر آخرت‌گرایی، عقل‌گرایی دینی و قرآنی استوار است.

عمده تحقیقات انجام‌شده در زمینه قرض‌الحسنه، این نوع سپرده‌ها را در کنار سایر سپرده‌ها و در بانک‌های تجاری در کشور بررسی کرده‌اند و به‌صورت پیشینی، به‌خاطر سود صفر این سپرده‌ها، بر بی‌انگیزگی سپرده‌گذاران تأکید شده است. این در حالی است که شکل‌گیری دو بانک قرض‌الحسنه رسالت و مهر ایران در دو دهه اخیر در کشور به‌صورت تخصصی در قرض‌الحسنه، نیاز به مطالعات نظری و تجربی را در زمینه انگیزه سپرده‌گذاران روزافزون کرده است. تمایز این پژوهش با سایر مطالعات مرتبط در بررسی و طبقه‌بندی انواع انگیزه سپرده‌گذاری مردم و مشتریان در یک بانک قرض‌الحسنه است. در واقع، شکل‌گیری بانک‌های قرض‌الحسنه در کشور و اقبال عمومی مردم با دیدگاه‌های متعارف از حاکمیت انگیزه سودآوری در رفتارهای اقتصادی ناسازگاری دارد. شناسایی و اولویت‌بندی انگیزه‌های سپرده‌گذاران در این بانک‌ها می‌تواند به تبیین نظری نظام انگیزش اقتصادی کمک کند. نوآوری دیگر پژوهش حاضر، استفاده از روش‌های مدیریتی با رویکرد و تحلیل اقتصادی برای بررسی چرایی انگیزه حضور مردم برای سپرده‌گذاری در این بانک و کشف علت افزایش نمایی مشارکت فعال مردم در بانک‌های قرض‌الحسنه به‌ویژه بانک رسالت، علی‌رغم فقدان تعلق سود به این سپرده‌ها است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر بنیان فلسفی، به سبب استفاده از فنون کمی، پسااثباتی است. این نوع نگرش، رویکردی در علوم انسانی است که از روش‌های کمی و محاسباتی برای تحلیل و ارزیابی داده‌ها استفاده می‌کند. هر دو روش دلفی فازی و ایداس در این پژوهش مبتنی بر داده‌های کمی و عددی بوده و به پارادایم سخت یا پسااثباتی تعلق دارند. این

پارادایم عبارت است از مجموعه روش‌های کمی و ریاضی که با استفاده از داده‌های کمی و عددی به بررسی و تحلیل داده‌ها و حل مسئله می‌پردازد (Mingers, 2011). همچنین، این مطالعه از جهت هدف، اکتشافی بوده و روش‌شناسی آن نیز به صورت چندگانه کمی است. در مدل پیاز پژوهش ساندرز، هرگاه چند روش مبتنی بر یک پارادایم (در اینجا پسالاثباتی) در کنار هم استفاده شوند، روش‌شناسی پژوهش از نوع چندگانه است (Saunders, Lewis & Thornhill, 2007).

در این مطالعه، از فنون دلفی فازی و ایداس برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. هر دو فن دارای رویکرد کمی و محاسباتی هستند. جامعه نظری پژوهش شامل سرمایه‌گذاران در بانک قرض‌الحسنه رسالت است. روش نمونه‌گیری نیز به صورت نمونه‌گیری قضاوتی است. در نمونه‌گیری قضاوتی، برخلاف روش‌های احتمالی، به جای تصادفی بودن، روی هدفمندی و تخصص نمونه‌ها تأکید می‌شود (قدسی، ملکی، قنوتی و محبی آشتیانی، ۱۴۰۱).

در روش‌های تصمیم‌گیری، قبل از رتبه‌بندی نهایی، عوامل تا حد امکان باید کاهش یابند تا کیفیت رتبه‌بندی بهبود یابد. اجزای پرسش‌نامه‌های اولویت‌سنجی، عوامل غربال‌شده هستند و این پرسش‌نامه برای اولویت‌بندی و ارزیابی نهایی مورد استفاده قرار گرفت. پرسش‌نامه‌های خبره‌سنجی، مبتنی بر مرور پیشینه و مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان سپرده‌گذار در بانک قرض‌الحسنه رسالت تهیه شده است. برای سنجش روایی پرسش‌نامه‌های خبره‌سنجی از دو ضریب نسبت روایی محتوایی لاوشه (Gilbert & Prion, 2016) و شاخص روایی محتوایی والتز و باسل (Polit, Beck & Owen, 2007) استفاده شد. هر دو ضریب برای سنجش روایی محتوایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. مقدار نسبت روایی محتوایی برای تمامی عوامل بالاتر از ۰/۶۲ بود که نشان از روایی مطلوب پرسش‌نامه‌های پژوهش داشت.

جامعه آماری پژوهش حاضر مشتریان بانک‌های رسالت در شهرستان ساوه هستند. روش‌های نمونه‌گیری در دو دسته احتمالی و غیراحتمالی طبقه‌بندی می‌شوند. از روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی، نمونه‌گیری قضاوتی و هدفمند است که در این

پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش، جهت انتخاب مشتری خبره، معیارهایی در نظر گرفته شده است که به قرار زیر هستند:

- حداقل مدرک کارشناسی داشته باشند.
- حداقل ۲ سال سابقه آشنایی با یکی از بانک قرض الحسنه رسالت را داشته باشند.
- حداقل ۱۰ میلیون ریال سپرده در یکی از بانک قرض الحسنه یا رسالت را داشته باشند.

لذا با توجه به محدودیت‌های در نظر گرفته شده، پس از توزیع پرسش‌نامه در میان جامعه مورد نظر و تکمیل پرسش‌نامه توسط ۳۵ نفر از مشتریان؛ با بررسی مدرک تحصیلی، میزان سابقه آشنایی و میزان سپرده‌گذاری نزد بانک‌های رسالت، تنها ۱۶ نفر از این افراد به‌عنوان خبره شناخته شدند. به همین منظور، حجم نمونه در این پژوهش ۱۶ نفر است که مشخصات آن‌ها به شرح جدول (۲) است. همچنین، در این پژوهش به سبب مناسب بودن تعداد خبرگان و تعداد عوامل نهایی، پرسش‌نامه‌های دلفی فازی و ایداس دارای سازگاری و پایایی هستند. در فنون تصمیم‌گیری، افزایش بیش‌ازاندازه عوامل و خبرگان باعث ناسازگاری خروجی‌ها می‌شود. در این مطالعه، به‌منظور بهبود پایایی پرسش‌نامه‌های اولویت‌سنجی، عمل غربالگری از طریق پرسش‌نامه‌های خبره‌سنجی و روش دلفی فازی روی عوامل پژوهش صورت گرفت و در نتیجه، تعداد آن‌ها به میزان خوبی کاهش یافت.

جدول (۲): مشخصات خبرگان پژوهش

خبره	تحصیلات	سابقه آشنایی (سال)	میزان سپرده‌گذاری (میلیون ریال)
۱	کارشناسی	۳	بین ۱۰۰ تا ۵۰۰
۲	کارشناسی	۴	بین ۱۰ تا ۱۰۰
۳	کارشناسی	۱۲	بین ۱۰۰ تا ۵۰۰
۴	کارشناسی	۲	بین ۱۰ تا ۱۰۰
۵	کارشناسی ارشد	۶	بین ۱۰ تا ۱۰۰

خبره	تحصیلات	سابقه آشنایی (سال)	میزان سپرده‌گذاری (میلیون ریال)
۶	کارشناسی	۶	بین ۱۰ تا ۱۰۰
۷	دکتری	۹	بین ۱۰ تا ۱۰۰
۸	کارشناسی ارشد	۸	بین ۱۰۰ تا ۵۰۰
۹	کارشناسی ارشد	۵	بین ۱۰ تا ۱۰۰
۱۰	کارشناسی	۸	بین ۱۰۰ تا ۵۰۰
۱۱	کارشناسی	۳	بالای ۵۰۰
۱۲	کارشناسی ارشد	۳	بین ۱۰ تا ۱۰۰
۱۳	کارشناسی	۷	بین ۱۰ تا ۱۰۰
۱۴	کارشناسی	۳	بین ۱۰ تا ۱۰۰
۱۵	کارشناسی	۴	بین ۱۰ تا ۱۰۰
۱۶	کارشناسی	۵	بین ۱۰ تا ۱۰۰

بر این اساس گام‌های پژوهش عبارت است از:

- ۱) مرور پیشینه و مصاحبه با خبرگان در جهت شناسایی انگیزه‌های سپرده‌گذاری در بانک قرض‌الحسنه رسالت؛
- ۲) غربال عوامل انگیزه‌بخش در سپرده‌گذاری با توزیع پرسش‌نامه‌های خبره‌سنجی و روش دلفی فازی؛
- ۳) رتبه‌بندی عوامل پژوهش با فن ایداس؛
- ۴) ارائه پیشنهادها و راهکارهایی برای افزایش یا کاهش انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه.

در این تحقیق، برای غربال عوامل پژوهش، از فن دلفی فازی طبق مراحل زیر استفاده شده است:

- مرحله (۱): گردآوری و فازی‌سازی دیدگاه‌های خبرگان: در این روش برای غربال، نخست باید یک طیف فازی مناسب برای فازی‌سازی عبارات زبانی خبرگان طراحی کرد. در این پژوهش از طیف لیکرت پنج درجه استفاده شده است.

جدول (۳): اعداد فازی مثلثی طیف لیکرت ۵ درجه

متغیر کلامی	معادل فازی	عدد فازی مثلثی
خیلی کم	۶	(۰, ۰, ۰/۲۵)
کم	۶	(۰, ۰/۲۵, ۰/۵)
متوسط	۶	(۰/۲۵, ۰/۵, ۰/۷۵)
زیاد	۶	(۰/۵, ۰/۷۵, ۱)
خیلی زیاد	۵	(۰/۷۵, ۱, ۱)

منبع: (یافته‌های تحقیق)

- مرحله (۲): تجميع مقادير فازی شده: يکی از کاراترين روش‌های تجميع فازی نظرات خبرگان، محاسبه معدل فازی نظرات خبرگان است که در آن دیدگاه هر خبره به عنوان اعداد فازی مثلثی (l, m, u) به صورت زیر نمایش داده می‌شود.

$$F_{AVE} = \frac{\sum l}{n} \cdot \frac{\sum m}{n} \cdot \frac{\sum u}{n} \quad \text{رابطه (۱):}$$

- مرحله (۳): فازی‌زدایی مقادير: روش‌های پیچیده و متنوعی برای فازی‌زدایی مطرح است. يکی از راهکارهای کارا برای فازی‌زدایی، متوسط اعداد فازی مثلثی است.

$$\text{if } \tilde{F} = (l, m, u) \text{ then } F = \frac{l+m+u}{3} \quad \text{رابطه (۲):}$$

- مرحله (۴): محاسبه حد آستانه مطلوب: پس از انتخاب روش مناسب و فازی‌زدایی ارزش‌ها، يک حد آستانه باید محاسبه شود. این حد اغلب مبتنی بر نظر محقق در مطالعات مختلف تفاوت دارد. در صورتی که ارزش قطعی فازی‌زدایی نظرات خبرگان تجميع شده بالاتر از حد آستانه باشد، عامل مورد نظر در محاسبات باقی می‌ماند و اگر این معیار پایین‌تر از حد آستانه باشد، عامل مورد نظر از محاسبات حذف می‌شود (Habibi, Jahantigh & Sarafrazi, 2015).

بعد از شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر در انگیزه سپرده‌گذاری در بانک قرض الحسنه، به رتبه‌بندی این گزینه‌ها پرداخته می‌شود. برای این منظور از روش ایداس، که به معنای ارزیابی براساس فاصله از میانگین راه‌حل است، در این رتبه‌بندی

استفاده می‌شود. این روش نخستین بار توسط کشاورز قربایی و دیگران^۷ در سال ۲۰۱۵ میلادی ارائه شده است. در این روش، بهترین راه‌حل مربوط به فاصله از میانگین راه‌حل (AV) است. در این روش دیگر نیازی به محاسبه ایده‌آل مثبت و منفی نیست، بلکه دو معیار اصلی برای ارزیابی مطلوب بودن گزینه‌ها در نظر گرفته می‌شود و مبتنی بر این دو مقیاس در خصوص شاخص‌ها و رتبه‌بندی آن‌ها تصمیم گرفته می‌شود. این دو معیار شامل نخستین اندازه‌گیری فاصله مثبت از میانگین (PDA) و دوم فاصله منفی از میانگین (NDA) هستند. این دو مقیاس می‌توانند تفاوت بین هر گزینه و راه‌حل متوسط را نشان دهند. ارزیابی گزینه‌ها با توجه به ارزش بالاتر PDA و مقادیر پایین‌تر NDA صورت می‌گیرد. در نتیجه، مقادیر بالاتر PDA و یا مقادیر کمتر NDA نشان‌دهنده این است که آن گزینه بهتر است. بر این اساس، اگر فرض شود که n گزینه و m معیار وجود دارد، مراحل استفاده از روش پیشنهادی به شرح زیر است: (Keshavarz Ghorabae et al, 2015).

○ **گام نخست:** انتخاب بااهمیت‌ترین معیارها برای توصیف گزینه‌های موجود، نخستین گام در این روش است.

○ **گام دوم: تشکیل ماتریس تصمیم:** دومین گام در این روش، همانند روش‌های مشابه، تشکیل ماتریس تصمیم یعنی ماتریس معیار-گزینه است. در این ماتریس، ستون‌ها معیارها و سطرها آن گزینه‌های پژوهش هستند. همان‌طور که در رابطه زیر دیده می‌شود، ماتریس تصمیم این روش در واقع ارزیابی هر گزینه نسبت به هر معیار است. به‌عنوان نمونه، X_{12} ارزیابی گزینه اول نسبت به معیار دوم است. این ماتریس تصمیم توسط اعداد واقعی و یا طیف‌های کلامی تکمیل می‌شود.

$$X = [X_{ij}]_{n \times m} = \begin{bmatrix} X_{11} & X_{12} & \cdots & X_{1m} \\ X_{21} & X_{22} & \cdots & X_{2m} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \vdots \\ X_{n1} & X_{n2} & \cdots & X_{nm} \end{bmatrix}, \quad \text{رابطه (۳):}$$

- **گام سوم:** محاسبه میانگین راه حل معیارها: در این گام با استفاده از رابطه زیر میانگین راه حل برای معیارها محاسبه می شود که درواقع همان میانگین داده ها برای هر ستون معیار است.

$$AV = [AV_j]_{1 \times m}, \quad \text{رابطه (۴):}$$

$$AV_j = \frac{\sum_{i=1}^n X_{ij}}{n}. \quad \text{رابطه (۵):}$$

- **گام چهارم:** محاسبه PDA و NDA: در این گام با استفاده از روابط زیر مقادیر، فاصله مثبت از میانگین (PDA) است و فاصله منفی از میانگین (NDA) را محاسبه می شود. بر این اساس اگر معیار جنبه مثبت داشته باشد، یعنی افزایش معیار باعث سود گردد از رابطه (۶) استفاده می شود؛ اما اگر معیار جنبه منفی داشته باشد به این معنا که کاهش معیار باعث سود گردد، از رابطه (۷) استفاده می گردد.

$$PDA_{ij} = \frac{\max(0, (AV_j - X_{ij}))}{AV_j}, \quad \text{رابطه (۶):}$$

$$NDA_{ij} = \frac{\max(0, (X_{ij} - AV_j))}{AV_j}, \quad \text{رابطه (۷):}$$

- **گام پنجم:** محاسبه مقادیر SP و SN: در این گام با استفاده از روابط زیر مقادیر SP و SN محاسبه می شود. درواقع این گام وزن دار کردن مقادیر PDA و NDA از مرحله قبل است و باید وزن معیارها در این متغیرها ضرب شود.

$$SP_i = \sum_{j=1}^m w_j PDA_{ij}; \quad \text{رابطه (۸):}$$

$$SN_i = \sum_{j=1}^m w_j NDA_{ij}, \quad \text{رابطه (۹):}$$

- **گام ششم:** محاسبه مقادیر نرمال SP و SN: در این مرحله مقادیر SP و SN که در مرحله قبل محاسبه شد، با استفاده از روابط زیر به مقدار نرمال تبدیل می شود.

$$NSP_i = \frac{SP_i}{\max_i (SP_i)}; \quad \text{رابطه (۱۰):}$$

$$NSN_i = 1 - \frac{SN_i}{\max_i (SN_i)}. \quad \text{رابطه (۱۱):}$$

○ **گام هفتم:** محاسبه امتیاز ارزیابی (AS): در این مرحله امتیاز ارزیابی (AS) برای همه گزینه‌ها طبق روابط زیر محاسبه می‌شود:

$$AS_i = \frac{1}{2}(NSP_i + NSN_i), \quad \text{رابطه (۱۲):}$$

$$\text{where } 0 \leq AS_i \leq 1. \quad \text{رابطه (۱۳):}$$

○ **گام هشتم:** رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها: در مرحله نهایی گزینه‌ها با توجه به مقادیر نمره ارزیابی (AS) رتبه‌بندی می‌شوند. گزینه‌های با بالاترین (AS) بهترین انتخاب در بین گزینه‌های نامزد است. همچنین در ادامه می‌توان گزینه‌ها را با توجه به این رتبه‌بندی طبقه‌بندی نمود (Kahraman et al, 2017).

۴. یافته‌های پژوهش

عوامل مؤثر بر انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه از طریق مرور پژوهش‌ها و مصاحبه با خبرگان به‌دست آمد. در مرحله نخست، عامل‌ها از مرور پژوهش‌های گذشته استخراج گردید. سپس در ادامه، با پنج نفر از خبرگان مصاحبه‌هایی انجام شد و چهار عامل به این فهرست افزوده شد؛ بنابراین، در مجموع عوامل از طریق مطالعه پژوهش‌های صورت‌گرفته و مصاحبه با خبرگان به‌دست آمد. این عوامل مبتنی بر پژوهش‌های اخیر صورت‌گرفته در نشریه‌های علمی، در چهار دسته کلی طبقه‌بندی شدند. جدول (۴) فهرست عوامل فرعی مؤثر بر انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه را نشان می‌دهد.

جدول (۴): فهرست عوامل مؤثر بر انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض الحسنه

عوامل پژوهش	منابع
کاهش ارزش پول	رضایی (۱۳۹۸)
مقدار و تنوع تسهیلات پرداختی	رضایی (۱۳۹۸)
درصد سود تسهیلات پرداختی	جمشیدی، جندقی و تهرانی (۱۳۹۳)
سهولت دریافت تسهیلات	نظرپور، مصطفی‌پور و حاجی منجری (۱۳۹۵)
به تأخیر انداختن مصرف و پس انداز کردن پول	هادوی‌نیا (۱۳۹۸)
اعطای جوایز یا امتیاز تسهیلات به سپرده	جعفری و شاه‌آبادی (۱۳۹۸)
اعتماد مردم در خصوص کارکرد بانک قرض‌الحسنه	شیرزاد، رجایی باغ‌سای و دارابی (۱۳۹۷)
امنیت سپرده مشتریان	عباسی و صدر (۱۳۸۴)؛ جعفری و شاه‌آبادی (۱۳۹۸)
دریافت خدمات ویژه بانکی (اینترنت بانک، موبایل بانک و...)	تقوی‌فرد، زاهدی‌ادیب و ترابی (۱۳۹۱)
سهولت دسترسی به خدمات و شعب بانک	اسدی زهرایی، آذر و اسکندری (۱۳۹۳)
توزیع درآمد و کاهش نابرابری	ایزدخواستی (۱۳۹۷)
مشکلات نهاد قرض‌الحسنه	شیرزاد، رجایی باغ‌سای و دارابی (۱۳۹۷)
میزان ارتباط و امتیاز و تبلیغات بانک در رسانه‌های گروهی	مصاحبه
تأمین مالی اقشار متوسط و ضعیف جامعه	قلیچ و طاهری (۱۴۰۰)
نحوه برخورد کارکنان با مشتریان	اسدی زهرایی، آذر و اسکندری (۱۳۹۳)
خدمات عمومی و عام المنفعه بانک قرض‌الحسنه	عبادی و جعفری (۱۳۹۹)

عوامل پژوهش	منابع
وابستگی سازمانی	محمدی، ریزه‌بندی و زارعی (۱۳۹۴)
اعطای وام‌های خرد	گودرزی فراهانی و کارخانه (۱۴۰۱)
نگرش، احساسات و هنجارهای ذهنی	نوری، رزاقی هریس و آقاگلی (۱۳۹۹)
کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه	جلیلی فرد و همکاران (۱۴۰۲)
پاداش اخروی قرض‌الحسنه	هادوی‌نیا (۱۳۹۸)
رعایت احکام و موازین شرعی توسط بانک	هادوی‌نیا و عرب بافرانی (۱۳۹۶)
ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه	شیرزاد، رجایی باغ‌سای و دارابی (۱۳۹۷)
تعاون و همیاری	جعفری و شاه‌آبادی (۱۳۹۸)

عوامل مؤثر بر مقوله انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه با توزیع پرسش‌نامه‌های خبره‌سنجی و با استفاده از فن دلفی فازی غربال شدند. جدول (۵) خروجی دلفی فازی را برای عوامل این پژوهش نشان می‌دهد.

جدول (۵): خروجی دلفی فازی عوامل مؤثر بر انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه

عدد دیفازی شده	میانگین نظرات خبرگان			عوامل مؤثر بر انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه
	حد بالا	میان	حد پایین	
۰/۸۳	۰/۹۵	۰/۸۳	۰/۷۲	کاهش ارزش پول
۰/۸۲	۰/۹۳	۰/۸۴	۰/۷	مقدار و تنوع تسهیلات پرداختی
۰/۵۶	۰/۶۴	۰/۵۹	۰/۴۴	توزیع درآمد و کاهش نابرابری
۰/۸	۰/۹۲	۰/۸۱	۰/۶۷	سهولت دریافت تسهیلات
۰/۸۴	۰/۹۵	۰/۸۴	۰/۷۱	به تاخیرانداختن مصرف و پس‌انداز کردن پول
۰/۸۵	۰/۹۶	۰/۸۵	۰/۷۴	اعطای جوایز یا امتیاز تسهیلات به سپرده
۰/۳۸	۰/۵	۰/۳۵	۰/۳	ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه
۰/۸۳	۰/۹۴	۰/۸۳	۰/۷۱	اعتماد مردم در خصوص کارکرد بانک

عدد دیفازی شده	میانگین نظرات خبرگان			عوامل مؤثر بر انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض الحسنه
	حد بالا	میان	حد پایین	
۰/۷۶	۰/۸۸	۰/۷۵	۰/۶۴	امنیت سپرده مشتریان
۰/۴۵	۰/۵۷	۰/۴۶	۰/۳۲	وابستگی سازمانی
۰/۲۵	۰/۳۶	۰/۲۴	۰/۱۵	اعطای وام‌های خرد
۰/۳۴	۰/۴۶	۰/۳۵	۰/۲۱	نگرش، احساسات و هنجارهای ذهنی
۰/۳	۰/۴۱	۰/۳۲	۰/۱۶	دریافت خدمات ویژه بانکی (اینترنت بانک، موبایل بانک و...)
۰/۷۶	۰/۹۱	۰/۷۸	۰/۶	سهولت دسترسی به خدمات و شعب بانک
۰/۸	۰/۹۲	۰/۸۲	۰/۶۶	درصد سود تسهیلات پرداختی
۰/۴	۰/۵۳	۰/۴۶	۰/۲۲	مشکلات نهاد قرض الحسنه
۰/۸۶	۰/۹۲	۰/۸۶	۰/۸	میزان ارتباط و امتیاز و تبلیغات بانک در رسانه‌های گروهی
۰/۳۷	۰/۵۱	۰/۳۴	۰/۲۷	تأمین مالی اقشار متوسط و ضعیف جامعه
۰/۸	۰/۹۴	۰/۸۲	۰/۶۴	نحوه برخورد کارکنان با مشتریان
۰/۷۶	۰/۹۳	۰/۷۶	۰/۶۹	خدمات عمومی و عام‌المنفعه بانک قرض الحسنه
۰/۲۷	۰/۳۵	۰/۲۹	۰/۱۸	کارمزد تسهیلات قرض الحسنه
۰/۷۹	۰/۹	۰/۷۹	۰/۶۷	پاداش اخروی قرض الحسنه
۰/۸۱	۰/۹۱	۰/۸	۰/۷۲	رعایت احکام و موازین شرعی توسط بانک
۰/۴۸	۰/۵۵	۰/۴۸	۰/۴۲	تعاون و همیاری

عواملی که عدد دیفازی آن‌ها بالاتر از ۰/۷ است، برای رتبه‌بندی نهایی با مارکوس انتخاب شدند. ۱۰ عامل دارای عدد دیفازی بیشتر از ۰/۷ بودند و برای اولویت‌بندی نهایی در نظر گرفته شدند. جدول (۵)، فهرست عوامل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد. برای اندازه‌گیری روایی محتوایی عوامل مؤثر بر انگیزه‌های سپرده‌گذاری قرض الحسنه از نسبت روایی محتوایی مدل لاوشه و شاخص روایی محتوایی والتز و باسل استفاده شد. در این

مطالعه، برای اندازه‌گیری نسبت روایی محتوایی، یک گروه پنل خبره ۱۰ نفره شکل گرفت.

جدول (۶): حداقل مقادیر ضریب محتوایی مورد قبول

تعداد خبرگان	حداقل ضریب محتوایی مطلوب
۵ الی ۷ نفر	۰/۹۹
۸	۰/۷۸
۹	۰/۷۵
۱۰	۰/۶۲
۱۱	۰/۵۹
۱۲	۰/۵۶
۱۳	۰/۵۴
۱۴	۰/۵۱
۱۵	۰/۴۹
۲۰	۰/۴۲

مقادیر نسبت روایی محتوایی برای هر عامل مؤثر بر سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه براساس رابطه (۱۴) محاسبه شده است.

$$CVR = \frac{n_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}} \quad \text{رابطه (۱۴)}$$

n_e : تعداد خبرگانی که عامل مورد نظر را ضروری ارزیابی کرده‌اند؛

N : تعداد کل خبرگان؛

نسبت روایی محتوایی تمامی عوامل بالاتر از ۰/۶۲ بود. نسبت روایی محتوایی عوامل نهایی غربال‌شده در جدول (۷) آمده است. در این مطالعه، علاوه بر نسبت روایی محتوایی، شاخص روایی محتوایی هم محاسبه شد. همان‌طور که ضرایب محتوایی عوامل در جدول (۶) نشان می‌دهد، مقادیر هر دو ضریب برای عوامل غربال‌شده است.

همان‌طور که در مبانی نظری پژوهش بیان شد، با استفاده از مرور پیشینه، پرسش‌نامه و پنل خبرگانی، عوامل مؤثر بر انگیزه سپرده‌گذاری مشتریان در بانک قرض‌الحسنه رسالت استخراج شد. سپس با بهره‌گیری از نظرات خبرگان و با استفاده از روش دلفی

فازی، ۱۴ مؤلفه به عنوان مهم ترین عوامل مؤثر بر انگیزه سپرده گذاری مشتریان در بانک قرض الحسنه رسالت در قالب ۴ عامل شناسایی شدند که این عوامل در جدول (۷) آورده شده است.

جدول (۷): فهرست عوامل انگیزه ای غربال شده

عوامل (انگیزه ها)	مؤلفه ها	کدگذاری	نسبت روایی
مالی	کاهش ارزش پول	A _۱	۰/۷۴
	مقدار تسهیلات پرداختی	A _۲	۰/۸۲
	درصد سود تسهیلات پرداختی	A _۳	۰/۷۸
	اعطای جوایز یا امتیاز تسهیلات به سپرده	A _۴	۰/۷۲
کارایی	امنیت سپرده مشتریان	B _۱	۰/۸۵
	دریافت خدمات ویژه بانکی (اینترنت بانک، موبایل بانک، تلفن بانک و...)	B _۲	۰/۷
	سهولت دریافت تسهیلات	B _۳	۰/۷۹
روایی	میزان تبلیغات بانک در رسانه های گروهی	C _۱	۰/۷۵
	نحوه برخورد کارکنان با مشتریان	C _۲	۰/۷۳
	خدمات عمومی و عام المنفعه بانک قرض الحسنه	C _۳	۰/۸۲
معنوی	پاداش اخروی قرض الحسنه	D _۱	۰/۷۸
	رعایت احکام و موازین شرعی توسط بانک	D _۲	۰/۷۱

در این مرحله، نخست داده های ماتریس تصمیم به دست آورده می شود. سپس هر یک از خبرگان، نظرات خود را در مورد اهمیت هر عامل در یک طیف ۱۰ تایی ابراز می کنند. در ادامه، داده های ماتریس تصمیم با روش خطی نرمال می شوند. سپس با ضرب وزن نظرات خبرگان در داده های ماتریس نرمال، ماتریس نرمال موزون استخراج می شود. در این پژوهش، به دلیل اینکه سطح دانش و تخصص خبرگان نزدیک تشخیص داده شد، وزن تمامی خبرگان مساوی و برابر با ۰/۱ در نظر گرفته شد. در نهایت، جداول (۸) و (۹) داده های ماتریس نرمال موزون به دست آمده را نشان می دهند.

در این بخش به رتبه‌بندی عوامل انگیزشی و مؤلفه‌ها در ۶ بخش پرداخته می‌شود. به این صورت که در بخش اول به رتبه‌بندی ۴ عامل مالی، کارایی، روانی و معنوی پرداخته می‌شود. پس از تعیین اولویت این عوامل، در بخش دوم تمامی ۱۲ مؤلفه به یک‌باره وارد ماتریس تصمیم شده و رتبه‌بندی ۱۴ مؤلفه مشخص می‌شود تا محقق بداند که کدام مؤلفه در میان تمام مؤلفه‌ها از اولویت بالاتری برخوردار است. سپس در بخش‌های سوم تا ششم به رتبه‌بندی مؤلفه‌های هریک از عوامل مالی، کارایی، روانی و معنوی به صورت جداگانه پرداخته می‌شود.

- بخش اول: رتبه‌بندی چهار عامل مالی، کارایی، روانی و معنوی

بنابراین، نخست به دنبال اولویت‌بندی چهار عامل (مالی، کارایی، روانی و معنوی) مؤثر بر انگیزه سپرده‌گذاری مشتریان بانک‌های قرض‌الحسنه رسالت با استفاده از فن ایداس هستیم. لذا، چهار عامل (مالی، کارایی، روانی و معنوی) به عنوان گزینه در ستون ماتریس تصمیم و خبرگان به عنوان معیار در سطر ماتریس تصمیم قرار می‌گیرند تا بتوان به هدف تحقیق که اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر انگیزه سپرده‌گذاری مشتریان است، دست یافت.

مراحل انجام در ۵ گام به شرح زیر انجام شده است.

- گام اول: تشکیل ماتریس تصمیم: پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط خبرگان حاضر در روند انجام تحقیق؛
- گام دوم: به دست آوردن ماتریس میانگین: ماتریس میانگین برای تمامی معیارها؛
- گام سوم: تعیین فواصل مثبت و منفی؛
- گام چهارم: تعیین فواصل مثبت و منفی موزون؛
- گام پنجم: بی‌مقیاس کردن فواصل مثبت و منفی موزون، محاسبه امتیاز ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل تحقیق.

جدول (۸): مقادیر نرمال چهار عامل (مالی، کارایی، روانی و معنوی)

Rank	AS	NSNi	NSPi	SNi	SPi	شاخص‌ها عوامل
2	0/7276	0/787	0/668	0/018	0/039	مالی
3	0/6393	0/708	0/571	0/025	0/033	کارایی
4	0/0141	0/000	0/028	0/086	0/002	روانی
1	0/9893	0/979	1/000	0/002	0/058	معنوی

براساس نتایج به‌دست‌آمده، عوامل معنوی بیشترین تأثیر را در افزایش انگیزه‌ها و جذب سپرده در بانک قرض‌الحسنه رسالت دارند. عوامل انگیزشی مالی، کارایی و روانی نیز در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

- بخش دوم: رتبه‌بندی تمامی مؤلفه‌ها

پس از رتبه‌بندی عوامل انگیزشی، به اولویت‌بندی ۱۲ مؤلفه مؤثر بر انگیزه سپرده‌گذاری مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت با استفاده از فن پرداخته شد؛ بنابراین، ۱۲ مؤلفه به‌عنوان گزینه در ستون ماتریس تصمیم و خبرگان به‌عنوان معیار در سطر ماتریس تصمیم قرار گرفتند. لازم به ذکر است که به دلیل کاهش حجم جدول‌ها، به‌جای مؤلفه‌ها از کدگذاری مؤلفه‌ها که در جدول (۹) آمده است، استفاده شده است. مراحل انجام در ۵ گام گفته‌شده به شرح جدول (۹) انجام شده است. مبتنی بر نتایج به‌دست‌آمده، مؤلفه‌های رعایت احکام و موازین شرعی توسط بانک (D2)، امنیت سپرده مشتریان (B1) و درصد سود تسهیلات پرداختی (A3) به ترتیب رتبه اول تا سوم بیشترین اهمیت را به‌دست آوردند و مؤلفه‌های اعطای جوایز یا امتیاز تسهیلات به سپرده (A4)، دریافت خدمات ویژه بانکی (اینترنت بانک، موبایل بانک، تلفن بانک و...) (C1) و میزان تبلیغات بانک در رسانه‌های گروهی (B2) به ترتیب آخرین درجه اهمیت را حائز شدند.

جدول (۹): مقادیر نرمال

Rank	AS	NSNi	NSPi	SNi	SPi	شاخص‌ها مؤلفه‌ها
7	0/4959	0/583	0/409	0/105	0/088	A1
5	0/5784	0/665	0/492	0/084	0/106	A2
3	0/8641	0/728	1/000	0/068	0/216	A3
12	0/1109	0/000	0/222	0/251	0/048	A4
2	0/9370	0/916	0/958	0/021	0/207	B1
10	0/1378	0/226	0/050	0/195	0/011	B2
4	0/8360	0/899	0/773	0/025	0/167	B3
11	0/1234	0/210	0/037	0/199	0/008	C1
8	0/4439	0/701	0/186	0/075	0/040	C2
9	0/4368	0/288	0/586	0/179	0/127	C3
6	0/5741	0/769	0/379	0/058	0/082	D1
1	0/9688	0/980	0/958	0/005	0/207	D2

منبع: (یافته‌های تحقیق)

- بخش سوم: رتبه‌بندی مؤلفه‌های انگیزه مالی

اولویت‌بندی مؤلفه‌های مالی مؤثر بر انگیزه سپرده‌گذاری مشتریان بانک‌های قرض‌الحسنه رسالت با استفاده از فن ایداس در بخش بعدی بررسی انگیزشی مورد پژوهش قرار گرفت. بر این اساس، چهار مؤلفه (کاهش ارزش پول، مقدار تسهیلات پرداختی، درصد سود تسهیلات پرداختی و اعطای جوایز یا امتیاز تسهیلات به سپرده) به‌عنوان گزینه در ستون ماتریس تصمیم و خبرگان به‌عنوان معیار در سطر ماتریس تصمیم قرار می‌گیرند. بر این اساس، مؤلفه‌های درصد سود تسهیلات پرداختی (A3) و مقدار تسهیلات پرداختی (A2) به ترتیب بیشترین میزان اهمیت را از نظرگاه مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت داشتند.

جدول (۱۰): مقادیر نرمال مؤلفه‌های مالی

Rank	AS	NSNi	NSPi	SNi	SPi	شاخص‌ها مؤلفه‌ها
3	0/4270	0/595	0/259	0/105	0/051	A1
2	0/5209	0/759	0/283	0/062	0/056	A2
1	0/8713	0/743	1/000	0/067	0/197	A3
4	0/0726	0/000	0/145	0/259	0/029	A4

منبع: (یافته‌های تحقیق)

- بخش چهارم: رتبه‌بندی مؤلفه‌های انگیزه کارایی

مؤلفه‌های کارایی مؤثر بر انگیزه سپرده‌گذاری مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت نیز با استفاده از فن ایداس اولویت‌بندی شد. بر این اساس، سه مؤلفه امنیت سپرده مشتریان، سهولت دریافت تسهیلات و دریافت خدمات ویژه بانکی (اینترنت بانک، موبایل بانک، تلفن بانک و...) به ترتیب به‌عنوان گزینه‌های دارای اهمیت اول تا سوم در ستون ماتریس تصمیم شناخته شدند.

جدول (۱۱): مقادیر نرمال مؤلفه‌های کارایی

Rank	AS	NSNi	NSPi	SNi	SPi	شاخص‌ها مؤلفه‌ها
1	0/9562	0/912	1/000	0/015	0/239	B1
3	0/1524	0/073	0/232	0/161	0/055	B2
2	0/8352	0/887	0/783	0/029	0/154	B3

منبع: (یافته‌های تحقیق)

- بخش پنجم: رتبه‌بندی مؤلفه‌های انگیزه روانی

در ادامه تحقیق، به اولویت‌بندی مؤلفه‌های روانی مؤثر بر انگیزه سپرده‌گذاری مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت با استفاده از فن ایداس پرداخته شد. مبتنی بر نظرات اخذشده، نحوه برخورد کارکنان با مشتریان، میزان تبلیغات بانک در رسانه‌های

گروهی و خدمات عمومی و عام‌المنفعه بانک قرض‌الحسنه به‌عنوان بیشترین گزینه‌های دارای اهمیت شناسایی شدند.

جدول (۱۲): مقادیر نرمال مؤلفه‌های روانی

Rank	AS	NSNi	NSPi	SNi	SPi	شاخص‌ها مؤلفه‌ها
2	0/4472	0/512	0/383	0/070	0/050	C1
1	1/0000	1/000	1/000	0/000	0/131	C2
3	0/1213	0/000	0/243	0/143	0/032	C3

منبع: (یافته‌های تحقیق)

- بخش ششم: رتبه‌بندی مؤلفه‌های انگیزه معنوی

طبق نتایج بخش‌های قبل، اولویت‌بندی مؤلفه‌های معنوی مؤثر بر انگیزه سپرده‌گذاری مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت مبتنی بر فن ایداس شامل دو مؤلفه رعایت احکام و موازین شرعی توسط بانک و پاداش اخروی قرض‌الحسنه به‌عنوان گزینه‌های اول و دوم درجه اهمیت از نظرگاه خبرگان به‌دست آمد.

جدول (۱۳): مقادیر نرمال مؤلفه‌های معنوی

Rank	AS	NSNi	NSPi	SNi	SPi	شاخص‌ها مؤلفه‌ها
2	0/0410	0/000	0/082	0/085	0/007	D1
1	0/9590	0/918	1/000	0/007	0/085	D2

منبع: (یافته‌های تحقیق)

براساس نتایج به‌دست‌آمده از مشتریان بانک قرض‌الحسنه رسالت شهرستان ساوه، مؤلفه‌های زیر به ترتیب در انگیزه آن‌ها در انتخاب سپرده‌گذاری در بانک قرض‌الحسنه رسالت نقش داشتند. بر این اساس، برخلاف انگاره‌های متعارف، مشتریان سپرده‌گذار در بانک قرض‌الحسنه رسالت در وهله نخست، مبتنی بر مؤلفه‌های اخروی و موازین شرعی و انگیزه‌های معنوی در بانک‌های قرض‌الحسنه سپرده‌گذاری می‌کنند. در کنار این انگیزه،

توجه به مؤلفه‌های امنیت، سهولت و به‌طور کلی انگیزه‌های کارآمدی و کارایی در میان سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها مورد توجه مشتریان است. این امر تا حدی به خاطر پیشتازی بانک رسالت در ارائه خدمات کاملاً غیرحضوری و مجازی است. سایر عوامل روان‌شناختی مانند نحوه برخورد کارکنان، ارائه خدمات عمومی و تبلیغات نیز در تقویت انگیزه مشتریان اثرگذار بوده است. البته، به دلیل شرایط تورمی و کاهش ارزش پول، این عامل اثر منفی قابل توجهی بر سپرده‌گذاری در این بانک داشته است.

از آنجا که هیچ جایزه و سودی به سپرده‌های این بانک تعلق نمی‌گیرد، انگیزه کسب جایزه در پایین‌ترین رتبه قرار گرفته است. اگرچه انتظار می‌رود امتیازی بودن سپرده قرض‌الحسنه در این بانک باعث ایجاد انگیزه زیادی در مشتریان برای سپرده‌گذاری در این بانک شود، اما در مقایسه با سایر بانک‌ها که تسهیلات متنوع‌تر و با حجم‌های بیشتری را در قبال سپرده‌گذاری و مانده‌گیری سپرده‌ها پرداخت می‌کنند، بانک رسالت از جذابیت نسبی کمتری برخوردار است و به همین جهت، این عامل در پایین‌ترین مرتبه قرار گرفته است.

جدول (۱۴): فهرست نهایی مؤلفه‌ها و عوامل انگیزه‌ای غربال شده

ردیف	مؤلفه‌ها	عوامل (انگیزه‌ها)
۱	رعایت احکام و موازین شرعی توسط بانک	معنوی
۲	امنیت سپرده مشتریان	کارایی
۳	درصد سود تسهیلات پرداختی	مالی
۴	سهولت دریافت تسهیلات	کارایی
۵	مقدار تسهیلات پرداختی	مالی
۶	پاداش اخروی قرض‌الحسنه	معنوی
۷	کاهش ارزش پول	مالی
۸	نحوه برخورد کارکنان با مشتریان	روانی
۹	خدمات عمومی و عام‌المنفعه بانک قرض‌الحسنه	روانی
۱۰	دریافت خدمات ویژه بانکی (اینترنت بانک، موبایل بانک و تلفن بانک و...)	کارایی

ردیف	مؤلفه‌ها	عوامل (انگیزه‌ها)
۱۱	میزان تبلیغات بانک در رسانه‌های گروهی	روانی
۱۲	اعطای جوایز یا امتیاز تسهیلات به سپرده	مالی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی انگیزه‌های سپرده‌گذاری مردم در بانک قرض‌الحسنه رسالت شهرستان ساوه پرداخته شد. محدود کردن انگیزه‌های اقتصادی به کسب سود مادی باعث شده است که ظرفیت‌های بسیار عظیمی از اقتصاد نادیده گرفته شود یا از تحلیل آن عاجز بماند. یکی از مهم‌ترین مصادیق مادی‌انگاری، بررسی و تحلیل چگونگی و چرایی گرایش مردم به عقود قرض‌الحسنه علی‌رغم بروز مشکلات سودمحورانه در برابر تنوع خدمات بانکی مدرن ربوی است. این در حالی است که طبق تحقیقات میدانی و پژوهش حاضر، بیشترین انگیزه مردم در سپرده‌گذاری بانک قرض‌الحسنه رسالت، به‌ویژه در شهرستان ساوه، رویکرد این بانک برای رعایت شریعت و تبلور انگیزه‌های معنوی و دینی در روند فعالیت و خدمت‌گزاری به مردم است.

براساس این تحقیق، عواملی همچون اصالت، اعتماد، سهولت و پایداری به موازین اسلامی، انگیزه مردم و مشتریان شهرستان ساوه را برای اقبال به بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه افزایش می‌دهد. در حالی که برخی عوامل نیز مانند سود تسهیلات بالا، برخوردهای نادرست و کند بودن نظام اقدام باعث دور شدن و تنفر مردم از بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه می‌شود. رتبه‌بندی انگیزه‌ها نشان می‌دهد که انگیزه‌های معنوی رتبه اول را کسب کردند و سپس به ترتیب انگیزه‌های مالی، کارایی و روانی در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار گرفتند. در رتبه‌بندی تمام مؤلفه‌ها نیز «رعایت احکام و موازین شرعی توسط بانک» رتبه اول و مؤلفه‌های «امنیت سپرده مشتریان»، «درصد پایین سود تسهیلات پرداختی»، «سهولت دریافت تسهیلات»، «مقدار تسهیلات پرداختی» و «پاداش اخروی قرض‌الحسنه» به ترتیب رتبه‌های بعدی اهمیت را داشتند.

همچنین، مبتنی بر رتبه‌بندی مؤلفه‌های انگیزه مالی، درصد سود تسهیلات پرداختی رتبه اول و مقدار تسهیلات پرداختی، کاهش ارزش پول (به‌عنوان عامل منفی)، اعطای

جوایز یا امتیاز تسهیلات به سپرده رتبه‌های بعدی را داشتند. در مؤلفه‌های انگیزه کارایی، رتبه اول به امنیت سپرده مشتریان تعلق گرفت و سهولت دریافت تسهیلات و همچنین دریافت خدمات ویژه بانکی (اینترنت بانک، موبایل بانک، تلفن بانک و...) رتبه‌های دوم و سوم را کسب کردند. در مؤلفه‌های انگیزه روانی نیز، بالاتر از همه نحوه برخورد کارکنان با مشتری و پس از آن میزان تبلیغات بانک در رسانه‌های گروهی و نهایتاً خدمات عمومی و عام‌المنفعه بانک قرض‌الحسنه قرار گرفتند. به همین صورت، در رتبه‌بندی مؤلفه‌های انگیزه معنوی نیز، رعایت احکام و موازین شرعی توسط بانک (تطابق عملکرد بانک با موازین شریعت در قرض‌الحسنه) رتبه نخست و مؤلفه پاداش اخروی قرض‌الحسنه رتبه دوم را احراز کردند.

طبق این پژوهش، مردم و مشتریانی که بانک رسالت را برای انجام فعالیت‌های بانکی انتخاب کردند، غالباً به دلیل انگیزه‌های معنوی و دینی و دوری از ربا بوده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود که نظام بانکداری کشور، در عوض خلأ انگیزشی برای هدایت بانک‌ها به تولید و خدمات خرد و عمومی و عقود قرض‌الحسنه و اجتماعی، و جلوگیری از رقابت‌های مخرب در جهت جذب مشتری و سازمان‌ها با سودهای علی‌الحساب پیدا و پنهان، به بانک‌های قرض‌الحسنه، توسعه‌ای و تعاونی روی آورد و هر یک از بانک‌های موجود را در حوزه‌ای مکلف به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه هدفمند برای تولید، صادرات، واردات مواد اولیه و لازم، خدمات و ارتباط با قاره‌های مختلف ذیل هدایت، کنترل و نظارت و سازمان‌دهی خود کند. این رویکرد، رقابت مخرب سود علی‌الحساب برای جذب سپرده را زایل کرده و سود واقعی در تولید و تجارت و خدمت ذیل عقود قرض‌الحسنه و عقود اسلامی را در جامعه اسلامی جایگزین نظام بانکی شبه‌ربوی خواهد کرد.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «انگیزه‌های جذب سپرده توسط بانک‌ها قرض‌الحسنه (مطالعه موردی بانک قرض‌الحسنه رسالت و مهر ایران)» خانم فاطمه‌الزهرا افشاری‌پور که به راهنمایی آقای دکتر علی سعیدی در دانشگاه قم در سال ۱۳۹۹ دفاع شده است.

کتابنامه

- (۱) اسدی زهرایی؛ احسان، آذر؛ عادل؛ و اسکندری، لیلا (۱۳۹۳). ارائه مدلی جهت معرفی عوامل مؤثر بر رفتار مشتریان در سپرده‌گذاری بانکی. *کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت*. ایران تهران: مؤسسه همایشگران مهر اشراق، مرکز همایش‌های دانشگاه تهران.
- (۲) ابراهیمی‌نژاد رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۴۰۳). سازوکار انگیزش دانشمند در نظام تولید علم از منظر اقتصاد مقاومتی (رساله دکتری). دانشگاه قم.
- (۳) ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۷). تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد در ایران. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۱۵(۳۰)، ۲۹-۵۰. DOI: [10.30471/iee.2018.1553](https://doi.org/10.30471/iee.2018.1553)
- (۴) تقوی‌فرد، محمدتقی؛ زاهدی‌ادیب، محسن؛ و ترابی، مصطفی (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر استفاده از خدمات بانکداری اینترنتی از سوی مشتریان (موردمطالعه بانک ملت). *پژدازش و مدیریت اطلاعات*، ۷(۲۷)، ۵۵۹-۵۳۹.
- (۵) توحیدی، محمد؛ مفیدی‌کیا، حسین؛ انصاری، میلاد (۱۴۰۲). شناسایی چالش‌های بانکداری قرض‌الحسنه و ارائه راهکارها (مطالعه موردی بانک قرض‌الحسنه رسالت). *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۳(۳)، ۴۲-۱. DOI: [10.30497/ifr.2023.244493.1833](https://doi.org/10.30497/ifr.2023.244493.1833)
- (۶) جعفری، مهدی؛ شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۸). تأثیر امنیت اقتصادی بر سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های دولتی و خصوصی ایران. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۱۶(۳۱)، ۹۱-۱۱۰.

- (۷) جمشیدی ناصر؛ جندقی غلامرضا؛ تهرانی رضا (۱۳۹۳). مدل‌سازی علل معوق شدن تسهیلات قرض‌الحسنه در بانک قرض‌الحسنه مهر ایران. *پژوهش‌های اقتصادی* (رشد و توسعه پایدار)، ۱۴(۳)، ۱۶۱-۱۷۸.
- (۸) جوزی‌زاده، منا (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی کارایی و عملکرد بانک‌های قرض‌الحسنه و بانک‌های تجاری در ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شاهد.
- (۹) جلیلی‌فرد، احسان؛ سخنور، محمد؛ و آخوندزاده یوسفی، طاهره (۱۴۰۲). تأثیر ریسک اعتباری و نقدینگی تسهیلات قرض‌الحسنه بر ثبات سیستم بانکی ایران با استفاده از شاخص‌های Merton distance to default و Z-Score و روش اقتصادسنجی معادلات ساختاری (نرم‌افزار EQS). *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۱۰(۱۹)، ۶۱-۸۵. DOI: [10.30465/ce.2023.44134.1850](https://doi.org/10.30465/ce.2023.44134.1850)
- (۱۰) حسینی، سیدرضا (۱۳۸۲). مفروضات نظریه مصرف‌کننده در اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۳(۹)، ۲۷-۵۰.
- (۱۱) خالقی، محمدجواد (۱۳۹۵). بانکداری اسلامی در ایران (مطالعه موردی: بانک قرض‌الحسنه مهر ایران). *پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری*، ۲(۵)، ۱۸۱-۱۹۲.
- (۱۲) رضایی، امیر (۱۳۹۸). شناسایی نظام بانکداری بدون ربای ایران و آسیب‌شناسی سپرده‌های قرض‌الحسنه در این نظام بانکداری (مطالعه موردی: بانک مسکن)، *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۱(۳)، ۱-۱۷.
- (۱۳) سیزده اندیشمند و اقتصاددان مسلمان (۱۳۷۵). *مباحثی در اقتصاد خرد نگرش اسلامی* (مترجم: حسین صادقی). ایران، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- (۱۴) شیرزاد، تقی؛ رجایی باغ‌سای، محمد؛ و دارابی، بهمن (۱۳۹۷). موانع جذب سپرده‌های قرض‌الحسنه از دیدگاه سپرده‌گذاران در بانکداری اسلامی (مطالعه موردی: بانک قرض‌الحسنه مهر ایران شهرستان تبریز). *پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری*، ۵(۱۷)، ۱۲۵-۱۰۵.
- (۱۵) صدر، سیدکاظم (۱۳۷۵). *اقتصاد صدر اسلام*. ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- (۱۶) صفری نادری، مرتضی (۱۳۹۸). *بررسی تأثیر اعتماد به برند بر انگیزه مشتریان برای سپرده‌گذاری در مؤسسات قرض‌الحسنه خصوصی، با میانجی‌گری وفاداری به برند (مورد مطالعه: موسسه قرض‌الحسنه انصار المهدی شهرستان بشرویه)* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). ایران، تهران: موسسه آموزش عالی پیروزان.

- (۱۷) عبادی روح‌اله، جعفری مهدی (۱۳۹۹). قرض‌الحسنه، راهبردی برای اقتصاد سالم. / اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۹(۳۲)، ۹۱-۱۲۲.
- (۱۸) عباسی، زهرا؛ و صدر، سیدکاظم (۱۳۸۴). محاسبه هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه و مقایسه آن با سایر عقود اسلامی. / اقتصاد اسلامی، ۵(۱۹)، ۱۳-۴۳.
- (۱۹) علم‌الهدی، سیدسجاد؛ و آق‌آتابای، عبدالعظیم (۱۳۹۳). اقتصاد اسلامی، تخصیص درآمد و رفتار مصرفی، اقتصاد تطبیقی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱(۱)، ۱۳۳-۱۵۹.
- (۲۰) قدسی، ابراهیم؛ ملکی، محمدحسن؛ قنواتی، ابراهیم؛ محبی آشتیانی، سید (۱۴۰۱). فنون نوین تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در پژوهش عملیاتی. یزد: دانشگاه یزد.
- (۲۱) قلیچ، وهاب؛ و طاهری، ماندانا (۱۴۰۰). طراحی الگوی نوین تأمین مالی خرد اسلامی در نظام بانکی ایران (مبتنی بر عقود وکالت، قرض‌الحسنه و مرابحه). تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰(۲)، ۵۷۲-۵۳۹. DOI: [10.30497/ifr.2021.240367.1598](https://doi.org/10.30497/ifr.2021.240367.1598)
- (۲۲) گودرزی فراهانی، یزدان؛ کارخانه، راضیه (۱۴۰۱). بررسی عملکرد مؤسسات قرض‌الحسنه در رشد تولید به‌عنوان مؤسسات تأمین مالی خرد در ایران. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۱(۴۱)، ۱۵۷-۱۸۰.
- (۲۳) محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۹). بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران. معرفت/اقتصادی، ۱(۱)، ۱۴۱-۱۶۲.
- (۲۴) محمدی، اسفندیار؛ ریزه‌بندی، مریم؛ و زارعی، الهام (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر سپرده‌گذاری مشتریان در نظام بانکی مورد مطالعه مشتریان بانک مهر اقتصاد استان ایلام. اولین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی ایران. ایران، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- (۲۵) مستخدمین حسینی، فرزانه (۱۳۹۲). ارزیابی انگیزه فعالیت‌های اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران.
- (۲۶) موسویان، سیدعباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۷-الف). بانکداری اسلامی مبانی نظری-تجارب عملی. ایران، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- (۲۷) موسویان، سیدعباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۷-ب). سپرده تعاونی امتیازی به‌عنوان نسل دوم فعالیت‌های قرض‌الحسنه. اقتصاد اسلامی، ۱۸(۷۱)، ۶۷-۹۸.

- ۲۸) مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران (۱۴۰۲). گزارش عملکرد بانک‌های کشور. ایران، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۹) نجارزاده، رضا؛ رضاقلی‌زاده، مهدیه؛ و زیوداری، مهدی (۱۳۸۷). شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی بر مبنای اخلاق اسلامی و اخلاق سرمایه‌داری. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۵(۱۰)، ۷-۳۷.
- ۳۰) نظریور محمدنقی؛ مصطفی‌پور، غلامرضا؛ حاجی منجری، مریم (۱۳۹۵). کارت اعتباری براساس قرض‌الحسنه ابزاری در جهت توسعه بانکداری قرض‌الحسنه. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۵(۱۴)، ۳۳-۵۷.
- ۳۱) نوری، ایرج؛ رزاقی هریس، محمدعلی؛ و آقاگلی، فرشید (۱۳۹۹). بررسی تأثیر مدل رفتاری مبتنی بر هدف در توصیف پس‌انداز قرض‌الحسنه در بانکداری اسلامی (مطالعه موردی بانک قرض‌الحسنه مهر ایران). *تحقیقات مالی اسلامی*، ۹(۲)، ۴۶۷-۵۰۶. DOI: [10.30497/ifr.2019.75490](https://doi.org/10.30497/ifr.2019.75490)
- ۳۲) هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۸). رفتارشناسی قرض‌الحسنه. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۸(۲۹)، ۶۱-۷۸.
- ۳۳) هادوی‌نیا، علی‌اصغر، و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۶). قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۶(۱۹)، ۲۲۹-۲۴۷.

Reference

- 1) Hadavinia, A, A. (2019) Behaviorism of Qarzul-Hasna. *Islamic Economics and Banking*. 8(29), 61-78. [in Persian].
- 2) Hadavinia, A, A, & Arab Bafarani, B. (2017) Qard al-Hasana in Islamic Economics. *Islamic Economics and Banking*. 6 (19):229-247. [in Persian].
- 3) Iranian Institute of Higher Banking Education (1402). *Report on the performance of the country's banks*. Iran, Tehran: Central Bank of the Islamic Republic of Iran. [in Persian].
- 4) Izadkhasti, H. (2018). The Examination of the Effect of "Gharz Al-Hasanah" loan on Income Distribution in Iran. *Economic Essays: an Islamic Approach "Jostār hā-ye Eghtesādi bā Ruykard-e Eslāmi"*, 15(30), 29-50. DOI: [10.30471/iee.2018.1553](https://doi.org/10.30471/iee.2018.1553) [in Persian].
- 5) Jalilifard, E. , Sokhanvar, M. and Akhoondzadeh Yousefi, T. (2023). The Effect of Credit Risk and Liquidity of Qarz al-Hasane Facilities on the Stability of the Iranian Banking System Using Merton Distance to Default and Z-Score Indices and Econometric method of Structural Equations (Software EQS). *Iranian Economic Issues*, 10(19), 61-85. DOI: [10.30465/ce.2023.44134.1850](https://doi.org/10.30465/ce.2023.44134.1850) [in Persian].

- 6) Kahf, M. (1973). A Contribution to the study of the. Islam. Utah U.S.A. Unive.Of Utah July.
- 7) Khan, M. F. (1986). Macro consumption function in an Islamic framework. In *Contributions to Islamic Economic Theory: A Study in Social Economics* (pp. 140-165). London: Palgrave Macmillan UK.
- 8) Rezaei, A. (2019). Identifying Iran's interest-free banking system and the pathology of Qarz al-Hasanah deposits in this banking system (Case study: Maskan Bank), *Islamic Sciences Research and Studies*, 1(3), 1-17. [in Persian].
- 9) Siddiqi, M. (1992). *Readings in Microeconomics: An Islamic Perspective*, Longman, Malaysia.
- 10) Stiglitz, J.E., & Walsh, C. E. (2002). *Principles of Micro economics* (3rd Editioned.), NewYork: W.W. Norton & Company.
- 11) Keshavarz Ghorabae, M., Zavadskas, E. K., Olfat, L., & Turskis, Z. (2015). Multi-criteria inventory classification using a new method of evaluation based on distance from average solution (EDAS). *Informatica*, 26(3), 435-451.
- 12) Kahraman, C., Keshavarz Ghorabae, M., Zavadskas, E. K., Cevik Onar, S., Yazdani, M., & Oztaysi, B. (2017). Intuitionistic fuzzy EDAS method: an application to solid waste disposal site selection. *Journal of Environmental Engineering and Landscape Management*, 25(1), 1-12.
- 13) Mingers, J. (2011). Soft OR comes of age – but not everywhere!. *Omega*, 39(6), 729-741.
- 14) Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2009). *Research methods for business students*. Pearson education.
- 15) Gilbert, G. E., & Prion, S. (2016). Making sense of methods and measurement: Lawshe's content validity index. *Clinical simulation in nursing*, 12(12), 530-531.
- 16) Polit, D. F., Beck, C. T., & Owen, S. V. (2007). Is the CVI an acceptable indicator of content validity? Appraisal and recommendations. *Research in nursing & health*, 30(4), 459-467.
- 17) Habibi, A., Jahantigh, F. F., & Sarafrazi, A. (2015). Fuzzy Delphi technique for forecasting and screening items. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*, 5(2), 130-143.
- 18) Asadi Zahra'i, E., Āzar, A., Ādel, and Eskandari, L. (1393 SH/2014). Erā'eh-ye modeli jānib-i mo'aththar bar raftār-ē moshtariyān dar seporde-gōrī-ye bānki [A model for identifying the factors affecting customer behavior in bank deposits]. *Konferānseh-ye bīn-āl-melali hesābdārī va modīriat* [International Accounting and Management

- Conference], Iran, Tehran: Mo'asseseh-ye hamāyeshgārān-e Mehr Ashrāq, Markaz-eh hamāyesh-hā-ye dāneshgāh-e Tehrān [in Persian].
- 19) Ebrāhīmī Najād Rafsanjānī, 'A, (1403 SH/2024). *Sāzmākār-e engīzish-e daneshmand dar nizām-e tovlid-e ilm az manzar-e eqtesād-e moqāvamati (resālah-ye doktūrī)* [The motivation mechanism of the scholar in the knowledge production system from the perspective of resistant economy (PhD thesis)]. Dāneshgāh-e Qom [in Persian].
 - 20) Taqvī-Fard, M., Zāhedī-Adīb, M., and Torābī, M. (1391 SH/2012). 'Avāmil mo'aththar bar estefādeh az khadamāt-e bānk-dārī-ye internetī az su-ye moshtariyān (māre-damāl-e bānk-e Mellat) [Factors affecting the use of internet banking services by customers (Case study of Mellat Bank)]. *Pardāzeh va modīriāt-e etelāūt [Information Processing and Management]*, 7(27), 559-539 [in Persian].
 - 14) Tawhīdī, M., Mafīdī-Kiā, H., Ansārī, M. (1402 SH/2023). Shanāsāi-ye chalish-hā-ye bānk-dārī-ye qarḍ-ol-ḥasanah va arā'eh-ye rāh-kārḥā (māre-damāl-e bānk-e qarḍ-ol-ḥasanah Rasālat) [Identifying the challenges of interest-free banking and providing solutions (Case study of Rasālat Interest-Free Bank)]. *Tahqīqāt-ī māli-ye islāmī [Islamic Financial Research]*, 13(3), 1-42. DOI: 10.30497/ifr.2023.244493.1833 [in Persian].
 - 15) Jāfarī, M., Shāh-Ābādī, A. (1398 SH/2019). Ta'sīr-e amnīyat-e eqtesādī bar seporde-hā-ye qarḍ-ol-ḥasanah bānk-hā-ye dolatī va khosūsi-ye Irān [The impact of economic security on interest-free deposits in public and private banks of Iran]. *Jostārḥā-ye eqtesādī bā rūy-kerd islāmī [Economic Studies with an Islamic Approach]*, 16(31), 91-110 [in Persian].
 - 16) Jamshīdī Nāṣir, Jandagī, G., and Tehrānī, R. (1393 SH/2014). Model-sāzi-ye 'alal-e ma'ūq shodan-e tas'hīlāt-e qarḍ-ol-ḥasanah dar bānk-e qarḍ-ol-ḥasanah Mehr Irān [Modeling the causes of the default of interest-free loans in Mehr Iran Interest-Free Bank]. *Pajoohesh-hā-ye eqtesādī (Roshd va Towsee-ye pāydār) [Economic Research (Growth and Sustainable Development)]*, 14(3), 161-178 [in Persian].
 - 17) Jowzī-Zādeh, M. (1395 SH/2016). *Barrasī-ye tātbeeqī kārāī va amāl-kard-e bānk-hā-ye qarḍ-ol-ḥasanah va bānk-hā-ye tejārī dar Irān (pāyān-nāmeḥ-ye kārshenāsī arshad)* [Comparative study of the efficiency and performance of interest-free and commercial banks in Iran (Master's thesis)]. Dāneshgāh-e Shāhed [in Persian].

- 18) Ḥosaynī, S. R. (1382 SH/2003). Mafruzāt-i naẓarī-ye nāzar-eh moshtari-yi dar eqtesād-i islāmī [The assumptions of consumer theory in Islamic Economics]. *Eqtesād-i Islāmī [Islamic Economics]*, 3(9), 27-50 [in Persian].
- 19) Khāliqī, M. J. (1395 SH/2016). Bānk-dārī-ye islāmī dar Irān (māre-damāl: bānk-e qarḍ-ol-ḥasanah Mehr Irān) [Islamic Banking in Iran (Case Study: Mehr Iran Interest-Free Bank)]. *Pajooresh-hā-ye jadīd dar modīriāt va ḥesābdārī [New Research in Management and Accounting]*, 2(5), 181-192 [in Persian].
- 20) Sizdah Andīshmand va eqtesād-dān-e musalmān (1375 SH/1996). *Mabāḥisī dar eqtesād-e khuṣūṣī-ye nīgāresh-i islāmī (mutarjim: Ḥosayn Ṣādeqī)* [Issues in Islamic Microeconomics (Translated by Ḥosayn Ṣādeqī)]. Irān, Tehrān: Dāneshgāh-e Tarbiyat Mudarres [in Persian].
- 21) Shirzād, T., Rajā'i-Bāgh-Sāyī, M., and Dārābī, B. (1397 SH/2018). Mawānī' jazb seporde-hā-ye qarḍ-ol-ḥasanah az didgāh-ye seporde-gōrān dar bānk-dārī-ye islāmī (māre-damāl: bānk-e qarḍ-ol-ḥasanah Mehr Irān shahristān Tabrīz) [Barriers to attracting interest-free deposits from the perspective of depositors in Islamic Banking (Case study: Mehr Iran Interest-Free Bank, Tabrīz)]. *Pajooresh-hā-ye jadīd dar modīriāt va ḥesābdārī [New Research in Management and Accounting]*, 5(17), 105-125 [in Persian].
- 22) Ṣadr, S. Kāẓim (1375 AH/1996). *Iqtisād al-Sadr al-Islāmī [Economics of Early Islam]*. Irān, Tehrān: Dāneshgāh-e Shāhid Beheshti [in Arabic].
- 23) Abbādī Rūḥ-Allāh, J., Jāfarī, M. (n.d.). Qarḍ-ol-ḥasanah, rāh-bārdī bar eqtesād-e sālam [Interest-Free Lending, a Strategy for a Healthy Economy]. *Eqtesād va Bānk-dārī Islāmī [Islamic Economics and Banking]*, 9(32), 91-122 [in Persian].
- 24) 'Abbāsī, Z., and Ṣadr, S. Kāẓim (1384 AH/2005). Ḥisāb-ye ḥājat-e tas'hīlāt-i qarḍ-ol-ḥasanah va moqāyāsāt-i āmūzī-ye ān bā sāyer 'uqūd-e islāmī [Calculating the cost of interest-free loans and comparing it with other Islamic contracts]. *Eqtesād Islāmī [Islamic Economics]*, 5(19), 13-43 [in Arabic].
- 25) 'Alam al-Hudā, S. S., and Āq-Ātābāy, 'Abd al-'Azīm (1393 SH/2014). Eqtesād-i islāmī, takhṣīṣ-e dārāmad va raftār-i masrafī, eqtesād-e tatbīqī [Islamic Economics, Income Allocation, and Consumption Behavior, Comparative Economics]. *Pajooreshgāh-i Ulūm-i Ensānī va Motālaāt-i Farhangī [Institute for Humanities and Cultural Studies]*, 1(1), 133-159 [in Persian].

- 26) Qodsī, Ebrāhīm, Malakī, Muḥammad-Ḥasan, Qanvātī, Ebrāhīm, and Moḥibbi-Āshtiānī, Sayyid (1401 SH/2022). *Funūn-i nawīn tasīm-sāzī va tasīm-gīrī dar pajooohesh-i amālī* [New Techniques in Decision-Making and Decision-Analysis in Operational Research]. Yazd: Dāneshgāh-e Yazd [in Persian].
- 27) Qalich, Wahāb, and Ṭāherī, Mandānā (1400 SH/2021). Design-i-ye alūgū-ye nawīn tā'amīn-i māli-ye khurd-i islāmī dar nizām-i bānkī-ye Irān (mabnī bar 'uqūd wa-kālat, qarḍ-ol-ḥasanah, va murābahah) [Designing a New Model for Islamic Microfinance in Iran's Banking System (Based on Contracts of Agency, Interest-Free Loans, and Murabaha)]. *Tahqīqāt-i Mālī-ye Islāmī* [Islamic Financial Research], 10(2), 539-572. DOI: 10.30497/ifr.2021.240367.1598 [in Persian].
- 28) Ghodarzī Farāhānī, Yazdān, and Kārkhāneh, Rāzīah (1401 SH/2022). Barrasī-ye 'amāl-kard-e mo'assasāt-e qarḍ-ol-ḥasanah dar roshd-e towlīd be 'onwān-e mo'assasāt-i tā'amīn-i māli khurd dar Irān [Evaluating the Performance of Interest-Free Institutions in Economic Growth as Microfinance Institutions in Iran]. *Eqtesād va Bānk-dārī Islāmī* [Islamic Economics and Banking], 11(41), 157-180 [in Persian].
- 29) Muḥaqqiq-Niyā, Muḥammad-Jawād (1389 SH/2010). Barrasī-ye jāyghah-i qarḍ-ol-ḥasanah dar nizām-i bānkī-ye Jumhūrī-ye Islāmī-ye Irān [Examining the Role of Interest-Free Loans in the Banking System of the Islamic Republic of Iran]. *Marīfat-e Eqtesādī* [Economic Knowledge], 1(1), 141-162 [in Persian].
- 30) Muḥammadi, Esfandiār, Rīzah-Bandī, Maryam, and Zārīī, Ilhām (1394 SH/2015). *Avāmīl monththar bar seporde-gōrī-ye moshtariyān dar nizām-i bānkī* (māre-damāl-e bānk-e Mehr Eqtesād-e ostān-e Ilām) [Factors Influencing Customer Deposits in the Banking System (Case Study of Mehr Eqtesād Bank in Ilām Province)]. Avvalīn Konferānseh-ye Mīlī-ye 'Ulūm-i Modīriyat-i Nāwīn va Barnameh-Rīzī-ye Farhangī-ye Ejtemāī-ye Irān [First National Conference on Modern Management Sciences and Social-Cultural Planning of Iran]. Iran, Qom: Markaz-e Motāla'āt va Tahqīqāt-i Islāmī-ye Soroush-i Ḥikmat-e Martāzavī [in Persian].
- 31) Muktasefīn-Ḥosaynī, Farzāneh (1392 SH/2013). *Arzīābī-ye engīzah-ye fa'āliyat-hā-ye eqtesādī az manẓar-e eqtesād-i islāmī (pāyān-nāmeḥ-ye kārshenāsī arshad)* [Evaluating the Motivation of Economic Activities

- from the Perspective of Islamic Economics (Master's Thesis)]. Dāneshgāh-e Tehrān [in Persian].
- 32) Mūsaviān, Sayyid ‘Abbās, and Mithāmī, Ḥusayn (1397 SH/2018-a). *Bānk-dārī-ye islāmī, mabānī-ye naẓarī- va tajārib-e amālī* [Islamic Banking: Theoretical Foundations and Practical Experiences]. Iran, Tehran: Pajooreshgāh-i Pūlī va Bānkī [Research Institute for Monetary and Banking Studies] [in Persian].
 - 33) Mūsaviān, Sayyid ‘Abbās, and Mithāmī, Ḥusayn (1397 SH/2018-b). *Seporde-ye ta’āwunī-ye emtiyāzī be ‘onwān-i nasl-e dūm fa’āliyat-hā-ye qarḍ-ol-ḥasanah* [Cooperative Deposits as the Second Generation of Interest-Free Activities]. *Eqtesād Islāmī [Islamic Economics]*, 18(71), 67-98 [in Persian].
 - 34) Najārzādah, Rezā, Rezāqlī-Zādah, Mahdīyah, and Zīodārī, Mahdī (1387 SH/2008). *Shakl-gīrī nizām-hā-ye eqtesādī bar mabnā-ye akhlāq-i islāmī va akhlāq-e sānharī* [Formation of Economic Systems Based on Islamic and Capitalist Ethics]. *Jostārḥā-ye eqtesādī bā rūy-kerd islāmī [Economic Studies with an Islamic Approach]*, 5(10), 37-7 [in Persian].
 - 35) Naẓarpūr, Muḥammad Naqī, Muṣṭafā-Pūr, Gholāmrezā, and Ḥājī Manjizī, Maryam (1395 SH/2016). *Kārt-e i’timādī bar asās-i qarḍ-ol-ḥasanah abzarī dar jihat-e towse‘eh-ye bānk-dārī-ye qarḍ-ol-ḥasanah* [Credit Cards Based on Interest-Free Loans as a Tool for the Development of Interest-Free Banking]. *Eqtesād va Bānk-dārī Islāmī [Islamic Economics and Banking]*, 5(14), 33-57 [in Persian].
 - 36) Nūrī, Irāj, Razāqī-Harīs, Muḥammad-‘Alī, and Āqāgalī, Farshīd (1399 SH/2020). *Barrasī-ye ta’īr-e model-i raftārī mabnī bar goal dar tawṣīf-i pas-andāz-i qarḍ-ol-ḥasanah dar bānk-dārī-ye islāmī (māre-damāl: bānk-e qarḍ-ol-ḥasanah Mehr Irān)* [Investigating the Impact of the Goal-Based Behavioral Model on Describing Interest-Free Savings in Islamic Banking (Case Study: Mehr Iran Interest-Free Bank)]. *Tahqīqāt-i Mālī-ye Islāmī [Islamic Financial Research]*, 9(2), 467-506. DOI: 10.30497/ifr.2019.75490 [in Persian].

Journal of

Islamic Finance Researches

تحقیقات مالی اسلامی

Testing the Islamic Moral Economy Approach in Sustainable Development: The Impact of Islamic Banking in Islamic Countries

Mohammad Saeid Panahi Boroojerdi* | Ahmadali Rezai

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247432.1933>

آزمون رویکرد اقتصاد اخلاقی اسلامی در توسعه پایدار: تأثیر بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی

نویسندگان: محمدسعید پناهی بروجردی* | احمدعلی رضایی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247432.1933>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Testing the Islamic Moral Economy Approach in Sustainable Development: The Impact of Islamic Banking in Islamic Countries

Mohammad Saeid Panahi Boroojerdi: Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

ms_panahi@atu.ac.ir | 0000-0003-0549-9464

Ahmadali Rezai: PhD Student, Research Fellow, Institute of Higher Education in Islamic Humanities, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

rezai.ahmadali66@gmail.com | 0009-0004-3053-924X

Abstract

1. Introduction and Objective

Sustainable development is a critical policy goal for Islamic countries, which seeks not only to achieve economic growth but also to address the social and economic inequalities that persist in these societies. The concept of sustainable development, as embraced by international organizations such as the United Nations, emphasizes the need for a balance between economic progress, social equity, and environmental sustainability. Islamic banking, which is grounded in ethical principles, such as justice, fairness, and social responsibility, has the potential to play a pivotal role in promoting sustainable development within Islamic countries. By aligning financial services with Sharia-compliant contracts, Islamic banking can contribute to the reduction of economic and social disparities. This study explores the impact of Islamic banking on two key indicators of sustainable development: income inequality and human development. Specifically, it examines the relationship between the growth of Islamic banking and improvements in human development indices, such as health, education, and income distribution, within 12 selected Islamic countries between 2010 and 2023.

2. Methods and Materials

The study focuses on 12 Islamic countries where Islamic banking is actively practiced and measurable. These countries were selected based on three key criteria:

1. A minimum of 15% share of Islamic banks' credit in the total credit of the banking system,

2. Diversity in Sharia-compliant contracts, particularly the use of instruments like Qard al-Hasan (interest-free loans) and Musharakah (profit and loss sharing),
3. Availability of reliable and consistent data over the study period.

Countries that did not meet at least two of these criteria, such as Tunisia, Algeria, and Morocco, were excluded from the sample. The research period covers from 2010 to 2023, a time frame that corresponds to significant growth in Islamic banking and provides relevant data on the effects of Islamic banking in these countries. The study adopts a Quantile Panel Regression approach to examine the effects of the proportion of Islamic banking credit on key development indicators, including human development (HDI) and income inequality (GINI coefficient).

3. Research Findings

The study's results reveal several key insights regarding the impact of Islamic banking on income distribution and human development in Islamic countries. The findings indicate a significant, positive relationship between the share of Islamic banking credit in the overall banking system and the improvement in income distribution, particularly among the lower-income deciles of society. Specifically, the coefficient for the variable representing the share of Islamic banking credit shows a negative and significant effect on income inequality in the lower deciles, with a diminishing impact as income deciles rise. This suggests that Islamic banking is more effective in reducing income inequality within the lower-income segments of the population, where access to financial services is often limited.

In addition to credit volume, other components of Islamic banking, such as participatory banking models, Qard al-Hasan financing, and sustainable finance initiatives, play distinct roles in improving human development indicators. The study finds that Qard al-Hasan financing, which provides interest-free loans to low-income groups, has a particularly strong effect on reducing poverty and improving educational and health outcomes. Musharakah, another core principle of Islamic banking, fosters profit-sharing arrangements that enhance economic participation, especially for marginalized communities. Moreover, the promotion of sustainable finance by Islamic banks, which integrates environmental and social responsibility into their business models, further contributes to the broader goals of sustainable development.

The findings also highlight the role of the banking system itself. Countries with fully integrated Islamic banking systems have shown more pronounced improvements in income distribution and human development. The study reveals that Islamic banking, when aligned with ethical financial practices, has a broader impact on society's well-being, contributing to improvements in health, education, and income levels, especially among lower-income households.

4. Discussion and Conclusion

The results of this study strongly suggest that Islamic banking can play a key role in advancing sustainable development in Islamic countries. By offering financial products and services based on ethical principles, Islamic banking can help reduce economic inequalities and promote human development. The positive impacts observed in income distribution and human development, particularly in the lower-income groups, underline the importance of expanding Islamic banking systems in these countries. This study contributes to the growing body of literature on the role of Islamic financial institutions in promoting social justice and sustainable development.

The results are consistent with theoretical frameworks in Islamic economics, which emphasize the role of financial institutions in promoting justice and equity. According to the principles of Islamic moral economy, financial systems should not only aim at economic growth but also ensure the equitable distribution of wealth and opportunities. In line with these principles, Islamic banking systems—through instruments such as Qard al-Hasan, Musharakah, and sustainable finance initiatives—offer a more inclusive and ethical approach to financial intermediation.

These findings are supported by previous studies, such as those by Asutay (2024) and Khan & Asutay (2025), which highlight the potential of Islamic banking to reduce inequalities and promote human development. Additionally, the results corroborate the work of Haidari and Zarinkhani (2022), who also found that Islamic banking has a significant impact on improving human development indices, particularly in lower-income populations.

The study concludes with several policy implications for Islamic countries. Governments and financial institutions should focus on strengthening the Islamic banking sector, particularly in regions with low-income populations, to ensure that financial inclusion contributes to broader societal well-being. Furthermore, investing in education, healthcare, and sustainable finance initiatives will be crucial for sustaining long-term development and reducing inequalities. Islamic

banking, with its ethical and justice-oriented principles, offers a promising pathway for achieving these goals, and its potential for promoting sustainable development should be further explored and expanded across Islamic countries.

5. Keywords

Islamic Moral Economy; Sustainable Development; Islamic Banking; Quantile Panel Regression; Islamic Countries.

6. JEL Classification: B5, G21, Q56.

آزمون رویکرد اقتصاد اخلاقی اسلامی در توسعه پایدار: تأثیر بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی

محمدسعید پناهی بروجردی: استادیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ms_panahi@atu.ac.ir

احمدعلی رضایی: دانشجوی دکتری، دانش پژوه مقطع، موسسه آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، قم، ایران.

چکیده

۱. مقدمه و هدف

توسعه پایدار یکی از اهداف اساسی سیاست‌گذاری در کشورهای اسلامی است که نیازمند کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. بانکداری اسلامی با تکیه بر اصول عدالت‌محور و اخلاقی، می‌تواند نقش کلیدی در این مسیر ایفا کند. این پژوهش به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر شاخص‌های توسعه پایدار در کشورهای اسلامی می‌پردازد.

۲. مواد و روش‌ها

جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲ کشور اسلامی است که بانکداری اسلامی در آن‌ها فعال و قابل اندازه‌گیری می‌باشد. انتخاب این کشورها براساس سه معیار صورت گرفته است: (۱) سهم حداقل ۱۵ درصدی تسهیلات بانک‌های اسلامی از کل تسهیلات، (۲) تنوع در عقود شرعی مانند قرض‌الحسنه و مشارکتی و (۳) دسترسی به داده‌های معتبر. کشورهایی که در دو معیار یا بیشتر عملکرد ضعیفی داشتند، از نمونه حذف شدند؛ ازجمله تونس، الجزایر و مراکش. بازه زمانی مطالعه از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ میلادی انتخاب شده است و تأثیر نسبت اعتبارات بانک‌های اسلامی بر شاخص‌های توسعه انسانی و توزیع درآمد بررسی می‌شود.

۳. یافته‌های تحقیق

نتایج نشان داد که افزایش نسبت اعتبارات بانک‌های اسلامی به کل سیستم بانکی تأثیر مثبتی بر توزیع درآمد در دهک‌های پایین‌تر جامعه دارد، در حالی که این اثر در دهک‌های بالاتر کاهش می‌یابد. همچنین، مؤلفه‌هایی مانند سهم بانکداری مشارکتی، اعتبارات

قرض الحسنه و تأمین مالی پایدار، هر یک نقش متفاوتی در کاهش نابرابری و ارتقاء شاخص‌های انسانی ایفا می‌کنند. نظام بانکداری اسلامی به‌ویژه در بهبود سلامت، آموزش و درآمد دهک‌های پایین‌تر جامعه مؤثر بوده است.

۴. نتیجه‌گیری

یافته‌ها حاکی از آن است که بانکداری اسلامی می‌تواند با کاهش نابرابری درآمدی و ارتقاء شاخص‌های انسانی، نقش مهمی در تحقق توسعه پایدار در کشورهای اسلامی ایفا کند.

واژگان کلیدی: اقتصاد اخلاقی اسلامی؛ توسعه پایدار؛ بانکداری اسلامی؛ رگرسیون پانل کوانتایل؛ کشورهای اسلامی.

مقدمه

اقتصاد اسلامی به عنوان یک رویکرد منحصر به فرد در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و مالی، بر مبنای اصول اخلاقی و مذهبی استوار است. یکی از ابزارهای کلیدی این رویکرد، بانکداری اسلامی است که در سال های اخیر توجهات بسیاری را در سطح جهانی جلب کرده است (Hassan et al, 2024). این نوع بانکداری با تأکید بر اصول اخلاقی، همچون عدم ربا، مشارکت در سود و زیان و حمایت از توسعه پایدار، با چالش های متعددی در پیوند با نظام های اقتصادی جهانی روبه رو است. در حالی که انتظار می رود بانکداری اسلامی نقش مؤثری در کاهش نابرابری ها و ارتقای شاخص های توسعه انسانی در کشورهای اسلامی ایفا کند، شواهد تجربی نشان می دهد که تأثیر آن بر توسعه پایدار و کاهش نابرابری اقتصادی در برخی از کشورها محدود و در برخی کشورها حتی غیر مؤثر بوده است (Aksak & Asutay, 2024; Asutay, 2024).

این اثرگذاری احتمالی ضعیف در حالی است که رویکرد اقتصاد اخلاقی اسلامی، به ویژه در زمینه بانکداری اسلامی، مفاهیم عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه منابع و مسئولیت های اجتماعی را در قلب خود دارد. اصول اساسی این رویکرد می تواند به عنوان یک چارچوب کارآمد برای تحلیل و طراحی سیاست های اقتصادی در کشورهای اسلامی به کار گرفته شود. با این حال، در عمل، بسیاری از بانک های اسلامی همچنان به الگوهای مالی متعارف متکی هستند که ممکن است با اهداف توسعه ای اقتصاد اسلامی همخوانی نداشته باشد. چالش اصلی این است که بانکداری اسلامی در عمل نتوانسته است فراتر از نقش های مالیاتی و تجاری، به طور کامل در فرآیند توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها مشارکت کند (Mohammed et al, 2024). این اثرگذاری احتمالی ضعیف می تواند ناشی از چندین عامل باشد. یکی از این عوامل، عدم تطابق کامل اصول بانکداری اسلامی با الگوهای مالی رایج در کشورهای اسلامی است. برخی از بانک های اسلامی به الگوهای مالی متعارف متکی هستند که ممکن است با اهداف توسعه ای اقتصاد اسلامی همخوانی نداشته باشد. این مسئله می تواند به ویژه در کشورهایی با سطح پایین تر از نظر توسعه انسانی و اقتصادی باعث کاهش اثرگذاری بانکداری اسلامی بر توسعه اجتماعی شود (Karbassi, 2025).

مطالعات مختلف نشان داده‌اند که بانکداری اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی به‌عنوان یک ابزار مالیاتی و تجاری مطرح است، اما نتایج عملی آن در زمینه‌های اجتماعی، همچون کاهش فقر، ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی همچنان مبهم و متفاوت است. در کشورهای اسلامی که بانکداری اسلامی در آن‌ها رواج یافته، این بانک‌ها معمولاً بیشتر بر پایه سودآوری و توسعه تجاری فعالیت می‌کنند و تأثیر آن‌ها بر توسعه اجتماعی کمتر به چشم می‌آید. این مسئله به‌ویژه در کشورهای با سطح پایین‌تر از نظر توسعه انسانی بیشتر مشاهده می‌شود (Zaman & Ali, 2024; Khayati & Aksak, 2025).

بر همین اساس، این مقاله به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه پایدار در کشورهای اسلامی از منظر اقتصاد اخلاقی اسلامی می‌پردازد. شایان ذکر است که این مقاله قصد ورود به مباحث نظری و فلسفی درباره نسبت دین و اخلاق، مانند این پرسش که آیا تمامی احکام فقهی اخلاقی‌اند یا منشأ اخلاق در دین است، ندارد. پرسش‌هایی از این دست در حوزه فلسفه اخلاق و کلام اسلامی جای می‌گیرند و از دامنه تحلیلی این پژوهش خارج‌اند. در عوض، تمرکز مقاله بر کاربری عملی و نهادی اصول اخلاقی در نظام بانکداری اسلامی است؛ اصولی چون عدالت توزیعی، کاهش فقر و مسئولیت اجتماعی که در قالب ساختارهای بانکداری بدون ربا نمود می‌یابند. هدف مقاله آن است که نشان دهد چگونه بانکداری اسلامی، در صورت التزام به روح اخلاقی شریعت، می‌تواند به تحقق توسعه انسانی و عدالت اقتصادی در جوامع اسلامی یاری رساند.

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱-۱. توسعه پایدار

توسعه پایدار به‌عنوان فرآیند بهبود کیفیت زندگی انسانی و تأمین نیازهای فعلی و آینده بدون به خطر انداختن منابع طبیعی و اکوسیستم‌ها تعریف می‌شود. این مفهوم بر ضرورت حفظ توازن میان رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست تأکید دارد. در راستای توسعه پایدار، توجه به عدالت اجتماعی، کاهش فقر و ارتقای کیفیت زندگی برای نسل‌های آینده ضروری است. سازمان ملل متحد در تعریف توسعه پایدار بر سه بعد

اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی آن تأکید دارد که همه این ابعاد باید در راستای هم و به طور متوازن پیش بروند (El-Gamal, 2024).

یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، بعد اجتماعی آن است که به ویژه در چارچوب اقتصاد اسلامی به وضوح خود را نشان می دهد. در اقتصاد اسلامی، هدف توسعه تنها رشد اقتصادی نیست، بلکه به طور ویژه بر ارتقای کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری های اقتصادی تأکید می شود. اصول اسلام مانند زکات، صدقه و وقف ابزارهایی هستند که می توانند در کاهش فقر و بهبود توزیع منابع در جوامع اسلامی مؤثر واقع شوند. از این رو، توسعه اجتماعی در چارچوب اقتصاد اسلامی به ویژه از طریق تأمین مالی طرح های رفاهی و اجتماعی و تقویت عدالت اجتماعی، نقش تعیین کننده ای در دستیابی به توسعه پایدار دارد (Dunn & Mohammed, 2024).

به طور خاص، در اقتصاد اسلامی، اهمیت ویژه ای به حفظ منابع طبیعی و رعایت اصول زیست محیطی در فرآیندهای اقتصادی داده می شود. بانکداری اسلامی، با ترویج مالیات های سبز، تأمین مالی طرح های محیط زیستی و استفاده از ابزارهای مالی سازگار با محیط زیست، می تواند به تحقق اهداف زیست محیطی و توسعه پایدار کمک کند. در این راستا، یکی از ویژگی های مثبت بانکداری اسلامی، عدم استفاده از ابزارهای مالی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به تخریب محیط زیست منجر می شوند (Murtaza & Asutay, 2025).

هرچند توسعه پایدار از جمله اصول اصلی در بسیاری از کشورهای اسلامی است، اما پیاده سازی آن با چالش هایی روبه رو است. مشکلاتی مانند کمبود منابع مالی برای حمایت از طرح های توسعه ای، محدودیت های فنی و آموزشی و نبود زیرساخت های لازم برای اجرای طرح های پایدار، از جمله موانع اصلی در این مسیر هستند. علاوه بر این، در برخی موارد، عدم هماهنگی بین نهادهای دولتی، خصوصی و جامعه مدنی نیز می تواند مانع از دستیابی به اهداف توسعه پایدار شود. با این حال، نهادهای مالی اسلامی می توانند با تأمین منابع مالی لازم و حمایت از طرح های سبز و پایدار، نقش مهمی در غلبه بر این چالش ها ایفا کنند.

۲-۱. اقتصاد اخلاقی اسلامی

اقتصاد اخلاقی اسلامی به عنوان یک رویکرد جدید در تحلیل و طراحی سیاست‌های اقتصادی، براساس ارزش‌های اخلاقی و اصول اسلامی به‌ویژه عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع، شکل گرفته است. این رویکرد به دنبال تأمین نیازهای انسان‌ها در چارچوب اصول اخلاقی است و هدف آن ارتقاء رفاه عمومی به‌ویژه در جوامع اسلامی می‌باشد. در این اقتصاد، به جای تمرکز صرف بر رشد اقتصادی، به عدالت در توزیع درآمد و فرصت‌های اقتصادی توجه می‌شود. این رویکرد همچنین به‌طور خاص بر نیازهای اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید دارد و می‌کوشد که از طریق سیاست‌های مالی و اقتصادی، توسعه‌ای پایدار را در جوامع اسلامی رقم بزند (Asutay, 2025).

اقتصاد اخلاقی اسلامی براساس مجموعه‌ای از اصول کلیدی مانند عدالت اجتماعی، شفافیت و مشارکت اقتصادی شکل می‌گیرد. در این رویکرد، اهمیت زیادی به حقوق افراد در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی داده می‌شود. به عنوان مثال، اصل عدالت در توزیع ثروت و منابع، به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد اسلامی شناخته می‌شود. در این نظام اقتصادی، دولت و نهادهای اجتماعی باید نقش فعالی در تضمین عدالت اقتصادی ایفا کنند. همچنین، تأکید بر مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی در اقتصاد اسلامی، باعث می‌شود که از بروز نابرابری‌های اجتماعی و آسیب‌های زیست‌محیطی جلوگیری شود (Aksak & Asutay, 2025).

اگرچه اقتصاد اخلاقی اسلامی دارای اصول عالی و وعده‌هایی در زمینه کاهش نابرابری‌ها و توسعه پایدار است، اما در عمل با چالش‌های زیادی مواجه است. یکی از مشکلات عمده در اجرای این رویکرد، تفاوت‌های موجود بین دیدگاه‌های فقهی مختلف در کشورهای اسلامی است که می‌تواند باعث پیچیدگی در پیاده‌سازی سیاست‌های یکپارچه شود. همچنین، مقیاس کوچک نهادهای اقتصادی اسلامی در مقایسه با نهادهای مالی سنتی، موجب کاهش تأثیرگذاری آن‌ها بر توسعه پایدار می‌شود. این محدودیت‌ها موجب می‌شود که حتی در صورت وجود نیت‌های خوب، تحول اقتصادی در کشورهای اسلامی با سرعت مطلوبی انجام نپذیرد (Khayati & Aksak, 2025).

بنابراین، اقتصاد اخلاقی اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد جذاب در حل مسائل جهانی مانند نابرابری اقتصادی و بحران‌های زیست‌محیطی نقش‌آفرینی کند. این رویکرد، با توجه به تمرکز بر عدالت اجتماعی و استفاده از ابزارهای مالی اسلامی مانند مضاربه، قرض‌الحسنه و وقف، می‌تواند به یک الگویی پایدار برای کشورهای در حال توسعه تبدیل شود. همچنین، با توجه به روندهای جهانی در جهت پایدارسازی اقتصاد و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی در سیستم‌های مالی، اقتصاد اخلاقی اسلامی می‌تواند در سطح جهانی به‌عنوان یک ابزار مؤثر در حل بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ظهور کند.

۳-۱. بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی به‌عنوان بخشی از سیستم مالی اسلامی، براساس اصول و قواعد شریعت اسلام شکل گرفته است. این سیستم تأکید دارد بر عدم وجود ربا (سود)، مشارکت در سود و زیان و جلوگیری از فعالیت‌های اقتصادی که براساس عدم انصاف و عدالت طراحی شده‌اند. در این سیستم، بانک‌ها به‌جای بهره‌برداری از سود ثابت، به‌طور مستقیم در طرح‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها مشارکت می‌کنند و به همین دلیل با ریسک‌هایی روبه‌رو هستند که باید به‌طور عادلانه تقسیم شوند. اصول بانکداری اسلامی اساساً بر پایه‌ای اخلاقی و اجتماعی استوار است که در آن عدالت، شفافیت و همکاری بین طرفین مبادله مورد توجه قرار دارد (Mohammad & Jafari, 2024).

در این بین، مبانی فقهی بانکداری اسلامی به‌ویژه مفاهیم مرتبط با ربا، مضاربه، مشارکت و اجاره اهمیت زیادی دارند. در این زمینه، استفاده از مدل‌هایی مانند مضاربه و مشارکت به‌جای قرض‌دهی به‌عنوان مبنای تأمین مالی، نقشی اساسی در ایجاد تعادل و عدالت در بازارهای مالی ایفا می‌کند. در مقابل، بانک‌های اسلامی تلاش می‌کنند که براساس اصول فقهی، از قرض‌دهی با بهره که در بانک‌های سنتی رایج است، اجتناب کنند. این مسئله نه تنها بر روابط مالی افراد و نهادها تأثیر می‌گذارد، بلکه موجب توجه بیشتر به مسئولیت‌های اجتماعی بانک‌ها و شیوه‌های شفاف‌تر در ارائه خدمات مالی می‌شود (Ali & Karbassi, 2025).

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های بانکداری اسلامی این است که در جهت ترویج توسعه پایدار و مسئولیت‌های اجتماعی طراحی شده است. بانکداری اسلامی به‌طور خاص در راستای حمایت از طرح‌های اقتصادی و اجتماعی پایدار فعالیت می‌کند و سعی دارد که علاوه بر تأمین نیازهای مالی، در جهت تقویت مسئولیت‌های اجتماعی نیز گام بردارد. بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بانکداری اسلامی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و ارتقای سطح زندگی افراد در کشورهای اسلامی ایفا کند. این فرآیند از طریق تأکید بر توزیع عادلانه منابع مالی و تقویت همکاری‌های اقتصادی، می‌تواند به توسعه پایدار کمک کند (Zaman & Ali, 2024).

اما باوجود اینکه بانکداری اسلامی ظرفیت بالایی در تحقق اهداف توسعه پایدار دارد، با چالش‌های متعددی مواجه است. یکی از این چالش‌ها، محدود بودن اندازه بازار بانکداری اسلامی نسبت به سیستم‌های مالی متعارف است. بانکداری اسلامی در بسیاری از کشورهای اسلامی هنوز در مراحل ابتدایی توسعه خود قرار دارد و سهم آن از بازار مالی در برخی از کشورها تنها بین ۵ تا ۲۵ درصد است. این امر باعث می‌شود که تأثیر این سیستم بر کل اقتصاد و به‌ویژه بر کاهش نابرابری‌های اقتصادی، بسیار محدود باشد (Khayati & Aksak, 2025). همچنین، عدم تنوع کافی در ابزارهای مالی اسلامی و وابستگی به بانکداری تجاری می‌تواند موجب عدم تطابق با نیازهای اقتصادی جوامع اسلامی گردد.

بنابراین، بانکداری اسلامی می‌تواند نقش حیاتی در ارتقاء توسعه اجتماعی ایفا کند. با توجه به اینکه بانکداری اسلامی بر مبنای عدالت و مسئولیت اجتماعی فعالیت می‌کند، از آن انتظار می‌رود که تأثیرات مثبتی بر کاهش فقر و نابرابری‌های اجتماعی داشته باشد. بسیاری از پژوهشگران در این زمینه تأکید کرده‌اند که از طریق مدل‌های مالی اسلامی مانند قرض‌الحسنه، زکات و وقف، می‌توان به‌طور مؤثر منابع مالی را برای رفاه عمومی و توسعه اجتماعی تخصیص داد. درحالی‌که برخی از کشورهای اسلامی هنوز نتوانسته‌اند از ظرفیت بانکداری اسلامی به‌طور کامل بهره‌برداری کنند، پیشرفت‌هایی در این زمینه به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی قابل مشاهده است (Mohammed et al, 2024).

۴-۱. رویکرد اقتصاد اخلاقی اسلامی در توسعه پایدار

اقتصاد اخلاقی اسلامی به عنوان یکی از اصول بنیادین در تحلیل و تفکر اقتصادی اسلامی شناخته می شود که تأکید اصلی آن بر اخلاق، عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است. برخلاف نظریه های اقتصادی نئوکلاسیکی که بیشتر بر رشد اقتصادی و افزایش تولید تمرکز دارند، اقتصاد اخلاقی اسلامی به طور خاص بر توزیع عادلانه منابع، کاهش فقر و تأمین نیازهای اساسی جامعه تأکید دارد. در این رویکرد، بر اهمیت مسئولیت اجتماعی و اخلاقی در تعاملات اقتصادی تأکید می شود، به طوری که تجارت و کسب سود باید در چارچوب های شرعی و اخلاقی صورت پذیرد تا از بروز نابرابری های اجتماعی و اقتصادی جلوگیری شود (Asutay, 2024).

یکی از اصلی ترین مؤلفه های اقتصاد اخلاقی اسلامی، تأکید بر اصل «عدالت توزیعی» است. در این چارچوب، توزیع ثروت باید به گونه ای صورت گیرد که هیچ فردی از نیازهای اساسی خود محروم نباشد و تمامی اعضای جامعه از ثروت و منابع موجود به طور منصفانه بهره مند شوند. از این رو، توسعه پایدار در اقتصاد اسلامی نه تنها به رشد اقتصادی بلکه به کاهش شکاف های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی انسان ها مرتبط است. این رویکرد مبتنی بر مفهوم «عدالت اجتماعی» است که در آن، برخلاف مدل های اقتصادی سنتی، فقر و نابرابری نه تنها به عنوان مشکلات اقتصادی بلکه به عنوان چالش های اجتماعی و اخلاقی نیز در نظر گرفته می شوند (Ali, 2024).

اقتصاد اسلامی از دیدگاه اخلاقی، به ویژه در حوزه های مصرف و تولید، تأکید زیادی بر رعایت حقوق دیگران دارد. در این رویکرد، در کنار اصل «منافع عمومی»، ارزش هایی مانند انصاف، امانت داری و صداقت نیز به عنوان اصول راهبردی در تعاملات اقتصادی مورد تأکید قرار می گیرند. به طور خاص، در اقتصاد اخلاقی اسلامی، نگاه به منابع طبیعی و محیط زیست به عنوان امانت هایی از سوی خداوند است و باید در جهت بهره برداری پایدار از این منابع عمل شود. به عبارت دیگر، بانکداری اسلامی با رعایت این اصول، می تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای تحقق توسعه پایدار در جوامع اسلامی عمل کند (Bakar, 2024).

در این راستا، مفهوم «توسعه انسانی» به طور خاص در اقتصاد اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توسعه انسانی در این رویکرد به معنای توانمندسازی افراد و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای ارتقاء شرایط زندگی است. برخلاف نگرش‌های کلاسیک که توسعه را محدود به رشد اقتصادی می‌دانند، در اقتصاد اسلامی، توسعه انسانی باید به طور هم‌زمان با رشد اقتصادی و اجتماعی اتفاق بیفتد تا تحقق عدالت اجتماعی و انسانی ممکن شود. به این ترتیب، نهادهایی که در این فرآیند ایفای نقش می‌کنند باید هم به ارتقاء سرمایه انسانی و هم به ارتقاء کیفیت زندگی افراد در جامعه کمک کنند (Murtaza, 2024).

اصول اقتصاد اخلاقی اسلامی همچنین بر «دوره‌های بازتوزیع» تأکید دارند که به طور خاص از طریق ابزارهای مالی و اقتصادی همچون زکات، صدقات و قرض الحسنه صورت می‌گیرد. این اقدامات اجتماعی، هدفشان کاهش نابرابری‌ها و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه است که در نهایت به تقویت عدالت اجتماعی کمک می‌کند. از دیدگاه بانکداری اسلامی، این ابزارها می‌توانند به عنوان راه‌حلی برای توزیع عادلانه‌تر منابع در جوامع اسلامی عمل کنند و در جهت تحقق توسعه پایدار و عدالت اجتماعی گام بردارند (Siddiqui, 2025).

نقش نهادها در تحقق اقتصاد اخلاقی اسلامی نیز در فرآیند توسعه پایدار بسیار مهم است. در این مدل، نهادهای اقتصادی و مالی به عنوان منابعی برای تنظیم و هدایت فعالیت‌های اقتصادی به سمت منافع عمومی و عدالت اجتماعی عمل می‌کنند. این نهادها می‌توانند شامل بانک‌ها، مؤسسات تأمین مالی اسلامی و همچنین نهادهای اجتماعی مانند وقف و زکات باشند که همگی با هدف کاهش فقر و ارتقاء رفاه عمومی فعالیت می‌کنند. به این ترتیب، در اقتصاد اسلامی، نهادها از نقش کلیدی در تحقق توسعه پایدار برخوردارند (Rahman, 2025).

اقتصاد اسلامی به ویژه در بُعد بین‌المللی نیز بر اهمیت توسعه پایدار تأکید دارد. در این دیدگاه، کشورهای اسلامی باید در تعاملات اقتصادی جهانی، براساس اصول اخلاقی و بر مبنای حفظ منابع طبیعی و عدالت اجتماعی عمل کنند. به طور خاص، بانکداری اسلامی می‌تواند با ایجاد نهادهایی که به طور مستقیم در زمینه تأمین مالی طرح‌های

زیست محیطی و اجتماعی فعالیت می کنند، در تحقق توسعه پایدار جهانی نیز مؤثر باشد. این مسئله نشان دهنده اهمیت تلفیق مفاهیم اقتصاد اسلامی و توسعه پایدار در سطح جهانی است (Zaman, 2025).

در نهایت، اقتصاد اخلاقی اسلامی به عنوان یک سیستم اقتصادی فراگیر، بر لزوم ایجاد چارچوب های قانونی و نهادهای نظارتی که بتوانند بر نحوه توزیع منابع نظارت کنند، تأکید دارد. این نهادها می توانند با استفاده از ابزارهای شرعی مانند عقود اسلامی و قراردادهای مالی خاص، به مدیریت منابع به طور اخلاقی و پایدار بپردازند. این ساختارهای نظارتی می توانند به ویژه در کشورهای اسلامی کمک کنند تا فرآیند توسعه به طور شفاف و عادلانه در راستای اهداف اقتصادی و اجتماعی صورت پذیرد (Khan, 2025).

در همین راستا، باید توجه داشت که ادعای برتری اخلاقی بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف، تنها زمانی قابل اتکا خواهد بود که هم در سطح نظری و هم در سطح تجربی تبیین و ارزیابی شود. از منظر نظری، بانکداری اسلامی برخاسته از نظام فقهی و اخلاق اسلامی است که اصولی چون عدالت توزیعی، منع بهره و شفافیت در معاملات را درون ساخت دارد؛ اصولی که در بانکداری متعارف معمولاً اختیاری یا غیر اخلاقی تلقی می شوند. این تمایز، اگرچه در عمل ممکن است تضعیف شود، اما در نظریه قابل دفاع است و بنیان تحلیلی مقاله بر آن استوار است. در بخش های بعد، بررسی تجربی عملکرد بانکداری اسلامی در تحقق اهدافی چون کاهش نابرابری و ارتقاء توسعه انسانی ارائه خواهد شد.

۵-۱. نقش بانکداری اسلامی در توسعه پایدار

بانکداری اسلامی به عنوان یکی از ارکان اصلی سیستم اقتصادی اسلامی، نقش بسزایی در تحقق توسعه پایدار ایفا می کند. این سیستم مالی به جای تکیه بر بهره گیری از سیستم های مالی مبتنی بر بهره، از اصول شرعی استفاده می کند و به این ترتیب، تلاش می کند تا منابع مالی را به گونه ای تخصیص دهد که هم زمان با تأمین نیازهای اقتصادی، به توسعه انسانی و اجتماعی نیز کمک کند. در این سیستم، بانک ها از ابزارهای مختلفی مانند مشارکت و

مضاربه برای تأمین مالی طرح‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها استفاده می‌کنند که نه تنها به رشد اقتصادی بلکه به ارتقاء عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز می‌انجامد (Khayati, 2025). یکی از ویژگی‌های کلیدی بانکداری اسلامی، تمرکز آن بر «توزیع عادلانه منابع» است. در این سیستم، بانک‌ها به جای تأکید بر حداکثر سودآوری، سعی در تأمین مالی طرح‌هایی دارند که در راستای توسعه پایدار، کاهش فقر و نابرابری و بهبود شرایط زندگی افراد باشد. این ویژگی می‌تواند به‌ویژه در جوامع اسلامی که با چالش‌های فقر و نابرابری روبه‌رو هستند، تأثیرات مثبتی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی داشته باشد و گامی مؤثر در جهت تحقق توسعه پایدار بردارد.

بانکداری اسلامی همچنین می‌تواند در راستای تحقق توسعه پایدار با تأمین مالی طرح‌های سبز و زیست‌محیطی اقدام کند. به‌طور خاص، با استفاده از ابزارهایی مانند تأمین مالی مشارکتی و سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیست‌محیطی، بانک‌های اسلامی می‌توانند به حفظ منابع طبیعی و بهبود وضعیت محیط‌زیست کمک کنند. این اقدامات می‌تواند از دیدگاه توسعه پایدار، به‌ویژه در کشورهای اسلامی که دارای منابع طبیعی غنی هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد (موسوی، ۱۴۰۳).

مهم‌ترین ویژگی بانکداری اسلامی که آن را از سیستم‌های مالی سنتی متمایز می‌کند، تأکید بر عدالت اجتماعی و شفافیت در فرآیندهای مالی است. بانک‌های اسلامی با رعایت اصول شرعی و اخلاقی در تعاملات مالی خود، می‌توانند اعتماد عمومی را جلب کنند و زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی شوند. این رویکرد اخلاقی می‌تواند باعث کاهش فساد و نابرابری در جامعه و در نتیجه ارتقاء توسعه پایدار شود. به‌ویژه در کشورهای اسلامی که مسئله فساد مالی و اقتصادی یکی از چالش‌های اصلی است، بانکداری اسلامی می‌تواند با ایجاد اعتماد عمومی و شفافیت در امور مالی، به عنوان ابزاری مؤثر برای توسعه پایدار عمل کند (Karbassi, 2025).

یکی دیگر از کارکردهای بانکداری اسلامی در راستای توسعه پایدار، حمایت از طرح‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح جامعه است. بانک‌های اسلامی می‌توانند با اعطای وام‌های بدون بهره و یا با کارمزد پایین به طرح‌های کوچک و متوسط، به ایجاد اشتغال و کاهش فقر کمک کنند. این رویکرد می‌تواند به‌ویژه در جوامع اسلامی که با معضل

بیکاری و فقر مواجه هستند، اثرات مثبتی در راستای توسعه پایدار داشته باشد. به طور خاص، در مناطق روستایی و مناطق محروم، این نوع بانکداری می‌تواند محرک اصلی برای توسعه پایدار باشد (Zaman, 2025).

بانکداری اسلامی همچنین با تأسیس مؤسسات مالی اسلامی در حوزه‌های مختلف، مانند تأمین مالی بهداشت، آموزش و مسکن، می‌تواند به بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی در جوامع اسلامی کمک کند. این اقدامات می‌تواند به‌ویژه در زمینه بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها و ارتقاء سطح رفاه عمومی تأثیرگذار باشد و در راستای اهداف توسعه پایدار قرار گیرد. به این ترتیب، بانکداری اسلامی می‌تواند نقش مهمی در بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع اسلامی ایفا کند (Aydin & Asutay, 2024).

بانکداری اسلامی، با توجه به توجه ویژه‌اش به اصول اخلاقی و عدم استفاده از ابزارهای مالی بهره‌محور، می‌تواند از طریق تأمین مالی طرح‌های کوچک و متوسط، به توسعه صنعت و تجارت در جوامع اسلامی کمک کند. این رویکرد می‌تواند باعث ایجاد اشتغال و کاهش فقر در جوامع شود و در نتیجه، به توسعه پایدار کمک کند. این فرآیند می‌تواند از جنبه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی توسعه را تحت تأثیر قرار دهد و به‌ویژه در کشورهای اسلامی با مشکلات اقتصادی و اجتماعی، به عنوان راه‌حلی برای رسیدن به توسعه پایدار و متوازن مطرح باشد (Siddiqui, 2025).

در نهایت، بانکداری اسلامی با توجه به ویژگی‌های خاص خود می‌تواند نقش مؤثری در تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا کند. به‌ویژه در جوامع اسلامی که در حال گذار از اقتصادهای سنتی به اقتصادهای مدرن هستند، این نوع بانکداری می‌تواند با ارائه راهکارهای مالی مناسب و اخلاقی، به ایجاد تحولات مثبت اقتصادی و اجتماعی و بهبود شرایط زندگی افراد کمک کند. این اقدامات در مجموع می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای تحقق توسعه پایدار در کشورهای اسلامی عمل کند (Dunn & Mohammed, 2024).

۲. پیشینه تحقیق

در دهه‌های اخیر، مطالعات بسیاری در زمینه تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه پایدار و ارتباط آن با رویکردهای اقتصادی اسلامی صورت گرفته است.

رحمان^۱ (۲۰۲۵م) در مطالعه خود به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر ارتقاء سرمایه اجتماعی و تعاملات اجتماعی در کشورهای اسلامی پرداخته است. این تحقیق نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی با ایجاد روابط شفاف و مبتنی بر اعتماد، می‌تواند به کاهش فساد و ارتقاء توسعه پایدار در جوامع اسلامی کمک کند.

صدیقی^۲ (۲۰۲۵م) و زمان^۳ (۲۰۲۵م) به بررسی ویژگی‌های بانکداری اسلامی و تفاوت‌های آن با سیستم‌های مالی سنتی پرداخته‌اند و اشاره دارند که این نوع بانکداری می‌تواند به‌ویژه در مناطقی که با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر فقر و بیکاری روبه‌رو هستند، به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای توسعه پایدار عمل کند. این مقالات نشان می‌دهند که بانکداری اسلامی می‌تواند با ایجاد مشوق‌های مالی خاص، مشاغل پایدار ایجاد کرده و شرایط زندگی افراد را در کشورهای اسلامی بهبود بخشد.

باکار^۴ (۲۰۲۵م) و خیاطی^۵ (۲۰۲۴م) بر این نکته تأکید دارند که اصول اخلاقی نهفته در بانکداری اسلامی می‌توانند از نظر مالی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌عنوان ابزاری برای تحقق توسعه پایدار و کاهش نابرابری‌های اقتصادی عمل کنند. بانک‌های اسلامی با ایجاد زیرساخت‌های مالی مبتنی بر قراردادهای شرعی، می‌توانند به‌طور مؤثری به پیشبرد طرح‌های زیست‌محیطی و اجتماعی در کشورهای اسلامی بپردازند.

علی^۶ (۲۰۲۴م) در تحقیق خود به بررسی ارتباط بین بانکداری اسلامی و توسعه پایدار پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بانکداری اسلامی می‌تواند با استفاده از مدل‌های مالی شرعی مانند مشارکت و مضاربه، فرصت‌های سرمایه‌گذاری پایدار را فراهم آورد که به نفع توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی خواهد بود.

آذری، امینی و تقوی (۱۴۰۳) به بررسی ارتباط میان توسعه پایدار و بانکداری اسلامی در کشورهای مسلمان پرداخته‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که علی‌رغم رشد سریع صنعت بانکداری اسلامی در سال‌های اخیر، هنوز بسیاری از این کشورها

-
1. Rahman
 2. Siddiqui
 3. Zaman
 4. Bakar
 5. Khayati
 6. Ali

نتوانسته‌اند از ظرفیت‌های بانکداری اسلامی برای توسعه پایدار استفاده کنند و چالش‌هایی از قبیل ضعف در سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت منابع مالی وجود دارد.

کهن و ابراهیمی (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه اجتماعی در کشورهای اسلامی» به این نتیجه رسیدند که بانکداری اسلامی با تأکید بر اصول عدالت اجتماعی و تأمین مالی خرد، می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و بهبود شاخص‌های توسعه اجتماعی ایفا کند. این تحقیق نشان داد که نظام بانکی اسلامی با تأمین منابع مالی برای طرح‌های اجتماعی می‌تواند موجب بهبود کیفیت زندگی و کاهش فقر در کشورهای اسلامی شود.

موسوی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش بانکداری اسلامی در توسعه پایدار اقتصادی ایران» به این مسئله پرداخته است که بانک‌های اسلامی با استفاده از ابزارهای مالی اسلامی مانند قرض الحسنه، مضاربه و مشارکت می‌توانند به تحقق اهداف توسعه پایدار در ایران کمک کنند. این تحقیق همچنین به مشکلات موجود در زمینه نحوه مدیریت منابع مالی و کاهش شکاف‌های اجتماعی در بانکداری اسلامی اشاره کرده است. غفاری، رضایی و صادقی (۱۴۰۳) نیز در مقاله‌ای به بررسی تأثیر استفاده از مدل‌های مالی اسلامی بر پایداری محیط‌زیست و توسعه اجتماعی در ایران پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به اصول اسلامی در بانکداری، این سیستم می‌تواند به‌ویژه در طرح‌های زیست‌محیطی و توسعه جوامع محلی، نقش مؤثری ایفا کند و به کاهش مشکلات زیست‌محیطی در ایران کمک کند.

رحمانی، حسینی و فلاحی (۱۴۰۲) در تحقیق خود به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر کاهش نابرابری‌ها در ایران پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه بانکداری اسلامی در سطح نظری توانمندی‌های بالایی برای کاهش نابرابری‌ها دارد، اما در عمل هنوز مشکلات زیادی وجود دارد که مانع از تحقق اهداف توسعه پایدار در سطح وسیع می‌شود.

حیدری و زرین‌خانی (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل ارتباط بانکداری اسلامی و توسعه پایدار» به این نتیجه رسیدند که بانکداری اسلامی با توجه به اصول اخلاقی و توزیع عادلانه منابع، می‌تواند به تحقق اهداف توسعه پایدار در کشورهای

اسلامی کمک کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی به‌ویژه از طریق مدل‌های مالی مبتنی بر ریسک و اشتراک منافع، باعث ارتقاء عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها می‌شود.

با توجه به پیشینه تحقیقاتی موجود، مشخص است که مطالعاتی بر تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه پایدار و ارتباط آن با اصول اقتصاد اسلامی انجام شده است؛ اما اغلب این مطالعات در مقیاس‌های کلان یا در کشورهای خاص انجام گرفته و نتایج به‌طور کامل به کشورهای مختلف قابل تعمیم نبوده است. به‌علاوه، بیشتر این تحقیقات به تحلیل تأثیرات مثبت بانکداری اسلامی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی تمرکز داشته‌اند، بدون آنکه ارتباط دقیق‌تری بین رویکردهای مختلف اقتصادی اسلامی و تحقق اهداف توسعه پایدار مورد بررسی قرار گیرد. نوآوری مقاله حاضر در این است که به‌طور خاص به بررسی تأثیر رویکرد اقتصاد اخلاقی اسلامی بر توسعه پایدار در کشورهای اسلامی پرداخته و این تحقیق را با استفاده از یک مدل تحلیلی رگرسیون پانل کوانتایل در کشورهای اسلامی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ انجام می‌دهد. همچنین، مقاله حاضر به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های موجود برای استفاده از بانکداری اسلامی در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار در کشورهای اسلامی پرداخته است که این رویکرد در مقایسه با مطالعات قبلی به‌ویژه از جنبه کاربردی و تجربی نوآوری دارد.

۳. مواد و روش‌ها

به تبعیت از مطالعات پیشین مانند آکسای و آسوتای^۷ (۲۰۲۵) و آسوتای^۸ (۲۰۲۴) و به‌منظور بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه پایدار در کشورهای اسلامی، از برآورد مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$EDi_{i,t} = c0 + c1 \text{TFIslamic}_{i,t} + c2 \text{QarzHosaneh}_{i,t} + c3 \text{ProfitSharingCogntracts}_{i,t} + c4 \text{SustainableFinance}_{i,t} + c5 \text{TFCconventional}_{i,t} + c6 \text{BankingSystem_Dummy}_{i,t} + c7 \text{GDP}_{i,t} + c8 \text{EDE}_{i,t} + c9 \text{HLTH}_{i,t} + e_{i,t}$$

رابطه (۱):

7. Aksak & Asutay

8. Asutay

- متغیرهای وابسته:

- EDI شاخص‌های توسعه پایدار است به یکی از موارد زیر اشاره دارد:
 - GINI: ضریب جینی به عنوان معیار توسعه اقتصادی-اجتماعی در قالب توزیع درآمد. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های UNDP استخراج و گردآوری می‌شود.
 - HDI: شاخص توسعه انسانی به عنوان معیار توسعه اجتماعی-اقتصادی در قالب توسعه انسانی. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی WDI استخراج می‌شود.

- متغیر مستقل:

- TFIslamic = نسبت اعتبارات بانک‌های اسلامی به کل سیستم بانکی. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های The Banker, Top Islamic Financial Institutions, PSIFIs Data گردآوری می‌شود.
- QarzHosaneh = سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات اعطایی بانک‌های اسلامی. این متغیر به عنوان شاخصی از نقش حمایتی و عدالت محور بانکداری اسلامی در نظر گرفته می‌شود. داده‌ها از گزارش‌های رسمی بانک‌های اسلامی و منابع PSIFIs و IFSB استخراج می‌شوند.
- ProfitSharingContracts = نسبت عقود مشارکتی (مشارکت، مضاربه و...) به کل تسهیلات اعطایی بانک‌های اسلامی. این متغیر نشان‌دهنده استفاده از ابزارهای مالی مبتنی بر تقسیم سود است که ارتباط مستقیم با توسعه پایدار دارد. داده‌ها از پایگاه‌های PSIFIs و The Banker جمع‌آوری می‌شوند.
- SustainableFinance = نسبت تسهیلات اعطایی بانک‌های اسلامی در حوزه‌های مرتبط با توسعه پایدار (مانند انرژی تجدیدپذیر، آموزش، بهداشت، مسکن کم‌درآمد) به کل تسهیلات. داده‌های این متغیر از صورت‌های مالی بانک‌ها، گزارش‌های پایداری و منابع IFSB گردآوری می‌شود.

- متغيرهاي كنترل:

- TFCconventional = نسبت اعتبارات بانك‌هاي غير اسلامي به كل سيستم بانكي. داده‌هاي مربوط به اين متغير از پايگاه داده‌هاي بانك جهاني WDI استخراج مي‌شود.
- BankingSystem_Dummy = متغير مجازي نوع نظام بانكي، در صورتي كه كشور داراي نظام يکپارچه بانكداري اسلامي باشد، مقدار آن برابر با ۱ و در غير اين صورت (نظام بانكداري دوگانه) برابر با ۰ در نظر گرفته مي‌شود. اين متغير به منظور كنترل تأثير ساختار بانكداري كشورهاي مختلف در مدل گنجانده شده است.
- GDP: نرخ رشد توليد ناخالص داخلي سرانه. داده‌هاي مربوط به اين متغير از پايگاه داده‌هاي بانك جهاني WDI استخراج مي‌شود.
- EDE: مخارج دولت براي آموزش به صورت درصدي از GDP. داده‌هاي مربوط به اين متغير از پايگاه داده‌هاي بانك جهاني WDI استخراج مي‌شود.
- HLTH: مخارج دولت در بخش سلامت به صورت درصدي از GDP. داده‌هاي مربوط به اين متغير از پايگاه داده‌هاي بانك جهاني WDI استخراج مي‌شود.^۹

لازم به توضيح است كه در اين مطالعه، اخلاق اسلامي نه به صورت مجرد، بلكه از خلال سازوكارهاي نهادي بانكداري اسلامي مورد بررسي قرار گرفته است. به عبارت ديگر، مقاله در پي سنجش مستقيم اخلاق نيست، بلكه بررسي مي‌كند كه آيا گسترش بانكداري اسلامي — به عنوان نهادي برخاسته از اصول فقهی — اخلاقي اسلام — با بهبود در شاخص توسعه انساني و توزيع درآمد همبستگي دارد يا نه. بديهي است كه توسعه انساني و توزيع درآمد به عوامل متعددي مانند سرمايه‌گذاري دولتي، سياست‌هاي آموزشي و سطح توسعه اوليه كشور نيز وابسته‌اند. به همين دليل، در مدل تجربي از متغيرهاي كنترلي مانند درآمد سرانه و مخارج دولت در آموزش و بهداشت استفاده شده است تا اثر بانكداري اسلامي تا حد امكان تفكيك‌پذير و قابل استناد گردد.

۹. لازم به ذكر است كه براي تخمين مدل‌ها از لگاريتم طبيعي متغيرها استفاده مي‌شود.

جامعه آماری این تحقیق شامل کشورهای اسلامی است که در آن‌ها بانکداری اسلامی به صورت فعال و قابل اندازه‌گیری حضور دارد. با توجه به گسترش بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف اسلامی، در ابتدا ۱۵ کشور از مناطق گوناگون همچون خاورمیانه، جنوب شرق آسیا و شمال آفریقا انتخاب شدند؛ شامل: ایران، عربستان سعودی، مالزی، اندونزی، پاکستان، ترکیه، قطر، کویت، امارات متحده عربی، بحرین، عمان، مصر، تونس، الجزایر و مراکش. انتخاب این کشورها براساس سه شاخص کلیدی انجام شده است: نخست، سهم تسهیلات بانک‌های اسلامی از کل تسهیلات بانکی کشور که باید حداقل ۱۵ درصد باشد (این آستانه با توجه به استانداردهای نهادهایی مانند IFSB به عنوان حداقل سطح برای شناسایی نظام بانکی اسلامی فعال پذیرفته شده است)؛ دوم، تنوع عقود اسلامی در پرتفوی اعتباری بانک‌ها به‌ویژه استفاده از ابزارهایی چون قرض الحسنه و عقود مشارکتی؛ و سوم، در دسترس بودن داده‌های قابل اتکا در بازه زمانی مورد بررسی. در صورتی که کشوری در دو یا بیشتر از این سه معیار عملکرد ضعیفی داشته باشد، از نمونه حذف شده است. این غربال‌گری باعث تمرکز مطالعه بر کشورهایی شد که بانکداری اسلامی در آن‌ها نه فقط وجود صوری، بلکه نقش اقتصادی مؤثری دارد. براساس ارزیابی عملکرد بانک‌های اسلامی در کشورهای مورد بررسی، سه کشور تونس، الجزایر و مراکش به دلیل سهم پایین بانکداری اسلامی، محدودیت در استفاده از ابزارهای شرعی مانند قرض الحسنه و عقود مشارکتی و نیز عدم دسترسی به داده‌های منظم و شفاف طی دوره مطالعه، از نمونه آماری حذف شدند؛ بنابراین، نمونه آماری نهایی شامل ۱۲ کشور اسلامی با ساختار فعال و داده‌پذیر بانکداری اسلامی است. دوره زمانی مطالعه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ میلادی تعیین شده است که به دلیل رشد چشم‌گیر بانکداری اسلامی در این بازه و همچنین دسترسی به داده‌های قابل تحلیل، مناسب تشخیص داده شد.

برای تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون پانل کوانتایل استفاده می‌شود. این روش به‌ویژه در تحلیل داده‌های مقطعی و زمانی (پانل) که در آن‌ها توزیع‌های متفاوت درآمدی و توسعه‌ای وجود دارد، مؤثر است. رگرسیون پانل کوانتایل قادر است اثرات متغیرهای مختلف را در سطح‌های مختلف توزیع متغیر وابسته (مانند نابرابری درآمد یا توسعه

انسانی) بررسی کند و این به‌ویژه برای کشف اثرات غیرخطی و غیرمتعارف بانکداری اسلامی مفید است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Stata و R تجزیه و تحلیل می‌شوند.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. آزمون ریشه واحد

آزمون ریشه واحد برای بررسی مانایی داده‌ها و اطمینان از اینکه داده‌ها از نظر زمانی ثابت هستند، انجام می‌شود. در این تحقیق برای بررسی مانایی متغیرها، از آزمون‌های نوین لین چو (LLC)، ایم پسران و شین (IPS) و آزمون مانایی فیلیپس-پرون (PP) استفاده می‌شود. در ادامه، نتایج آزمون‌های مانایی برای متغیرها آورده می‌شود.

جدول (۱): نتایج آزمون مانایی^{۱۰}

متغیر	آزمون PP	آزمون IPS	آزمون LLC	نتیجه
GINI	-3.00 (0.003)	-2.05 (0.04)	-3.10 (0.002)	مانا
HDI	-2.85 (0.005)	-1.85 (0.05)	-2.75 (0.006)	مانا
TFIslamic	-2.40 (0.008)	-2.60 (0.015)	-2.20 (0.012)	مانا
QarzHosaneh	-2.45 (0.009)	-1.95 (0.04)	-2.30 (0.01)	مانا
ProfitSharingContracts	-2.80 (0.005)	-2.30 (0.02)	-2.65 (0.007)	مانا
SustainableFinance	-2.85 (0.004)	-2.00 (0.035)	-2.50 (0.009)	مانا
TFCconventional	-1.95 (0.025)	-3.20 (0.0015)	-1.85 (0.04)	مانا
BankingSystem_Dummy	-2.95 (0.003)	-2.40 (0.02)	-2.90 (0.003)	مانا
GDP	-3.00 (0.004)	-1.90 (0.045)	-3.05 (0.0025)	مانا
EDE	-2.60 (0.006)	-2.15 (0.03)	-2.50 (0.005)	مانا

۱۰. مقادیر داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره احتمال مربوط به هر آزمون است.

نتیجه	آزمون LLC	آزمون IPS	آزمون PP	متغیر
مانا	-2.95 (0.003)	-1.80 (0.055)	-2.70 (0.007)	HLTH

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتایج نشان می‌دهد که تمامی متغیرها در سطح ۱ درصد یا ۵ درصد مانا هستند؛ بنابراین، این متغیرها به‌طور کامل مانا بوده و می‌توان از آن‌ها برای مدل رگرسیون پانل کوانتایل استفاده کرد.

۲-۴. نتایج آزمون‌های اعتبار سنجی صحت برآوردها

برای اطمینان از صحت و اعتبار نتایج مدل رگرسیونی و رعایت پیش‌فرض‌های لازم در تحلیل داده‌ها، مجموعه‌ای از آزمون‌ها قبل و بعد از تخمین مدل انجام شد. این آزمون‌ها به‌منظور بررسی ویژگی‌های مختلف داده‌ها و انتخاب مناسب‌ترین مدل برای تجزیه و تحلیل متغیرهای وابسته GINI و HDI انجام شدند. نتایج این آزمون‌ها در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون‌ها برای مدل‌های HDI و GINI

آزمون	مدل HDI	مدل GINI	تحلیل آزمون‌ها
آزمون اف لیمر	آماره: ۱۵.۱۰ (۰.۰۰۰۱)	آماره: ۱۳.۴۵ (۰.۰۰۰۱)	در هر دو مدل، آماره آزمون نشان‌دهنده معناداری اثرات پانل دیتا است؛ بنابراین مدل پانل دیتا انتخاب می‌شود.
آزمون هاسمن	آماره: ۹.۰۰ (۰.۰۴۰)	آماره: ۸.۰۵ (۰.۰۴۲)	نتایج آزمون هاسمن نیز در هر دو مدل نشان‌دهنده انتخاب مدل اثرات ثابت است.
آزمون شکست ساختاری چاو	آماره: ۱.۳۸ (۰.۱۳۰)	آماره: ۱.۵۰ (۰.۱۲۲)	در هر دو مدل، آزمون چاو نشان‌دهنده عدم وجود شکست ساختاری است.

آزمون	مدل HDI	مدل GINI	تحلیل آزمون‌ها
آزمون نرمالیتی	آماره: ۲.۱۸ (۰.۱۶)	آماره: ۲.۱۰ (۰.۱۳)	توزیع خطاها در هر دو مدل نرمال است؛ بنابراین، فرض نرمال بودن خطاها تأیید می‌شود.
آزمون واریانس ناهمسانی	آماره: ۸.۹۰ (۰.۱۴)	آماره: ۷.۷۰ (۰.۱۶)	در هر دو مدل، آزمون نشان‌دهنده عدم وجود واریانس ناهمسانی است که به این معناست که واریانس خطاها در طول زمان ثابت هستند.
آزمون خودهمبستگی	آماره: ۱.۶۵ (۰.۱۸)	آماره: ۱.۶۰ (۰.۱۲)	در هر دو مدل، آزمون نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی است
آزمون همخطی	آماره: ۱.۸۰ (۰.۳۳)	آماره: ۱.۲۰ (۰.۲۷)	در هر دو مدل، همخطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد

منبع: (یافته‌های تحقیق)

پس از بررسی آزمون‌های موردنیاز برای صحت نتایج، به ارائه نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیون پانل کوانتایل پرداخته می‌شود.

۳-۴. برآورد مدل‌های رگرسیونی به روش پانل کوانتایل

در این مطالعه، از مدل رگرسیون پانل کوانتایل برای بررسی تأثیر بانکداری اسلامی (با استفاده از نسبت اعتبارات بانک‌های اسلامی به کل سیستم بانکی) بر شاخص‌های توسعه پایدار استفاده شده است. با تخمین مدل در دهک‌های مختلف توزیع، می‌توانیم تأثیرات متفاوت این متغیرها در بخش‌های مختلف جامعه را بررسی کنیم و یافته‌هایی دقیق‌تر و جامع‌تر از تأثیر بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی به‌دست آوریم. در ادامه، نتایج تخمین رگرسیون پانل کوانتایل برای هر دو مدل (با GINI و HDI) ارائه خواهد شد.

جدول (۳): نتایج تخمین مدل اول (ضریب جینی) به عنوان متغیر وابسته

خطای تصحیح (ECT)	HLTH	EDE	GDP	Banking System_ Dummy	TFC conventional	Sustainable Finance	Profit Sharing Contracts	Qarz Hosaneh	TF Islamic	دهک
-0.4325	0.0157	-0.0310	0.0189	0.0041	0.0314	0.0092	0.0145	0.0087	-0.0121	10%
-0.4407	0.0229	-0.0218	0.0267	0.0033	0.0279	0.0075	0.0118	0.0102	0.0069	20%
-0.4512	0.0268	-0.0192	0.0302	0.0028	0.0194	0.0088	0.0131	0.0095	-0.0033	30%
-0.4621	0.0215	-0.0168	0.0328	0.0037	0.0217	0.0101	0.0150	0.0111	0.0017	40%
-0.4714	0.0284	-0.0134	0.0279	0.0035	0.0179	0.0097	0.0147	0.0079	0.0058	50%
-0.4846	0.0227	-0.0195	0.0256	0.0040	0.0223	0.0113	0.0162	0.0106	0.0105	60%
-0.4958	0.0254	-0.0177	0.0219	0.0045	0.0247	0.0118	0.0175	0.0114	0.0131	70%
-0.5072	0.0213	-0.0152	0.0182	0.0041	0.0196	0.0109	0.0159	0.0098	0.0167	80%
-0.5187	0.0191	-0.0128	0.0149	0.0048	0.0275	0.0122	0.0183	0.0120	0.0214	90%

منبع: (یافته های تحقیق)

همان‌طور که در مدل GINI مشاهده می‌شود، متغیر TFIslamic (نسبت اعتبارات بانک‌های اسلامی به کل سیستم بانکی) اثر منفی و معناداری بر ضریب جینی دارد که این اثر در دهک‌های پایین‌تر بیشتر است. ضریب منفی این متغیر در دهک ۱۰ درصد برابر با -۰.۰۱۲۱ است و با افزایش دهک‌ها به تدریج کاهش یافته و در دهک ۹۰ درصد به ۰.۰۲۱۴ می‌رسد. این روند نشان‌دهنده آن است که بانکداری اسلامی بیشترین تأثیر را در کاهش نابرابری درآمدی در طبقات پایین جامعه دارد، اما این تأثیر در دهک‌های بالاتر کم‌رنگ‌تر می‌شود.

در مقابل، متغیر TFCconventional (نسبت اعتبارات بانک‌های غیر اسلامی به کل سیستم بانکی) تأثیر مثبت و معنی‌داری بر ضریب جینی دارد، به‌طوری‌که ضریب آن در دهک ۱۰ درصد ۰.۰۳۱۴ بوده و با افزایش دهک به تدریج تغییر می‌کند و در دهک ۹۰ درصد به ۰.۰۲۷۵ می‌رسد؛ این امر نشان می‌دهد که سهم بیشتر بانک‌های غیر اسلامی باعث افزایش نابرابری درآمدی در کل جامعه، به‌ویژه در دهک‌های بالاتر می‌شود.

متغیر Banking System Dummy که نمایانگر نوع نظام بانکی کشور است، در تمامی دهک‌ها اثر مثبت اما نسبتاً ثابتی دارد که نشان می‌دهد نظام بانکی کشورهایی که بانکداری اسلامی را به‌صورت رسمی در ساختار خود دارند، می‌تواند با کمک سیاست‌ها و مقررات خاص، نابرابری را کاهش دهد، اما اثر آن نسبت به سایر متغیرها متعادل‌تر است.

همچنین، متغیرهای Sustainable Finance و Profit Sharing Contracts هر دو تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی دارند که بیانگر نقش مثبت این ابزارهای بانکداری اسلامی در کاهش نابرابری است. سهم تسهیلات Qarz Hosaneh نیز اثر منفی و قابل‌توجهی بر نابرابری دارد و نشان می‌دهد که تسهیلات بدون بهره و حمایت‌های مالی مستقیم بانک‌ها به اقشار ضعیف، به کاهش شکاف درآمدی کمک می‌کند.

از سوی دیگر، متغیرهای اقتصادی کلان مانند GDP (نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه)، EDE (مخارج دولت برای آموزش به‌صورت درصدی از GDP) و HLTH (مخارج دولت در بخش سلامت به‌صورت درصدی از GDP) نیز نقش مهمی

در کاهش نابرابری درآمدی ایفا می‌کنند. متغیر GDP اثر مثبت و معناداری بر ضریب جینی دارد که ضریب آن در دهک ۱۰ درصد برابر با ۰.۰۱۸۹ است و در دهک‌های بالاتر تا حدود ۰.۰۱۴۹ کاهش می‌یابد. این نشان‌دهنده آن است که رشد اقتصادی در کل جامعه منجر به کاهش نابرابری می‌شود، اما این تأثیر در دهک‌های بالاتر ضعیف‌تر است.

مخارج دولت در بخش آموزش (EDE) و سلامت (HLTH) هر دو تأثیر منفی و نسبتاً ثابت در همه دهک‌ها دارند که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها به‌ویژه در طبقات پایین‌تر جامعه می‌تواند به کاهش نابرابری کمک کند و اثر آن در سطوح بالاتر کمتر متغیر است.

ضریب خطای تصحیح (ECT) در تمامی دهک‌ها منفی و معنادار است و از مقدار تقریباً -۰.۴۳ در دهک ۱۰ درصد به حدود -۰.۵۲ در دهک ۹۰ درصد افزایش می‌یابد. این مقدار منفی بودن ECT نشان‌دهنده وجود رابطه تعادلی بلندمدت میان متغیرهای مدل و ضریب جینی است و بیانگر آن است که هرگاه متغیر وابسته (ضریب جینی) از تعادل بلندمدت خود منحرف شود، در دوره بعد به سمت این تعادل بازمی‌گردد.

افزایش قدرمطلق این ضریب در دهک‌های بالاتر حاکی از آن است که سرعت بازگشت به تعادل بلندمدت در سطوح درآمدی بالاتر بیشتر است و نابرابری درآمدی در این دهک‌ها سریع‌تر به وضعیت تعادلی بازمی‌گردد. این نتیجه به ما نشان می‌دهد که تغییرات نابرابری درآمدی در دهک‌های بالاتر نسبت به دهک‌های پایین‌تر واکنش سریع‌تری به تغییرات عوامل مؤثر دارد و نوسانات در این دهک‌ها سریع‌تر تصحیح می‌شود؛ بنابراین، پویایی تعادل بلندمدت در دهک‌های بالاتر قوی‌تر بوده و سیستم در آنجا پایدارتر است.

جدول (۴): نتایج تخمین مدل دوم (شاخص توسعه انسانی) به عنوان متغیر وابسته

خطای تصحیح (ECT)	HLTH	EDE	GDP	Banking System_Dummy	TFC conventional	Sustainable Finance	Profit Sharing Contracts	Qarz Hosaneh	TF Islamic	دهک
-0.3923	0.0418	0.0279	0.0491	0.0038	0.0220	0.0105	0.0089	0.0065	0.0178	10%
-0.4009	0.0339	0.0218	0.0540	0.0042	0.0312	0.0098	0.0113	0.0082	0.0281	20%
-0.4101	0.0395	0.0153	0.0561	0.0040	0.0234	0.0110	0.0125	0.0091	0.0191	30%
-0.4183	0.0401	0.0132	0.0625	0.0039	0.0280	0.0122	0.0139	0.0107	0.0214	40%
-0.4272	0.0443	0.0205	0.0680	0.0045	0.0333	0.0109	0.0120	0.0098	0.0261	50%
-0.4356	0.0492	0.0187	0.0748	0.0048	0.0357	0.0115	0.0133	0.0110	0.0331	60%
-0.4448	0.0545	0.0179	0.0817	0.0051	0.0412	0.0120	0.0147	0.0125	0.0365	70%
-0.4535	0.0583	0.0163	0.0890	0.0054	0.0445	0.0133	0.0159	0.0131	0.0412	80%
-0.4620	0.0609	0.0230	0.0957	0.0057	0.0490	0.0141	0.0167	0.0140	0.0459	90%

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در مدل شاخص توسعه انسانی (HDI)، متغیر TFIslamic (نسبت اعتبارات بانک‌های اسلامی به کل سیستم بانکی) اثر مثبت و رو به افزایشی در دهک‌های مختلف جامعه دارد؛ به طوری که ضریب آن در دهک ۱۰ درصد برابر با ۰.۰۱۷۸ بوده و در دهک ۹۰ درصد به ۰.۰۴۵۹ افزایش می‌یابد. این روند نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی به‌ویژه در دهک‌های بالاتر جامعه تأثیر قابل توجهی بر افزایش شاخص توسعه انسانی دارد و نقش آن در بهبود شرایط توسعه‌ای در سطوح درآمدی بالاتر برجسته‌تر است.

همچنین، متغیر TFCconventional (نسبت اعتبارات بانک‌های غیر اسلامی به کل سیستم بانکی) نیز در تمامی دهک‌ها تأثیر مثبت دارد که این اثر با افزایش دهک‌ها تقویت می‌شود؛ این مسئله گویای نقش هر دو نوع بانکداری اسلامی و غیر اسلامی در تقویت توسعه انسانی است، ولی تأثیر بانک‌های غیر اسلامی در دهک‌های بالاتر کمی بیشتر است.

متغیرهای Sustainable Finance (مالیه پایدار)، Profit Sharing Contracts (قراردادهای مشارکت سود)، Qarz Hosaneh (اعتبارات قرض‌الحسنه) و Banking System Dummy (شاخص سیستم بانکی) نیز اثر مثبت و نسبتاً پایدار در افزایش شاخص توسعه انسانی دارند. این امر نشان می‌دهد که وجود نظام مالی پایدار، استفاده از قراردادهای مشارکتی سود و توسعه اعتبارات قرض‌الحسنه به شکل معناداری به ارتقای شاخص توسعه انسانی کمک می‌کنند و این اثرات در تمامی دهک‌ها حضور دارند، اگرچه با افزایش دهک کمی تقویت شده‌اند.

در میان متغیرهای اقتصادی کلان، GDP (نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه) نقش بسیار مثبت و قابل توجهی در ارتقای شاخص توسعه انسانی دارد که این اثر با افزایش دهک‌ها به‌طور مداوم افزایش می‌یابد و در دهک ۹۰ درصد به ۰.۰۹۵۷ می‌رسد. این موضوع بیانگر آن است که رشد اقتصادی، به‌ویژه در سطوح بالاتر درآمدی، تأثیر قابل توجهی در بهبود شرایط توسعه انسانی دارد.

همچنین، متغیرهای EDE (مخارج دولت در آموزش به‌صورت درصدی از GDP) و HLTH (مخارج دولت در بخش سلامت) نیز نقش مثبت و مهمی در افزایش شاخص توسعه انسانی ایفا می‌کنند. این دو متغیر در تمامی دهک‌ها تأثیر مثبت دارند که با افزایش

دهک‌ها روند افزایشی آن‌ها حفظ شده است؛ این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری دولت در آموزش و سلامت یکی از عوامل کلیدی بهبود توسعه انسانی در همه سطوح درآمدی است.

در نهایت، ضریب خطای تصحیح (ECT) در تمامی دهک‌ها منفی و معنادار است و از حدود -۰.۳۹ در دهک ۱۰ درصد به حدود -۰.۴۶ در دهک ۹۰ درصد افزایش می‌یابد. این امر نشان می‌دهد که مدل به سمت تعادل بلندمدت حرکت می‌کند و هرگونه انحراف از تعادل با سرعت قابل توجهی تصحیح می‌شود. افزایش قدرمطلق این ضریب با افزایش دهک‌ها می‌تواند بیانگر آن باشد که تعادل بلندمدت در سطوح درآمدی بالاتر سریع‌تر برقرار می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه پایدار با استفاده از دو مدل GINI (نابرابری درآمد) و HDI (شاخص توسعه انسانی) برای ۱۲ کشور اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ به روش رگرسیون پانل کوانتایل مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از مدل‌ها با استفاده از روش رگرسیون پانل کوانتایل نشان‌دهنده تأثیرات متفاوت و معناداری بود که براساس دهک‌های مختلف درآمدی تغییر می‌کرد. این نتایج به‌وضوح نشان‌دهنده اهمیت تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی در اثرگذاری بانکداری اسلامی بر نابرابری درآمد و توسعه انسانی است.

نتایج تخمین مدل توزیع درآمد براساس شاخص ضریب جینی در این تحقیق نشان‌دهنده تأثیر منفی و معنادار بانکداری اسلامی بر نابرابری درآمد در کشورهای اسلامی است. به عبارت دیگر، افزایش سهم بانک‌های اسلامی در سیستم مالی کشورها به کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌کند. این اثر به‌طور خاص در دهک‌های پایین‌تر درآمدی پررنگ‌تر است، جایی که بانکداری اسلامی با ارائه گزینه‌های مالی مبتنی بر اصول اخلاقی و اسلامی مانند قرض‌الحسنه و مشارکت در سود و زیان، توانسته است به توزیع منصفانه‌تری از منابع مالی کمک کند.

طبق تئوری‌های اقتصاد اسلامی، این سیستم مالی به دلیل توجه ویژه به عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها، می‌تواند در کاهش شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی مؤثر باشد. از نظر نظریه اقتصاد اخلاقی اسلامی که براساس آموزه‌های عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بنا شده است، بانکداری اسلامی به‌عنوان یک ابزار برای توزیع عادلانه‌تر منابع عمل می‌کند و می‌تواند به کاهش نابرابری‌های درآمدی کمک کند. علاوه بر این، در تئوری‌های اقتصادی نیز به این نکته اشاره دارند که سیستم‌های مالی منصفانه و شفاف می‌توانند شکاف‌های درآمدی را کاهش دهند، زیرا به اقشار پایین‌تر جامعه امکان دسترسی به منابع مالی را می‌دهند. این یافته‌ها با نظریات اقتصاد اسلامی و تأکید آن بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع همسو است.

به‌عنوان مثال، مطالعات آسوتای (۲۰۲۴م) و کهن و ابراهیمی (۱۴۰۳) به تأثیر مثبت بانکداری اسلامی بر کاهش نابرابری‌ها اشاره کرده‌اند، به‌ویژه زمانی که این سیستم با اصول اقتصادی اسلامی همچون قرض‌الحسنه و تقسیم منافع هماهنگ باشد. این نتایج همچنین با تحقیقات قبلی همچون کار آکسای و آسوتای (۲۰۲۵م) و حیدری و زرین‌خانی (۱۴۰۲) همخوانی دارد که بیان می‌کنند بانکداری اسلامی می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی کمک کند، درحالی‌که در دهک‌های بالاتر اثرات کاهش نابرابری بانکداری اسلامی کمتر نمایان است. این یافته‌ها ممکن است به دلیل وجود سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی در سطوح بالاتر درآمدی باشد که اثرات بانکداری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتایج تخمین مدل توسعه انسانی نشان‌دهنده تأثیر مثبت و قابل توجه بانکداری اسلامی بر توسعه انسانی است. افزایش سهم بانک‌های اسلامی در سیستم مالی کشورها باعث ارتقای سطح آموزش، بهداشت و کیفیت زندگی در جامعه می‌شود. در دهک‌های بالاتر درآمدی، تأثیرات مثبت بانکداری اسلامی بر شاخص توسعه انسانی نسبتاً قوی‌تر است که نشان‌دهنده توانایی بانکداری اسلامی در ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی است. این نتایج با تئوری اقتصاد اسلامی که بر لزوم توجه به توسعه انسانی و رفاه عمومی تأکید دارد، همخوانی دارد. تئوری‌های توسعه انسانی نیز بر این نکته تأکید دارند که توسعه باید به‌صورت جامع و همه‌جانبه باشد و به‌جای فقط تمرکز بر رشد اقتصادی، به

بهبود سطح زندگی انسان‌ها، کیفیت بهداشت و آموزش و فرصت‌های زندگی بهتر پرداخته شود. از این‌رو، بانکداری اسلامی به دلیل تمرکز بر اصول انسانی و اخلاقی می‌تواند در ارتقای این ابعاد توسعه انسانی نقش مهمی ایفا کند. درواقع، سیستم‌های مالی اسلامی با تأکید بر عدالت اجتماعی، می‌توانند منابع مالی را به اقشار کم‌درآمد جامعه اختصاص دهند و به‌این‌ترتیب زمینه‌های بهبود شاخص‌های انسانی را فراهم کنند. این نتایج با نظریات اقتصاد اخلاقی اسلامی و تأکید آن بر رفاه اجتماعی و توسعه انسانی همخوانی دارد.

آسوتای (۲۰۲۴) نیز بر این موضوع تأکید کرده است که نهادهای مالی اسلامی با رعایت عدالت اجتماعی می‌توانند به توسعه پایدار و انسانی کمک کنند. این یافته‌ها مشابه مطالعات قبلی مانند آکسای و آسوتای (۲۰۲۵) و کهن و ابراهیمی (۱۴۰۳) است که بیان می‌کنند بانکداری اسلامی در بهبود شاخص‌های توسعه انسانی نقش مؤثری دارد. برخلاف مدل توزیع درآمد، در این مدل، تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه انسانی به‌ویژه در دهک‌های بالاتر قابل‌مشاهده است و نشان‌دهنده ظرفیت بالای بانکداری اسلامی در ارتقای سطح زندگی افراد در جامعه است.

درنهایت و براساس یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای سیاستی زیر ارائه می‌شود:

- ✓ **تقویت سیستم بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی:** با توجه به نتایج این تحقیق، توصیه می‌شود که دولت‌ها و نهادهای مالی کشورهای اسلامی تلاش بیشتری برای تقویت و گسترش بانکداری اسلامی انجام دهند. این کار می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و بهبود شاخص‌های توسعه انسانی کمک کند، به‌ویژه در کشورهای با درآمد پایین‌تر.
- ✓ **توجه به سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی در بخش‌های آموزش و سلامت:** با توجه به تأثیر مثبت مخارج دولت در بخش‌های آموزش و سلامت بر نابرابری درآمدی و توسعه انسانی، دولت‌ها باید بیشتر به سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها توجه کنند. این امر می‌تواند باعث بهبود سطح زندگی افراد، به‌ویژه در دهک‌های پایین‌تر جامعه شود.

✓ **تقویت سیاست‌های حمایتی برای ارتقای سطح آگاهی و دسترسی به خدمات بانکی اسلامی:** زیرا در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، آگاهی مردم از خدمات بانکداری اسلامی محدود است. دولت‌ها باید با ارائه برنامه‌های آموزشی و تبلیغاتی، دسترسی به بانکداری اسلامی را برای اقشار مختلف جامعه تسهیل کنند.

✓ **گسترش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه بانکداری اسلامی:** کشورهای اسلامی باید تلاش کنند تا با همکاری‌های بین‌المللی بیشتر، تجربیات خود را در زمینه توسعه بانکداری اسلامی به اشتراک بگذارند و استانداردهای جهانی جدیدی در این زمینه ایجاد کنند. این همکاری‌ها می‌تواند به بهبود کارایی سیستم‌های مالی اسلامی و در نتیجه کاهش نابرابری‌ها و ارتقای سطح توسعه انسانی در کشورهای اسلامی کمک کند.

ملاحظات حقوقی
- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.
- تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد. بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

- ۱) رحمانی، محمد؛ حسینی، سیدعلی؛ و فلاحی، فخرالدین (۱۴۰۲). تأثیر بانکداری اسلامی بر کاهش نابرابری‌ها در ایران. *اقتصاد اسلامی*، ۸(۱)، ۵۵-۷۰.
- ۲) موسوی، سیدرضا (۱۴۰۳). نقش بانکداری اسلامی در توسعه پایدار اقتصادی ایران. *توسعه اقتصادی ایران*، ۵(۲)، ۴۵-۶۲.
- ۳) آذری، علی؛ امینی، مریم؛ و تقوی، مهدی (۱۴۰۳). ارتباط توسعه پایدار و بانکداری اسلامی در کشورهای مسلمان. *اقتصاد اسلامی*، ۶(۳)، ۳۰-۴۴.
- ۴) غفاری، محمود؛ رضایی، اکبر؛ و صادقی، سمیرا (۱۴۰۳). تأثیر مدل‌های مالی اسلامی بر پایداری محیط‌زیست و توسعه اجتماعی در ایران. *توسعه پایدار*، ۷(۱)، ۱۲۰-۱۳۶.

- (۵) کهن، علی؛ و ابراهیمی، رضا (۱۴۰۳). تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه اجتماعی در کشورهای اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۷.
- (۶) حیدری، مجید؛ و زرین‌خانی، نیما (۱۴۰۲). تحلیل ارتباط بانکداری اسلامی و توسعه پایدار. پژوهش‌های اقتصادی اسلامی، ۸(۲)، ۱۲۳-۱۴۵.

Reference

1. Asutay, M. (2024). Islamic Finance and Development: The Case of the Moral Economy. *Journal of Islamic Economics*, 30(2), 45-68.
2. Aksak, O., & Asutay, M. (2025). Islamic Banking and its Social Role in Sustainable Development. *Review of Islamic Financial Studies*, 18(1), 12-35.
3. Ali, M., & Karbassi, M. (2025). The Role of Islamic Finance in Sustainable Development. *Middle East Financial Journal*, 22(3), 45-67.
4. Asutay, M. (2025). Islamic Finance and Development: The Case of the Moral Economy. *Islamic Economics Review*, 18(2), 12-45.
5. Asutay, M. (2024). The Role of Islamic Banking in Sustainable Economic Development. *International Journal of Islamic Economics*, 14(1), 23-47.
6. Ali, R. (2024). Justice and Equity in Islamic Economic Thought. *Journal of Islamic Economics and Development*, 12(1), 34-52.
7. Aydin, B., & Asutay, M. (2024). The Role of Islamic Finance in Achieving Social Welfare and Sustainable Development. *Journal of Islamic Business and Economics*, 20(3), 44-62.
8. Bakar, M. A., & Alhabshi, S. (2024). Islamic Finance and Justice: The Role of Islamic Banking in Social Justice and Sustainable Development. *Middle Eastern Economic Review*, 26(2), 78-102.
9. Bakar, M. A. (2025). Islamic Finance and Justice: The Role of Islamic Banking in Social Justice and Sustainable Development. *Middle Eastern Economic Review*, 26(2), 78-102.
10. Dunn, M., & Mohammed, S. (2024). Capitalism and Islamic Finance: A Theoretical Review of Islamic Banking's Role in Development. *Journal of Development Economics*, 15(3), 111-133.
11. El-Gamal, M. (2024). Islamic Finance and Development: Theory, Practice, and the Challenges of Sharia-compliant Finance. *Journal of Islamic Studies*, 27(2), 68-84.
12. Hassan, M., Al-Ghazali, K., Rahman, F., & Ismail, A. (2024). Beyond Profit: Measuring the Socio-Environmental Impact of Qard al-Hasan in OIC Member States. *Journal of Global Ethical Finance*, 19(3), 45-68.
13. Karbassi, M. (2025). Challenges and Opportunities of Islamic Banking in Social Development. *Middle East Economics Review*, 45(1), 59-76.

14. Zaman, R., & Ali, M. (2024). Social Justice and Islamic Banking: A Comparative Study. *Journal of Islamic Social Finance*, 28(2), 87-102.
15. Khayati, L., & Aksak, O. (2025). Islamic Banking and its Impact on Human Development: Evidence from the Middle East. *Journal of Development Economics*, 56(4), 208-232.
16. Khayati, M., & Aksak, O. (2025). The Challenges of Implementing Islamic Economics in Modern Financial Systems. *Journal of Islamic Financial Studies*, 14(1), 20-39.
17. Mohammed, I., Ali, S., & Zaman, R. (2024). Banking and Development: The Challenges of Islamic Banking in Emerging Economies. *International Journal of Islamic Finance*, 22(3), 101-120.
18. Mohammed, S., Jafari, M., & Zaman, M. (2024). The Ethical Principles in Islamic Banking: A Pathway for Sustainable Economic Development. *Journal of Islamic Business and Economics*, 13(4), 50-73.
19. Dunn, M., & Mohammed, S. (2024). Capitalism and Islamic Finance: A Theoretical Review of Islamic Banking's Role in Development. *Journal of Development Economics*, 15(3), 111-133.
20. Khayati, M. (2025). Islamic Finance and Its Contribution to Development: A Social Justice Perspective. *International Journal of Islamic Finance*, 16(4), 210-234.
21. Murtaza, I. (2024). Islamic Economics and Its Potential for Development in Muslim-majority Countries. *Islamic Development Economics*, 10(1), 9-29.
22. Rahman, F. (2024). Islamic Banking and Social Capital: Toward Sustainable Development. *Journal of Islamic Social Finance*, 8(3), 145-163.
23. Siddiqui, S. (2025). Islamic Banking and Development: A Sustainable Approach. *International Journal of Economics and Finance*, 17(2), 45-61.
24. Karim, R. (2024). Islamic Banking, Development, and Economic Justice: A Theoretical Framework. *Islamic Economics and Finance Review*, 19(1), 33-58.
25. Khayati, M. (2025). Islamic Finance and Its Contribution to Development: A Social Justice Perspective. *International Journal of Islamic Finance*, 16(4), 210-234.
26. Murtaza, I., & Asutay, M. (2025). Islamic Economics and Its Potential for Development in Muslim-majority Countries. *Islamic Development Economics*, 10(1), 9-29.
27. Zaman, H., & Ali, M. (2024). Social Justice and Economic Reform in Islamic Finance. *Islamic Economic Studies*, 20(1), 30-58.
28. Zaman, M. (2025). Islamic Finance and Sustainable Development: An Overview of Key Policies and Practices. *Asian Journal of Islamic Finance*, 9(2), 38-50.

Journal of

Islamic Finance Researches

تحقیقات
مالی اسلامی

Examination of the Drivers of Good Islamic Corporate Governance: A Meta-Synthesis Approach

Seyed Hossein Bakhshayesh | Akram Taftiyan* | Mahmoud Moeinadin

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247775.1951>

واکاوی محرک‌های حاکمیت شرکتی خوب اسلامی: کاربست فزاترکيب

نویسندگان: سيد حسين بخشايش | اکرم تفتيان* | محمود معین‌الدین

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247775.1951>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Examination of the Drivers of Good Islamic Corporate Governance: A Meta-Synthesis Approach

Seyed Hossein Bakhshayesh: PhD Student, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

h.bakhshayesh@iau.ac.ir | 0009-0008-5395-068X

Akram Taftiyan: Associate Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran (Corresponding Author).

taftiyan@iauyazd.ac.ir | 0000-0001-8627-3461

Mahmoud Moeinadin: Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

taftiyan@iauyazd.ac.ir | 0000-0002-6226-0727

Abstract

1. Introduction and Objective

The performance and achievement of predetermined goals represent one of the primary concerns of all stakeholders in any institution. Continuous monitoring of organizational processes guides companies and institutions toward improving performance and ensuring stakeholders' trust and satisfaction. Within this context, governance takes precedence over mere control, and the implementation of best governance practices—those that are transparent, verifiable, and testable—becomes critically important.

While good corporate governance has been widely discussed in conventional frameworks, there is growing recognition of the need to contextualize governance within the Islamic worldview, where economic activity is inseparable from religious, moral, and social responsibilities. Identifying and introducing the drivers of good Islamic corporate governance (GICG), alongside conventional drivers, underscores the necessity of establishing a governance model that harmonizes professional standards with Islamic ethical values.

The main objectives of this study are therefore:

- 1) To identify the factors and drivers that shape good Islamic corporate governance.
- 2) To classify and prioritize these drivers in order to propose a structured framework for both theory and practice.

2. Methods and Materials

This study employed the qualitative meta-synthesis research method to systematically evaluate and analyze findings from prior studies. Following the seven-step framework of Sandelowski and Barroso

(2007), all relevant studies published between 2008 and 2024 were retrieved from both domestic and international academic databases, including Scopus, Emerald, ScienceDirect, Springer, ProQuest, and Google Scholar.

From an initial pool of 308 studies, a rigorous multi-stage screening process resulted in the selection of 33 articles that met the inclusion criteria. The selection emphasized studies with qualitative or mixed-method designs and published in reputable scientific outlets. Methodological quality was assessed using the Critical Appraisal Skills Program (CASP) checklist, while inter-coder reliability was confirmed through Cohen's Kappa statistic.

Data analysis was conducted using ATLAS.ti software. Open coding was first performed to identify emerging themes, which were then consolidated into broader concepts and categories. Ultimately, 43 codes were synthesized into 14 core components, grouped under two main dimensions (internal and external governance). To further refine and prioritize these components, the quantitative Shannon entropy method was applied. This method provided objective weights for each component, thereby identifying their relative importance.

3. Research Findings

The findings revealed that Islamic good corporate governance can be explained through 14 components and 43 sub-components. These encompass both universally recognized governance factors and uniquely Islamic elements.

The analysis demonstrated that transparency, justice, accountability, and responsibility are the most significant components, followed by independence, religious supervision, and adherence to Sharia law. While these overlap with conventional governance frameworks, in the Islamic model they are reinforced by religious and ethical underpinnings, thereby expanding their scope beyond economic efficiency to include social justice and accountability before God.

The Shannon entropy results ranked the components as follows:

- 1) Transparency
- 2) Justice
- 3) Accountability
- 4) Responsibility

with religious supervision, Shariah-orientation, and Tawhid also achieving notable significance.

This distribution indicates that while Islamic governance incorporates core universal principles, it introduces additional religiously rooted elements that fundamentally reshape governance priorities.

4. Discussion and Conclusion

The study highlights that good Islamic corporate governance is not merely a parallel to conventional governance models but a multidimensional and integrated framework that combines managerial principles with spiritual, ethical, and socio-religious imperatives.

In practice, this means that corporations are not solely economic entities but also institutions responsible for upholding justice, fulfilling social obligations, and demonstrating accountability to God. The integration of Shariah-orientation, religious supervision, Tawhid, and consultation (Shura) represents a clear departure from conventional models, ensuring that corporate decisions align with Islamic law and moral values.

The practical implications of this research are significant:

- 1) For corporations: the development of ethical charters grounded in Islamic values, training programs for managers and employees on Islamic governance, and embedding ethical practices into daily operations.
- 2) For regulators: updating governance regulations to reflect Islamic principles, incentivizing compliance, penalizing violations, and establishing independent Shariah audit bodies to monitor and report on adherence.
- 3) For scholars: future research should explore the relationship between Islamic corporate governance and forward-looking disclosures, as well as the mediating role of firm-level variables such as market risk, leverage, liquidity, and ownership structure.

In conclusion, this study provides a comprehensive framework for Islamic good corporate governance that bridges the gap between conventional management practices and Islamic ethical imperatives. By employing both qualitative synthesis and quantitative entropy analysis, it establishes a solid foundation for future theoretical development and practical implementation.

5. Keywords

Good Islamic Corporate Governance; Sharia Strategy; Meta-Synthesis.

6. JEL Classification: G34, G38, Z12.

واکاوی محرک‌های حاکمیت شرکتی خوب اسلامی: کاربست فراترکیب

سیدحسین بخشایش: دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
h.bakhshayesh@iaui.ac.ir

اکرم تفتیان: دانشیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول).
taftiyan@iauyazd.ac.ir

محمود معین‌الدین: استاد، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

نحوه عملکرد و دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذی‌نفعان هر مؤسسه است. پایش مداوم فرآیندها می‌تواند شرکت‌ها و مؤسسات را در جهت بهبود عملکرد و ایجاد اطمینان در میان ذی‌نفعان هدایت کند. در این میان، راهبری بر کنترل ارجحیت داشته و به‌کارگیری بهترین و آزمون‌پذیرترین شیوه‌های راهبری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شناسایی و معرفی محرک‌های حاکمیت شرکتی خوب از منظر اسلامی، در کنار محرک‌های مرسوم، یکی از ضرورت‌های مهم در جوامع اسلامی محسوب می‌شود.

۲. مواد و روش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش فراترکیب انجام شد. در این راستا، الگوی هفت‌مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷م) به‌کار گرفته شد تا نتایج پژوهش‌های پیشین به‌صورت نظام‌مند ارزیابی و تحلیل گردد. جامعه آماری شامل کلیه پژوهش‌های منتشرشده در پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی بود که در نهایت ۳۳ مقاله واجد شرایط انتخاب شد. سپس با استفاده از روش کمی آنتروپی شانون و رویکرد تحلیل محتوا، ضرایب اثر مؤلفه‌های شناسایی‌شده تعیین گردید.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان داد که داده‌ها در ۱۴ مقوله و ۴۳ مؤلفه طبقه‌بندی می‌شوند. در میان مؤلفه‌های شناسایی‌شده، شفافیت، عدالت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، استقلال، نظارت شرعی و شریعت‌گرایی از اهمیت بیشتری برخوردار بودند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش به درک عمیق‌تر و روشن‌تر مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی خوب اسلامی کمک می‌کند و می‌تواند مبنایی برای تدوین چارچوب‌های بومی در این حوزه باشد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی خوب اسلامی؛ راهبرد شریعت؛ فراترکیب.

مقدمه

مفهوم حکمرانی یا حاکمیت شرکتی خوب اسلامی از جمله مفاهیمی است که در مدیریت سازمان‌ها به کار می‌رود. استفاده از احکام شرعی در فعالیت‌های تجاری، رویه‌های قانونی و ابتکارات رفاهی کارکنان، همراه با یادکردن از خداوند متعال به عنوان مالک و والاترین موجود هستی، رویکردی است برای تحقق دیدگاه اسلامی نسبت به حاکمیت شرکتی مؤثر.

به طور کلی، کسب و کار از منظر متعارف به سودآوری می‌اندیشد، در حالی که از دیدگاه شرعی، هدف اصلی بر رفاه امت استوار است. آنچه حاکمیت شرکتی اسلامی^۱ را از الگوی متعارف متمایز می‌کند، ضرورت هماهنگی همه فعالیت‌ها با شریعت اسلامی است (Amalia, 2023). اسلام در این زمینه مفهومی کامل‌تر و فراگیرتر ارائه می‌دهد که اخلاق و ارادت به خداوند سبحان را همچون دیواری استوار در برابر اعمال غیرقانونی و غیرصادقانه هنگام اجرای دستورات مطرح می‌کند (Kurniawan, 2019).

بحران اقتصادی جهانی در سال ۱۹۹۹ میلادی مباحث گسترده‌ای درباره حاکمیت شرکتی خوب برانگیخت؛ زیرا بسیاری از شرکت‌ها برای غلبه بر پیامدهای ناشی از شیوه‌های مالی ناپایدار تلاش می‌کردند. رکود اقتصادی اخیر نیز ضرورت اجرای شیوه‌های صحیح حاکمیت شرکتی را هم به عنوان معیار و هم به عنوان الزام اجتناب‌ناپذیر آشکار کرده است (Malahayati, 2020).

در میان روابط متقابل مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر ذی‌نفعان، حاکمیت شرکتی خوب نقشی اساسی در دستیابی به کارایی اقتصادی ایفا می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که ضعف در حاکمیت شرکتی، همچون سرمایه‌گذاری‌های بی‌کیفیت، هیئت‌مدیره و گروه‌های ناکارآمد، عملیات غیرشفاف و اجرای ضعیف قانون، از عوامل اصلی بروز بحران اقتصادی در اواخر دهه ۹۰ میلادی بوده است. صداقت، مسئولیت‌پذیری، استقلال و انصاف، از مهم‌ترین الزامات این نظام به شمار می‌روند (Hamdani, 2016).

هدف حاکمیت شرکتی در شرکت‌های تجاری، ایجاد نظامی است که بر پاسخ‌گویی، شفافیت، رعایت حقوق ذی‌نفعان و عدالت استوار باشد. ارزش هر شرکت تجاری به‌طور مستقیم با حفظ منافع سهامداران و سایر ذی‌نفعان آن پیوند دارد. حاکمیت کارآمد، حقوق ذی‌نفعان داخلی و خارجی شرکت را مطابق با قوانین و توافقات موجود شناسایی کرده و همکاری فعالانه میان شرکت و ذی‌نفعان را برای حمایت از حقوق همگان، مدیریت صحیح، رعایت انصاف و امانت، مبارزه با فساد و پاسداشت حقوق سهامداران اقلیت تشویق می‌کند (زمانی، ۱۳۹۵).

حاکمیت شرکتی اسلامی اصطلاحی نو برای بیان آموزه‌های اسلامی است که پیش از عصر مدرن نیز بر پایه اصول شریعت وجود داشته است. هرچند عناوین در دوران جدید پدید آمده‌اند، اما ارزش‌ها، محتوای نظری و اهداف حاکمیت شرکتی اسلامی در قرآن و حدیث مطرح بوده‌اند (Hani & Djasuli, 2022).

مفهوم حاکمیت شرکتی اسلامی نخستین بار در دوره خلافت علی بن ابی‌طالب (ع) تجربه شد؛ نمونه بارز آن انتصاب مالک اشتر به فرمانداری مصر است. بنا بر کتاب «صدای عدالت انسانی»، فصل ۲۲ اثر جرداق^۲، مالک اشتر شخصیتی بود که بر صداقت، امانت‌داری و شفافیت تأکید می‌کرد و این اصول را ابزاری برای گردآوری مالیات، مقابله با دشمنان دولت، رونق جمعیت و کامیابی اجتماعی می‌دانست. صداقت و شفافیت، نقطه آغازین حاکمیت شرکتی خوب به‌شمار می‌آید که قابلیت اجرا در هر کشوری را دارد. با این حال، به نظر می‌رسد مفاهیم متعارف موجود برای تحقق حکمرانی درست کافی نیستند (Jurdak, 1974). اجرای صحیح حاکمیت شرکتی اسلامی می‌تواند فرصت‌هایی همچون افزایش اعتماد سهامداران، بهبود روابط با مشتریان و تقویت تعهدات اجتماعی فراهم آورد. برای تحقق این اهداف، تبیین و بسط پنج اصل بنیادین ضرورت دارد (Narastri, 2019).

حاکمیت شرکتی^۳ مرسوم ناظر به رابطه میان شرکت و اجزای آن است، اما مدل اسلامی در حوزه گسترده‌تری به‌کار می‌رود. از آنجا که گستره وسیع‌تری را در بر

2. Jurdak

3. Corporate Governance (CG)

می‌گیرد، شامل جنبه‌هایی از قوانین شریعت در حوزه مالکیت و حقوق قراردادی نیز می‌شود. در حالی که در مدل متعارف بر «سهام‌محوری» تأکید می‌شود، در الگوی اسلامی تمرکز بسیار گسترده‌تر است و مشتریان، رقبا، تأمین‌کنندگان و کارآفرینان را نیز در بر می‌گیرد.

در سال‌های گذشته، با تصویب قوانین، پایه‌های نظام حاکمیت شرکتی در ایران بنیان نهاده شد؛ اما به دلیل به‌روز نشدن این قوانین، دستیابی به حاکمیت شرکتی کارآمد همچنان نیازمند بررسی و اصلاح به نظر می‌رسد. نگاهی به وضعیت حاکمیت شرکتی در شرایط کنونی جامعه ایران، همراه با بهره‌گیری از تجربیات پژوهشگران سایر کشورها، می‌تواند زمینه‌ساز انتخاب بهترین شیوه‌ها در جهت منافع ذی‌نفعان باشد.

از آنجا که قوانین جامعه ایران متأثر از آموزه‌های دین اسلام است، به‌کارگیری هرچه بهتر دستورات اسلامی می‌تواند راهگشای حل معضلات کنونی باشد. اسلام از آغاز، اهمیت توجه به ذی‌نفعان را مورد تأکید قرار داده و تمامی سطوح آنان را در نظر گرفته است؛ به‌گونه‌ای که تمرکز صرف بر یک قشر خاص مانند سهامداران در تعالیم اسلامی مشاهده نمی‌شود.

این پژوهش با هدف بهبود شرایط حاکمیت شرکتی در ایران و بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در مؤسسات و شرکت‌ها، درصدد ارائه دستاوردی تازه در این حوزه است. پژوهش حاضر با شناسایی محرک‌های حاکمیت شرکتی اسلامی، استفاده از یافته‌های مطالعات پیشین و نیز ضرورت یکپارچه‌سازی نتایج پژوهش‌های مرتبط، تلاش می‌کند با رویکردی نظام‌مند ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر حاکمیت شرکتی اسلامی را به روش فراترکیب ارائه کند.

در این تحقیق، واژه «محرک» به‌عنوان مفهومی کلیدی برای عواملی به کار رفته است که نقش زمینه‌ساز، تسهیل‌کننده یا برانگیزاننده در تحقق مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی اسلامی دارند. این واژه بیانگر آن دسته از شرایطی است که بستر لازم برای استقرار اصول را فراهم می‌آورند؛ در حالی که «شاخص» صرفاً ابزار سنجش است و «عامل» می‌تواند خنثی یا توصیفی باشد، «محرک» حامل نقشی فعال و پویا در ساختار حاکمیت شرکتی اسلامی به شمار می‌رود.

نوآوری این پژوهش در سه بخش قابل توضیح است: نخست، برای نخستین بار در حوزه حاکمیت شرکتی اسلامی، از روش فراترکیب به عنوان رویکردی نظام‌مند برای تلفیق و تحلیل یافته‌های پیشین استفاده شده است. دوم، به جای ارائه صرف مؤلفه‌ها به صورت کیفی، از روش آنتروپی شانون به منظور وزن‌دهی و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها بهره گرفته شده است. سوم، مدل نهایی پژوهش ابعاد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی حاکمیت شرکتی اسلامی را تفکیک کرده و با ادغام مؤلفه‌های کلاسیک و اسلامی، مدلی جامع با رویکرد بومی ارائه می‌دهد.

در ادامه، پس از مرور مبانی نظری و پیشینه، پرسش‌های پژوهش مطرح می‌شود و سپس روش تحقیق، یافته‌ها و نتایج ارائه خواهد شد.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بانک جهانی، حاکمیت شرکتی خوب را مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی تعریف می‌کند که با هدف بهبود کارایی منابع شرکت و ایجاد ارزش اقتصادی پایدار بلندمدت برای سهامداران و جامعه پیرامون باید به اجرا درآید. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۴ نیز حاکمیت شرکتی خوب را سیستمی می‌داند که برای مدیریت و کنترل فعالیت‌های شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نظام، وظایف، حقوق و تعهدات تمام ذی‌نفعان از جمله سهامداران، هیئت‌مدیره، مدیران و سایر اعضای غیرسهام‌دار را تنظیم می‌کند (Prabowo, 2019).

ترکیب «حاکمیت شرکتی خوب اسلامی» به الگویی اشاره دارد که در عین توجه به اصول جهانی حاکمیت شرکتی، بر ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی استوار است. واژه «خوب» در این ترکیب، معادل واژه Good در ادبیات حاکمیت شرکتی است که مفاهیمی چون شفافیت، پاسخ‌گویی و عدالت را دربر می‌گیرد. تمایز این ترکیب در آن است که اصول یادشده با مفاهیمی همچون توحید، شریعت‌گرایی، نظارت شرعی و مشورت تلفیق می‌شوند؛ بر همین اساس، واژه «خوب» صرفاً یک صفت توصیفی

نیست، بلکه به ساختاری ارزش‌مدار و مبتنی بر اخلاق و شریعت در مدیریت سازمان‌ها اشاره دارد.

حاکمیت شرکتی خوب اسلامی را می‌توان توسعه‌یافته‌ی مفهوم حاکمیت شرکتی خوب دانست. این الگو به مجموعه‌ای از قوانین و سازوکارهایی مربوط می‌شود که تضمین می‌کند شرکت بر پایه اصول و خط‌مشی‌های صحیح اداره شود. شکل‌گیری این نظام با معنوی‌سازی شرکت آغاز می‌شود؛ سیستمی که در منظر اسلامی بر پارادایم توحید ناب استوار است و به‌عنوان جایگزینی برای الگوهای سرمایه‌داری مبتنی بر اندیشه‌های غیرتوحیدی یا شبه‌توحیدی مطرح می‌شود.

حاکمیت شرکتی خوب اسلامی مفهومی سازمانی و مدیریتی است که تمامی فعالیت‌های داخلی و خارجی یک شرکت را پوشش می‌دهد. این نظام شامل ساختارها، فرایندها، سازوکارها، رفتارها و فرهنگ‌هایی است که شرکت را هدایت و کنترل می‌کند تا با مسئولیت‌پذیری در برابر محیط و ذی‌نفعان عمل نماید. در این دیدگاه، شرکت‌ها و مدیران آن‌ها نقشی متفاوت از دیدگاه سرمایه‌داری دارند: شرکت نه تنها محلی برای گردآوری ثروت، بلکه مکانی برای وقوف در برابر خداوند متعال و تلاشی برای اعتلای کلمه توحید است.

ارزش‌های معنوی در این چارچوب، کارکنان را در جایگاه شایسته انسانی قرار می‌دهد. از این منظر، کار به‌عنوان عبادت و تجلی مسئولیت در برابر ذی‌نفع نهایی - یعنی خداوند متعال - تفسیر می‌شود. این نگرش به تقویت تعهد سازمانی می‌انجامد و بر پایداری و صداقت در فعالیت‌های شرکت اثر می‌گذارد. بدین ترتیب، شکل‌گیری الگوی حاکمیت شرکتی خوب اسلامی جدایی‌ناپذیر از اصول بنیادین حاکمیت شرکتی خوب است (Kurniawan, 2019).

در این تحقیق بر نظریه‌های مرتبط با حاکمیت شرکتی مانند نظریه نمایندگی و نظریه ذی‌نفعان تأکید شده و موضوعات مورد بحث در این نظریه‌ها از دیدگاه اسلامی بازبینی شده است.

حاکمیت شرکتی اسلامی الگویی از راهبری سازمانی است که با تکیه بر اصول اسلامی، ساختارهای مدیریتی، نظارتی و اخلاقی شرکت را به گونه‌ای سامان می‌دهد که با آموزه‌های شریعت هماهنگ باشد.

در این الگو، افزون بر مؤلفه‌های متداولی همچون شفافیت، پاسخ‌گویی و عدالت، مفاهیمی چون توحید، شریعت‌گرایی، نظارت شرعی، امانت‌داری و مشورت (شورا) جایگاهی محوری دارند. به بیان دیگر، حاکمیت شرکتی اسلامی تنها به جنبه‌های قانونی و ساختاری محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد معنوی، اخلاقی و اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.

بر پایه این دیدگاه، شرکت‌ها نه صرفاً نهادهایی اقتصادی، بلکه بستری برای تجلی مسئولیت اجتماعی و پایبندی به ارزش‌های الهی به شمار می‌آیند (Kurniawan, 2019؛ Hani & Djasuli, 2022؛ Alnofli, 2021).

واردنی^۵ (۲۰۲۵م) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی خوب بر عملکرد مالی با نقش میانجی‌گری مدیریت ریسک پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که حاکمیت شرکتی خوب تأثیر مستقیمی بر عملکرد مالی ندارد، اما بر مدیریت ریسک اثر مثبت دارد. همچنین مدیریت ریسک تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی بر جای می‌گذارد و می‌تواند رابطه میان حاکمیت شرکتی خوب و عملکرد مالی را میانجی‌گری کند.

یانا، دومادی و ارنیتاواتی^۶ (۲۰۲۵م) در پژوهشی تأثیر حاکمیت شرکتی خوب و نسبت سود به قیمت را بر قیمت سهام بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تنها متغیر هیئت‌مدیره به‌طور مستقل اثر معناداری بر قیمت سهام دارد. با این حال، هنگامی که حاکمیت شرکتی خوب همراه با مؤلفه‌هایی مانند هیئت‌مدیره مستقل، کمیته حسابرسی و نسبت سود به قیمت در نظر گرفته می‌شود، تأثیر معناداری بر قیمت سهام مشاهده می‌شود.

5. Wardani

6. Yanah, Dumadi & Ernitawati

زبیده و پراتیوی^۷ (۲۰۲۴م) در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی اسلامی، سودآوری و مسئولیت اجتماعی شرکتی بر افشای گزارش پایداری پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که حاکمیت شرکتی اسلامی و مسئولیت اجتماعی شرکتی اثر مثبتی بر افشای گزارش پایداری دارند. در مقابل، سودآوری بر افشای این گزارش تأثیری نداشته است. پوترا^۸ (۲۰۲۳م) در پژوهشی به بررسی تأثیر اجزای حاکمیت شرکتی خوب - شامل هیئت‌مدیره، کمیته حسابرسی و هیئت نظارت شرعی - بر عملکرد مالی پرداخته است. در این تحقیق، عملکرد مالی با استفاده از نسبت بازده دارایی‌ها طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ سنجیده شده است. یافته‌ها نشان داد که هیئت‌مدیره تا حدی بر عملکرد مالی اثرگذار است، در حالی که کمیته حسابرسی و هیئت نظارت شرعی تأثیری بر عملکرد مالی ندارند. افزون بر این، شاخص‌های حاکمیت شرکتی خوب به‌طور هم‌زمان بر عملکرد مالی تأثیر می‌گذارند.

آلنوفلی^۹ (۲۰۲۱م) در پژوهشی به بررسی حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که مدل حاکمیت شرکتی در چارچوب نظام اقتصادی اسلامی گرایش به ذی‌نفعان‌محوری دارد؛ زیرا ساختار حاکمیتی در اسلام پاسدار حقوق و منافع همه ذی‌نفعان و سهامداران است.

بودی^{۱۰} (۲۰۲۱م) در پژوهشی تأثیر غیرمستقیم حاکمیت شرکتی اسلامی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌های اسلامی را با در نظر گرفتن بهره‌وری به‌عنوان متغیر میانجی بررسی کرده است. یافته‌ها نشان داد که بهره‌وری بانکی به‌طور کامل نقش واسطه‌ای میان حاکمیت شرکتی اسلامی و افشای مسئولیت اجتماعی ایفا می‌کند. بر این اساس، بهره‌وری مطلوب یک ضرورت قطعی برای تحقق عملکرد اجتماعی مناسب است؛ امری که در افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌های اسلامی بازتاب می‌یابد.

کرماهی و مقصودپور (۱۴۰۲) در پژوهشی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی بر چابکی بانک‌های ایران را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد که

7. Zubaidah & Pratiwi

8. Putra

9. Alnofli

10. Budi

حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی اثری مثبت و معنادار بر چابکی بانکها دارد؛ به این معنا که ارتقای کیفیت سازوکارهای حاکمیت شرکتی توانایی بانکها را در واکنش به تغییرات بالقوه افزایش می‌دهد.

تفتیان و جلالی (۱۴۰۲) در پژوهشی ارتباط میان کیفیت حاکمیت شرکتی درونی و بیرونی و احساس ریسک در گزارش‌های سالانه را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان داد که در هر دو حالت ایستا و پویا، حاکمیت شرکتی ضعیف با احساس ریسک رابطه‌ای مثبت و حاکمیت شرکتی قوی با احساس ریسک رابطه‌ای منفی دارد. همچنین متغیر شاخص هیرشمن با احساس ریسک رابطه‌ای نشان نداد. افزون بر این، وجود حاکمیت شرکتی درونی و بیرونی سرمایه‌گذاری‌های ناکارا را کاهش می‌دهد و موجب می‌شود مدیران تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بهینه و کارآمد اتخاذ کنند.

زمانیان‌فر و مهدیار اسماعیلی (۱۴۰۲) در پژوهشی بررسی کرده‌اند که آیا حاکمیت شرکتی می‌تواند عملکرد مالی بانک‌های جمهوری اسلامی ایران را حفظ و ارتقا دهد و هم‌زمان زمینه تقلب را کاهش دهد یا خیر. یافته‌ها نشان داد که ایجاد سازوکار حاکمیت شرکتی مناسب و قدرتمند می‌تواند انگیزه بانکها را برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و تأمین مالی به شیوه مطلوب افزایش دهد، راهکاری برای پیشگیری از تقلب به شمار آید و در نهایت تأثیر قابل توجهی بر عملکرد بانک‌های اسلامی بر جای گذارد.

عباسی، جمشیدی نوید و قنبری (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی ابعاد و مؤلفه‌های لازم برای تدوین الگویی از حاکمیت شرکتی منطبق با اصول و موازین اسلامی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داد که ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی شناسایی و مؤلفه‌های آن از منظر اصول اسلامی معرفی شده است. نتایج حاکی از آن است که ابعاد اخلاقی، تعهد اجتماعی، پاسخ‌گویی، شفافیت، تصمیم‌گیری و نظارت اسلامی در صورت رعایت می‌توانند تحقق اهداف بهینه و مطلوب حاکمیت شرکتی را تضمین کنند.

اسراری (۱۳۹۸) در پژوهشی ابزارها و موقعیت‌های حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان داد که نظام بانکی با برخورداری از محرک‌هایی همچون رقابت‌پذیری، قوانین و مقررات ویژه بانکداری اسلامی، الزام

افراد به رعایت اخلاق اسلامی و شرایط اخلاق‌مدارانه محیط اجتماعی - سیاسی جامعه اسلامی می‌تواند بستری مناسب برای تحقق حاکمیت شرکتی فراهم کند. همچنین نظارت، مدیریت ریسک و شفافیت از جمله ابزارهای بانکداری اسلامی در پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی به شمار می‌روند که نقش‌ها و مسئولیت‌های ویژه‌ای را برای بازیگران اصلی این نظام - از جمله هیئت‌مدیره، مدیریت ارشد، سهامداران و سپرده‌گذاران - تعریف می‌کنند تا تحقق هرچه بهتر این هدف در بدنه نظام بانکی امکان‌پذیر شود.

با توجه به موضوع پژوهش حاضر و مرور پیشینه مرتبط، به‌روشنی مشخص است که این مطالعه در پی پرکردن خلأ پژوهشی در زمینه حاکمیت شرکتی خوب اسلامی است؛ خلأ که تاکنون در ایران مورد توجه قرار نگرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مراحل آغازین، برای تبیین مفهوم، نقش و جایگاه حاکمیت شرکتی، پژوهشگران بیشتر از طریق ترجمه سخنرانی‌ها و انجام مصاحبه‌های گوناگون فعالیت کرده‌اند. همچنین، در سال‌های گذشته پژوهش‌های متعددی درباره حکمرانی شرکتی انجام شده است که می‌توان آغاز این روند را اوایل دهه ۱۳۸۰ دانست؛ روندی که تاکنون ادامه یافته است. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که در حوزه حاکمیت شرکتی خوب اسلامی در ایران پژوهشی مستقل صورت نگرفته است. مطالعه حاضر ضمن پرداختن به این موضوع، بر اهمیت بهره‌گیری از تجربه سایر کشورهای اسلامی در به‌کارگیری این الگو تأکید کرده و در پایان نیز ضرورت آن را برجسته می‌سازد.

۲. سؤال‌های پژوهش

از آنجا که این پژوهش ماهیت کیفی دارد، سؤال‌های اصلی آن به شرح زیر است:

- ۱) عوامل مؤثر بر حاکمیت شرکتی خوب اسلامی کدام‌اند؟
- ۲) اولویت‌بندی و طبقه‌بندی عوامل شناسایی‌شده مؤثر بر حاکمیت شرکتی خوب اسلامی چگونه است؟

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و شیوه تحلیل اطلاعات، در زمره تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. از منظر روش گردآوری داده‌ها، پژوهش اسنادی

است و بر اساس روش پژوهش، در گروه مطالعات تحلیلی - توصیفی جای می‌گیرد که با بهره‌گیری از رویکرد فراترکیب انجام شده است. فراترکیب فرایندی برای جستجو، ارزیابی، ترکیب و تفسیر مطالعات کیفی در یک حوزه خاص است. در میان روش‌های متعدد فراترکیب، الگوی هفت‌مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو^{۱۱} (۲۰۰۷م) بیشترین کاربرد را دارد (نظریان، تفتیان و حیرانی، ۱۴۰۰).

جامعه آماری پژوهش، مطالعات پیشین منتشرشده در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۴ در پایگاه‌های معتبر علمی است. نمونه‌ها بر اساس معیارهای مرتبط با سؤالات پژوهش انتخاب شدند. معیارهای ورود شامل مقالات منتشرشده در پایگاه‌های معتبر و پژوهش‌هایی با روش‌های کیفی یا آمیخته بود. برای اطمینان از قابلیت اعتماد داده‌ها از راهبرد «توافق درون‌موضوعی» دو کدگذار استفاده شد. پس از شناسایی و استخراج مؤلفه‌ها، برای اعتبارسنجی یافته‌های متاستز از روش آنروپی شانون بهره گرفته شد. همچنین، اعتبارسنجی خروجی فراترکیب از طریق نظر خبرگان انجام شد.

در این مرحله برای شناسایی خبرگان از فن «گلوله‌برفی» - به‌عنوان یکی از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند - استفاده شد. در این شیوه ابتدا چند نفر با مشخصات موردنظر انتخاب شدند و پس از تکمیل پرسشنامه، از آنان خواسته شد افراد دیگری را معرفی کنند تا بدین‌ترتیب تعداد پاسخگویان به‌تدریج افزایش یابد (منصوری محمدآبادی، تفتیان و معین‌الدین، ۱۴۰۳). خبرگان موردنظر شامل اساتید رشته حسابداری بودند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که در میان خبرگان توزیع شد. گویه‌های پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «خیلی زیاد» (۵) تا «خیلی کم» (۱) طراحی گردید. در مجموع ۱۵ پرسشنامه توزیع شد و از نظرات خبرگان برای تأیید مؤلفه‌های استخراج‌شده از کدها استفاده شد. جداول مربوط به کدها و مؤلفه‌ها نیز در اختیار خبرگان قرار گرفت و درباره آن‌ها نظرخواهی شد. مشخصات خبرگان در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): ویژگی‌های خبرگان

جایگاه			سابقه کاری		رشته تحصیلی		جنسیت		شاخص اصلی
فعال	مدیر	هیئت علمی	بیش از ۱۵ سال	۱۰ تا ۱۵ سال	حسابداری	مدیریت	مرد	زن	شاخص فرعی دسته‌بندی
بازار سرمایه	مالی	دانشگاه							
۲	۸	۵	۶	۹	۸	۷	۱۱	۴	تعداد

در این پژوهش، به‌منظور واکاوی محرک‌های حاکمیت شرکتی خوب اسلامی از الگوی هفت‌مرحله‌ای فراترکیب سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷م) استفاده شده است. این مراحل عبارت‌اند از:

- (۱) بیان مسئله اصلی پژوهش،
- (۲) بررسی نظام‌مند متون،
- (۳) جست‌وجو و انتخاب مقاله‌های مناسب،
- (۴) استخراج اطلاعات از مقالات،
- (۵) تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها،
- (۶) کنترل کیفیت،
- (۷) ارائه نتایج.

بر اساس این الگو، گام نخست تنظیم سؤال پژوهش است که در ادامه به شرح آن پرداخته می‌شود.

گام ۱: تنظیم سؤال‌های پژوهش

نخستین گام در روش فراترکیب، تنظیم سؤال پژوهش است. در این مرحله باید پرسش اصلی به‌گونه‌ای روشن و دقیق تعیین شود تا مبنای فرایند فراترکیب قرار گیرد. در جدول (۲)، سؤال پژوهش به همراه پارامترهای آن ارائه شده است.

جدول (۲): سؤال‌های کلی برای شروع فرایند فراترکیب

پارامتر	سؤال پژوهش
جامعه موردنظر (Who)	منابع مختلف شامل انواع سطوح مقالات، کتاب و پایان‌نامه که در آن به تشریح و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی خوب اسلامی در شرکت پرداخته‌اند.
هدف پژوهش (What)	شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها مربوط به حاکمیت شرکتی خوب اسلامی در شرکت
روش انجام پژوهش (How)	بررسی موضوعی آثار و منابع، شناسایی و اولویت‌بندی عوامل و شاخص‌های مؤثر تحلیل و دسته‌بندی مفاهیم و مقوله‌های شناسایی‌شده.
بازه زمانی پژوهش (When)	کلیه منابع و مقاله‌های موجود بین سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۴ میلادی و سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۴۰۳ شمسی (تاریخ انجام پژوهش)

گام ۲: مروری بر ادبیات به شکل نظام‌مند

در این مرحله، پژوهشگر به جستجوی نظام‌مند مقاله‌های منتشرشده در نشریات علمی معتبر داخلی و خارجی، همچنین منابع عمومی و سراجیه‌های سازمان‌های معتبر می‌پردازد تا اسناد معتبر، موثق و مرتبط در بازه زمانی مناسب شناسایی شود. برای این منظور، واژگان کلیدی ارائه‌شده در جدول (۳) به دو زبان فارسی و انگلیسی مورد جست‌وجو قرار گرفت.

به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش، پایگاه‌های اطلاعاتی «اسکوپوس»^{۱۲}، «امرالذ»، «ساینس دایرکت»، «اسپرینگر»، «پروکوئست» و «گوگل اسکولار» مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول (۳): واژگان کلیدی

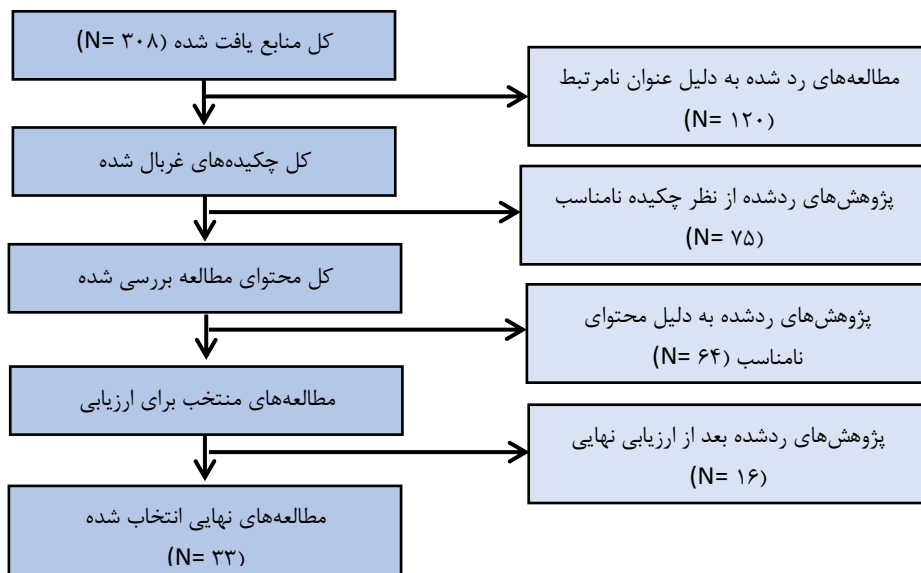
فارسی	انگلیسی
حاکمیت شرکتی (راهبری شرکتی)	Corporate governance
حکمرانی سازمانی	Good corporate governance
مالکیت شرکتی	Corporate ownership

فارسی	انگلیسی
اصول اسلامی در شرکت‌ها	Islamic principles incorporate
رویکرد اسلامی در شرکت‌ها	Islamic approach in companies
حاکمیت شرکتی اسلامی	Islamic corporate governance
حاکمیت شرکتی خوب اسلامی	Islamic good corporate governance
هیئت پاسخ‌گویی شرعی قرآنی	board ah'Shari accountability in the Quran

منبع: (یافته‌های تحقیق)

گام سوم: جستجو و انتخاب متون

در شکل (۲)، گام‌های طی شده برای پالایش مقاله‌های استخراج شده نمایش داده شده است. بر اساس این فرایند، پالایش مقاله‌های مستخرج از ادبیات در چهار مرحله انجام گرفت که مرحله پایانی بر مبنای نظرات پنج خبره ناظر در این پژوهش صورت پذیرفت. این خبرگان به‌منظور سنجش کیفیت نهایی مقاله‌ها، مطابق با رویکردی که در ادامه معرفی می‌شود، ارزیابی خود را برای هر مقاله غربال‌شده ارائه کردند. در نهایت، مقالاتی که امتیازی کمتر از حدنصاب تعیین شده کسب کرده بودند، از فرایند کنار گذاشته شدند.



شکل (۱): فرایند بازمینی و انتخاب منابع

منبع: (یافته‌های تحقیق)

در این گام، ۳۰۸ مطالعه شناسایی شده در مرحله پیشین طی چند مرحله به طور دقیق بازبینی شد تا پژوهش‌هایی که با سؤالات تحقیق متناسب نبودند کنار گذاشته شوند و در نهایت مرتبط‌ترین مطالعات برای استخراج پاسخ سؤال‌های انتخاب گردند. فرایند بازبینی شامل بررسی عنوان، چکیده، محتوای پژوهش‌ها و روش تحقیق آن‌ها بود. سرانجام، پس از چهار مرحله پالایش، از میان ۳۰۸ مطالعه، ۲۷۵ مورد حذف و ۳۳ پژوهش مطابق با جدول (۴) برای تجزیه و تحلیل اطلاعات انتخاب شد. پس از حذف مطالعات نامتناسب با اهداف و سؤال‌های پژوهش، لازم است کیفیت روش‌شناختی پژوهش‌های باقی‌مانده ارزیابی شود. هدف این گام حذف آثاری است که یافته‌های آن‌ها از اعتبار کافی برخوردار نیست و نمی‌توان به نتایج‌شان اعتماد کرد. ابزار رایجی که برای ارزیابی کیفیت مطالعات کیفی به کار می‌رود «برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی» است. این برنامه با طرح ده سؤال، پژوهشگر را در سنجش دقت، اعتبار و اهمیت مطالعات کیفی یاری می‌دهد. سؤالات مذکور بر محورهای زیر تمرکز دارند:

- (۱) اهداف تحقیق،
- (۲) منطق روش‌شناسی،
- (۳) طرح تحقیق،
- (۴) روش نمونه‌برداری،
- (۵) شیوه گردآوری داده‌ها،
- (۶) انعکاس‌پذیری (رابطه میان پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان)،
- (۷) ملاحظات اخلاقی،
- (۸) دقت در تجزیه و تحلیل داده‌ها،
- (۹) بیان روشن و صریح یافته‌ها،
- (۱۰) ارزش و اهمیت تحقیق.

جدول (۴): مقاله‌های منتخب

کد مقاله	عنوان	سال	نویسنده	مجموع امتیازات
S01	15 Pillars of Islamic Good Corporate Governance for The Corporate Level	۲۰۱۹	نراستری	۴۱
S02	ANALISIS ISLAMIC GOOD CORPORATE GOVERNANCE DALAM PELAPORAN KEUANGAN PADA LEMBAGA AMIL ZAKAT NU CARE LAZISNU WONOCOLO	۲۰۲۳	امالیا	۳۳
S03	Analisis Penerapan Islamic Good Corporate Governance (IGCG) pada Bank Pembiayaan Rakyat Syariah Hikmah Wakilah Banda Aceh	۲۰۱۹	العابدین	۳۵
S04	Penerapan Good Corporate Governance (Gcg) Di Bank Sumut Syariah	۲۰۲۲	جناح	۳۷
S05	THE EFFECT OF LEVERAGE, PROFITABILITY, COMPANY AGE AND ISLAMIC GOOD CORPORATE GOVERNANCE ON ISLAMIC SOCIAL REPORTING DISCLOSURE	۲۰۲۰	سافتری	۴۰
S06	Implementasi Prinsip Transparansi Dalam Kaidah Islam	۲۰۲۲	ساری	۴۱
S07	Implementing Islamic Corporate Governance (ICG) and Islamic Social Reporting (ISR) in Islamic Financial Institution (IFI)	۲۰۱۶	وردایات	۳۴
S08	Good Corporate Governance Tugas Mata Kuliah Etika Bisnis dan Profesi	۲۰۲۱	ریانتو	۳۲
S09	Good Corporate Governance in Sharia Banking	۲۰۲۳	خیرنساء و همکاران	۳۳
S10	DAMPAK IMPLEMENTASI ISLAMIC GOOD CORPORATE GOVERNANCE TERHADAP KINERJA KEUANGAN BPRS MADINAH LAMONGAN	۲۰۱۳	ویناتا	۳۷
S11	EMPIRICAL ANALYSIS OF GOOD CORPORATE GOVERNANCE AND CORPORATE VALUE ON SHARIA	۲۰۲۳	کویوتا	۳۷

کد مقاله	عنوان	سال	نویسنده	مجموع امتیازات
	BANKING IN INDONESIA			
S12	Evaluasi Transformasi Good Corporate Governance pada Bank Aceh Syariah	۲۰۲۴	گونانوان	۳۳
S13	Examining the Causality of Six Measurements of Good Corporate Governance on Value of Firm: An Empirical Evidence From Firms of Jakarta Islamic Index:	۲۰۲۳	پارادیتا وهمکاران	۳۵
S14	THE INFLUENCE OF SHARIA GOOD CORPORATE GOVERNANCE ON FINANCIAL PERFORMANCE (ROA) OF SHARIA BANKING IN INDONESIAFOR THE 2016-2020 PERIOD	۲۰۲۳	پوترا	۳۳
S15	Transparency and bank risk-taking in GCC Islamic banking	۲۰۱۹	سرایری	۳۸
S16	The Islamic Corporate Governance Implementation and Program at Miftahussunnah Islamic Boarding School	۲۰۱۹	کورنیاساری	۳۹
S17	Good Corporate Governance dalam Perspektif Konvensional Dan Islam (Studi Deskriptif Perbankan Syariah)	۲۰۲۲	هانی و دجاسولی	۳۷
S18	Analisis Lima Prinsip GCG Dalam Implementasi Sifat Nabi Muhammad SAW	۲۰۲۲	فیلالیل	۴۴
S19	Analisis Penerapan Prinsip Good Corporate Governance (GCG) Pada Pelaksanaan Rapat Umum Pemegang Saham Di Bank Syariah Indonesia Tahun 2021	۲۰۲۲	افدیه	۴۰
S20	THE INFLUENCE OF GOOD CORPORATE GOVERNANCE IMPLEMENTATION TO THE FINANCING QUALITY, EFFICIENCY AND PROFITABILITY OF SYARIAH BANK IN INDONESIA (INFLATION AS MODERATING VARIABLE)	۲۰۱۷	هارتوتیک	۳۷
S21	COMPARISON OF GOOD CORPORATE GOVERNANCE(GCG)	۲۰۲۱	ساپوترا	۳۸

کد مقاله	عنوان	سال	نویسنده	مجموع امتیازات
	IMPLEMENTATION PRACTICES IN ISLAMIC COMMERCIAL BANKS IN INDONESIA			
S22	GOOD CORPORATE GOVERNANCE (GCG) DALAM PRESPEKTIF ISLAM	۲۰۱۹	پرابوا	۳۵
S23	GOOD CORPORATE GOVERNANCE (GCG) PRINCIPLE IN SHARIA BANKING: AN ISLAMIC LAW PERSPECTIVE	۲۰۲۱	سوریانی و همکاران	۴۵
S24	GOOD CORPORATE GOVERNANCE DALAM PERSPEKTIF KONVENSIONAL DAN ISLAM	۲۰۲۲	سوریانی	۳۳
S25	Good Corporate Governance in Islamic Banking during Fourth Industrial Revolution Era	۲۰۲۲	سپتیانی	۳۹
S26	Implementation of GCG (Good Corporate Governance) on the Prevention of Fraud Financing in Islamic Banks	۲۰۲۱	چولیسو	۳۵
S27	Corporate governance disclosure in the annual report: An exploratory study on Indonesian Islamic banks	۲۰۱۳	درمادی	۳۳
S28	Corporate Governance of Islamic Financial Institutions in Malaysia	۲۰۱۵	سلیمان و همکاران	۴۴
S29	CORPORATE GOVERNANCE OF ISLAMIC FINANCIAL INSTITUTIONS	۲۰۰۸	حسن	۴۵
S30	Good Corporate Governance Dalam Prespektif Islam (Dengan Pendekatan Ushul Fiqih)	۲۰۲۲	ناتاسایا	۴۳
S31	Good Corporate Governance Di Bank Syari'ah	۲۰۱۵	سیوکرون	۴۳
S32	IMPROVING FINANCIAL PERFORMANCE THROUGH ISLAMIC CORPORATE SOCIAL RESPONSIBILITY AND ISLAMIC CORPORATE GOVERNANCE	۲۰۲۰	ایندراستوتی و همکاران	۳۵
S33	The Mediation Role of Productivity in the	۲۰۲۱	بودی	۳۹

کد مقاله	عنوان	سال	نویسنده	مجموع امتیازات
	Effect of Islamic Corporate Governance on Islamic Corporate Social Responsibility Disclosure			

گام چهارم: استخراج اطلاعات

این مرحله، که در جدول (۴) نشان داده شده است، شامل مرور مقاله‌های باقی‌مانده و استخراج متون به‌منظور کدگذاری در گام بعدی است. تمرکز این مرحله بر تفکیک نتایج، خروجی‌ها و تفسیر آن‌ها در کنار مباحث و نتیجه‌گیری‌های نهایی پژوهشگران قرار دارد.

در این مرحله، ۳۳ مقاله وارد نرم‌افزار ATLAS.ti شد و برای بررسی اولیه، بخش‌هایی از مقالات به‌صورت پراکنده و گزینشی مطالعه گردید. سپس کدگذاری‌های مقدماتی و پراکنده انجام گرفت تا زمینه‌آشنایی پژوهشگر با داده‌های موجود فراهم شود. به این ترتیب، پژوهشگر با کلیات بحث و فضای حاکم بر داده‌ها آشنا شد.

جدول (۵): کدهای استخراج‌شده از مقاله‌های منتخب

کد مقاله	ابعاد
S01	خلافت، دین، شورا، توحید، تقوا، لذت، توازن، رفاه، اعتمادپذیری، عدالت، پاسخ‌گویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، استقلال، اعتماد
S02	شفافیت، مسئولیت‌پذیری، عدالت، استقلال
S03	شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انصاف، استقلال، پاسخ‌گویی، شریعت‌گرایی
S04	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، استقلال، انصاف
S05	نظارت، مسئولیت، شفافیت، عدالت
S06	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، استقلال
S07	اندازه هیئت نظارت شرعی، ترکیب هیئت‌مدیره، بازخورد جلسات هیئت‌مدیره، اندازه و ترکیب کمیته حسابرسی، تعداد جلسات کمیته حسابرسی
S08	اخلاق، شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت، قانون‌مداری، اثربخشی

کد مقاله	ابعاد
S09	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، حرفه‌ای‌گری، انصاف
S10	کمیته حسابرسی، کمیته حکمرانی شرکتی، کمیته مدیریت ریسک، هیئت‌مدیره، کمیته پاداش و نامزدی، مالکیت نهادی
S11	انصاف، ارزش، هیئت‌مدیره
S12	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت، استقلال، کارآمدی، اخلاق کسب‌وکار، هیئت نظارت شرعی
S13	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، عدالت
S14	هیئت‌مدیره، هیئت نظارت، کمیته حسابرسی، هیئت نظارت شریعت
S15	شفافیت شرکتی، تأثیر بر ثبات بانک‌ها، نقش نظارت بازار، تنوع در افشای اطلاعات
S16	توحید، شورا، قوانین شریعت، صداقت، استقامت، احترام، عدالت، تحمل، صبر
S17	شفافیت، پاسخ‌گویی، انصاف، مسئولیت
S18	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، استقلال، انصاف
S19	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، استقلال، عدالت و برابری
S20	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، استقلال، عدالت، شایستگی، مشورت، اعتماد
S21	شورای نظارت شرعی، هیئت‌مدیره، شفافیت مالی
S22	توحید، تقوا و رضا، تعادل و عدالت، مصلحت (مقاصد شریعت)
S23	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، حرفه‌ای‌گری، عدالت
S24	شریعت اسلامی، شفافیت و امانت‌داری، مسئولیت و پاسخ‌گویی، عدالت و انصاف
S25	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، حرفه‌ای‌گری، عدالت
S26	عدالت، شفافیت، پاسخ‌گویی، اخلاق و فرهنگ کاری
S27	هیئت نظارت شرعی، هیئت‌مدیره و گروه‌ها، کنترل داخلی، حسابرسی خارجی، شفافیت، پاسخ‌گویی
S28	یگانگی دانش، فرایند شورایی، عدالت و تعادل، مشارکت و همکاری
S29	توحید و خلافت، عدالت و احسان، شورا و مشارکت، حقوق مالکیت و قراردادهای
S30	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، استقلال، انصاف و برابری، مقاصد شریعت

کد مقاله	ابعاد
S31	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، استقلال
S32	هیئت نظارت شریعت، شفافیت و افشای اطلاعات، بازرسی داخلی شریعت، حسابرسی شریعت
S33	شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، حرفه‌ای‌گری، عدالت

منبع: (یافته‌های تحقیق)

گام پنجم: تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی

در فرایند تجزیه و تحلیل، پژوهشگر به جستجوی موضوعاتی می‌پردازد که در میان مطالعات مورد استفاده در فراترکیب پدیدار شده‌اند. این بخش به‌عنوان «بررسی موضوعی» شناخته می‌شود. به محض شناسایی موضوعات، طبقه‌بندی‌های اولیه شکل می‌گیرد و دسته‌های مشابه و مرتبط در زیر یک موضوع کلی قرار داده می‌شوند؛ موضوعی که بهترین توصیف را برای آن‌ها ارائه می‌کند. در واقع، موضوعات شالوده‌ای برای ارائه توضیحات، الگوها، نظریه‌ها یا فرضیات جدید فراهم می‌سازند.

در این پژوهش، ابتدا تمامی عوامل استخراج‌شده از مطالعات به‌عنوان «شناسه» در نظر گرفته شد. سپس با توجه به معنای هر یک از آن‌ها، شناسه‌های مشابه در قالب یک مفهوم مشترک تعریف گردید. در ادامه، مفاهیم مشابه در مقوله‌هایی بالاتر تبیین شدند تا در نهایت محورهای اصلی شاخص‌های پژوهش در قالب مؤلفه‌های اصلی و فرعی شناسایی شوند. (جدول ۵).

جدول (۶): مقوله‌های اصلی و کدهای مربوطه

مقوله‌ها	ابعاد	کدهای اولیه
شفافیت	درون‌سازمانی	تصمیم‌گیری بدون محدودیت، افشای اطلاعات بدون محدودیت، ارائه اطلاعات به‌موقع دقیق و روشن، در دسترس، قابل‌مقایسه

ابعاد	مقرله‌ها	کدهای اولیه
برون‌سازمانی	مسئولیت‌پذیری	انجام کار منصفانه و مؤثر، متعهد به اهداف و اعمال و تصمیمات، پذیرش مسئولیت
	استقلال	عدم تأثیرپذیری، نبود تضاد منافع و مقابله با آن، بی‌طرفی
	اخلاق	صداقت، استقامت، احترام، تحمل، صبر
	قانون‌مداری	قوانین را سرلوحه قراردادن، رعایت قوانین برای حفظ نظم و انصاف
	اثربخشی	تلاش برای دستیابی به اهداف، استفاده بهینه از منابع
	اعتماد	پذیرش بی‌چون‌وچرا، توافق بر تمامی اصول و دستاوردها
	حرفه‌ای بودن	داشتن توانایی، تخصص، دانش، صلاحیت برای انجام وظایف، عملکرد بی‌طرفانه و مستقل
برون‌سازمانی	عدالت (انصاف)	عدم تبعیض، ایجاد فرصت برابر، برخورد منصفانه
	پاسخ‌گویی	جوابگویی بدون فشار به ذی‌نفعان، ارائه اطلاعات واضح و خوب، چارچوب تبادل اطلاعات، وضوح در نقش و مسئولیت‌ها و ارائه بازخورد

ابعاد	مقوله‌ها	کدهای اولیه
	شریعت‌گرایی	رعایت اصول و پایبندی به شریعت، پایه‌گذاری امور براساس شرع
	نظارت شرعی	مطابقت با شرع، تضمین انطباق
	مسئورت	استفاده از نظر دیگران در تصمیم‌گیری، مشارکت فعالانه ذی‌نفعان
	ایمان	اعتقاد به یگانگی خدا، تسلط بر همه امور توسط خدا، پایه و اساس آموزه‌های اسلامی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

گام ششم: کنترل کیفیت تحلیل

در این پژوهش، برای ارزیابی کیفیت مطالعات از شاخص کاپا^{۱۳} در ارتباط با کدهای استخراج‌شده استفاده شد. وضعیت کدگذاری در جدول شماره (۶) و نتایج تحلیل‌های به‌دست‌آمده از نرم‌افزار آماری SPSS در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول (۷): وضعیت شاخص کاپا

مقدار عددی شاخص کاپا	وضعیت توافق
کمتر از ۰	ضعیف
۰-۰/۲	بی‌اهمیت
۰/۴-۰/۲۱	متوسط
۰/۶-۰/۴۱	مناسب
۰/۸-۰/۶۱	معتبر
۱-۰/۸۱	عالی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۸): متقاطع کدگذار اول و دوم

	نظر کدگذار اول	نظر کدگذار دوم	
		بله	خیر
نظر کدگذار اول	بله	۳۴	۲
	خیر	۴	۱
مجموع کدگذار دوم		۳۸	۳
کاپای مورد توافق		۰/۸۷۷	

منبع: (یافته‌های تحقیق)

گام هفتم: ارائه گزارش و یافته‌های پژوهش

در این مرحله از روش فراترکیب، یافته‌های مراحل پیشین ارائه می‌شود و شاخص‌های پژوهش شناسایی می‌گردد. بر اساس روش آنتروپی شانون، داده‌ها در چارچوب تحلیل کیفی با رویکردی نوین و به صورت تلفیقی (کمی و کیفی) پردازش می‌شوند. این روش امکان تحلیل محتوایی دقیق‌تر و معتبرتر را فراهم می‌سازد.

آنتروپی در نظریه اطلاعات به عنوان شاخصی برای سنجش میزان عدم اطمینان تعریف می‌شود که از طریق توزیع احتمال بیان می‌گردد. بر اساس این روش - که به «مدل جبرانی» نیز مشهور است - محتوای طرح مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

پس از شناسایی شاخص‌های پژوهش بر پایه فراترکیب و تعیین واحدهای تحلیل (کلمات و مضامین)، داده‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانون مطابق با مراحل زیر تحلیل می‌شوند.

در گام نخست، باید فراوانی هر یک از مقوله‌های شناسایی شده بر اساس تحلیل محتوا تعیین شود. سپس ماتریس فراوانی‌های به دست آمده نیازمند هنجارسازی است. برای این منظور از روش نرمال سازی خطی استفاده می‌شود:

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum x_{ij}} \quad \text{رابطه (۱):}$$

بار اطلاعاتی هر مقوله باید محاسبه شود. برای این منظور از رابطه (۲) استفاده می‌شود:

$$k = \frac{1}{\ln(a)}; a = \text{تعداد گزینه‌ها} \quad \text{رابطه (۲):}$$

$$E_j = -k \sum [n_{ij} \ln(n_{ij})] \quad \text{رابطه (۳):}$$

ضریب اهمیت هر مقوله باید محاسبه شود. هر مقوله که دارای بار اطلاعاتی بیشتری باشد، از درجه اهمیت بیشتری برخوردار است. برای این منظور از رابطه (۴) استفاده می‌شود:

$$W_j = \frac{E_j}{\sum E_j} \quad \text{رابطه (۴):}$$

بنابراین در گام نخست ماتریس تصمیم تشکیل شده است. امتیازات به‌دست‌آمده از ماتریس تصمیم پیرامون مسئله موردنظر در جدول (۹) ارائه شده است:

جدول (۹): تعیین میزان اهمیت و تأکید پژوهش‌های گذشته

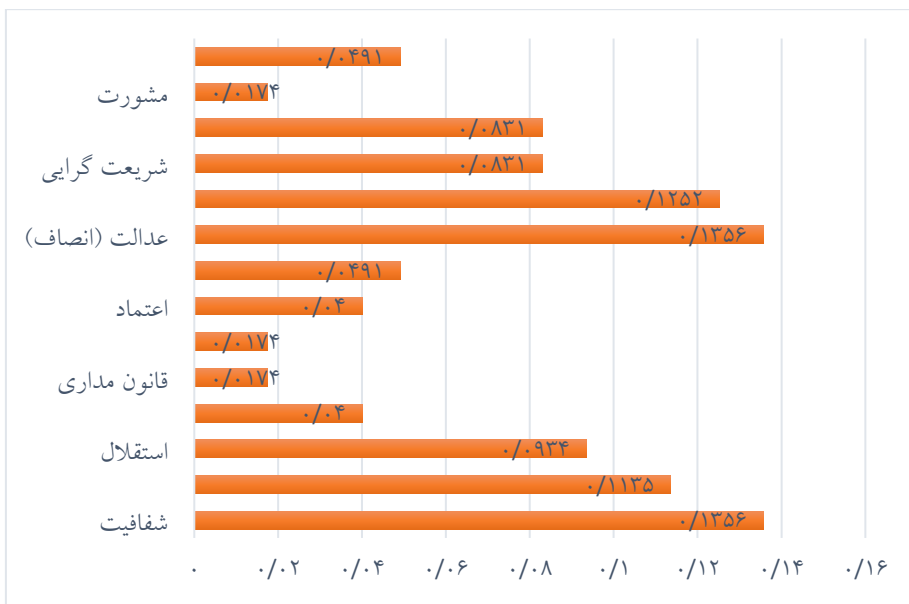
رتبه	Wj ضریب اهمیت	Ej عدم اطمینان	$\sum P_{ij} \times knP_{ij}$	فراوانی	کد
۱	۰.۱۳۵۶	۰.۱۲۸۷	۰.۳۳۹۷-	۲۵	شفافیت
۴	۰.۱۱۳۵	۰.۱۰۷۷	۰.۲۸۴۱-	۱۶	مسئولیت‌پذیری
۵	۰.۰۹۳۴	۰.۰۸۸۶	۰.۲۳۳۹-	۱۱	استقلال
۱۰	۰.۰۴۰۰	۰.۰۳۸۰	۰.۱۰۰۲-	۳	اخلاق
۱۲	۰.۰۱۷۴	۰.۰۱۶۵	۰.۰۴۳۷-	۱	قانون‌مداری
۱۲	۰.۰۱۷۴	۰.۰۱۶۵	۰.۰۴۳۷-	۱	اثربخشی
۱۰	۰.۰۴۰۰	۰.۰۳۸۰	۰.۱۰۰۲-	۳	اعتماد
۸	۰.۰۴۹۱	۰.۰۴۶۶	۰.۱۲۲۹-	۴	حرفه‌ای بودن
۱	۰.۱۳۵۶	۰.۱۲۸۷	۰.۳۳۹۷-	۲۵	عدالت (انصاف)
۳	۰.۱۲۵۲	۰.۱۱۸۸	۰.۳۱۳۵-	۲۰	پاسخگویی
۶	۰.۰۸۳۱	۰.۰۷۸۹	۰.۲۰۸۲-	۹	شریعت‌گرایی
۶	۰.۰۸۳۱	۰.۰۷۸۹	۰.۲۰۸۲-	۹	نظارت شرعی
۱۲	۰.۰۱۷۴	۰.۰۱۶۵	۰.۰۴۳۷-	۱	مشورت
۸	۰.۰۴۹۱	۰.۰۴۶۶	۰.۱۲۲۹-	۴	توحید

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر اساس فراوانی‌های ارائه‌شده در جدول (۹)، مؤلفه‌های شفافیت و عدالت بالاترین وزن را به خود اختصاص داده و در رتبه نخست قرار گرفته‌اند. پس از آن، مؤلفه پاسخ‌گویی در رتبه سوم و مؤلفه مسئولیت‌پذیری در رتبه چهارم جای گرفته است.

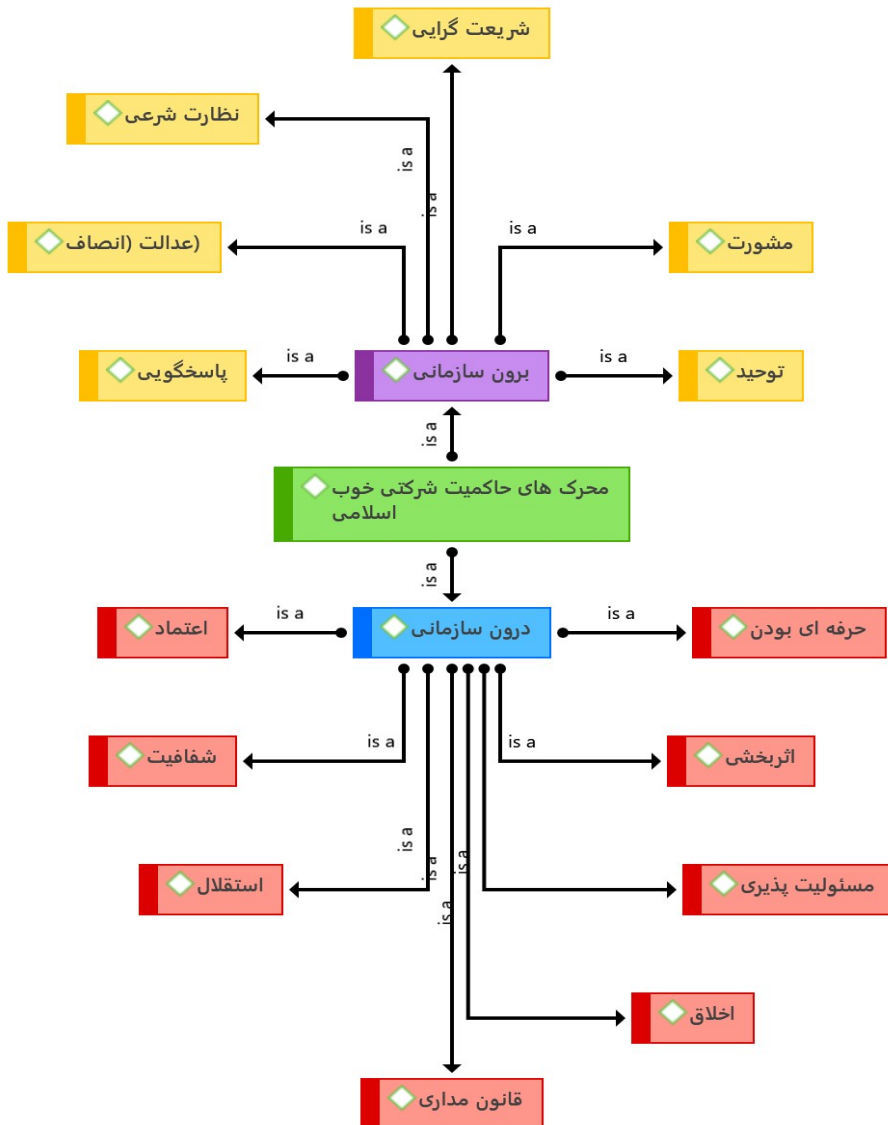
یافته‌های حاصل از تحلیل آنتروپی شانون نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی همچون شفافیت، عدالت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری از بالاترین اهمیت برخوردارند. این امر بیانگر آن است که در ساختار اسلامی نیز همانند الگوهای متداول، این مؤلفه‌ها همچنان محور اصلی حکمرانی خوب به شمار می‌روند؛ با این تفاوت که در چارچوب اسلامی، این مفاهیم از پشتوانه دینی، اخلاقی و الهی برخوردارند.

در کنار این موارد، مؤلفه‌هایی نظیر شریعت‌گرایی، نظارت شرعی و توحید که در مدل‌های رایج غایب‌اند، جایگاهی برجسته در مدل پیشنهادی یافته‌اند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که حاکمیت شرکتی خوب اسلامی ضمن حفظ اصول حرفه‌ای مدیریت، با ارزش‌های بومی و دینی تلفیق شده و ماهیتی چندبعدی و ترکیبی دارد.



شکل (۲): میزان اهمیت و تأکید پژوهش‌های گذشته

درنهایت براساس تحلیل‌های انجام‌شده، کدهای استخراج‌شده در یک مدل اولیه در شکل (۳) نمایش داده‌شده است.



شکل (۳): محرك‌های حاکمیت شرکتي خوب اسلامي

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پیشرفت جوامع و افزایش سطح سواد جمعی در زمینه‌های گوناگون، سبب ارتقای آگاهی عمومی نسبت به فرایندها و عملکرد شرکت‌ها و مؤسسات و همچنین افزایش مطالبه‌گری در میان جوامع شده است؛ به‌ویژه در جوامعی که پیرو رهنمودهای دین مبین اسلام هستند. در چنین شرایطی، ضرورت بهره‌گیری از تجربه‌های جهانی در حوزه حاکمیت شرکتی و تلفیق آن با رویکرد دینی، امری مهم و قابل تأمل است.

حاکمیت شرکتی خوب، مبنایی برای مدیریت و کنترل فعالیت‌های شرکت‌ها به شمار می‌رود. اگرچه این مفهوم در ادبیات مدیریتی نسبتاً جدید است، ریشه‌های آن را می‌توان در آموزه‌های اسلامی همچون قرآن و حدیث جست‌وجو کرد. هدف این پژوهش، واکاوی حاکمیت شرکتی خوب اسلامی با استفاده از رویکرد فراترکیب (متاستز) بود. بدین منظور ۳۳ مقاله به‌صورت نظام‌مند بررسی شد که در نتیجه ۴۳ کد اولیه و ۱۴ مؤلفه استخراج گردید. این مؤلفه‌ها در دو بعد دسته‌بندی شدند. سپس برای تعیین وزن و اهمیت شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون - به‌عنوان یکی از معتبرترین روش‌های تعیین اثر عوامل - استفاده گردید.

یافته‌ها نشان داد که مؤلفه‌هایی همچون شفافیت، عدالت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری به‌ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر این، مؤلفه‌هایی نظیر نظارت شرعی و شریعت‌گرایی نیز جایگاه برجسته‌ای در مدل پیشنهادی کسب کرده‌اند. این نتایج بیانگر آن است که حاکمیت شرکتی خوب اسلامی، ضمن هم‌سویی با اصول حرفه‌ای مدیریت، با ارزش‌های بومی و دینی نیز تلفیق شده و ماهیتی چندبعدی و ترکیبی پیدا کرده است.

مقایسه با پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که بسیاری از دستاوردهای این مطالعه همسو با یافته‌های گذشته است. برای مثال، شفافیت، عدالت، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری همواره به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی در اغلب پژوهش‌های پیشین مورد تأکید قرار گرفته‌اند (آمالیا، ۲۰۲۳؛ بودی، ۲۰۲۱؛ حسنه و کورنیوان، ۲۰۱۹). با این حال، نوآوری این پژوهش در آن است که با بهره‌گیری از روش فراترکیب و تحلیل آنتروپی شانون، درجه اهمیت هر مؤلفه به‌صورت عددی و دقیق مشخص شده است؛

موضوعی که در بیشتر مطالعات قبلی تنها به صورت کیفی و کلی بیان گردیده بود. همچنین برخلاف برخی پژوهش‌های گذشته که تمرکز خود را محدود به حوزه‌هایی مانند بانکداری یا نهادهای مالی کرده بودند، این مطالعه مدلی جامع‌تر ارائه می‌دهد که ابعاد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی را توأمان در نظر گرفته است.

بررسی مؤلفه‌های شناسایی شده نشان داد که برخی مفاهیم همچون شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری و استقلال در هر دو مدل متعارف و اسلامی مشترک هستند. با این حال، الگوی اسلامی حاکمیت شرکتی از چند جهت متمایز است؛ از جمله ورود مؤلفه‌هایی نظیر توحید، شریعت‌گرایی، نظارت شرعی و مشورت که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارند. برای نمونه، در الگوی اسلامی، تصمیم‌گیری باید در چارچوب شریعت و با مشارکت ذی‌نفعان و نظر خبرگان شرعی صورت گیرد، در حالی که در مدل متعارف چنین الزاماتی وجود ندارد. همچنین در مدل اسلامی، سود شرکت هدف نهایی تلقی نمی‌شود، بلکه رشد معنوی، حفظ عدالت اجتماعی و انجام مسئولیت در برابر خداوند متعال نیز از اهداف بنیادین به شمار می‌آیند. این ابعاد ارزشی، نقطه تمایز اصلی میان دو رویکرد است (Alnofli, Hani & Djasuli, 2022). (2021).

برای روشن‌تر شدن تفاوت‌های میان دو الگو - متعارف و اسلامی - جدول (۱۰) ارائه شده است.

جدول (۱۰): تمایز بین دو الگو (رایج و اسلامی)

مؤلفه	حاکمیت شرکتی متداول	حاکمیت شرکتی اسلامی
شفافیت	ارائه اطلاعات به ذی‌نفعان	ارائه اطلاعات دقیق با نیت الهی و براساس امانت‌داری دینی
پاسخ‌گویی	در برابر سهامداران و نهادهای ناظر	در برابر خداوند متعال، خلق و نهادهای ناظر
عدالت و انصاف	رعایت عدالت قراردادی و حقوقی	رعایت عدالت براساس اصول شرعی و اخلاق اسلامی
شریعت‌گرایی	ندارد	پایبندی به احکام و مقاصد شریعت در تمام سطوح تصمیم‌گیری

مؤلفه	حاکمیت شرکتی متداول	حاکمیت شرکتی اسلامی
نظارت شرعی	ندارد	وجود نهاد ناظر شرعی برای انطباق عملکرد با اسلام
توحید	مطرح نیست	محور اصلی در فلسفه سازمانی، اعتقاد به مالکیت الهی
مشورت (شورا)	اختیاری یا محدود به ساختار هیئت‌مدیره	الزام اخلاقی و دینی برای مشارکت ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری
هدف شرکت	سودآوری برای سهامداران	سود مشروع + رفاه اجتماعی + تقوا و مسئولیت در برابر خداوند متعال

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که می‌توان با رویکردی نظام‌مند و مبتنی بر تحلیل علمی، چارچوبی برای حاکمیت شرکتی اسلامی تدوین کرد که هم از پشتوانه نظری برخوردار باشد و هم در حوزه عمل قابلیت اجرا داشته باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که اگرچه برخی مؤلفه‌ها با مدل‌های متداول حاکمیت شرکتی هم‌پوشانی دارند، اما جهت‌گیری ارزشی، الهی و اجتماعی آن‌ها موجب می‌شود الگوی اسلامی از نظر هدف، مبنا و فرآیند با الگوهای رایج تفاوت اساسی داشته باشد. این دستاورد می‌تواند مبنای تدوین نظام‌نامه‌های بومی در حوزه حکمرانی شرکتی باشد که با ساختارهای فرهنگی و اعتقادی جوامع اسلامی هم‌راستا است.

پیشنهادهای کاربردی

- به شرکت‌های بورسی پیشنهاد می‌شود منشور اخلاقی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی تدوین کنند. این منشور می‌تواند شامل اصولی همچون عدالت، انصاف، صداقت و مسئولیت‌پذیری باشد. همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران و کارکنان در زمینه اصول حاکمیت شرکتی اسلامی و اهمیت رعایت اخلاق در کسب‌وکار توصیه می‌شود.
- به سازمان‌های نظارتی (از جمله سازمان بورس اوراق بهادار تهران) پیشنهاد می‌گردد قوانین و مقررات مرتبط با حاکمیت شرکتی به‌روزرسانی شود تا همسو با اصول اسلامی و نیازهای روز شرکت‌ها باشد. همچنین سازوکارهایی طراحی شود

که طی آن شرکت‌های پایبند به اصول حاکمیت شرکّتی خوب اسلامی مورد تشویق و شرکت‌های متخلف جریمه شوند.

- پیشنهاد دیگر برای سازمان بورس آن است که شرکت‌های بورسی را به ارائه گزارش‌های دوره‌ای درباره میزان تطابق فعالیت‌هایشان با اصول شریعت اسلامی ملزم کند و نهادهای مستقلّی برای حسابرسی شرعی و انتشار گزارش‌های مربوطه ایجاد شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود رابطه میان حاکمیت شرکّتی خوب اسلامی و افشای اطلاعات آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه بررسی گردد.
- بررسی نقش واسطه‌ای متغیرهایی همچون ریسک بازار، اهرم مالی و نقدینگی در ارتباط بین حاکمیت شرکّتی خوب اسلامی و گزارش‌های سالانه پیشنهاد می‌شود.
- همچنین، مطالعه اثر ساختار مالکیت بر حاکمیت شرکّتی خوب اسلامی و کارایی سرمایه‌گذاری می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

ملاحظات حقوقی

– پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

– تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از رساله دکتری باعنوان «حاکمیت شرکّتی خوب اسلامی و تمایل به افشاری گزارش‌گری اسلامی در شرکت» آقای سیدحسین بخشایش که به راهنمایی خانم دکتر اکرم تفتیان و مشاوره آقای دکتر محمود معین‌الدین در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد در حال دفاع است.

کتابنامه

- ۱) اسراری، داود (۱۳۹۸). ابزار و موقعیت‌های حاکمیت شرکّتی در نظام بانکداری اسلامی. *مطالعات نوین بانکی*، ۲(۲)، ۱۵۹-۱۷۸.

- ۲) تفتیان، اکرم؛ و جلالی، علی (۱۴۰۲). بررسی ارتباط بین کیفیت حاکمیت شرکتی درونی و بیرونی و احساس ریسک گزارش‌های سالانه با استفاده از مدل‌های ایستا و پویا، *حسابداری مدیریت*، ۱۶(۵۸)، ۳۱-۱۶.
- ۳) زمانی، محمود (۱۳۹۵). تبیین نقش ذینفعان در نظام راهبری شرکتی به کمک نظریه بازی‌ها. ایران، رشت: کنفرانس بین‌المللی کسب و کار: فرصت‌ها و چالش‌ها.
- ۴) زمانیان‌فر، لیلا؛ و مهدیار اسماعیلی، محمدرضا (۱۴۰۲). حاکمیت شرکتی و نقش آن در بهبود عملکرد و کاهش تقلب در بانکداری اسلامی، *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۲(۳)، ۱۷۵-۲۰۴. DOI: [10.30497/ifr.2023.244149.1800](https://doi.org/10.30497/ifr.2023.244149.1800)
- ۵) عباسی، یونس؛ جمشیدی نوید، بابک؛ و قنبری، مهرداد (۱۴۰۰). بررسی ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴(۱۱)، ۱۶۱-۱۸۰.
- ۶) کرمشاهی، بهنام؛ و مقصودپور، محمدعلی (۱۴۰۲). بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی بر چابکی بانک‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۲(۴۵)، ۲۷۱-۲۹۸.
- ۷) منصوری محمدآبادی، فاطمه؛ تفتیان، اکرم؛ و معین‌الدین، محمود (۱۴۰۳). تدوین الگوی افشای ریسک آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه شرکت با روش پدیدارشناسی و تحلیل مضمون. *دانش حسابداری مالی*، ۱۱(۲)، ۸۹-۱۱۳.
- ۸) نظریان، راحله؛ تفتیان، اکرم؛ و حیرانی، فروغ (۱۴۰۰). واکاوی محرک‌های گزارشگری زیست‌محیطی: کاربست فراترکیب. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۶(۱۱)، ۳۴۱-۳۸۲.

Reference

- 1) 'Abbāsī, Y., Jamshīdī Navīd, B., & Qanbarī, M. (1400 SH/2021). Barrasī-ye Abād-e Hākemīyat-e Šerkatī dar Pārādāyem-e Eslāmī [Examining the Dimensions of Corporate Governance in the Islamic Paradigm]. *Pajooohesh-hā-ye Tajrobi-ye Hesābdārī [Empirical Accounting Research]*, 4(11), 161-180. [in Persian]
- 2) Asrārī, D. (1398 SH/2019). Abzār va Mawqe'iyat-hā-ye Hākemīyat-e Šerkatī dar Neẓām-e Bānkedārī-ye Eslāmī [Instruments and Positions of Corporate Governance in the Islamic Banking System]. *Moṭāle'āt-e Novīn-e Bānkī [Modern Banking Studies]*, 2(2), 159-178. [in Persian]
- 3) Alnofli, A. (2021). Corporate governance in Islamic financial institutions: Hawkamah al-sharikāt fi al-mu'assasāt al-māliyah al-islāmiyyah. *International Journal of Fiqh and Usul al-Fiqh Studies*, 5(1), 65-73.
- 4) Amalia, F. (2023). Analisis Islamic Good Corporate Governance dalam Pelaporan Keuangan pada Lembaga Amil Zakat NU Care Lazisnu

- Wonocolo [Unpublished thesis]. Universitas Islam Negeri Sunan Ampel Surabaya.
- 5) Budi, I. S. (2021). The mediation role of productivity in the effect of Islamic corporate governance on Islamic corporate social responsibility disclosure. *Journal of Accounting and Investment*, 22(2), 254-275.
 - 6) Hamdani, M. (2016). *Good Corporate Governance (GCG) Dalam Perspektif Agency Theory*. Semnas Fekon.
 - 7) Hani, U., & Djasuli, M. (2022). Good Corporate Governance dalam Perspektif Konvensional Dan Islam (Studi Deskriptif Perbankan Syariah). *Jurnal Ekonomi Manajemen dan Bisnis (JEMB)*, 1(1), 84-88.
 - 8) Kurniawan, S. M. H. R. (2019). Konsep Islamic Corporate Governance Fakultas Ekonomi Dan Bisnis Islam Uin Mataram. *Iqtishaduna*, 10(1), 31-54.
 - 9) Kermšāhī, B., & Maqšūdpūr, M. ‘A. (1402 SH/2023). Barrasī-ye Ta’ sīr-e Keyfiyat-e Hākemīyat-e Šerkatī dar Bānkedārī-ye Eslāmī bar Čābekī-ye Bānk-hā bā Estefādeh az Taḥlīl-e ‘Āmelī-ye Ta’ idī va Model-e Mo‘ādolāt-e Sākhtārī [Investigating the Effect of Corporate Governance Quality in Islamic Banking on Banks’ Agility Using Confirmatory Factor Analysis and Structural Equation Modeling]. *Eqtešād va Bānkedārī-ye Eslāmī [Islamic Economics and Banking]*, 12(45), 271–298. [in Persian]
 - 10) Jurdak, G. (1974). *Voice of Human Justice*. Chapter 22.
 - 11) Malahayati, R. (2020). Analisis Penerapan Good Corporate Governance Pada PT. Bank Aceh Syariah Cabang Kutacane. *Jurnal Akuntansi dan Keuangan*, 8(1), 21-30.
 - 12) Maṣṣūrī Moḥammadābādī, F., Taftīyān, A., & Mo‘īn-al-Dīn, M. (1403 SH/2024). Tadvīn-e Algū-ye Afšā-ye Risk-e Āyandeh-Negar dar Gozaresh-hā-ye Sālāneh-ye Šerkat bā Reš-e Padīdāršenāsī va Taḥlīl-e Mozḥmūn [Developing a Model for Forward-Looking Risk Disclosure in Annual Company Reports Using Phenomenology and Thematic Analysis]. *Dāneš-e Hesābdārī-ye Mālī [Financial Accounting Knowledge]*, 11(2), 89–113. [in Persian]
 - 13) Narastri, M. (2019). 15 Pillars of Islamic Good Corporate Governance for The Corporate Level. In *Proceedings of the 1st Asian Conference on Humanities, Industry, and Technology for Society*, 30-31, Surabaya, Indonesia.
 - 14) Nažārīān, R., Taftīyān, A., & Ḥayrānī, F. (1400 SH/2021). Vākāvī-ye Moḥarrekehā-ye Gozareshgarī-ye Zīst-Moḥīṭī: Kār-bast-e Farātarkīb [Exploring the Drivers of Environmental Reporting: Application of Meta-Synthesis]. *Hesābdārī-ye Arzešī*

- va *Raftarī* [*Value and Behavioral Accounting*], 6(11), 341–382. [in Persian]
- 15) Prabowo, M. S. (2018). Good Corporate Governance (GCG) dalam Prespektif Islam. *Qistie*, 11(2).
 - 16) Putra, A. K. (2023). The Influence of Sharia Good Corporate Governance on Financial Performance (ROA) Of Sharia Banking In Indonesia for the 2016-2020 Period. *Business Management Journal*, 19(1), 73-89.
 - 17) Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer Publishing Company.
 - 18) Taftīyān, A., & Jalālī, ‘A. (1402 SH/2023). Barrasī-ye Ertebāt bayn-e Keyfiyat-e Hākemīyat-e Šerkatī-ye Darūnī va Bīrūnī va Eḥsās-e Risk-e Gozaresh-hā-ye Sālāneh bā Estefādeh az Modāl-hā-ye Īstā va Puyā [Examining the Relationship between Internal and External Corporate Governance Quality and the Perception of Risk in Annual Reports Using Static and Dynamic Models]. *Ḥesābdārī-ye Modīrīyat* [*Management Accounting*], 16(58), 16–31. [in Persian]
 - 19) • Wardani, M. K. (2025). Peran Manajemen Risiko Memediasi Pengaruh Good Corporate Governance terhadap Kinerja Keuangan (Studi pada Perusahaan BUMN di Indonesia). *Juremi: Jurnal Riset Ekonomi*, 4(4), 1077-1076.
 - 20) Wardayati, S. M. (2016). Implementing Islamic Corporate Governance (ICG) and Islamic Social Reporting (ISR) in Islamic Financial Institution (IFI). *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 219, 338-343.
 - 21) Winata, P. P. D. R. (2013). Dampak Implementasi Islamic Good Corporate Governance Terhadap Kinerja Keuangan Bprs Madinah Lamongan (Doctoral dissertation, University Airlangga).
 - 22) Yanah, N. S., Dumadi, D., & Ernitawati, Y. (2025). Pengaruh good corporate governance (gcg) dan price earning ratio (per) terhadap harga saham: studi pada perusahaan perbankan yang terdaftar di bursa efek Indonesia. *Bina Bangsa Ekonomika*, 18(1), 55-70.
 - 23) Zamānīyān-far, L., & Mahdīyār Esmā‘īlī, M. R. (1402 SH/2023). Hākemīyat-e Šerkatī va Naqš-e ān dar Behbūd-e ‘Amalkard va Kahš-e Taqlob dar Bānkedārī-ye Eslāmī [Corporate Governance and Its Role in Improving Performance and Reducing Fraud in Islamic Banking]. *Tahqīqāt-e Mālī-ye Eslāmī* [*Islamic Financial Research*], 12(3), 175–204. DOI: 10.30497/ifr.2023.244149.1800 [in Persian]
 - 24) Zubaidah, S., & Pratiwi, P. D. (2024). Islamic corporate governance, profitability, corporate social responsibility, and sustainability report

disclosure. In Environmental Issues and Social Inclusion in a Sustainable Era (pp. 263-272). Routledge.

Redesigning Qard-al-Hasan Bank in the Islamic Banking Plan as an Institution that Expands the Culture of Qard-al-Hasan (Emphasizing the Actions of RESALT QARD AL_HASAN BANK)

Vahid Shahabi* | Mehdi Khoshakhlaq

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247430.1932>

بازطراحی بانک قرض الحسنه در طرح بانکداری اسلامی به عنوان نهاد گسترش دهنده فرهنگ قرض الحسنه (با تأکید بر اقدامات بانک قرض الحسنه رسالت)

نویسندگان: وحید شهابی* | مهدی خوشاخلاق

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/ifr.2025.247430.1932>



Copyright 2025 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Finance Researches* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Redesigning Qard-al-Hasan Bank in the Islamic Banking Plan as an Institution that Expands the Culture of Qard-al-Hasan (Emphasizing the Actions of RESALT QARD AL_HASAN BANK)

Vahid Shahabi: Assistant Professor, Department of Industrial Management, Faculty of Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

vahid.shahabi@srbiau.ac.ir | 0000-0001-5104-4722

Mehdi Khoshakhlagh: PhD in Economic Sciences, Faculty of Economics, University of Qom, Qom, Iran. and Sharia Supervisor of Qarz-ol-Hasaneh Bank.

m.khoshakhlagh@rqbank.ir | 0000-0001-6676-4722

Abstract

1. Introduction and Objective

The full realization of Islamic banking is a primary goal of the Iranian banking system, with the potential to bring significant social and economic benefits. Among its components, Qard-Al-Hasan, a form of interest-free loan, stands out as a crucial financial tool aimed at fostering distributional justice and alleviating poverty, which aligns with the ethical and social goals of Islamic society. This research aims to propose a redesign of Qard-Al-Hasan banks within the framework of Islamic banking to enhance its role in spreading the culture of Qard-Al-Hasan. The study highlights how transforming Qard-Al-Hasan banking into a more effective institution can contribute to the Islamic financial ecosystem, serving not only as a vehicle for financial inclusion but also as a social institution aligned with the core values of Islam.

2. Methods and Materials

This research utilized a mixed-methods approach, combining both qualitative and quantitative research methods. In the qualitative phase, the study conducted semi-structured interviews with a selected group of experts in Islamic banking and managers from the Qard-Al-Hasan banks to gain deep insights into the challenges and opportunities for reform. A total of 15 experts were interviewed, providing comprehensive perspectives on the current status of Islamic banks and the cultural and operational changes needed for Qard-Al-Hasan institutions.

In the quantitative phase, 100 questionnaires were distributed through simple random sampling among experts in the field. These questionnaires were designed to assess the factors that could contribute to the success of a redesigned Qard-Al-Hasan bank. The collected data were analyzed using SPSS and Smart PLS software. The analysis allowed for the identification of the critical elements in transforming Qard-Al-Hasan banks into efficient, socially responsible, and effective financial institutions.

3. Research Findings

The findings of this research revealed several key factors essential for transforming Qard-Al-Hasan banks into an effective institution that spreads the culture of Qard-Al-Hasan. The study found that:

- Establishing Qard-Al-Hasan banks as non-profit social institutions would be a fundamental step in aligning the banking system with Islamic principles, making it more socially oriented rather than profit-driven.
- Allocating resources based on social takaful (mutual insurance and social responsibility) rather than profit maximization would better address the needs of the underprivileged and contribute to financial inclusion.
- The support from the government and use of digital banking platforms could enhance the operational efficiency of these banks, reducing administrative costs and expanding their reach, especially to underserved populations.
- The research also identified the elimination of lotteries and costly advertisements as crucial steps in ensuring that Qard-Al-Hasan banks remain in line with ethical principles, avoiding practices that might distract from the core objectives of social welfare and justice.
- Finally, enabling loan introduction to the needy would make these institutions more inclusive and impactful in addressing the financial needs of low-income groups.

These findings suggest that when these factors are incorporated into the Islamic banking plan and relevant regulations, Qard-Al-Hasan banks can become effective tools for spreading the culture of Qard-Al-Hasan and achieving the social and economic objectives of Islamic banking.

4. Discussion and Conclusion

The study concludes that adopting the proposed reforms in redesigning Qard-Al-Hasan banks can significantly contribute to the

Islamic banking system's goals. By focusing on social responsibility, mutual cooperation, and financial inclusion, the redesigned Qard-Al-Hasan bank can better serve the needs of the Islamic community. The research underlines that integrating digital banking, removing ethically problematic practices such as lotteries, and providing targeted financial support to those in need can revitalize these institutions and help them achieve their primary purpose: the spread of the culture of Qard-Al-Hasan.

Moreover, the role of government support and regulatory facilitation is highlighted as crucial in enabling the transformation of Qard-Al-Hasan banks into effective, sustainable, and ethical financial institutions. The findings also suggest that institutionalizing Qard-Al-Hasan as a non-profit social bank with clearly defined objectives could provide the stability and strategic direction needed for long-term success. By doing so, these institutions can contribute to poverty alleviation and social welfare, fulfilling the broader goals of Islamic economic systems.

In conclusion, this research provides valuable insights and recommendations that can help policymakers and banking authorities implement strategies for strengthening Islamic banking. Future research may explore the potential challenges and real-world implementation of these reforms to further enhance the efficiency and impact of Qard-Al-Hasan banks.

5. Keywords

Qard-Al-Hasan; Islamic Banking, Islamic Banking Plan; Culture of Qard al-Hasan.

6. JEL Classification: E02, G21, O16, Z13.

بازطراحی بانک قرض الحسنه در طرح بانکداری اسلامی به عنوان نهاد گسترش دهنده فرهنگ قرض الحسنه (با تأکید بر اقدامات بانک قرض الحسنه رسالت)

وحید شهابی: استادیار، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). vahid.shahabi@srbiau.ac.ir
مهدی خوش اخلاق: دانش‌آموخته دکتری علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه قم، قم، ایران.
m.khoshakhlagh@rqbank.ir

چکیده

۱. مقدمه و هدف

تحقق کامل بانکداری اسلامی یکی از اهداف نظام بانکی ایران است که می‌تواند برکات اجتماعی و اقتصادی بسیاری به همراه داشته باشد. قرض الحسنه به عنوان نهادی مؤثر در راستای اهداف توزیعی و فقرزدایی، با اهداف جامعه اسلامی هم‌خوانی دارد. این پژوهش با هدف بازطراحی بانک قرض الحسنه در چارچوب بانکداری اسلامی و تبدیل آن به نهادی گسترش دهنده فرهنگ قرض الحسنه انجام شد.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش از روش آمیخته (کیفی و کمی) بهره برد. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با متخصصان حوزه بانکداری اسلامی و مدیران بانکی جمع‌آوری شد. در بخش کمی، ۱۰۰ پرسشنامه به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده بین خبرگان توزیع و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS تحلیل گردید.

۳. یافته‌های تحقیق

نتایج نشان داد که بنیان‌گذاری بانک قرض الحسنه به عنوان یک بانک اجتماعی غیرانتفاعی، تخصیص منابع بر اساس تکافل اجتماعی، حمایت حاکمیت، استفاده از بانکداری دیجیتال، حذف قرعه‌کشی و تبلیغات پرهزینه، و معرفی وام به نیازمندان از جمله راهکارهایی است که در صورت گنجاندن در طرح بانکداری اسلامی و قوانین مربوطه،

می‌تواند بانک قرض‌الحسنه را به نهادی مؤثر در گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه تبدیل کند.

۴. نتیجه‌گیری

با اتخاذ رویکردهای پیشنهادی در بازطراحی بانک قرض‌الحسنه و تقویت نقش آن در طرح بانکداری اسلامی، این نهاد می‌تواند به‌طور مؤثری در تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی ایفای نقش کند.

واژگان کلیدی: قرض‌الحسنه؛ بانکداری اسلامی؛ طرح بانکداری اسلامی؛ فرهنگ قرض‌الحسنه.

مقدمه

بر اساس ماده ۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا، استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور، اولین هدف این قانون است. یکی از ویژگی‌های نظام پولی عادلانه، استفاده همه اقشار جامعه از اعتبارات بانکی است.

تأمین مالی برخی از نیازمندان جامعه تنها از طریق قرض الحسنه امکان پذیر است. قرض الحسنه یکی از ارزش‌های اسلامی است که در آیات و روایات فراوانی بر اهمیت آن تأکید شده است. نه تنها دین اسلام، بلکه دیگر ادیان الهی نیز در آموزه‌های خود به موضوع قرض الحسنه اشاره کرده و به جنبه‌های اجتماعی آن پرداخته‌اند. در روایات، تحریم ربا و یکی از حکمت‌های آن گسترش قرض الحسنه در جامعه اسلامی بیان شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص. ۴۲۳).

در قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز گسترش تعاون عمومی و سنت قرض الحسنه از طریق توسعه مؤسسات قرض الحسنه، یکی از وظایف بانک مرکزی عنوان شده است (ماده ۴ اهداف و وظایف نظام بانکی).

با وجود تأکیدات فراوان قانونی و دینی در خصوص قرض الحسنه، نمی‌توان عملکرد نظام بانکی را در این خصوص قابل قبول دانست. موانع متعددی باعث ایجاد این ناکارآمدی شده است. یکی از مهم‌ترین موانع، وجود تورم و کاهش شدید ارزش پول در طول زمان است. عملکرد ضعیف نظام بانکی در حذف واقعی ربا از نظام پولی نیز از دیگر عوامل کاهش اقبال به این سنت حسنه دینی است.

با وجود این موانع و موانع متعدد دیگر، بانک‌ها و صندوق‌های قرض الحسنه توانسته‌اند گام‌هایی در جهت گسترش فرهنگ قرض الحسنه بردارند. بانک قرض الحسنه می‌تواند به نهادی مؤثر در گسترش فرهنگ قرض الحسنه تبدیل شود.

دنبال کردن فرهنگ قرض الحسنه توسط نظام بانکی هدف والایی است که باید در طرح‌ها و قوانین پولی مورد توجه جدی قرار گیرد. با توجه به تدوین طرح بانکداری اسلامی، ضروری است این طرح از حیث تحقق این هدف مورد بررسی قرار گیرد.

نویسندگان در پی ارائه پیشنهاداتی در قالب بازطراحی بانک قرض‌الحسنه هستند که می‌تواند به تحقق این هدف کمک نماید.

مقاله حاضر به‌منظور بیان اهمیت موضوع، ابتدا به اهمیت قرض‌الحسنه در منابع دینی پرداخته است. بیان اقدامات بانک قرض‌الحسنه رسالت که باعث گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه شده است، قسمت دوم این مقاله را تشکیل می‌دهد. در قسمت سوم، پیشنهادهایی ارائه خواهد شد که در گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه توسط بانک‌های قرض‌الحسنه مؤثر است. در قسمت پایانی، تأثیرگذاری این موارد در پرسشنامه نخبگانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. مبانی نظری

۱-۲. اهمیت قرض‌الحسنه در آیات و روایات

قرض‌الحسنه در آیات و روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن، واژه «قرض» به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سیزده بار ذکر شده است. در هر موردی که از قرض صحبت شده، واژه «حسنًا» (نیکو) نیز به دنبال آن آمده است که نشان‌دهنده اهمیت قرض‌الحسنه در اسلام است.

یکی از حکمت‌های تحریم ربا نیز گسترش قرض‌الحسنه در جامعه اسلامی بیان شده است. روایات، رباخواری را باعث برچیده شدن کارهای خیر و شایسته می‌دانند. در روایتی آمده است که سماعه به حضرت صادق علیه‌السلام عرض کرد: چرا خداوند متعال مسئله ربا را در قرآن به‌طور مکرر مطرح کرده (و تحریم نموده) است؟ امام فرمود: علت آن را می‌دانی؟ عرض کردم: نه، حضرت فرمود: به‌خاطر اینکه مردم در اثر رباخواری از کارهای خیر و شایسته (مانند قرض‌الحسنه) بازمانند (عاملی، ۱۴۰۹ق).

منظور از «اصطناع معروف» (انجام کار نیک) در اینجا قرض‌الحسنه است که یکی از مهم‌ترین کارهای عاطفی در جامعه بشری است؛ بلکه از صدقه هم برتر و مهم‌تر است. به همین جهت در روایتی آمده است که صدقه ۱۰ حسنه و ثواب دارد و قرض‌الحسنه ۱۸ ثواب دارد! (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹).

۲-۱. تعالی فرهنگ قرض الحسنه

با توجه به اهمیت رواج قرض الحسنه، گسترش این سنت دینی تحت عنوان فرهنگ قرض الحسنه در اهداف و وظایف نظام بانکی در قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون بانک مرکزی و طرح بانکداری اسلامی آمده است.

فرهنگ قرض الحسنه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، رفتارها، دانش‌ها و سنت‌هایی گفته می‌شود که یک جامعه در خصوص قرض الحسنه، رواج آن و همچنین اجرای صحیح عقد قرض الحسنه به گونه‌ای که موازین شرعی، اخلاقی، فلسفی و کارکردی قرض الحسنه رعایت شود، تأکید دارد. در واقع سنت نیکوی قرض الحسنه در آیین ما مسلمانان جهت رفع نیازهای اقتصادی و کمک به هموعان خود همواره به همه پیروان این آیین توصیه شده و ربا به عنوان نقطه مقابل قرض الحسنه به شدت نهی و مذموم تلقی شده است. در کشور ما نهادهای گوناگونی به ترویج و ارائه این سنت نیکو می‌پردازند که با تمهیداتی که جهت حمایت از بانکداری اسلامی از سوی دولت انجام شد، روند نهادها در توسعه و ترویج فرهنگ قرض الحسنه نیز شتاب بیشتری به خود گرفت (باشی‌زاده و عشیر، ۱۳۹۴).

گسترش و تعالی فرهنگ قرض الحسنه وظیفه یک نهاد خاص یا بانک تخصصی قرض الحسنه نیست؛ بلکه یک فعالیت فرابخشی است. هرچند وجود یک نهاد متولی می‌تواند نقش راهبری و مؤثری در این زمینه داشته باشد.

فرای از موانع ذکرشده برای گسترش فرهنگ قرض الحسنه، برای گسترش این سنت مقدماتی لازم است. اولین لازمه گسترش فرهنگ قرض الحسنه، گسترش روحیه خیرخواهی در جامعه است. این روحیه با آموزه‌های دینی قابلیت گسترش خواهد داشت. علاوه بر این، برای گسترش فرهنگ قرض الحسنه در سیستم بانکی مقدماتی لازم است. تمایل افراد به نگهداری وجوه در حساب قرض الحسنه به منظور پرداخت وام قرض الحسنه زمانی محقق می‌شود که این وجوه برای منافع بانک به کار گرفته نشود؛ به عبارت دیگر، پرداخت وام قرض الحسنه به نیازمندان واقعی باید صورت گیرد. بدیهی است هر بانک به صورت مجزا نمی‌تواند نیازمندان واقعی را شناسایی کند.

فرهنگ قرض الحسنه تأثیرات اجتماعی مثبت زیادی به همراه خواهد داشت. ایجاد همبستگی اجتماعی، افزایش رونق اقتصادی، کاهش بیکاری و مفسد اجتماعی حاصل از بیکاری، تنها نمونه‌ای از آثار این سنت حسنه دینی است.

جدول (۱): پیشنهاد پژوهش در حوزه فرهنگ قرض الحسنه

ردیف	نویسندگان و سال	عنوان	نتایج
۱	ابراهیم و الینیزی ^۱ (۲۰۲۴م)	استفاده از قرض الحسنه در امور مالی اسلامی: چارچوبی مفهومی برای پیشبرد توسعه پایدار در میان شرکت‌های نوپا	مفاهیم نظری این مقاله، در خصوص گسترش درک نقش قرض الحسنه در جامعه برای دستیابی به عدالت اقتصادی و اجتماعی را افزایش می‌دهد، و مفاهیم عملی آن، ادغام قرض الحسنه در سیستم‌های مالی مدرن را برای حمایت از کارآفرینی و کاهش نابرابری اجتماعی توصیه می‌کنند و بر لزوم مدیریت کافی، حمایت فراملی، فرهنگ‌سازی و آموزش در حوزه قرض الحسنه تأکید دارند. نوآوری این مقاله در رویکرد نوآورانه آن برای تغییر جایگاه قرض الحسنه در امور مالی اسلامی معاصر است که با ترویج مفهوم قرض الحسنه، اهداف توسعه پایدار امور مالی اسلامی را پیش می‌برد.
۲	آدرمی و ایشاک ^۲ (۲۰۲۳م)	قرض الحسنه به عنوان یک ابزار مالی اسلامی عملی برای تأمین مالی جمعی: پتانسیل و کاربرد احتمالی آن برای	این مطالعه با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متخصصان شریعت و فعالان حوزه کراودفاندینگ، قابلیت استفاده از قرض الحسنه به عنوان ابزاری مالی اسلامی در تأمین مالی کسب‌وکارهای خرد در مالزی را بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که توسعه

1. Ibrahim & Alenizi
2. Aderemi & Ishak

ردیف	نویسندگان و سال	عنوان	نتایج
		تأمین مالی شرکت‌های کوچک در مالزی	سازوکار قرض‌الحسنه در جامعه هم از لحاظ فقهی قابل قبول است و هم توانایی پاسخگویی به نیازهای مالی خرد در چارچوب فرهنگی اسلامی را دارد.
۳	اقبال و شفیق ^۳ (۲۰۱۵م)	تأمین مالی اسلامی و نقش قرض‌الحسنه در افزایش شمول: مطالعه موردی بانک اخوت	این مطالعه با بررسی نقش قرض‌الحسنه در مؤسسه خیریه «اخوات» پاکستان، نشان می‌دهد چگونه این توسعه فرهنگ قرض‌الحسنه می‌تواند شمول مالی را ارتقا دهد و همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار را تقویت کند.
۴	عبادی و جعفری (۱۳۹۹)	قرض‌الحسنه، راهبردی برای اقتصاد سالم	تحقیق درصدد اثبات این فرضیه است که بین نهاد قرض‌الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد، به‌ویژه راهبرد تأمین نیازهای اساسی، رابطه‌ای سازگار وجود دارد.
۵	آهنگران (۱۳۹۵)	راه‌های گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه در جامعه	این نوشتار بر آن است تا راهکارهای گسترش فرهنگ پسندیده قرض‌الحسنه را به‌اختصار بیان کند.
۶	باشی‌زاده و عشیر (۱۳۹۴)	بررسی و ارائه راهکارهای نوین در ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه	ارائه راهکارهای نوین برای ترویج سنت قرض‌الحسنه با رویکرد جذب منابع در این حوزه.
۷	یزدانی (۱۳۹۰)	قرض‌الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی	تشریح و تأثیر نهاد قرض‌الحسنه بر متغیرهای مهم اقتصادی مانند مصرف، پس‌انداز، خلق پول و سایر متغیرهای اقتصادی.

ردیف	نویسندگان و سال	عنوان	نتایج
۸	نظری (۱۳۷۹)	شرایط احبای فرهنگ قرض الحسنه	در این کتاب شرایط فرهنگی و اجتماعی رشد و توسعه قرض الحسنه بیان شده است. به علاوه ویژگی های احیاگران فرهنگ قرض الحسنه، رعایت اخلاق در صندوق های قرض الحسنه و فرهنگ کار توضیح داده می شود.

هرچند گسترش فرهنگ قرض الحسنه موضوع برخی از پژوهش ها قرار گرفته است، اما نهادسازی برای این هدف، آن هم به صورت بانک قرض الحسنه در تحقیقات حوزه مالی اسلامی مغفول مانده است. لذا این مقاله تلاش می کند تا با پر کردن این خلأ تحقیقاتی، به این موضوع بپردازد.

۳-۱. طرح بانکداری اسلامی

طرح بانکداری اسلامی، یک طرح جامع برای اصلاح نظام بانکی ایران است که با هدف انطباق با موازین شرع اسلام و رفع مشکلات نظام بانکی فعلی تدوین شده است. این طرح شامل مواردی مانند اصلاح ساختار بانک مرکزی، بانکداری و بانک توسعه است و هدف آن ایجاد یک نظام بانکی کارآمد، شفاف و مطابق با اصول اسلامی است.

به طور کلی اهداف کلی طرح بانکداری اسلامی به شرح زیر هستند:

- ۱) انطباق با موازین شرع اسلام؛
- ۲) اصلاح ساختار نظام بانکی؛
- ۳) توسعه ابزارهای مالی اسلامی؛
- ۴) تقویت نظارت بر بانک ها؛
- ۵) ارتقای شفافیت و پاسخگویی؛
- ۶) توسعه بانکداری الکترونیک؛
- ۷) استقلال بیشتر بانک مرکزی؛
- ۸) تغییر در ساختار بانک ها؛

۹) توسعه ابزارهای مالی اسلامی؛

۱۰) تقویت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها؛

۱۱) اصلاح قوانین مربوط به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری.

۴-۱. اقدامات لازم برای تبدیل بانک قرض الحسنه به نهاد گسترش‌دهنده فرهنگ قرض الحسنه

رواج قرض الحسنه اهمیت بسزایی در یک جامعه دینی دارد، به‌طوری‌که یکی از حکمت‌های تحریم ربا، گسترش قرض الحسنه در جامعه اسلامی است. بانک قرض الحسنه رسالت در این خصوص اقدامات مناسبی در زمینه توسعه زیرساخت‌های بانکداری برای گسترش فعالیت قرض الحسنه، بازتعریف فعالیت قرض الحسنه در سطح بانکداری، گفتمان‌سازی و مفهوم‌سازی قرض الحسنه انجام داده است که به مهم‌ترین آنها اشاره خواهد شد.

به‌علاوه، موارد دیگری که در گسترش فرهنگ قرض الحسنه مؤثر است به‌عنوان پیشنهاد ارائه می‌شود. بر اساس این موارد، فرضیات پژوهش تدوین و اثرگذاری این اقدامات بر گسترش فرهنگ قرض الحسنه در جامعه آزمون می‌شود.

۴-۱-۱. بانکداری بدون شعبه

امروزه غیرحضوری شدن ارائه خدمات برای تمامی نهادها و بازارهای پولی و مالی یک الزام محسوب می‌شود و صنعت بانکداری نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ اما مهاجرت به سمت بانکداری دیجیتال برای بانک‌ها کار آسانی نیست و این کار از طریق حذف شعب فیزیکی بانک‌ها و پیاده‌سازی مدل بانکداری بدون شعبه مبتنی بر توسعه پلتفرم‌های غیرحضوری امکان‌پذیر است (خاشعی ورنامخواستی، ابراهیمی، خلیل‌نژاد و مطهری‌نژاد، ۱۴۰۳). بانکداری دیجیتال مزایای زیادی را برای مشتریان و متصدیان بانکی به همراه دارد. این مزایا محرک نظام بانکی کشور در توسعه بانکداری دیجیتال است.

بانک قرض الحسنه رسالت در ایران به‌عنوان بانک پیشرو در این زمینه شناخته می‌شود. گسترش بانکداری بدون شعبه در این بانک تنها به‌خاطر منافع اقتصادی آن نبوده است. گسترش بانکداری دیجیتال با هدف ارائه خدمات آسان، ارزان و شرعی و

پیاده‌سازی مدل وام قرض‌الحسنه بدون کارمزد صورت گرفته است و اثرات قابل توجهی در گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه به همراه داشته است. در واقع برای پیاده‌سازی مدل وام قرض‌الحسنه بدون کارمزد، هزینه‌های عملیاتی (اعم از شعب و سرپرستی‌های استانی بانک) و همچنین هزینه‌های مربوط به خدماتی که ذاتاً جزء فعالیت‌های اصلی بانک نبوده‌اند، حذف گردید. علاوه بر آن با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین مدیریت و کاهش قابل توجه حجم و هزینه‌های ستادی، حدود ۸۰ درصد از هزینه‌های بانک کاهش یافت. با این مدل، باقی‌مانده هزینه‌های بانک که عمدتاً شامل هزینه‌های غیرعملیاتی و ستادی است، از محل درآمدهای حاصل از خدمات بانکی غیرمرتبط با وام (مثل درآمدهای وابسته به تراکنش‌ها و غیره) و همچنین درآمدهای غیرعملیاتی از جمله درآمدهای حاصل از وجوه نقد (که طبق مقررات و به‌منظور مدیریت ریسک نقدینگی، نگهداری آن ضروری است)، تأمین می‌گردد (بانک قرض‌الحسنه رسالت، ۱۴۰۲).

به‌علاوه، بانکداری بدون شعبه در این بانک باعث شده است دریافت وام از این بانک در کمترین زمان ممکن انجام گیرد؛ چراکه ارائه خدمات در دورافتاده‌ترین مناطق کشور که دسترسی کمتری به خدمات بانکی داشته‌اند، ممکن شده است و این موضوع در گسترش شمولیت مالی نقش مؤثری ایفا نموده است.

تجربه بانک قرض‌الحسنه رسالت نشان می‌دهد که سپرده‌گذاری، دریافت وام قرض‌الحسنه و همچنین دریافت سایر خدمات بانکی به‌صورت کاملاً غیرحضوری و بدون نیاز به مراجعه به شعبه امکان‌پذیر است و بانک قرض‌الحسنه نیازی به شعب فیزیکی ندارد. بنابراین لازم است در طرح بانکداری اسلامی بر فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه به‌صورت بدون شعبه تأکید گردد.

فرضیه (۱): بانکداری بدون شعبه بر ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه در جامعه اثر دارد.

۱-۴-۲. حذف قرعه‌کشی و تبلیغات پر هزینه

یکی از روش‌های جذب منابع و به‌ویژه سپرده‌های قرض‌الحسنه، تبلیغات بانک‌ها است. این تبلیغات هزینه‌های هنگفتی را برای بانک به همراه خواهد داشت. معمولاً هزینه این

تبلیغات از به‌کارگیری منابع قرض الحسنه در فعالیت‌های اقتصادی یا به‌کارگیری این منابع برای پرداخت تسهیلات انتفاعی تأمین می‌شود.

پرداخت جایزه به حساب‌های قرض الحسنه علاوه بر ابهامات فقهی، با گسترش روحیه تعاون و سنت قرض الحسنه سازگار نیست. پرداخت جوایز سبب شده است تا برخی با هدف شرکت در قرعه‌کشی و به‌دست آوردن جایزه، اقدام به افتتاح حساب کنند که موجب دور شدن آنها از عمل پسندیده قرض الحسنه می‌شود و به‌نوعی تداعی‌کننده یکی از انواع بخت‌آزمایی است (حائری و اسلامی، ۱۳۹۶).

تبلیغات و جوایز قرعه‌کشی در بانک قرض الحسنه رسالت حذف شده است و منابع بیشتری برای قرض الحسنه در اختیار بانک قرار دارد. با توجه به عدم سازگاری جوایز قرعه‌کشی و برخی تبلیغات با فرهنگ قرض الحسنه، لازم است بر ممنوعیت آن در قوانین و دستورالعمل‌ها تأکید گردد.

فرضیه (۲): حذف قرعه‌کشی و تبلیغات پرهزینه، بر ترویج فرهنگ قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

۱-۴-۳. امکان معرفی افراد برای دریافت وام قرض الحسنه

یکی از عواملی که موجب کاهش تمایل به قرض الحسنه بین افراد در جامعه می‌شود، عدم اعتماد قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده در بازپرداخت است. امکان معرفی وام به دیگران در جهت حل این مشکل است. فرد نیازمند به وام قرض الحسنه با معرفی فردی که قبلاً سپرده‌گذاری کرده است، امکان دریافت وام قرض الحسنه را خواهد داشت. به عبارت دیگر، سپرده‌گذار بدون اینکه متحمل ریسک نکول شود، امکان دریافت وام قرض الحسنه برای فرد نیازمند را فراهم می‌کند.

به‌علاوه، افراد حقیقی و حقوقی با سپرده‌گذاری در این بانک، امکان دریافت وام قرض الحسنه برای کارمندان یا افراد نیازمند را فراهم کرده‌اند. موارد فوق باعث افزایش وام قرض الحسنه در جامعه گردیده و نیاز افراد از طریق قرض الحسنه تأمین می‌شود؛ البته امکان معرفی وام باعث ایجاد بازار غیررسمی برای وام قرض الحسنه گردیده است. خرید و فروش امتیاز وام قرض الحسنه علاوه بر ابهامات فقهی، تأثیر منفی قابل‌توجهی بر فرهنگ

قرض الحسنه دارد. با وجود این بازار، انگیزه کافی برای واگذاری امتیاز وام قرض الحسنه به افراد نیازمند برای دریافت وام وجود نخواهد داشت. برخورد با این پدیده نیازمند ایجاد مقدمات قانونی برای مقابله با سوداگران امتیاز وام قرض الحسنه است. بانک مرکزی و سایر ادارات مرتبط می‌بایست با ایجاد مقدمات قانونی، مقابله جدی با این پدیده نمایند. لازم به ذکر است یکی از سامانه‌های در حال راه‌اندازی در بانک قرض الحسنه رسالت، سامانه «ام‌حامی» است. این سامانه برای انتقال امتیاز وام طراحی شده است تا از فعالیت‌های سفته‌بازانه جلوگیری نماید. این سامانه می‌تواند با گسترش فعالیت و اضافه شدن گزینه‌هایی برای انتقال امتیاز وام قرض الحسنه به نهادهای خیریه مانند کمیته امداد و بهزیستی، زمینه مناسبی برای به‌کارگیری وام‌های قرض الحسنه برای نیازمندان فراهم نماید. ممکن است سپرده‌گذارانی اقدام به سپرده‌گذاری در بانک قرض الحسنه نموده و آشنایی کافی با افراد نیازمند برای واگذاری امتیاز قرض الحسنه نداشته باشند.

فرضیه (۳): امکان معرفی افراد برای دریافت وام قرض الحسنه، بر ترویج فرهنگ قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

۴-۴-۱. حامیان اعتباری قرض الحسنه

در الگوی تعالی اجتماعی رسالت، سازمان‌هایی در جامعه وجود دارند که هدف آن‌ها توسعه فرهنگ قرض الحسنه و حمایت‌هایی اعم از اعتباری، فرهنگی و اقتصادی است. این سازمان‌ها به‌منظور تقویت جامعه هدف خود اقدام به افتتاح حساب و گردش بخشی از منابع مالی خود نزد بانک قرض الحسنه رسالت نموده‌اند تا حمایت‌های خود را از افراد جامعه و همچنین تشویق و ترغیب حامیان در این جهت به عمل آورند.

فرضیه (۴): حامیان اعتباری قرض الحسنه، بر ترویج فرهنگ قرض الحسنه در جامعه اثر دارد. ذکر این نکته ضروری است که برای تبدیل بانک قرض الحسنه به نهاد گسترش و تعالی فرهنگ قرض الحسنه، نیاز به اقدامات زیادی است که در این پژوهش به ۷ مورد اشاره شده است. از این ۷ مورد، ۴ مورد آن قبلاً توسط بانک قرض الحسنه رسالت پیاده‌سازی شده است. لذا بندهای بعدی (بند ۵ تا ۷) مواردی هستند که در ذیل به جهت نیل به هدف ذکر شده، به آن خواهیم پرداخت.

۵-۴-۱. حمایت دولت از بانک قرض الحسنه

یکی از پیشنهادات در طرح بانکداری اسلامی، حمایت دولت از بانک قرض الحسنه به عنوان یک نهاد اجتماعی غیرانتفاعی است. بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد، غیرانتفاعی و مستقل از دولت هستند و بودجه این سازمان‌ها از راه کمک‌های مردمی و در مواردی نیز با کمک سازمان‌های دولتی، دولت یا ترکیبی از این روش‌ها و در قالب پروژه‌های مشترک تأمین می‌شود (Zaleski, 2006).

دولت با ارائه مشوق‌های مالی (مانند حذف مالیات)، قانونی (مانند تسهیل مقررات نظارتی و بازنگری قوانین بر اساس ویژگی بانک‌های قرض الحسنه) و همچنین توسعه زیرساخت‌ها می‌تواند بانک‌های قرض الحسنه را به ابزاری مؤثر برای کاهش فقر، ایجاد اشتغال و تحقق اقتصاد اسلامی تبدیل کند. حمایت‌های حاکمیت از بانک اجتماعی غیرانتفاعی قرض الحسنه شامل موارد متعددی است که تسهیل در قوانین پولی، از جمله کاهش ذخیره قانونی، از ساده‌ترین آن‌ها است.

فرضیه (۵): حمایت از بانک قرض الحسنه، بر ترویج فرهنگ قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

۶-۴-۱. بانک قرض الحسنه به عنوان نهاد اجتماعی غیرانتفاعی

یکی از عوامل مهم در ایجاد انگیزه برای واگذاری وجوه به بانک قرض الحسنه، اختصاص منافع این وجوه برای نیازمندان است. طبیعی است که اگر این منافع در اختیار صاحبان سهام بانک قرار گیرد، انگیزه خیرخواهانه‌ای برای سپرده‌گذاری در بانک قرض الحسنه وجود نخواهد داشت. بنابراین، نمی‌توان از بانک قرض الحسنه‌ای که در جهت افزایش سود سهامداران فعالیت می‌کند، انتظار چندانی برای گسترش فرهنگ قرض الحسنه داشت. بانک قرض الحسنه می‌بایست از دیگر بانک‌های فعال در بازار سرمایه که به دنبال حداکثرسازی سود هستند، مجزا گردد. در این مقاله از اصطلاح بانک اجتماعی غیرانتفاعی به این منظور استفاده می‌شود.

در خصوص بانکداری اجتماعی، رویکردهای متفاوتی ارائه شده است. اما بانکداری اجتماعی را می‌توان رویکرد جدیدی دانست که فعالیت‌های بانکی را در راستای دستیابی همزمان به هدف‌های اقتصادی و اجتماعی هدایت می‌کند. این نوع بانکداری،

معرف آن دسته از فعالیت‌ها، محصولات و خدمات بانکی است که به توسعه اجتماعی و انسانی امروز و فردای جامعه کمک می‌کند (شهبازی، حصیرچی و سلگی، ۱۳۹۹). بانک‌ها برای اینکه بتوانند بانکداری اجتماعی را به‌صورت مؤثر ایجاد و حفظ نمایند، باید پیشران‌ها یا عوامل ایجادکننده آن را به‌خوبی درک کنند که این پیشران‌ها دربرگیرنده ارزش‌مداری، فرهنگ، نیاز به حکمرانی خوب و زیرساخت‌ها (زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و قانونی) هستند (شهبازی، حصیرچی و سلگی، ۱۳۹۹).

در ایران نیز اگرچه بانک‌ها علاقه‌مند به ایفای تعهدات اجتماعی در قالب ارائه خدمات در بستر بانکداری اجتماعی هستند، اما از طرف دیگر به دنبال بیشینه کردن سود خود بوده و در یک مأموریت دوگانه و تضاد مالی با بنگاه‌های تولیدی خرد قرار گرفته‌اند (امیری، رادفر و فائزی رازی، ۱۴۰۱).

کارکرد بانک قرض‌الحسنه برآوردن نیازهای ضروری افراد جامعه و به‌ویژه نیازمندان است. این کارکرد با تعریف این بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی با هدف حداکثرسازی سود سازگار نیست. به‌علاوه، حداکثرسازی سود نمی‌تواند با مبانی فقهی قرض‌الحسنه سازگار باشد. گسترش تأمین مالی خرد و تخصیص این اعتبارات بدون بهره (قرض‌الحسنه) به اقشار ضعیف جامعه می‌تواند عاملی در جهت توسعه انسانی باشد. بنابراین، اگر بانک‌های قرض‌الحسنه در این جهت گام بردارند، در زمره بانکداری اجتماعی قرار خواهند گرفت. از نگاه نویسندگان، مهم‌ترین گام در بازطراحی بانک قرض‌الحسنه به‌منظور گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه، طراحی این بانک به‌عنوان نهاد بانک اجتماعی غیرانتفاعی است. پیشنهاد می‌شود در طرح بانکداری اسلامی، بانک قرض‌الحسنه به‌عنوان یک بانک اجتماعی غیرانتفاعی معرفی گردد. در این صورت، سرمایه بانک از سهامدارانی تأمین شود که هدف اصلی آنان کارکردهای اجتماعی بانک قرض‌الحسنه است.

فرضیه (۶): فعالیت بانک قرض‌الحسنه به‌عنوان نهاد اجتماعی، بر ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه در جامعه اثر دارد.

۱-۶-۷. وام قرض الحسنه به عنوان تکافل اجتماعی

تکافل اجتماعی به معنای دقیق کلمه عبارت است از اینکه هر فردی، در قبال جامعه خویش احساس مسئولیت‌هایی کند که باید آنها را ادا نماید. به‌طوری‌که اگر در انجام مسئولیت‌هایش کوتاهی کند، این امر باعث فروپاشی شاکله جامعه او و دیگران خواهد شد (ابوزهره، ۱۹۹۱م، ص. ۷). همچنین تکافل اجتماعی اصطلاحی است که برنامه‌های جامع اسلام در زمینه اهتمام مردم به تأمین نیازهای یکدیگر، به‌ویژه نیازهای معیشتی اقشار ضعیف جامعه را بازگو می‌کند (کاظمی نجف‌آبادی و حسینی، ۱۴۰۲).

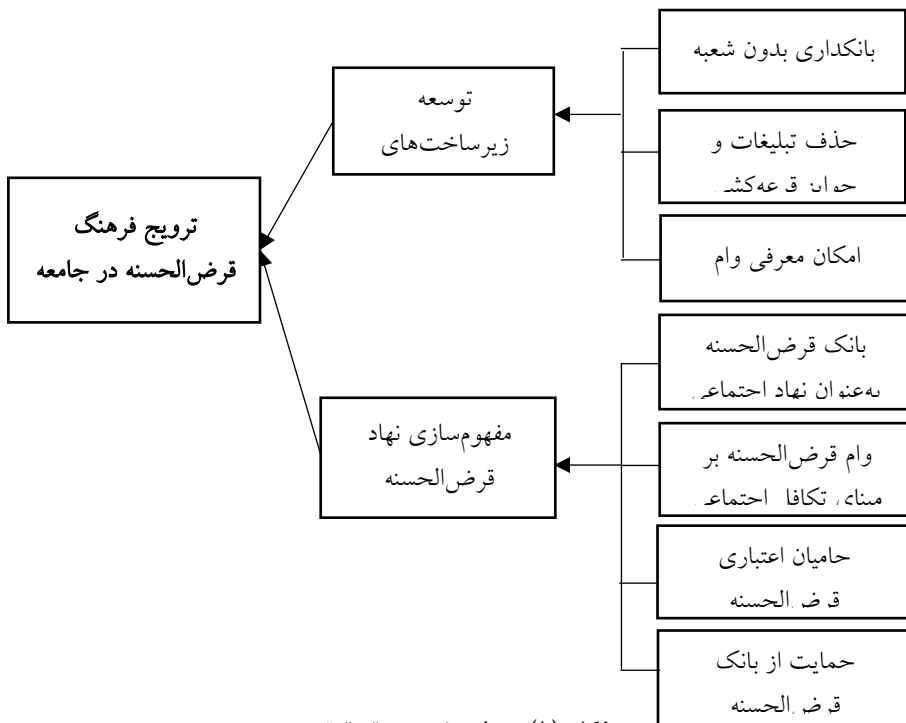
یکی از وجوه تکافل اجتماعی تأمین مالی نیازمندان به‌صورت قرض‌الحسنه است. نیازهای مالی ضروری متعددی برای نیازمندان جامعه وجود دارد که قرض‌الحسنه می‌تواند این نیاز را تأمین نماید. چنانچه بانک قرض‌الحسنه به‌عنوان یک بانک اجتماعی غیرانتفاعی قلمداد گردد، باید فعالیت اصلی آن به‌صورت تخصصی تأمین مالی نیازمندان جامعه باشد. متأسفانه در زمان فعلی، پرداخت وام قرض‌الحسنه در بانک‌های قرض‌الحسنه اغلب به‌صورت سپرده امتیازی و تسهیلات تکلیفی است. بدیهی است این‌گونه تخصیص منابع نمی‌تواند تکافل اجتماعی در حوزه قرض‌الحسنه را پوشش دهد. بنابراین لازم است برای تأمین مالی نیازمندان، سیاست‌گذاری توسط مقام پولی صورت گرفته و منابع به سمت تأمین مالی نیازمندان یا به‌عبارت‌دیگر تکافل اجتماعی هدایت گردد. هرچند در بند سوم به این نکته اشاره شد که برخی افراد می‌توانند با سپرده‌گذاری و معرفی افراد نیاز برخی از اقشار جامعه به وام قرض‌الحسنه را برآورده نمایند، اما میزان وام ایجادشده توسط سپرده‌گذاران نمی‌تواند برای پوشش نیازمندان کافی باشد. بنابراین با حمایت بیشتر دولت از بانک قرض‌الحسنه، این بانک می‌تواند نقش مهمی در تأمین مالی اقشار ضعیف جامعه و تکافل اجتماعی داشته باشد؛ بنابراین قسمتی از اعتبارات ایجادشده در بانک به افرادی اختصاص می‌یابد که بدون سپرده‌گذاری و حامی مشخص اعتباری می‌توانند وام قرض‌الحسنه دریافت نمایند.

وضعیت فعلی تکافل اجتماعی در بانک قرض‌الحسنه رسالت به این‌گونه است که سهم کوچکی از مصارف بانک (به‌دلیل محدودیت در نسبت‌های مالی نظیر نسبت مصارف به منابع و ریسک نقدینگی و اعتباری) به وام‌های حمایتی به مستضعفین و اقشار ضعیف

جامعه در قالب پرداخت وام قرض الحسنه اختصاص یافته است. لذا تأکید پژوهش بر گسترش حمایت‌ها از بانک برای افزایش پرداخت‌های وام‌های حمایتی است؛ بنابراین اختصاص منابع به تکافل اجتماعی در راستای بنیان‌گذاری بانک قرض الحسنه به‌عنوان بانک اجتماعی غیرانتفاعی است. این دو شاخصه می‌تواند تأثیر مهمی در ایجاد انگیزه برای سپرده‌گذاری خیرخواهانه در بانک قرض الحسنه داشته باشد. ضروری است در طرح بانکداری اسلامی در کنار اجتماعی و غیرانتفاعی بودن بانک قرض الحسنه، بر هدف این بانک مبنی بر تکافل اجتماعی در حوزه قرض الحسنه تأکید گردد.

فرضیه (۷): وام قرض الحسنه به‌عنوان تکافل اجتماعی، بر ترویج فرهنگ قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

بر اساس فرضیات ارائه‌شده، مدل مفهومی تحقیق بر اساس شکل (۱)، طراحی شده است:



شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

منبع: (محقق ساخته)

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی و از نوع معادلات ساختاری است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی بوده که هدف آن، بررسی تأثیر متغیر مستقل (بانکداری بدون شعبه، حذف تبلیغات و جوایز قرعه‌کشی، حمایت از بانک قرض الحسنه، بانک قرض الحسنه به عنوان نهاد اجتماعی غیرانتفاعی، وام قرض الحسنه بر مبنای تکافل اجتماعی و حامیان اعتباری قرض الحسنه) در جامعه آماری موردنظر و تعیین تأثیر آن بر متغیر وابسته (ترویج فرهنگ قرض الحسنه) است. روش تحقیق حاضر از منظر جنبه گردآوری اطلاعات، به صورت پیمایشی است.

از منابع کتابخانه‌ای جهت تدوین ادبیات تحقیق، تعاریف و مفاهیم نظری استفاده شد که مهم‌ترین و مفیدترین منابع موتورهای جستجو در پایگاه‌های علمی مختلف بر روی شبکه اینترنت، بانک‌ها و منابع اطلاعاتی و کتابخانه‌های دانشگاه، پایان‌نامه‌ها، نشریات و مقالات خارجی و داخلی بودند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات موردنظر از روش مصاحبه با خبرگان حوزه بانکداری اسلامی و سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. اطلاعات (داده‌ها) برای شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های بازطراحی بانک قرض الحسنه در چارچوب بانکداری اسلامی و نقش آن در گسترش فرهنگ قرض الحسنه استفاده شد. این داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه بانکداری اسلامی و مدیران بانک‌های قرض الحسنه برای استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی به کار گرفته شد.

یافته‌های این مرحله در بخش «تبیین مؤلفه‌ها و طراحی مدل مفهومی تحقیق» ارائه شد. سپس، بر اساس این شاخص‌ها و مرور پیشینه، پرسشنامه محقق‌ساخته طراحی شد و روایی محتوایی آن توسط خبرگان و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ تأیید گردید. داده‌های پرسشنامه برای سنجش متغیرهای تحقیق در بخش کمی مطالعه به کار رفت.

در این پژوهش، جامعه نظری شامل کل نظام بانکی کشور در حوزه بانکداری قرض الحسنه در نظر گرفته شده است، اما به دلیل محدودیت‌های دسترسی و تمرکز بر بانک فعال در این حوزه، داده‌های میدانی از بانک قرض الحسنه رسالت به عنوان نمونه شاخص در ارائه خدمات قرض الحسنه گردآوری شد. انتخاب این بانک به دلیل ماهیت

تخصصی فعالیت آن در زمینه قرض الحسنه، گستردگی شمولیت مالی به دلیل بدون شعبه بودن خدمات، و نقش آن در ترویج فرهنگ قرض الحسنه در کشور صورت گرفت. بنابراین، یافته‌های بخش میدانی به این بانک اختصاص دارد، ولی مدل مفهومی تحقیق بر اساس ادبیات موضوع و مصاحبه با خبرگان کل حوزه بانکداری اسلامی طراحی شده و قابلیت تعمیم نظری به سایر بانک‌های قرض الحسنه را دارد.

برای تعیین تعداد پاسخ‌دهندگان، با استفاده از فرمول کوکران حداقل حجم نمونه برآورد شد. با توجه به اینکه روش نمونه‌گیری قضاوتی بود، این فرمول صرفاً به عنوان مبنای تقریبی استفاده شد و در نهایت تعداد ۱۰۰ پرسشنامه تکمیل گردید که از حداقل حجم برآورد شده بیشتر بود.

در پژوهش حاضر، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و از نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل توصیفی استفاده شد.

- برازش مدل پژوهش

جهت مدلیابی متغیرهای پژوهش، از نرم‌افزار PLS استفاده شده است. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از مدل‌سازی معادلات ساختاری به این روش بهره‌برداری شده، قبل از بررسی آزمون فرضیات، ابتدا اعتبار و برازش مدل پژوهش در سه بخش به شرح زیر مورد ارزیابی قرار گرفت:

- برازش مدل اندازه‌گیری

در این مرحله به صحت روابط موجود در مدل‌های اندازه‌گیری با استفاده از سه معیار پایایی آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی CR و Rho و ضرایب بار عاملی (Hulland, 1999) پرداخته شد. همچنین دو معیار روایی همگرا و واگرا و دو معیار مقادیر اشتراکی و شاخص VIF بررسی گردید که نتایج مربوط به هر یک از معیارهای مدل اندازه‌گیری در زیر گزارش شده است.

۱- آلفای کرونباخ:

آلفای کرونباخ معیاری کلاسیک برای سنجش پایایی و سنجه‌ای مناسب برای ارزیابی پایداری درونی (سازگاری درونی) محسوب می‌گردد. پایداری درونی نشان‌دهنده میزان

همبستگی بین یک سازه و شاخص‌های مربوط به آن است. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۷ نشان‌دهنده پایایی قابل قبولی است.

۲- پایایی ترکیبی (CR):

این معیار توسط ورتس، این و یورسکوگ^۴ (۱۹۷۴م) معرفی شد و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌شود. مقدار CR بالاتر از ۰.۷ برای هر سازه (نونالی، ۱۹۷۸)، نشان‌دهنده پایایی درونی مناسب برای مدل اندازه‌گیری است. در جدول ۲، مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مربوط به متغیرهای پژوهش (سازه‌ها) ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بالاتر بودن ضرایب آلفای کرونباخ تمامی سازه‌های پژوهش از مقادیر ۰.۷، بیانگر پایایی درونی مناسب و قابل قبول هر یک از سازه‌ها است.

جدول (۲): مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها

متغیرها	شاخص آماری	
	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی CR
بانکداری بدون شعبه	0.78	0.78
حذف تبلیغات و جوایز قرعه کشی	0.76	0.83
حمایت از بانک قرض الحسنه	0.79	0.76
بانک قرض الحسنه به عنوان نهاد اجتماعی غیرانتفاعی	0.77	0.75
وام قرض الحسنه بر مبنای تکافل اجتماعی	0.81	0.79
حامیان اعتباری قرض الحسنه	0.78	0.81
ترویج فرهنگ قرض الحسنه	0.79	0.76

منبع: (یافته‌های تحقیق)

- فرآیند تحلیل عاملی تأییدی

به منظور ارزیابی روایی سازه‌های تحقیق، فرآیند تحلیل عاملی تأییدی اجرا شد. مراحل انجام به شرح زیر است:

- آماده سازی داده ها

پاسخ های پرسشنامه از نمونه انتخاب شده در نرم افزار SmartPLS وارد شد. پرسشنامه بر اساس ابعاد و شاخص های استخراج شده از مرحله کیفی طراحی شده بود و داده های جمع آوری شده به صورت مقیاس پنج درجه ای لیکرت کمی شدند.

- اجرای مدل اندازه گیری

در این مرحله، مدل مفهومی تحقیق شامل سازه ها و گویه های مربوطه در نرم افزار ترسیم شد و الگوریتم تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) اجرا گردید.

- محاسبه بارهای عاملی

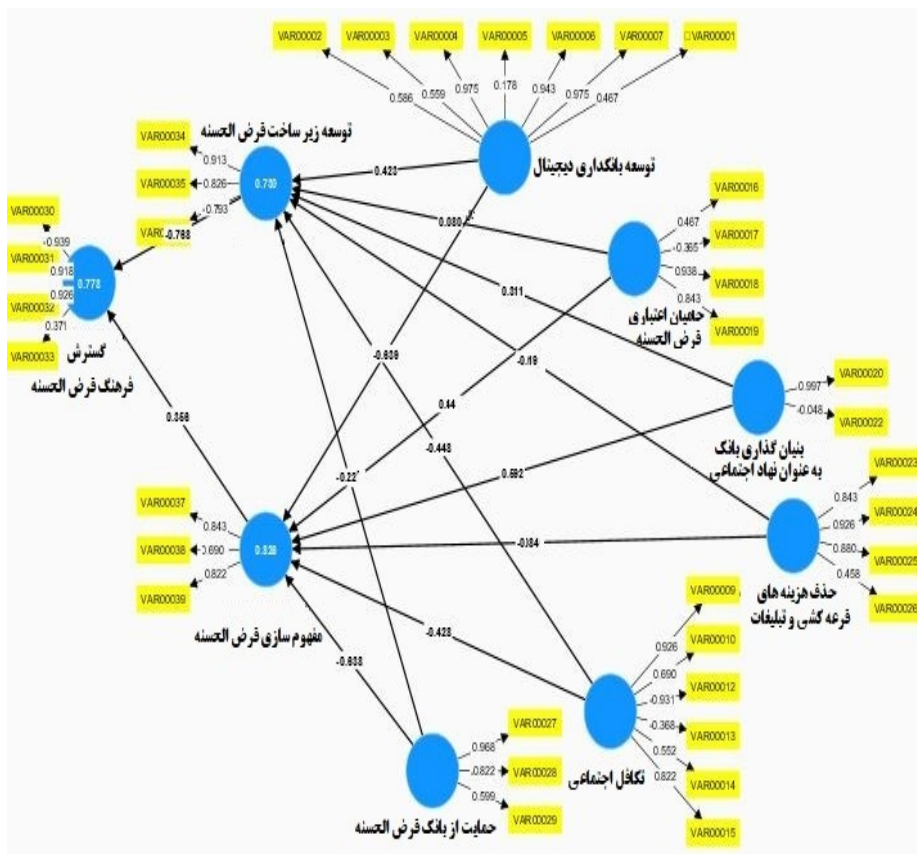
خروجی نرم افزار، مقدار Outer Loadings (بارهای عاملی) هر گویه بر روی سازه مربوطه را نشان داد. این مقادیر میزان همبستگی شاخص با متغیر پنهان هستند. بر اساس معیار هولاند^۵ (۱۹۹۹م) و سایر پژوهش های معتبر، بار عاملی باید حداقل ۰.۵ یا بیشتر باشد تا نشان دهد واریانس مشترک شاخص با سازه بیشتر از خطای اندازه گیری است.

- اصلاح مدل

شاخص هایی که بار عاملی آن ها کمتر از ۰.۵ بود، حذف شدند یا در صورت امکان بازطراحی شدند تا مدل به سطح مطلوب روایی همگرا برسد.

- روایی همگرا و پایایی

برای هر سازه، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و پایایی ترکیبی (CR) محاسبه شد. بر اساس معیار فورنل و لارکر، مقدار AVE باید بزرگ تر از ۰.۵ و CR بزرگتر از ۰.۷ باشد. در نتیجه، اعداد درج شده بر روی مدل نهایی (شکل ۲) همان بارهای عاملی محاسبه شده توسط نرم افزار هستند که پس از حذف گویه های ضعیف و اصلاح مدل گزارش شده اند. هرچه مقدار بار عاملی به ۱ نزدیک تر باشد، قدرت تبیین شاخص توسط سازه بیشتر است.



شکل (۲): بررسی تأثیر شاخص های پژوهش بر ترویج فرهنگ قرض الحسنه
منبع: (یافته های تحقیق)

– یافته های استنباطی

فرضیه (۱): بانکداری دیجیتال و بدون شعبه بر توسعه زیر ساخت قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

جدول (۳): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر بانکداری دیجیتال بر توسعه زیر ساخت فرهنگ قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۵.۳۲۱	۰.۴۲۳	توسعه زیر ساخت قرض الحسنه => بانکداری دیجیتال

بر اساس جدول (۳)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر توسعه زیرساخت قرض الحسنه و بانکداری دیجیتال (۵.۳۲) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بانکداری دیجیتال در حدود ۴۲ درصد بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه ۱ تأیید می‌گردد.

فرضیه (۲): بانکداری دیجیتال و بدون شعبه بر مفهوم‌سازی قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

جدول (۴): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر بانکداری دیجیتال بر مفهوم‌سازی قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۲.۴۳	۰.۶۳۹	مفهوم‌سازی قرض الحسنه => بانکداری دیجیتال

بر اساس جدول (۴)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر مفهوم‌سازی قرض الحسنه و بانکداری دیجیتال (۲.۴۳) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بانکداری دیجیتال در حدود ۶۳ درصد بر مفهوم‌سازی قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه ۲ تأیید می‌گردد.

فرضیه (۳): حامیان اعتباری قرض الحسنه بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

جدول (۵): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر حامیان اعتباری قرض الحسنه بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۲.۹۵	۰.۱۰۲	توسعه زیرساخت قرض الحسنه => حامیان اعتباری قرض الحسنه

بر اساس جدول (۵)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر توسعه زیرساخت قرض الحسنه و بانکداری بدون شعبه (۲.۹۵) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵

درصد اطمینان می‌توان گفت که بانکداری بدون شعبه در حدود ۱۰ درصد بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه ۳ تأیید می‌گردد.

فرضیه (۴): حامیان اعتباری قرض الحسنه بر مفهوم سازی قرض الحسنه اثر دارد.

جدول (۶): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر حامیان اعتباری قرض الحسنه بر مفهوم سازی قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۴.۵۲	۰.۴۴۴	مفهوم سازی قرض الحسنه => حامیان اعتباری قرض الحسنه

بر اساس جدول (۶)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر مفهوم سازی قرض الحسنه و بانکداری بدون شعبه (۴.۵۲) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بانکداری بدون شعبه در حدود ۴۴ درصد بر مفهوم سازی قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۴) تأیید می‌گردد.

فرضیه (۵): بنیان گذاری بانک به عنوان نهاد اجتماعی بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

جدول (۷): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر بنیان گذاری بانک به عنوان نهاد اجتماعی بر زیرساخت قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۶.۲۱	۰.۱۱۱	توسعه زیرساخت قرض الحسنه => بنیان گذاری بانک به عنوان نهاد اجتماعی

بر اساس جدول (۷)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر توسعه زیرساخت قرض الحسنه و بنیان گذاری بانک به عنوان نهاد اجتماعی (۶.۲۱) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بنیان گذاری بانک به عنوان نهاد

اجتماعی در حدود ۱۱ درصد بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۵) تأیید می‌گردد.

فرضیه (۶): بنیان‌گذاری بانک به‌عنوان نهاد اجتماعی بر مفهوم‌سازی قرض الحسنه اثر دارد.

جدول (۸): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر بنیان‌گذاری بانک به‌عنوان نهاد اجتماعی بر مفهوم‌سازی قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۴.۲۷	۰.۶۸۲	مفهوم‌سازی قرض الحسنه => بنیان‌گذاری بانک به‌عنوان نهاد اجتماعی

بر اساس جدول (۸)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر مفهوم‌سازی قرض الحسنه و بنیان‌گذاری بانک به‌عنوان نهاد اجتماعی (۴.۲۷) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بنیان‌گذاری بانک به‌عنوان نهاد اجتماعی در حدود ۶۸ درصد بر مفهوم‌سازی قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۶) تأیید می‌گردد.

فرضیه (۷): حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

جدول (۹): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۳.۸۱	۰.۱۹۹	توسعه زیرساخت قرض الحسنه => حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات

بر اساس جدول (۹)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر توسعه زیرساخت قرض الحسنه و حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات (۳.۸۱) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات

در حدود ۱۹ درصد بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۷) تأیید می‌گردد.

فرضیه (۸): حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات بر مفهوم‌سازی قرض الحسنه اثر دارد.

جدول (۱۰): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات بر مفهوم‌سازی قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۳.۹۸	۰.۳۴۳	مفهوم‌سازی قرض الحسنه => حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات

بر اساس جدول (۱۰)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر مفهوم‌سازی قرض الحسنه و حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات (۳.۹۸) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که حذف هزینه‌های قرعه‌کشی و تبلیغات در حدود ۳۴ درصد بر مفهوم‌سازی قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۸) تأیید می‌گردد.

فرضیه (۹): وام قرض الحسنه به‌عنوان تکافل اجتماعی بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

جدول (۱۱): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر تکافل اجتماعی بر زیر ساخت قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۴.۳۲	۰.۴۴۳	توسعه زیرساخت قرض الحسنه => تکافل اجتماعی

بر اساس جدول (۱۱)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر توسعه زیرساخت قرض الحسنه و وام قرض الحسنه به‌عنوان تکافل اجتماعی (۴.۳۲) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که وام قرض الحسنه به‌عنوان تکافل

اجتماعی در حدود ۴۴ درصد بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۹) تأیید می‌گردد.

فرضیه (۱۰): وام قرض الحسنه به عنوان تکافل اجتماعی بر مفهوم سازی قرض الحسنه اثر دارد.

جدول (۱۲): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر تکافل اجتماعی بر مفهوم سازی قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۵.۱۲	۰.۴۲۸	مفهوم سازی قرض الحسنه => تکافل اجتماعی

بر اساس جدول (۱۲)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر مفهوم سازی قرض الحسنه و وام قرض الحسنه به عنوان تکافل اجتماعی (۵.۱۲) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که وام قرض الحسنه به عنوان تکافل اجتماعی در حدود ۴۲ درصد بر مفهوم سازی قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۱۰) تأیید می‌گردد.

فرضیه (۱۱): حمایت از بانک قرض الحسنه بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه در جامعه اثر دارد.

جدول (۱۳): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر حمایت از بانک قرض الحسنه بر زیرساخت قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۳.۴۵	۰.۲۲۲	توسعه زیرساخت قرض الحسنه => حمایت از بانک قرض الحسنه

بر اساس جدول (۱۳)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر توسعه زیرساخت قرض الحسنه و حمایت از بانک قرض الحسنه (۳.۴۵) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که حمایت از بانک قرض الحسنه در حدود ۲۲ درصد

بر توسعه زیرساخت قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۱۱) تأیید می گردد.

فرضیه (۱۲): حمایت از بانک قرض الحسنه بر مفهوم سازی قرض الحسنه اثر دارد.

جدول (۱۴): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر حمایت از بانک قرض الحسنه بر مفهوم سازی قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۳.۶۵	۰.۶۳۸	مفهوم سازی قرض الحسنه => حمایت از بانک قرض الحسنه

بر اساس جدول (۱۴)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر مفهوم سازی قرض الحسنه و حمایت از بانک قرض الحسنه (۳.۶۵) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که حمایت از بانک قرض الحسنه در حدود ۶۳ درصد بر مفهوم سازی قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۱۲) تأیید می گردد.

فرضیه (۱۳): توسعه زیرساخت قرض الحسنه بر فرهنگ قرض الحسنه اثر دارد.

جدول (۱۵): نتیجه آزمون تحلیل مسیر تأثیر زیرساخت قرض الحسنه بر ترویج فرهنگ قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۳.۱۲	۰.۷۸۸	فرهنگ قرض الحسنه => زیرساخت قرض الحسنه

بر اساس جدول (۱۵)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر توسعه زیرساخت قرض الحسنه و فرهنگ قرض الحسنه (۳.۱۲) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که حمایت از بانک قرض الحسنه در حدود ۷۸ درصد بر

توسعه زیرساخت قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۱۳) تأیید می‌گردد.

فرضیه (۱۴): مفهوم سازی قرض الحسنه بر فرهنگ قرض الحسنه اثر دارد.

جدول (۱۶): نتیجه آزمون تحلیل مسیر مفهوم سازی قرض الحسنه
بر ترویج فرهنگ قرض الحسنه

نتیجه آزمون	ضریب معناداری T	ضریب مسیر	جهت مسیر
تأیید	۴.۲۳	۰.۳۶۸	فرهنگ قرض الحسنه => مفهوم سازی قرض الحسنه

بر اساس جدول (۱۶)، با توجه به ضریب معناداری مسیر میان دو متغیر فرهنگ قرض الحسنه و مفهوم سازی قرض الحسنه (۴.۲۳) که از ۱.۹۶ بیشتر است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که حمایت از بانک قرض الحسنه در حدود ۳۶ درصد بر مفهوم سازی قرض الحسنه تأثیر مستقیم و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه (۱۴) تأیید می‌گردد.

۳. پیشنهاد برای طرح بانکداری اسلامی

با توجه به نکاتی که در مطالب فوق مورد اشاره قرار گرفت، پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

✓ الف: هرچند در قانون بانک مرکزی، گسترش فرهنگ قرض الحسنه به عنوان وظایف نظام بانکی ذکر شده است، اما در طرح بانکداری اسلامی هیچ اشاره‌ای به این نکته نشده است. لازم است در طرح بانکداری اسلامی به این هدف نظام پولی اسلام اشاره گردد و در ماده ۲ این طرح که به اهداف طرح پرداخته، مورد دیگری به صورت «ایجاد شرایط لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه در نظام بانکی» اضافه شود:

✓ ب: پیشنهاد اصلی مقاله در ماده ۹ طرح بانکداری اسلامی است. در این ماده، مؤسسات اعتباری به ۶ نوع مؤسسه تقسیم شده‌اند. نوع پنجم این مؤسسات

مالی، مؤسسه قرض الحسنه معرفی شده است. پیشنهاد این پژوهش، تعریف مؤسسه اعتباری قرض الحسنه به صورت زیر است. البته تحقیقات آتی می توانند تعاریف کامل تری از این نهاد مالی ارائه دهند.

مؤسسه اعتباری قرض الحسنه: مأموریت اصلی مؤسسه اعتباری قرض الحسنه گسترش فرهنگ قرض الحسنه به عنوان هدف متعالی بانکداری اسلامی است. (ماده ۴ اهداف و وظایف نظام بانکی) این مؤسسه یک بانک بدون شعبه، اجتماعی و غیرانتفاعی است. تخصیص اصلی منابع در این بانک بر اساس تکافل اجتماعی در حوزه قرض الحسنه صورت می گیرد. بانک مرکزی با تسهیل در مقررات پولی، از این مؤسسه حمایت می نماید. (بر اساس تأیید فرضیه های شماره اول، پنجم، ششم و هفتم در پژوهش حاضر)

✓ ج: بر اساس تأیید فرضیه دوم، مبنی بر حذف هزینه های تبلیغات و ابهامات فقهی مربوط به این حوزه و با توجه به اینکه جایزه برای حساب های قرض الحسنه رقابت بانک ها را برای این نوع سپرده ها افزایش می دهد (یک بازی با جمع صفر است) و همچنین تمایل برای سپرده گذاری در بانک قرض الحسنه را کاهش می دهد، پیشنهاد می شود در ماده ۲۷ طرح بانکداری اسلامی، ذیل سپرده های قرض الحسنه، قرعه کشی برای این نوع حساب ها ممنوع اعلام شود.

بحث و نتیجه گیری

این مقاله تلاش نمود راهکارهای تحقق یکی از اهداف طرح بانکداری اسلامی یعنی گسترش فرهنگ قرض الحسنه را در مؤسسات مالی با عنوان بانک قرض الحسنه پیگیری نماید. این تلاش با بررسی برخی از اقدامات بانک قرض الحسنه رسالت آغاز می شود. از این اقدامات می توان به بنیان گذاری بانک قرض الحسنه به عنوان یک بانک اجتماعی غیرانتفاعی، تخصیص منابع در بانک قرض الحسنه بر اساس تکافل اجتماعی، حمایت حاکمیت از بانک قرض الحسنه، استفاده از بانکداری دیجیتال، حذف قرعه کشی و تبلیغات پرهزینه و امکان معرفی وام به نیازمندان اشاره نمود که بر اساس خروجی مدل تحقیق، بر توسعه زیرساخت ها و مفهوم سازی قرض الحسنه و در نهایت توسعه فرهنگ

قرض الحسنه در جامعه اثر مستقیم و مثبتی خواهد گذاشت. به علاوه، مقاله به ارائه پیشنهادهایی می‌پردازد که می‌تواند یک بانک قرض الحسنه را به نهادی مؤثر در گسترش فرهنگ قرض الحسنه تبدیل نماید. بنیان‌گذاری بانک قرض الحسنه به عنوان یک بانک اجتماعی، پرداخت تسهیلات بر اساس تکافل اجتماعی از مواردی است که گنجانیدن آن در طرح بانکداری اسلامی و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط پیشنهاد می‌گردد. حمایت حاکمیت از بانک قرض الحسنه بعد از اجرایی شدن پیشنهادهای مذکور می‌تواند به توانمندسازی این نهاد کمک نماید.

توسعه شبکه‌های همکاری با سازمان‌ها، فین‌تک‌ها و توسعه پلتفرم‌های قرض الحسنه از اقداماتی است که می‌تواند منجر به تسهیل فعالیت قرض الحسنه در بانک گردد. شفافیت عامل مهمی در جلب اعتماد عمومی به بانک قرض الحسنه است. بررسی هر یک از این موارد می‌تواند موضوع بررسی پژوهشکده قرض الحسنه قرار گیرد. نکته آخر این که فعالیت بانک‌های قرض الحسنه بر اساس جذب منابع بدون سود و اعطای وام بدون بهره است؛ لذا مدل کسب‌وکار این نوع بانک‌ها در کنار ایجاد چارچوب قانونی و مقررات بانک مرکزی، می‌تواند توسعه تکافل اجتماعی را تضمین نماید.

ملاحظات اخلاقی
- پیروی از اصول حقوقی تمامی اصول اخلاقی در پژوهش در این مقاله رعایت شده است. - تعارض منافع بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد. بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله دکتری و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

- آهنگران، محمدرسول (۱۳۹۵). راه‌های گسترش فرهنگ قرض الحسنه در جامعه. ره‌توشه، ۱۴۱ (رمضان)، ۲۹۳-۳۰۴. DOI: 10.22081/rt.2016.68092
- ابوزهرة، محمد (۱۹۹۱م). *التکافل الاجتماعی فی الاسلام*. مصر، قاهره: درالفکر.
- امیری، محمد؛ رادفر، رضا؛ و فائزی رازی، فرشاد (۱۴۰۱). مدلسازی تأثیر بانکداری اجتماعی بر کاهش تضاد منافع مالی بین بانک‌ها و بنگاه‌های تولیدی با استفاده از تکنیک

دیماتل فازی: مورد مطالعه بانک قرض الحسنه رسالت. علوم مدیریت / ایران، ۱۷ (۶۷)، ۲۷-۴۶.

۴) باشی‌زاده، حسام‌الدین؛ و عشیر، امین (۲۰۱۵). بررسی و ارائه راهکارهای نوین در ترویج فرهنگ قرض الحسنه. سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری. <https://civilica.com/doc/554606>

۵) حائری، محمود؛ و اسلامی، ساجده (۱۳۹۶). مبانی فقهی جوایز قرض الحسنه بانک‌ها. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۹ (۱۶)، ۱۲۹-۱۵. DOI: [10.22075/feqh.2017.2411](https://doi.org/10.22075/feqh.2017.2411)

۶) حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. ایران، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۷) خاشعی ورنامخواستی، وحید؛ ابراهیمی، مهدی؛ خلیل‌نژاد؛ شهرام؛ و مطهری‌نژاد، فاطمه (۲۰۲۴). مکانیزم‌های مولد تکامل اکوسیستم بانکداری دیجیتال. مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند، ۱۲ (۴۸)، ۳۳-۸۱. DOI: [10.22054/ims.2024.76327.2394](https://doi.org/10.22054/ims.2024.76327.2394)

۸) شهبازی، مهدی؛ حصیرچی، امیر؛ و سلگی، محمد (۱۳۹۹). طراحی و تبیین الگوی بانکداری اجتماعی در ایران: شناسایی پیشایندها و پیامدها. تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰ (۱)، ۶۷ (۱۱۰). DOI: [10.30497/ifr.2020.239959.1582](https://doi.org/10.30497/ifr.2020.239959.1582)

۹) عبادی، روح‌اله؛ و جعفری، مهدی (۱۳۹۹). قرض الحسنه، راهبردی برای اقتصاد سالم. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۹ (۳۲)، ۹۱-۱۲۲.

۱۰) مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). ربا و بانکداری اسلامی. ایران، قم: امام علی بن ابی طالب (ع).
۱۱) کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی؛ و حسینی، سیدرضا (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل جایگاه تکافل اجتماعی در چارچوب مبانی اسلامی. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۲ (۴۶)، ۳۷-۶۱.

۱۲) نظری، مرتضی (۱۳۷۹). شرایط احیای فرهنگ قرض الحسنه. ایران، تهران: اسپید.
۱۳) یزدانی، مریم (۱۳۹۰). قرض الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی. اقتصادی، ۱۱ (۵)، ۲۹-۴۰.

Reference

- 1) Aderemi, A. M. R., & Ishak, M. S. I. (2023). Qard Hasan as a feasible Islamic financial instrument for crowdfunding: its potential and possible application for financing micro-enterprises in Malaysia. *Qualitative Research in Financial Markets*, 15(1), 58-76.
- 2) Abbādī, R.-A., & Jāfari, M. (1399 SH/2020). Qard-al-ḥasanah, rāhbardi barā-ye eqtiṣād-e sālem [Qard-Al-Hasanah: A Strategy for a Healthy

- Economy]. *Eqtiṣād wa bānk-dāri-ye islāmī* [Islamic Economics and Banking], 9(32), 91-122 [in Persian].
- 3) Abū Zahrā, M. (n.d.). *al-Takāful al-Ijtimāī fi al-Islām* [Social Takaful in Islam]. Cairo: Dār al-Fikr [in Arabic].
- 4) Āhangarān, M. R. (1395 SH/2016). Rāh-hā-ye gostareš-e farhang-e qarz-al-ḥasanah dar jāmi'eh [Ways to Spread the Culture of Qard-Al-Hasan in Society]. *Rahtūsheh* [Rahtusheh], 141(Ramadan), 293-304. DOI: 10.22081/rt.2016.68092 [in Persian].
- 5) Amīrī, M., Rādfar, R., & Fā'izī Rāzī, F. (1401 SH/2022). Model-sāzi-ye ta'thīr-e bānk-dāri-ye ijtimāī bar kāhish-e tazād-e manāfe'-i māli bīn-e bānk-hā va bāngāh-hā-ye towlīdī bā estefāde-ye tekniq-e DIMATEL fāzī: Mowre-ye motāle'eh bānk-e qarz-al-ḥasanah-ye resālat [Modeling the Impact of Social Banking on Reducing the Financial Conflicts of Interest Between Banks and Production Firms Using the Fuzzy DEMATEL Technique: Case Study of Qard-Al-Hasanah Resalat Bank]. *'Ulūm-e modīrīyat-e Irān* [Iranian Management Sciences], 17(67), 27-46 [in Persian].
- 6) Ḥā'erī, M., & Islāmī, S. (1396 SH/2017). Mabānī-ye fiqhī-ye jawāyez-e qarz-al-ḥasanah bānk-hā [Juristic Foundations of Qard-Al-Hasanah Bank Prizes]. *Mutālaāt-e fiqh wa ḥuqūq-e islāmī* [Studies in Islamic Jurisprudence and Law], 9(16), 129-15. DOI: 10.22075/feqh.2017.2411 [in Persian].
- 7) Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management*, 20(2), 195-204
- 8) Ibrahim, A. A., & Alenizi, A. (2024). Leveraging Qardh al-Hasan within Islamic Finance: A Conceptual Framework for Advancing Sustainable Development among Early-stage Enterprises. *Tazkia Islamic Finance and Business Review*, 18(1), 18-54.
- 9) Iqbal, Z., & Shafiq, B. (2015). Islamic finance and the role of Qard-al-Hassan (Benevolent Loans) in enhancing inclusion: a case study of AKHUWAT. *ACRN Oxford Journal of Finance and Risk Perspectives*, 4(4), 23-40.
- 10) Ḥar'amālī, M. b. Ḥasan (1409 AH/1989). *Wasa'il al-Shi'ah*. Qom: Maktabat Āl al-Bayt `alayhim al-Salām [in Arabic].
- 11) Shahbāzī, M., Ḥaṣīrchī, A., & Salgī, M. (1399 SH/2020). Tarāḥī va tabyīn-e al-gowli-ye bānk-dāri-ye ijtimāī dar Irān: Shanāsāi-ye pīshāyand-hā va payāmad-hā [Designing and Explaining the Model of Social Banking in Iran: Identifying Antecedents and Consequences].

- Tahqīqāt-e māli-ye islāmī* [Islamic Financial Research], 10(1), 67(110). DOI: 10.30497/ifr.2020.239959.1582 [in Persian].
- 12) Kāzīmī Najafābādī, M., & Ḥusaynī, S. R. (1402 SH/2023). Barrasī va taḥlīl-e jāyghāh-e takāful-e ijtimāī dar chārchūb-e mabānī-ye islāmī [Examining and Analyzing the Role of Social Takaful in the Framework of Islamic Principles]. *Eqtiṣād wa bānk-dāri-ye islāmī* [Islamic Economics and Banking], 12(46), 37-61 [in Persian].
 - 13) Makārim-Shīrāzī, N. (2009 AD). *Ribā wa Bānk-dāri-ye Islāmī* [Usury and Islamic Banking]. Qom, Iran: Imām ‘Alī b. Abī Ṭālib (‘a) [in Arabic].
 - 14) Naẓarī, M. (1379 SH/2000). Sharāyṭ-e iḥyā-ye farhang-e qarz-al-ḥasanah [Conditions for Reviving the Culture of Qard-Al-Hasanah]. Tehran: *Espīd* [in Persian].
 - 15) Werts, C. E., Linn, R. L., & Jöreskog, K. G. (1974). Intraclass reliability estimates: Testing structural assumptions. *Educational and Psychological measurement*, 34(1), 25-33.
 - 16) Yazdānī, M. (1390 SH/2011). Qard-al-ḥasanah va naqshe-ye ān dar raf-e nīāzhā-ye ijtimāī va eqtiṣādī [Qard-Al-Hasanah and Its Role in Addressing Social and Economic Needs]. *Eqtiṣādī* [Economics], 11(5), 29-40 [in Persian].
 - 17) Zaleski, P. (2006). Global Non-governmental Administrative System: Geosociology of the Third Sector, [in:] Gawin, Dariusz & Glinski, Piotr [ed.]: "Civil Society in the Making", IFiS Publishers, Warsaw.
 - 18) <https://www.rqbank.ir>

Contents

▪ Challenges of Implementing Micro Takaful in Iran	463
<i>Yazdan Gudarzi Farahani* Omidali Adeli</i>	
▪ Investigating the Relationship between State Ownership and Islamic Banking Performance in Iran	503
<i>Vahid Bahari Ghoshe Bolag* Gholam Hasan Taghi Nataj Malekshah Mohammad Solgi</i>	
▪ Identifying and Ranking Deposit Motivations in Qard-ul-Hasana Resalat Bank; Case Study of Resalat Qard-ul - Hasana Bank Customers in Saveh	533
<i>Ali Saeedi* Fatemeh-e-Zahra Afsharipour Hossein Bahrani</i>	
▪ Testing the Islamic Moral Economy Approach in Sustainable Development: The Impact of Islamic Banking in Islamic Countries	577
<i>Mohammad Saeid Panahi Boroojerdi* Ahmadali Rezai</i>	
▪ Examination of the Drivers of Good Islamic Corporate Governance: A Meta-Synthesis Approach	611
<i>Seyed Hossein Bakhshayesh Akram Taftiyan* Mahmoud Moeinadin</i>	
▪ Redesigning Qard-al-Hasan Bank in the Islamic Banking Plan as an Institution that Expands the Culture of Qard-al-Hasan (Emphasizing the Actions of RESALT QARD AL HASAN BANK)	647
<i>Vahid Shahabi* Mehdi Khoshakhlaq</i>	

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

Islamic Finance Researches

33

Quarterly Journal of Islamic Finance Researches

Vol. 14 | No. 3 | Serial 33 | Spring 2025

In Cooperation With Iranian Association of Islamic Finance
and Support of Securities & Exchange Organization

Publisher: Imam Sadiq University

In Cooperation With Islamic Banking and Economic Studies Center of National Bank of Iran

Managing Director: Hosein Hasanzadeh Sarvestani Assistant Professor (Specialty: Financial Management)

Imam Sadiq University

Editor in Chief: Gholam Reza Mesbahi Moghaddam Professor (Expertise: Operations Research Management)

Imam Sadiq University

Manager Editorial: Abbas Pourhassan Yami

Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):

Reza Tehrani

Professor (Expertise: Financial Management & Investment) Tehran University

Ali Rezaeian

Professor (Expertise: Organizational Behavior Management) Shahid Beheshti University

Fereydoon Rahnema Roudposhti

Professor (Expertise: Financial & Accounting) Islamic Azad University - Science & Research Branch

Gholam Reza Mesbahi Moghaddam

Professor (Expertise: Islamic Finance & Economics) Imam Sadiq University

Hasan Agha Nazari

Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Law) Research Institute of Hawzah & University

Gholam Reza Goodarzi

Professor (Expertise: Operations Research Management) Imam Sadiq University

Ali Saeedi

Associate Professor (Expertise: Finance Management & Accounting) Islamic Azad University -Tehran North Branch

Ahmad Shabani

Associate Professor (Expertise: Islamic Economics) Imam Sadiq University

Saeed Sehat

Associate Professor (Expertise: Risk Management & Insurance) Allameh Tabataba'i University

Mohammad Talebi

Associate Professor (Specialty: Financial Management) Imam Sadiq University

Gholam Ali Masuminia

Associate Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Finance) Kharazmi University

Advisory Board:

Mohammad Hosin Ghavam

Assistant Professor (Expertise: Financial Management) Imam Sadiq University

Editor, Voter and Cover Designer: Abbas Pourhassan Yami

The Articles in this Publication do not Necessarily the Views of the University The Quotes Are Only Full References

Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran. P.O. Box: 14655-159

Scientific & Editorial Management: Islmaic Studies & Management Faculty, Telfax: +9821-88080733

Technical management and support: Deputy of Research & Technology, Telfax: +9821-88094915

Website: <https://ifr.isu.ac.ir> Main Email: ifr@isu.ac.ir Support Email(2): ifr.isujournals@gmail.com